

راهنمای تهیه و ارسال مقالات

فصلنامه روستا و توسعه به جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی روستا و توسعه‌روستایی می‌پردازد و از این رو ابعادی فراتر از بخش کشاورزی زندگی روستایی را دربر می‌گیرد. فصلنامه آمادگی درج مقالاتی را دارد که حاصل کار تحقیقی، تحلیلی و تجربی ارسال‌کنندگان یا دربر دارنده آخرین دستاوردهای علمی مرتبط با موضوعات یاد شده باشد.

چند یادآوری

- فصلنامه، مقالاتی را در دستور کار جهت بررسی قرار خواهد داد که قبلاً در هیچ یک از نشریات یا همایش‌های داخلی و خارجی ارائه نشده باشند و تحت بررسی نیز نباشند.
- ضروری است در متن مقاله نامی از نویسنده ذکر نشود. نام و مشخصات نویسنده و در صورت تمایل سابقه کاری و تحصیلی وی باید در صفحه‌ای جداگانه به پیوست مقاله ارسال گردد.
- مقالات ارائه شده در عین علمی و تحقیقی بودن باید ساده و روان بوده و قواعد نگارشی نیز در آنها رعایت شده باشد. این مقالات باید دارای بخشهای متمایزی همچون عنوان کامل، چکیده، مقدمه، متن و نتیجه‌گیری باشد.
- مقاله روی کاغذ A4 با ۲/۵ سانتیمتر حاشیه از طرفین تایپ شود و اصل مقاله در ۳ نسخه همراه با دیسکت مربوطه ارسال شود.
- تعداد صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه A4 با فونت ۱۳ لوتوس (۲۴ سطر در یک صفحه) باشد.
- همراه هر مقاله یک صفحه جداگانه که در آن مشخصات کتاب‌شناختی مقاله اعم از عنوان، تاریخ نگارش یا تحقیق، نام و نام خانوادگی نگارنده و سایر مشخصات علمی نوشته شده باشد، و همچنین تعهدنامه عدم ارائه مقاله در سایر نشریات یا همایش‌ها، ضمیمه گردد.
- لازم است چکیده فارسی و انگلیسی مقاله در حدود ۱۵۰ کلمه همراه اصل مقاله ارسال شود.
- تمامی منابع مورد استفاده با ذکر مشخصات کتاب‌شناختی شامل نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار و شماره صفحه، در داخل متن مشخص و در آخر مقاله مشخصات کامل منابع ذکر شود.
- در کلیه مقالات ارسالی، درج معادل لاتین اسامی و اصطلاحات مهجور در پایان مقاله به شیوه شماره‌گذاری پی‌درپی ضروری است.
- شکل‌ها و تصاویر باید به‌گونه‌ای ترسیم یا تهیه شوند که برای تکثیر و نسخه‌برداری مناسب باشند.
- جدول‌ها باید به ترتیبی که در متن آمده‌اند شماره‌گذاری شوند و واحد سنجش، تاریخ تهیه و مأخذ آنها به‌طور دقیق در زیر آنها قید گردد.
- مقالات دریافت شده پس فرستاده نمی‌شود و فصلنامه در رد، تلخیص و ویرایش مطالب مجاز است.

چگونگی ارجاع دادن:

- الف - تک‌نگاشت (کتاب، گزارش و ...):
نام خانوادگی، نام (تاریخ انتشار)، **عنوان**. مترجم، ویرایشگر. محل نشر: ناشر.
- ب - مقاله (یا بخشی از یک تک‌نگاشت):
نام خانوادگی، نام (تاریخ انتشار)، «عنوان مقاله». مترجم، ویرایشگر فارسی، ویرایشگر لاتین.
عنوان ادواری (مجله). جلد یا دوره یا سال، شماره، تعداد صفحات.

نشانی مکاتبه: تهران - صندوق پستی ۶۱۹۷-۱۴۱۵۵ - فصلنامه روستا و توسعه

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶

نگرش جامعه‌میزبان به اثرات محیطی و اقتصادی گردشگری

در نواحی روستایی:

مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان نوشهر*

ناصر علیقلی‌زاده فیروزجایی، سیدعلی بدری، حسنعلی فرجی سبکبار**

چکیده

هدف این مقاله شناخت اثرات اقتصادی و محیطی گردشگری بر نواحی روستایی از دیدگاه ساکنان است. ابتدا با استفاده از متون موجود، برخی شاخص‌های اقتصادی و محیطی برای بررسی اثرات استخراج شده و سپس بر اساس آن، داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه از سه دهستان در بخش مرکزی شهرستان نوشهر گردآوری شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است که متناسب با نوع داده‌ها، آزمون‌های آماری ناپارامتری برای تحلیل داده‌ها به کار گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از دیدگاه ساکنان، گردشگری اثرات اقتصادی مثبتی نظیر افزایش فرصت‌های شغلی و درآمد و اثرات منفی اقتصادی و محیطی نظیر افزایش قیمت کالا و خدمات، افزایش کاذب قیمت زمین، افزایش آلودگی صوتی، و دست‌اندازی به حریم منابع طبیعی را موجب شده است. براساس آماره آزمون کای اسکوئر، در این زمینه توافق معنی‌دار بین ساکنان وجود دارد. میزان اثرگذاری گردشگری بر ابعاد اقتصادی و محیطی در میان دهستان‌های این ناحیه تفاوت‌هایی معنی‌دار را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که بر اساس

* این مقاله مستخرج از رساله دوره دکتری آقای ناصر علیقلی‌زاده است که در دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران انجام شده است.

** به ترتیب دکترای رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی از دانشگاه تهران، استادیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، استادیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.

دیدگاه ساکنان، اثرات منفی اقتصادی و محیطی با رشد گردشگری یا میزان کارکرد گردشگری رابطه‌ای مستقیم دارد.

کلید واژه‌ها: گردشگری / نواحی روستایی / منطقه روستایی / نوشهر (شهرستان) / اقتصاد روستایی.

* * *

مقدمه

از گردشگری به عنوان کاتالیزوری کارآمد برای بازسازی و توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی یاد شده به طوری که طی سال‌های اخیر در سراسر اروپا برای رفع چالش‌های اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی حاشیه‌ای و یا روستاهایی که با کاهش فعالیت‌های کشاورزی سنتی روبه رو شده‌اند، گردشگری در کانون توجه قرار گرفته است (Sharply, ۲۰۰۲: ۲۳۳). همچنین، در نواحی روستایی کشور آمریکا، از دهه ۱۹۸۰ به دنبال کاهش گسترده فعالیت‌های مرسوم اقتصاد روستایی همچون کشاورزی، معدن و جنگلداری، به منظور فراهم‌سازی اشتغال محلی، درآمدهای مالیاتی و تنوع بخشی به اقتصاد روستایی، گردشگری به عنوان ابزار توسعه اقتصادی ناحیه‌ای مورد توجه قرار گرفته است (Long et al. ۱۹۹۰: ۳; Allen et al. ۱۹۹۳: ۲۷; Perdue et al. ۱۹۸۷: ۶۲۹; ۴۲۰). براساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (Johnson et al. ۱۹۹۴: ۶۲۹; ۴۲۰) در همین کشور طی ۱۹۹۲، بیش از ۷۰ درصد جمعیت از انواع تفریحات روستایی و محیط‌های کشاورزی برخوردار شده‌اند که این نسبت در ۲۰۰۴ به ۷۶ درصد رسیده است (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۵، ۲۰۱).

امروزه توسعه گردشگری به اشکال مختلف نظیر گردشگران فاقد امکانات اقامتی، گردشگران دارای خانه‌های دوم، و مجتمع‌های تفریحی در نواحی روستایی، اثرات مثبت و منفی اقتصادی، اجتماعی و محیطی برجای گذاشته است. از جمله اثرات مثبت اقتصادی گردشگری در نواحی روستایی می‌توان به ایجاد اشتغال و درآمد، کمک به فراهم شدن خدمات زیربنایی، تشویق توسعه سایر بخش‌های اقتصادی و تنوع بخشی به

فعالیت‌های اقتصاد روستایی اشاره کرد (Butler et al., ۱۹۹۷: ۲۸). گرچه به طور کلی، اثرات مثبت اقتصادی گردشگری مورد تأیید است ولی بسیاری از پژوهشگران معتقدند که گردشگری معمولاً هزینه‌های اقتصادی جامعه میزبان نظیر افزایش قیمت کالا و خدمات، افزایش کاذب قیمت زمین، افزایش هزینه زندگی، برگشت کم سرمایه، فصلی بودن فرصت‌های شغلی، جابجایی در اشتغال افراد بومی، و منسوخ شدن برخی فعالیت‌های مرسوم مانند کشاورزی و ماهیگیری در نواحی روستایی را موجب می‌شود (Mathieson and Wall, ۱۹۸۲: ۹۲; Weaver and Lawton, ۲۰۰۱: ۳۵۳; Tosun, ۲۰۰۲: ۲۳۲).

معمولاً در مرحله اولیه توسعه گردشگری، فواید اقتصادی بیشتر نمود پیدا می‌کنند ولی در مراحل بعد توسعه در مقیاس انبوه و کنترل نشده، هزینه‌های اجتماعی و محیطی نیز جلوه‌گر می‌شوند. براساس تحقیقات انجام گرفته، گردشگری ممکن است آثار منفی متعددی بر محیط داشته باشد که ازدحام، ترافیک، آلودگی، تغییر شکل چشم‌اندازهای طبیعی و مصرف بی‌رویه منابع از جمله آثار منفی گردشگری محسوب می‌شوند (کاظمی؛ ۱۳۸۵: ۱۱۱). بدین ترتیب، همان‌طور که از توسعه گردشگری فوایدی نصیب نواحی روستایی می‌شود، توسعه نامناسب آن نیز زیان‌ها و آثار منفی در پی خواهد داشت؛ با این حال، متناسب با عوامل مختلفی چون اهمیت فعالیت گردشگری محلی، ظرفیت گردشگران و فعالیت‌های آنها، استحکام محیط زیست محلی و اقتدار فرهنگ و سنن محلی، سطح این تأثیرات تغییر می‌کند (منشی‌زاده و نصیری، ۱۳۸۰: ۴۳).

نواحی روستایی بخش مرکزی نوشهر با جاذبه‌های طبیعی نظیر دریا و جنگل از دیرباز مورد توجه گردشگران داخلی قرار داشته است. گسترش جریان‌های گردشگری در این ناحیه، توأم با فقدان برنامه‌ریزی و مدیریت کارآمد، اثرات مثبت و منفی اقتصادی و محیطی را در پی داشته است. هم‌اکنون نقاط روستایی این ناحیه با مسائلی از این دست روبه‌رو شده‌اند: تغییرات شدید کاربری اراضی و پیامدهای بوم‌شناختی آن، ساخت و سازهای بی‌رویه، کاهش تولیدات کشاورزی، افزایش کاذب قیمت اراضی و بورس‌بازی در آن، افزایش نابرابری اقتصادی و اجتماعی در میان ساکنان روستایی، آلودگی صوتی و

تخریب حریم منابع طبیعی نظیر جنگل و دریا. از این رو، بررسی نگرش ساکنان به اثرات مثبت و منفی اقتصادی و محیطی گردشگری در نواحی روستایی برای کاهش تأثیرات منفی درک شده از سوی جامعه میزبان و در نهایت، دستیابی به توسعه پایدار و حمایت جامعه میزبان از این فعالیت، ضروری به شمار می‌رود.

در این راستا، مقاله حاضر اثرات اقتصادی و محیطی توسعه گردشگری را از دیدگاه ساکنان نواحی روستایی بخش مرکزی نوشهر به مثابه جامعه میزبان مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در پی آن بوده است تا مشخص کند اثرات مثبت و منفی اقتصادی و محیطی متأثر از توسعه گردشگری روستایی از دیدگاه جوامع میزبان کدام‌اند؟ آیا میان میزان توسعه گردشگری یا کارکرد مبتنی بر گردشگری قسمت‌های مختلف ناحیه مورد مطالعه تفاوتی معنی‌دار وجود دارد؟ و بالاخره میان سطح توسعه گردشگری یا کارکرد مبتنی بر گردشگری با اثرات مثبت (منافع) و اثرات منفی (هزینه‌های) درک شده از سوی جامعه میزبان چه رابطه‌ای وجود دارد؟

مبانی نظری تحقیق

طی چند دهه گذشته، مطالعات متعددی در زمینه سنجش دیدگاه‌ها و ادراکات ساکنان نسبت به اثرات گردشگری در جامعه میزبان انجام شده است. (Getz, ۱۹۷۷; Rothman, ۱۹۷۸; Brogham and Butler, ۱۹۸۱; Liu and Var, ۱۹۸۶; Pizam, ۱۹۸۷; Liu et al., ۱۹۸۷; Madrigal, ۱۹۹۵; Harambopoulos and Pizam, ۱۹۹۶; Akis et al., ۱۹۹۶; Hernandez et al., ۱۹۹۶; Mason and Cheyne, ۲۰۰۰; Gursoy, et al., ۲۰۰۲; Jurowski and Gursoy, ۲۰۰۴; Long, et al., ۱۹۹۰; Tsartas, ۱۹۹۲; Allen, et al., ۱۹۹۳; Johnson, et al., ۱۹۹۴; Perdue et al. ۱۹۸۷). همچنین، برخی مطالعات در این حوزه صرفاً مربوط به نواحی روستایی بوده است (Perdue et al., ۱۹۸۷; Long, et al., ۱۹۹۰; Tsartas, ۱۹۹۲; Allen, et al. ۱۹۹۳; Johnson, et al., ۱۹۹۴). اثرات گردشگری درک شده از سوی جامعه میزبان در سه

طبقه اساسی هزینه و فایده اقتصادی، اجتماعی و محیطی قرار دارد (Gursoy, et al., ۲۰۰۲: ۸۰) در این خصوص، محققان معتقدند که میان رونق گردشگری و معیارهای عینی و ذهنی اثرات اقتصادی، اجتماعی و محیطی بر جامعه میزبان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (Johnson et al. ۱۹۹۴: ۶۳۰). باتلر در این زمینه معتقد است میان سطح توسعه گردشگری و نگرش منفی به اثرات اقتصادی، اجتماعی و محیطی در جامعه میزبان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (Akis et al. ۱۹۹۶: ۴۸۱). در همین رابطه، مارتین و یاسال معتقدند میان مراحل چرخه حیات گردشگری و تأثیرات گردشگری بر جامعه ساکنان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؛ بدین ترتیب که در مرحله اولیه توسعه گردشگری، معمولاً مقدار زیادی از آرزوها و اشتیاق ساکنان مقصد به خاطر فواید اقتصادی درک شده برآورده می‌شود ولی از آنجا که در مراحل بعد، به خاطر بروز تغییرات ناخوشایند در محیط طبیعی و نوع گردشگرانی که جذب شده‌اند، درک و تصور مردم از اثرات گردشگری به تدریج منفی می‌شود (Johnson et al., ۱۹۹۴: ۶۳۰; Akis et al., ۱۹۹۶: ۴۸۲). آلن و دیگران در بررسی برخی از نواحی روستایی بدین نتیجه رسیده‌اند: همان طور که گردشگری توسعه می‌یابد نگرش منفی ساکنان نسبت به اثرات گردشگری افزایش پیدا می‌کند (Smith and Krannich, ۱۹۹۸: ۷۸۵). فرض اساسی در همه نظرات این است که کیفیت زندگی ساکنان مقصد در مراحل اولیه توسعه گردشگری بهبود می‌یابد اما ظرفیت تحمل^(۱) محیط به مرحله‌ای می‌رسد که توسعه بیشتر گردشگری بروز تغییرات منفی در محیط مقصد را موجب می‌شود. اُریلی ظرفیت تحمل را ظرفیت جذب گردشگر در یک مقصد گردشگری، قبل از محسوس شدن آثار منفی از سوی جمعیت میزبان، می‌داند (Orelly, ۱۹۸۶: ۲۵۵).

مطالعات انجام شده در آلبرتای کانادا نشان داد که از نظر ۸۷ درصد ساکنان، نقش گردشگری در ایجاد اشتغال مهم بوده است، و ۱۰ درصد ساکنان، گردشگری را حامی مهم اقتصاد محلی ندانسته‌اند (Ritchie, ۱۹۸۸: ۲۰۰). براساس مطالعات بلیسل و هوی در نواحی روستایی بریتیش کلمبیا، بیش از ۸۴ درصد ساکنان گردشگری را عامل ایجاد

اشتغال در ناحیه می‌دانند (Belisle and Hoy, ۱۹۸۰: ۸۴). توسان در مطالعه تطبیقی خود در یورگاپ^(۲) (ترکیه)، نادی^(۳) (فیجی) و فلوریدای مرکزی^(۴) (آمریکا)، ایجاد فرصت های شغلی از طریق گردشگری را به مثابه یکی از اثرات مثبت گردشگری ذکر کرده است (Tosun, ۲۰۰۲: ۲۳۲).

محققان، در بررسی اثرات گردشگری از طریق دیدگاه‌های جامعه میزبان، برخی از اثرات منفی اقتصادی نظیر افزایش قیمت کالا و خدمات، افزایش کاذب قیمت املاک و افزایش هزینه زندگی نام برده‌اند (Tosun, ۲۰۰۲: ۳۲; Weaver and Lawton, ۲۰۰۱: ۳۵۳). تسارتاس، در مطالعه نواحی روستایی در دو جزیره یونان از دیدگاه ساکنان، به آثار منفی اقتصادی گردشگری نظیر افزایش قیمت زمین و هزینه زندگی، سودرسانی توسعه گردشگری به صاحبان زمین و سرمایه، فصلی بودن مشاغل گردشگری، دستیابی افراد غیر محلی به مشاغل دارای درآمد بالا، و انصراف افراد محلی از انجام فعالیت‌های کشاورزی و ماهیگیری اشاره کرده است (Tsartas, ۱۹۹۲: ۵۲۶). نتایج مطالعه لیو و وار در مورد سنجش نظرات ساکنان نسبت به اثرات گردشگری در هاوایی نشان می‌دهد که جامعه میزبان در زمینه سودمندی اقتصادی و فرهنگی بسیار زیاد گردشگری کاملاً هم‌عقیده بودند ولی در مورد انتساب مسائل محیطی به گردشگری تردید داشتند؛ در عین حال، حفاظت محیط را از مزایای اقتصادی گردشگری با اهمیت‌تر می‌دانند اما راضی به کاهش استانداردهای زندگی برای دستیابی بدین اهداف نیستند (Liu et al., ۱۹۸۷: ۱۹۳). مطالعه روی اثرات گردشگری بر محیط زیست از دیدگاه ساکنان حاکی از آن است که ساکنان ممکن است گردشگری را عامل مثبت یا منفی تأثیرگذار بر محیط خود در نظر گیرند (Kim, ۲۰۰۲: ۴۰). پیزام، در مطالعه کیپ کود^(۵) در ماساچوست آمریکا، دریافت که تراکم بالای گردشگران درک و تصورات منفی از اثرات محیطی گردشگری را افزایش داده است (Liu, ۱۹۸۷: ۲۰). همچنین، بلیسل و هوی بر اساس مطالعات خود در ۱۹۸۰، نتیجه گرفته‌اند که درک مثبت ساکنان از اثرات محیطی گردشگری احتمالاً بدین دلیل است که توسعه گردشگری در ناحیه مقصد در مراحل اولیه خود قرار دارد

(۲۰: ۱۹۸۷, Liu et al., ۱۹۹۸: ۷۸۵; Smith and Krannich). لانگ و دافیلد بدین نتیجه رسیده‌اند که در مناطق حاشیه‌ای با نسبت کم گردشگران به ساکنان، اکثریت ساکنان گردشگری را به لحاظ اثرات آن مثبت تلقی کرده‌اند (۲۰: ۱۹۸۷, Liu et al.). در مواردی نیز نگرانی ساکنان در باره اثرات منفی گردشگری با موضوع رشد جمعیت مرتبط بوده است، به گونه‌ای که برخی مطالعات به وجود رابطه‌ای مستقیم میان افزایش سطح گردشگری و رشد جمعیت در جوامع روستایی رهنمون شده‌اند (۱۹۹۸: ۷۸۵, Smith and Krannich).

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق، از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای، مبانی نظری و سوابق مطالعاتی موضوع بررسی و براساس آن، تعدادی از شاخص‌ها و معیارهای مرتبط با سنجش توسعه گردشگری و اثرات آن بر ابعاد اقتصادی و محیطی انتخاب شده است. به دلیل گستردگی منطقه و تعداد زیاد خانوارها، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. در مرحله اول، تعداد خانوارهای روستایی نمونه در سطح ناحیه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران محاسبه و سپس براساس توزیع نسبی خانوارها در هر یک از دهستان‌ها، از تعداد نمونه مورد نظر (۳۷۵ نمونه) ۱۹۹ پرسشنامه به دهستان خیرودکنار، ۹۸ پرسشنامه به دهستان بلده کجور، و ۷۹ پرسشنامه به دهستان کالج اختصاص داده شد. روستاهای نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران و فرمول تعدیل، ۱۲ روستا در دهستان خیرودکنار، ۷ روستا در دهستان کالج، و ۸ روستا در دهستان بلده کجور، برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. با توجه به اینکه متغیرهای مورد نظر کیفی بوده و داده‌های جمع‌آوری شده از مقیاس رتبه‌ای براساس طیف لیکرت برخوردار بوده‌اند، از آزمون‌های آماری ناپارامتری (آزمون کای اسکوتر برای سنجش میزان اثرات گردشگری و آزمون آماری یومان ویتنی - مقایسه زوجی - برای مقایسه اثرات گردشگری در دهستان‌های موردنظر) برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه نواحی روستایی در بخش مرکزی شهرستان نوشهر است که از شمال به دریای خزر و از جنوب به ارتفاعات و پوشش جنگلی محدود می‌شود. این بخش شامل سه دهستان، ۵۹ نقطه روستایی (نقشه ۱)، ۱۶۵۷۲ خانوار، و ۶۰۵۱۲ نفر جمعیت است (جدول ۱). این ناحیه دارای ۴۵ کیلومتر نوار ساحلی است و سکونتگاه‌های روستایی آن در جلگه باریکی واقع در حدفاصل ارتفاعات جنگلی و دریا استقرار دارند. کوتاه‌ترین فاصله دریا با جنگل و ارتفاعات حدود ۱/۵ کیلومتر در روستای چیلک از دهستان بلده کجور، و بیشترین عرض جلگه در روستای نیرنگ از دهستان خیرودکنار حدود ۵ کیلومتر است. بدین ترتیب، مجاورت این دو پدیده جغرافیایی (جنگل و دریا) از جمله اصلی‌ترین منابع گردشگری و طبق نظر گردشگران مهم‌ترین انگیزه برای سفر به حوزه یاد شده می‌باشد.

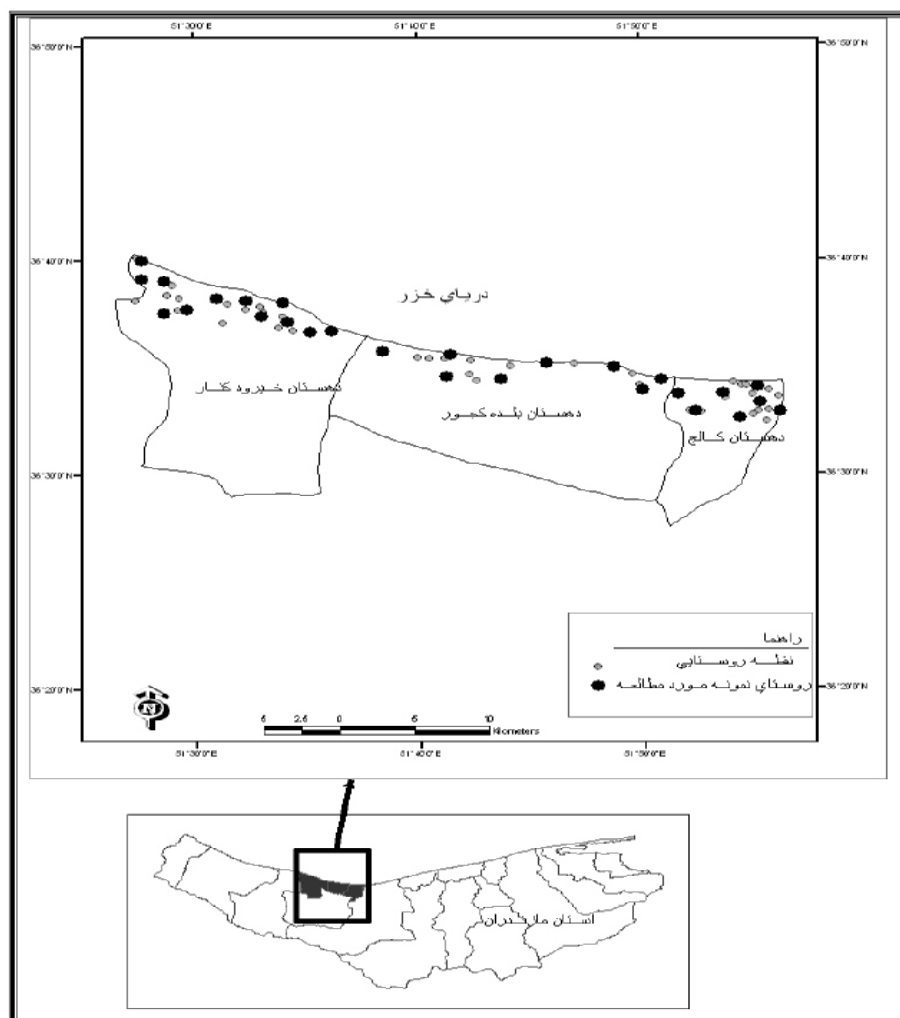
جدول ۱- جمعیت روستایی و نرخ رشد آن در بخش مرکزی شهرستان نوشهر

نام محدوده	تعداد جمعیت (نفر)					نرخ رشد (درصد)			
	۵۳۸۱	۶۰۰۱	۵۳۸۱	۵۳۸۱	۵۳۸۱	۵۳۸۱	۵۳۸۱	۵۳۸۱	۵۳۸۱
بخش مرکزی	۱۷۷۳۵	۲۶۶۴۰	۴۶۰۰۷	۵۲۴۲۰	۶۰۵۱۲	۴/۱۵	۵/۶۱	۱/۳۱	۱/۴۴
د. خیرودکنار	۸۳۹۳	۱۲۶۷۴	۲۳۴۱۷	۲۸۲۳۲	۳۱۴۸۳	۴/۲۰	۶/۳۳	۱/۸۸	۱/۰۹
د. بلده کجور	۵۵۳۴	۸۰۸۴	۱۲۳۵۴	۱۳۷۰۶	۱۶۴۱۹	۳/۸۶	۴/۳۳	۱/۰۴	۱/۸۲
د. کالچ	۳۸۰۸	۵۸۸۲	۱۰۲۳۶	۱۰۴۸۲	۱۲۶۱۰	۴/۴۴	۵/۶۹	۰/۲۳	۱/۸۶

مأخذ: محاسبات انجام شده بر روی داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال‌های

۱۳۸۵ تا ۱۳۴۵

توجه به شهرستان نوشهر، به طور اعم، و حوزه مطالعاتی در مقاله حاضر، به طور
اخص، به منزله یک مقصد گردشگری به دهه ۱۳۴۰ برمی گردد. گونه اصلی گردشگری
در این حوزه «طبیعت گردی» است که در دو شکل عمده گردشگری عبوری یا
غیرساکن (فاقد امکانات اقامتی) و خانه های دوم (عمدتاً شهرک های گردشگری)
صورت می پذیرد. یافته های به دست آمده از مطالعات میدانی نشان می دهد که میانگین
اقامت گردشگران غیرساکن (فاقد امکانات اقامتی) در ناحیه دو روز و غالباً به صورت
سفر خانوادگی است. ۹۵ درصد از پاسخگویان، مهم ترین انگیزه گردشگری را
طبیعت گردی و به ویژه دیدن جنگل و دریا عنوان کرده اند. میانگین هزینه این نوع
گردشگران، ۴۰۰،۰۰۰ ریال در شبانه روز است. ۳۵ درصد این نوع گردشگران از تهران،
۱۵ درصد از اصفهان، ۱۱ درصد از مشهد، و بقیه از سایر شهرها بدین منطقه آمده اند.
عمده ترین کانون تمرکز این نوع گردشگران پارک سی سنگان در دهستان بلده کجور
است. ۸۵ درصد این نوع گردشگران در چادر و در پارک سی سنگان، ۱۰ درصد در
ویلاهای اجاره ای روستاهای ساحلی، ۴ درصد در شهرک های گردشگری دولتی، و ۱
درصد به شکل های دیگر در این حوزه اقامت می کنند. ۸۵ درصد پاسخ دهندگان فقدان
اطلاع رسانی و ناآشنایی با نواحی روستایی را دلیل عدم بازدید از محیط روستا
دانسته اند. شکل دیگر گردشگری در این ناحیه گردشگری خانه های دوم در نواحی
روستایی است. این نوع گردشگران در سال به طور میانگین ۷ بار بدین ناحیه سفر
می کنند و هر بار به طور متوسط ۳ روز در روستا اقامت دارند. میانگین هزینه این نوع
گردشگران ۳۰۰،۰۰۰ ریال در شبانه روز است. همچنین، برای ساخت و ساز ویلا و
امور سرایداری و باغبانی از نیروی کار بومی روستا استفاده شده است. ۹۷ درصد
گردشگران خانه های دوم را ساکنان تهران تشکیل می دهند. با توجه به مدت طولانی تر
اقامت گردشگران خانه های دوم و تعداد دفعات بیشتر سفر آنها، نوع مشاغل ایجاد شده
و کمک مالی به نواحی روستایی در راستای ایجاد و بهبود خدمات زیربنایی نشان دهنده
اثرگذاری بیشتر این دسته از گردشگران نسبت به گردشگران غیرساکن در نواحی
روستایی این ناحیه است.



نقشه ۱- موقعیت بخش مرکزی شهرستان نوشهر در استان مازندران به تفکیک دهستان

یافته‌های تحقیق

بر اساس ارزیابی ساکنان، اثرات مثبت اقتصادی گردشگری در این حوزه عبارت‌اند از افزایش فرصت‌های شغلی (با میانگین رتبه ۳/۸)، افزایش سطح درآمد (با میانگین رتبه ۳/۲۵)، ارتقای درآمد ناشی از فعالیت‌های گردشگری نسبت به سایر فعالیت‌ها (با میانگین رتبه ۳/۱)، و بهبود وضعیت خیابان، جاده و خدمات روستایی (با میانگین رتبه ۳). بر این اساس، بیش از ۷۰ درصد ساکنان معتقد بودند که گردشگری به بهبود شاخص‌های یاد شده انجامیده است، و براساس آماره آزمون کای اسکوتر، میان نظرات ساکنان در این زمینه توافقی معنی‌دار وجود دارد (جدول ۲). در این خصوص، یافته‌های پرسشنامه گردشگران این ناحیه نیز نشان دهنده هم‌سویی با موارد بالاست، به طوری که ۸۰ درصد صاحبان خانه‌های دوم یک نفر سرایدار دارند، و در ساخت ویلا از نیروی کار بومی روستا استفاده می‌کنند، و در طول اقامت از فعالیت‌های تجاری و خدماتی روستا تا حدودی (میانگین رتبه ۳/۲) بهره‌مند می‌شوند؛ ۷۵ درصد آنها در توسعه خدمات و زیرساخت‌های روستا نیز کمک مالی کرده‌اند. عمده‌ترین مشاغلی که از طریق گردشگری در این ناحیه ایجاد شده عبارت‌اند از مشاغل وابسته به ساخت و ساز نظیر بنایی، نجاری، سنگ‌کاری، و فعالیت‌های تجاری و خدماتی مانند مشاور املاک، باغبانی و سرایداری. همچنین، براساس آمار آزمون کای اسکوتر دو بعدی، بین مشاغل وابسته به ساخت و ساز و تجاری و وابستگی آنها به گردشگری رابطه‌ای معنی‌دار در سطح $(\alpha = 0.01)$ وجود دارد؛ و میزان ضریب همبستگی براساس ضریب فی ۰/۷۹ است. رشد گردشگری اثرات اقتصادی مهمی نظیر افزایش اشتغال و درآمد را در پی داشته ولی اشتغال ایجاد شده در فعالیت‌های وابسته به بخش گردشگری به کاهش شاغلان در بخش کشاورزی منجر شده است، به گونه‌ای که براساس آمار ۱۳۶۷، میزان مساحت اراضی کشاورزی و تعداد بهره‌برداران به ترتیب از ۵۳۰۰ هکتار و ۶۹۵۰ نفر به ۳۵۲۹ هکتار و ۵۴۸۶ نفر در ۱۳۸۲ کاهش یافته است. سهم بخش کشاورزی به مثابه بخش مولد اقتصادی در نواحی روستایی این ناحیه به علت تغییرات شدید کاربری اراضی کشاورزی برای ساخت و ساز

ویلا (شهرک‌های گردشگری) در حال کاهش است. بدین ترتیب، بخش گردشگری به صورت رقیبی بازدارنده برای بخش کشاورزی عمل کرده است، چنان‌که تغییر شدید کاربری اراضی از طریق فروش اراضی کشاورزی ناحیه جلگه‌ای با هدف شهرک و ویلاسازی به صورت موج سوداگری زمین و چالش جدی فراروی مدیریت گردشگری استان توصیف و یادآوری شده است (رهنمایی، ۱۳۸۴: ۱۶). این در حالی است که گردشگری در برخی کشورهای پیشرفته با مدیریت و برنامه‌ریزی کارآمد، نظیر آنچه کوکس و همکاران در هاوایی بدان اشاره کرده‌اند، توسعه کشاورزی و تغییراتی مثبت مانند افزایش تولید، تولید متناسب با تقاضای گردشگران، تنوع تولید و حفظ کاربری اراضی کشاورزی را موجب شده است (Cox et al., ۱۹۹۴: ۲۱۱).

براساس دیدگاه ساکنان، گردشگری هزینه‌های اقتصادی متعددی را بر نقاط روستایی این ناحیه تحمیل کرده است که از آن جمله‌اند: افزایش قیمت کالا و خدمات (با میانگین رتبه ۴)، افزایش کاذب قیمت زمین (با میانگین رتبه ۴/۲)، ناتوانی جوانان در خرید زمین و مسکن (با میانگین رتبه ۳/۸۵)، اختلاف درآمدی و شکاف طبقاتی میان خانوارهای روستایی (با میانگین رتبه ۳/۳۷)، کاهش شاغلان بخش کشاورزی (با میانگین رتبه ۳/۷۸)، فصلی شدن درآمد و شغل (با میانگین رتبه ۳/۱)؛ و البته براساس آماره آزمون کای اسکوتر، میان ساکنان در این زمینه توافقی معنی‌دار مشاهده می‌شود (جدول ۲).

همچنین، تصورات جامعه میزبان از اثرات محیطی گردشگری در ناحیه مورد نظر منفی است؛ به طوری که براین اساس، رشد گردشگری در ناحیه با این پیامدها همراه بوده است: ایجاد آلودگی صوتی (با میانگین رتبه ۳/۳)، کاهش کیفیت محیط زیست (با میانگین رتبه ۳/۴)، افزایش میزان ساخت و سازهای بی‌رویه و کنترل نشده (با میانگین رتبه ۳/۳۶)، دست‌اندازی به حریم منابع طبیعی نظیر جنگل و دریا (با میانگین رتبه ۳/۷)، تخریب مناظر و چشم‌انداز روستا (با میانگین رتبه ۳/۷۶). همچنین، براساس آزمون کای اسکوتر، در رتبه‌های یاد شده توافقی معنی‌دار وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲- سطح معنی داری ارزیابی ساکنان از متغیرهای اقتصادی و محیطی متأثر از گردشگری
با استفاده از آزمون کای اسکوئر

میزان معنی داری	رتبه‌بندی مرکزی**	میانگین رتبه در دهستان‌ها**			شاخص
		دهستان کالج	دهستان بلده کجور	دهستان خیرو دکنار	
۰/۰۰۰*	۳/۵۲	۴	۳/۹	۳/۱۴	افزایش درآمد
۰/۰۰۰*	۳/۸	۴/۲	۴/۰۴	۳/۶۳	افزایش فرصت‌های شغلی
۰/۰۰۱*	۳/۱	۳/۵۱	۳/۲	۲/۹	درآمد بیشتر فعالیت گردشگری نسبت به سایر فعالیت‌ها
۰/۰۰۱*	۳	۳/۱۷	۳/۴	۲/۷۸	بهبود وضعیت خیابان، جاده و خدمات روستایی
۰/۰۰۰*	۴	۴/۲۳	۴/۲	۳/۸۱	افزایش قیمت کالا و خدمات
۰/۰۰۰*	۴/۲	۴/۴۶	۴/۳۳	۳/۹۹	افزایش قیمت زمین
۰/۰۰۱*	۳/۷۸	۴/۱۷	۴	۳/۵۲	کاهش شاغلان بخش کشاورزی
۰/۰۰۰*	۳/۳	۴/۱	۳/۶۹	۲/۹۲	ایجاد شکاف و اختلاف درآمدی در بین ساکنان
۰/۰۰۰*	۳/۱	۳/۴۶	۳/۲۳	۲/۸۹	فصلی شدن درآمد خانوارهای روستایی
۰/۰۰۰*	۳/۳	۳/۵۳	۳/۴	۳/۱۱	آلودگی صوتی در نواحی روستایی
۰/۰۰۰*	۳/۸۵	۴/۲۴	۴/۱	۳/۵۸	ناتوانی جوانان در خرید زمین و مسکن
۰/۰۰۰*	۳/۳۶	۳/۷۳	۳/۵	۳/۱۵	ساخت و ساز کنترل نشده و بی رویه در روستا
۰/۰۰۰*	۳/۷	۴/۲	۳/۹	۳/۳۸	دست‌اندازی به حریم منابع طبیعی نظیر جنگل و دریا
۰/۰۰۰*	۳/۷۶	۴/۰۷	۴/۰۱	۳/۵۲	تخریب مناظر و چشم انداز روستا
۰/۰۰۰*	۳/۳	۳/۶	۳/۶۸	۳	استفاده بیش از حد از منابع گردشگری طبیعت محور در روستا
۰/۰۰۰*	۳/۵۳	۳/۸	۳/۷	۳/۳۷	ازدحام و شلوغی در روستا
۰/۰۰۰*	۳/۴	۴	۳/۶۳	۳/۰۶	به طور کلی، کاهش کیفیت محیط زیست در روستا

* معنی دار در سطح ۹۹٪

** میانگین رتبه در هر دهستان (رتبه ۱ خیلی کم، رتبه ۲ کم، رتبه ۳ تاحدودی، رتبه ۴ زیاد و رتبه ۵ خیلی زیاد)

مأخذ: محاسبات انجام شده بر روی اطلاعات برگرفته از پرسشنامه‌ها

براساس تعریف اُریلی از ظرفیت تحمل (ر.ک. مبانی نظری)، درک و تصورات منفی جمعیت میزبان در مورد بعضی از اثرات اقتصادی و اثرات محیطی گردشگری در این ناحیه حاکی از آن است که ظرفیت تحمل ناحیه در حال نزدیک شدن به آستانه خود است. در این خصوص، ۸۰ درصد گردشگران خانه‌های دوم نیز از وضعیت محیطی روستا رضایت ندارند. ۹۰ درصد گردشگران فاقد امکانات اقامتی (غیر ساکن) معتقد بودند که ساخت و ساز در نوار ساحلی و روستاهای این ناحیه بی‌رویه بوده و به تخریب جاذبه‌های گردشگری انجامیده است؛ و دسترسی آنها به سواحل دریا در بسیاری از قسمت‌های ناحیه به ویژه دهستان بلده کجور و کالج، قطع شده است.

میزان اثرگذاری گردشگری در شاخص‌های پیش‌گفته در ناحیه مورد نظر بسته به میزان رشد و گسترش آن متفاوت بوده است. میزان رشد گردشگری و یا کارکرد گردشگری در نواحی روستایی براساس این سه شاخص مشخص شده است: میزان وابستگی شاغلان سرپرست خانوارهای روستایی به بخش گردشگری، میزان وابستگی درآمدی خانوارهای روستایی به بخش گردشگری، و ارزیابی ساکنان از میزان وابستگی اقتصادی روستا به بخش گردشگری. بدین لحاظ، براساس آزمون آماری یومان ویتنی، دهستان‌های بلده کجور و کالج با دهستان خیرودکنار تفاوتی معنی‌دار دارند ولی تفاوت‌های میان دهستان‌های بلده کجور و کالج در این زمینه معنی‌دار نیست (جدول ۳).

بدین ترتیب، رشد گردشگری و یا میزان کارکرد گردشگری در نواحی روستایی دهستان خیرودکنار نسبت به نواحی روستایی دهستان‌های بلده کجور و کالج ضعیف‌تر است. همچنین، تعداد خانه‌های دوم در دهستان خیرودکنار از دهستان‌های کالج و بلده کجور کمتر بوده است؛ به طوری که در دهستان بلده کجور ۳۸، در دهستان کالج ۴۵، و در دهستان خیرودکنار ۱۴ شهرک و مجتمع گردشگری وجود دارد. سابقه دو شهرک گردشگری به نام‌های شهرک دریابیشه در روستای ونوش و ویلاشهر در روستای عالم‌کلا از دهستان کالج و شهرک صلاح‌الدین‌کلا در روستای صلاح‌الدین‌کلا از دهستان بلده کجور به قبل از انقلاب برمی‌گردد.

همین طور، براساس آزمون آماری یومان ویتنی، شاخص‌های اقتصادی و محیطی متأثر از گردشگری در دهستان خیرودکنار با دهستان‌های بلده کجور و کالج تفاوتی معنی‌دار را نشان می‌دهد.

جدول ۳- سطح معنی‌دار تفاوت شاخص‌های رشد گردشگری یا کارکرد گردشگری در ناحیه مورد مطالعه با استفاده از آزمون یومان ویتنی

شاخص	دهستان‌های بلده کجور و کالج			دهستان کالج و خیرودکنار			دهستان بلده کجور و خیرودکنار		
	بلده کجور	میانگین رتبه کالج	میانگین رتبه	میانگین رتبه کالج	میانگین رتبه خیرودکنار	میانگین رتبه داری	بلده کجور	میانگین رتبه خیرودکنار	میانگین رتبه داری
وابستگی شغلی سرپرست خانوار به بخش گردشگری	۸۳/۵۱	۷۷/۹۸	۰/۴۷۵	۱۵۶/۵۷	۱۳۰/۲۸	۰/۰۱۹*	۱۴۵/۷۷	۱۸۳/۱۷	۰/۰۰۰*
وابستگی درآمدی سرپرست خانوار به فعالیت‌های وابسته به گردشگری	۷۸/۶۲	۸۷/۹۶	۰/۲۰۹	۱۶۷/۶۴	۱۲۷/۴۰	۰/۰۰۰*	۱۴۸/۸۳	۱۷۸/۲۱	۰/۰۰۶*
ارزیابی ساکنان از وابستگی اقتصادی روستا به بخش گردشگری	۸۳/۸۱	۷۸/۸۱	۰/۴۸۹	۱۶۷/۱۷	۱۳۷/۳۳	۰/۰۰۰*	۱۴۱/۰۳	۱۹۴/۱۲	۰/۰۰۰*

* معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد

مأخذ: محاسبات انجام شده روی اطلاعات برگرفته از پرسشنامه‌ها

بیشتر بودن میانگین رتبه‌ها در این آزمون در دهستان‌های بلده کجور و کالج نسبت به خیرودکنار حاکی از آن است که تصورات منفی ساکنان این دهستان‌ها از اثرات

اقتصادی و محیطی ناشی از گردشگری نسبت به ساکنان دهستان خیرودکنار قوی‌تر است؛ اما در این زمینه بین دو دهستان کالج و بلده کجور تفاوتی معنی‌دار وجود ندارد (جدول ۴).

بدین ترتیب، این دو دهستان که نسبت به دهستان خیرودکنار رشد گردشگری بیشتری را تجربه کرده‌اند، یا از کارکرد قوی‌تر گردشگری برخوردار بوده‌اند، هزینه‌های اقتصادی و محیطی متأثر از گردشگری را بیشتر درک کرده‌اند. درک قوی‌تر اثرات منفی اقتصادی و محیطی از سوی جامعه میزبان در دو دهستان یاد شده نسبت به دهستان خیرودکنار حاکی از نزدیک‌تر شدن ظرفیت تحمل آنها به آستانه خود است؛ و براساس نظرات بلیسل و هوی (ر.ک. مبانی نظری)، درک اثرات منفی ضعیف‌تر در دهستان خیرودکنار نسبت به دو دهستان دیگر ممکن است نشانگر گسترش کمتر گردشگری در این دهستان باشد. لازم به یادآوری است که یافته‌های این تحقیق نظریات باتلر، مارتین و یاسال و آلن (ر.ک. مبانی نظری) را تأیید می‌کند. بدین ترتیب، با گسترش بی‌رویه گردشگری در حوزه مقصد، اثرات منفی گردشگری برای جامعه میزبان بیشتر قابل درک می‌شود.

جدول ۴- آزمون یومان ویتنی سطح معنی داری تفاوت میانگین شاخص ها در دهستان های
مورد مطالعه (به صورت زوجی)

شاخص	میانگین رتبه		میزان معنی داری بلده کجور و کالج	میانگین رتبه		میزان معنی داری بلده کجور و کالج
	کالج	بلده کجور		کالج	بلده کجور	
افزایش درآمد	۸۰/۶۵	۸۵/۹۵	۰/۴۱	۱۸۰/۶۹	۱۲۲/۸۶	۰/۰۰۰*
افزایش فرصت های شغلی	۸۱/۸۹	۸۳/۵۸	۰/۸۰	۱۶۲/۵۰	۱۳۷/۹۵	۰/۰۰۱*
درآمد بیشتر فعالیت گردشگری نسبت به سایر فعالیت ها	۷۹/۰۴	۸۸/۶۵	۰/۱۹	۱۳۷/۵۷	۱۶۳/۷۲	۰/۰۰۱*
بهبود وضعیت خیابان، جاده و خدمات روستایی	۸۵/۴۶	۷۷/۲۳	۰/۲۶	۱۳۰/۳۹	۷۳/۷۷	۰/۰۰۰*
افزایش قیمت کالا و خدمات	۸۲/۴۱	۸۲/۶۶	۰/۹۷	۱۲۹/۲	۱۵۷/۹۲	۰/۰۰۸*
افزایش قیمت زمین	۷۹/۴۲	۷۶/۷۸	۰/۲۱	۱۳۷/۴۵	۱۶۴/۳	۰/۰۰۱*
کاهش شاغلان بخش کشاورزی	۷۹/۰۵	۸۸/۷۷	۰/۱۷	۷۸/۷۱	۱۶۵/۵۱	۰/۰۰۱*
ایجاد شکاف و اختلاف درآمدی در بین ساکنان	۷۷/۱۴	۶۰/۲۶	۰/۱۰	۱۹۴/۱۱	۱۹۵/۰۴	۰/۰۰۰*
فصلی شدن درآمد خانوارهای روستایی	۷۹/۱۰	۵۵/۷۷	۰/۱۹	۱۳۷/۹۰	۸۷/۶۱	۰/۰۰۳*
آلودگی صوتی در نواحی روستایی	۸۰/۴۷	۸۶/۰۹	۰/۴۴	۱۲۹/۳۵	۷۶/۴۱	۰/۰۱۰*

۰/۰۰۰*	۶۸/۴۱	۱۱/۸۸۱	۰/۰۰۰*	۷۵/۸۱	۱۳/۵۱	۰/۵۵	۷	۸۱/۵۱	ناتوانی جوانان در خرید زمین و مسکن
۰/۰۱۲*	۵۸/۶۳۱	۷۰/۷۸۱	۰/۰۰۰*	۶۰/۶۱	۵۶/۲۸۱	۰/۲۳	۵۸/۳۵	۷۷	ساخت و ساز کنترل نشده و بی رویه در روستا
۰/۰۰۰*	۷/۸۳۱	۸۶/۶۸۱	۰/۰۰۰*	۵۵/۸۱	۸/۳۸۱	۰/۲۴	۷۶/۵۸	۸۷/۸۷	دست اندازی به حریم منابع طبیعی نظیر جنگل و دریا
۰/۰۰۵*	۸/۷۳۱	۴/۷۸۱	۰/۰۰۴*	۶۶/۶۱	۶۳/۲۸۱	۰/۳۸	۸۰/۲۰	۸۶/۸۰	تخریب مناظر و چشم انداز روستا
۰/۰۰۰*	۶/۱۳۱	۱۹/۱۸۱	۰/۰۰۰*	۶۸/۶۱	۱۶/۲۸۱	۰/۷۳	۸۳/۴۰	۸۰/۹۱	استفاده بیش از حد از منابع گردشگری طبیعت محور در روستا
۰/۰۰۵*	۷/۶۱	۸/۱	۰/۰۰۳*	۶۶/۶۱	۳۵/۲۸۱	۰/۶۱	۹/۱۷	۸۴/۷۴	ازدحام و شلوغی در روستا
۰/۰۰۰*	۳/۵۳۱	۸/۶۸۱	۰/۰۰۰*	۱۶/۶۸۱	۲۸۱	۰/۱۵	۷۸/۶۰	۶۸/۶۷	به طور کلی، کاهش کیفیت محیط زیست در روستا

* معنی دار در سطح ۹۵ درصد

مأخذ: محاسبات انجام شده بر روی اطلاعات برگرفته از پرسشنامه‌ها

نتیجه گیری

جریان‌های گردشگری در نقاط روستایی این ناحیه، با قابلیت بالای طبیعت گردی، علاوه بر پیامدهای اقتصادی مثبت، به دلیل فقدان برنامه ریزی و مدیریت و به تبع آن رشد خودجوش و انبوه، با اثرات اقتصادی و محیطی منفی در سطح ناحیه نیز همراه بوده است. براساس ارزیابی ساکنان، رشد گردشگری در این ناحیه پیامدهای مثبت اقتصادی نظیر افزایش فرصت‌های شغلی، افزایش سطح درآمد، و بهبود وضعیت خیابان، جاده و خدمات روستایی، و پیامدهای منفی اقتصادی نظیر افزایش قیمت کالا و خدمات، افزایش کاذب قیمت زمین، افزایش هزینه زندگی، ناتوانی جوانان در خرید

زمین و مسکن، اختلاف درآمدی و شکاف طبقاتی میان خانوارهای روستایی، کاهش شاغلان بخش کشاورزی، و فصلی شدن درآمد و شغل را به دنبال داشته است. همچنین، نگرش ساکنان به اثرات محیطی گردشگری در ناحیه مورد نظر منفی و نظرات گردشگران نیز از وضعیت محیط زیست همسو با جامعه میزبان است.

به طور کلی، در مورد میزان رشد گردشگری و یا کارکرد گردشگری نواحی روستایی، که براساس سه شاخص میزان وابستگی شاغلان سرپرست خانوارهای روستایی به بخش گردشگری، میزان وابستگی درآمدی خانوارهای روستایی به بخش گردشگری و ارزیابی ساکنان از میزان وابستگی اقتصادی روستا به بخش گردشگری مشخص شده است، در سطح سه دهستان مورد مطالعه تفاوت‌هایی معنی‌دار وجود دارد. همچنین، رابطه‌ای معنی‌دار میان رشد گردشگری و یا کارکرد گردشگری نواحی روستایی و درک قوی‌تر اثرات منفی اقتصادی و محیطی وجود دارد؛ این یافته‌ها با نظریات باتلر، مارتین و یاسال و آلن منطبق می‌باشد. در این راستا، باتلر معتقد است میان سطح توسعه گردشگری و اثرات درک شده منفی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی جامعه میزبان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. بدین ترتیب، درک قوی‌تر اثرات منفی حاکی از آن است که ظرفیت تحمل ناحیه به آستانه خود نزدیک شده است و این ناحیه نمی‌تواند پذیرای گردشگران بیشتر باشد. بنابراین، در راستای توسعه پایدار گردشگری، برنامه‌ریزی و مدیریت کارآمد برای تقویت اثرات مثبت و کاهش اثرات منفی در جهت ایجاد نگرشی مثبت به اثرات گردشگری در جامعه میزبان و حمایت آنها از این فعالیت و نیز افزایش رضایت گردشگران در جهت تداوم سفرهای گردشگری ضرورت دارد.

یادداشت‌ها

۱. carrying capacity
۲. Urgap
۳. Nadi
۴. Central Florida
۵. Cape Code

منابع

- پاپلی یزدی، محمد حسین و سقایی، مهدی (۱۳۸۵)، *گردشگری (ماهیت و مفاهیم)*. تهران: سمت.
- کاظمی، مهدی (۱۳۸۵)، *مدیریت گردشگری*. تهران: سمت.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۴)، «گردشگری در استان مازندران: جایگاه ویژه، چالش‌های ویژه»، *مجموعه مقاله‌های اولین همایش سراسری نقش صنعت گردشگری در توسعه مازندران*. بی-جا: رسانش.
- ریچارد شارپلی، جولیا (۱۳۸۰)، *گردشگری روستایی*. ترجمه رحمت‌الله منشی‌زاده و فاطمه نصیری؛ بی‌جا: منشی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵ - ۱۳۷۵)، *سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان نوشهر*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۹)، *سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۶۷، فرهنگ آبادی‌های کشاورزی استان مازندران*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۸۲، شناسنامه دهستانی، جلد سوم*.
- Akis, Sevgin; Peristianis, Nicos; Warner, Jonathan (۱۹۹۶), "Resident's attitudes to tourism development, the case of Cyprus". *Tourism Management*, Vol. ۱۷, (۷).
- Allen, L. R.; Hafer, H. R.; Long, P. T. and Perdue, R. R, (۱۹۹۳) "Rural residents attitude toward recreation and tourism development". *Journal of Travel Research*, ۳۱(۴).
- Belisle, Francois J. and Hoy, Don R. (۱۹۸۰), "The perceived impact of tourism by residents: a case study in Santa Marta". *Annals of Tourism Research*. Vol. ۷, (۱).
- Brougham, j. E., and Butler, R.W. (۱۹۸۱), "A Segmentation analysis of resident attitudes to the social impact of tourism". *Annals of Tourism Research*. Vol. ۷.
- Butler, Richard; Hall, Michael C; and Jenkins, John (۱۹۹۷), *Tourism and Recreation In Rural Areas*. John Wiley& Sons.

- Cox, Linda; Morton, J. Fox, and Bowen, Richard L., (1994), "Does tourism destroy agriculture?" *Annals of Tourism Research*. Vol. 22.
- Getz, D. (1994), "Residents attitudes towards tourism: A longitudinal survey in Spey Valley". *Scotland Tourism Management*. Vol. 10.
- Gursoy, Dogan; Jurowski, C. and Uysal, M. (2002), "Resident Attitudes: A Structural Modeling Approach". *Annals of Tourism Research*. Vol. 29,(1).
- Haralambopoulos, Nicholas and Pizam, A. (1996), "Perceived Impacts of Tourism: the Case of Samos". *Annals of Tourism Research*. Vol. 23, (3).
- Hernandez, Sigfredo A.; Cohen, J. and Garcia, H.L. (1996), "Resident attitudes towards an Instant Resort Enclave". *Annals of Tourism Research*. Vol. 23, (4).
- Johnson, J.D; Snepenger, D.J. and Akis, K. (1994), "Residents' perceptions of tourism development". *Annals of Tourism Research*. Vol. 21.
- Jurowski, Claudia and Gursoy, Dogan (2004), "Distance effect on residents attitudes toward tourism". *Annals of Tourism Research*. Vol. 31(2).
- Jurowski, C.; Uysal, M. and Williams, D. R.(1997), "A theoretical Analysis of Host Community Resident Reaction to Tourism". *Journal of Tourism Research*. 36(2).
- Kim, Kyungmi (2002), *The Effect of Tourism Impacts upon Quality of Life of Residents in the Community*. Unpublished Ph.D dissertation, Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Liu, C. Juanita, and Var, Turgut (1987), "Resident attitudes toward tourism impacts in Hawaii". *Annals of Tourism Research*. Vol. 13.
- Liu, C. Juanita; Sheldon, J. Pauline and Var, Turgut (1987), "Resident perception of the environment impact of tourism". *Annals of Tourism Research*. Vol. 14.
- Long, T. Patrick; Perdue, R. Richard and Allen, Lawrence (1990), "Rural resident tourism perceptions and attitudes by community-level of tourism". *Journal of Travel Research*. 31(4).

-
- Madrigal, Robert (1990), "Resident's perceptions and the role of government". *Annals of Tourism Research*. Vol. 17, (1).
- Mason, Peter and Cheyne, J. (1990), "Residents' attitudes to proposed tourism development". *Annals of Tourism Research*. Vol. 17 (2).
- Mathieson, A. and Wall, G. (1982), *Tourism: Economic, Physical and Social Impacts*. London: Longman.
- Orelly, A. M. (1986), "Tourism carrying capacity concept and issues". *Tourism Management*. Vol. 7(1).
- Perdue, R. R; Long, P.T. and Allen, L. (1987), "Rural resident tourism perceptions and attitudes". *Annals of Tourism Research*. Vol. 14.
- Pizam, A.(1987), "Tourism's impacts: the social costs to the destination community as perceived by its residents". *Journal of Travel Research*. 16(1).
- Ritchie, J. R. B. (1988), "Consensus policy formulation in tourism". *Tourism Management*. Vol. 9 (3).
- Rothman, R. A. (1988), "Residents and transients: community reaction to seasonal visitor". *Journal of Travel Research*. Vol. 16(3).
- Sharpley, Richard (1992), "Rural tourism and the challenge of tourism diversification". *Tourism Management*. Vol. 13.
- Smith, D. Michael; Krannich, S. Richard (1998), "Tourism dependence and resident attitudes". *Annals of Tourism Research*. Vol. 25(1).
- Tosun, C. (1992), "Host perception of impacts: a comparative tourism study". *Annals of Tourism Research*. Vol. 19(1).
- Tsartas, Paris (1992), "Socioeconomic impacts of tourism on two Greek isles". *Annals of Tourism Research*. Vol. 19.
- Weaver, D. and Lawton, L. (1991), "Resident perceptions in the urban-rural fringe". *Annals of Tourism Research*. Vol. 18(2).

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶

نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی استان یزد

جلال سالم**، علی نمازی***

چکیده

بخش کشاورزی استان یزد، علی‌رغم تمام مشکلات فراروی آن توانسته است نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا کند. این مقاله نقش بخش کشاورزی را در توسعه اقتصادی استان از ابعاد گوناگون مانند عرضه نیروی کار، اشتغال‌زایی، تأمین مواد غذایی و مواد خام صنعتی، عرضه سرمایه، مساعدت به بازار و کمک به تراز پرداخت‌ها تشریح می‌کند. میزان بهره‌مندی بهره‌برداران بخش کشاورزی از خدمات عمومی دولت همپای نقش مثبت آن در توسعه اقتصادی استان نیست. در پایان، پیشنهادهایی برای تقویت نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی استان ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: کشاورزی/ بخش کشاورزی/ یزد (استان) / توسعه اقتصادی.

* این مقاله بر اساس گزارش مطالعاتی نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی استان یزد، از انتشارات سازمان جهاد کشاورزی استان یزد در سال ۱۳۸۳ تهیه شده است.

** کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان یزد: mtmttyazd@hotmail.com

*** کارشناس اقتصاد و کارشناس مسئول برنامه‌ریزی استانداری یزد.

* * *

مقدمه

طی دهه‌های گذشته، در مورد نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. بر اساس این دیدگاه‌ها، بخش کشاورزی از نقش غیرفعال در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ به نقش فعال و پویا در دهه‌های اخیر تحول یافته است، به گونه‌ای که امروزه دیدگاه غالب آن است که بخش کشاورزی به‌رغم کاهش سهم آن در اشتغال و تولید ناخالص ملی به لحاظ اهمیت کلیدی در جریان توسعه اقتصادی به‌ویژه از نظر عرضه مواد غذایی و مواد خام صنعتی نیازمند توجه بیشتری است. به موازات توسعه شهرنشینی، اهمیت بخش کشاورزی افزایش می‌یابد؛ زیرا همراه با توسعه اقتصادی و ازدیاد درآمد، تقاضا برای مواد پروتئینی نیز بیشتر می‌شود. چنانچه تولیدات داخلی نتواند به این تقاضا پاسخ دهد، جامعه ناچار به اختصاص ارز کمیاب داخلی به واردات محصولات کشاورزی خواهد بود. در این جریان، استان یزد، به دلیل واقع شدن در مرکز کشور و محدوده فلات مرکزی ایران و وجود اقلیم‌های خشک در بخش وسیع آن، نیازمند توجه بیشتری است و حفظ حیات اقتصادی - اجتماعی و بهبود شرایط زیست‌محیطی این خطه تا حد زیادی به بخش کشاورزی وابسته است. لازم به ذکر است که کشاورزی استان مرهون تلاش‌های خستگی‌ناپذیر نسل‌های گذشته است که قنات‌ها را برای استفاده بهینه از منابع محدود آب حفر کرده‌اند. از لحاظ تأمین مواد غذایی، بخش کشاورزی استان، در سال ۱۳۸۲، با تولید ۶۱۸ هزار تن محصولات زراعی، ۱۶۵ هزار تن انواع محصولات باغی، ۲۶ هزار و ۵۰۰ تن گوشت قرمز، ۳۸ هزار تن گوشت مرغ، ۱۴۸ هزار تن شیر گاو، و تولید سایر محصولات جانبی در تأمین نیازهای غذایی جمعیت ۸۹۰ هزار نفری استان نقش مهمی دارد (سازمان جهاد کشاورزی استان یزد، ۱۳۸۴). بررسی تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار بر حسب ارزش افزوده در بخش‌های عمده اقتصادی استان نشان می‌دهد که طی سال ۱۳۸۱ بخش کشاورزی با ۱۶۸۹ میلیارد ریال ارزش افزوده بعد از بخش صنعت با ۲۵۴۱ میلیارد ریال ارزش افزوده دارای بالاترین ارزش تولید ناخالص بوده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد، ۱۳۸۳).

همچنین، میانگین سهم بخش کشاورزی در اشتغال استان، طی سال‌های ۸۰-۷۵، علی‌رغم کمبود مساعدت‌های لازم برابر ۱۴/۱ درصد و میانگین سهم بخش صنعت طی سال‌های فوق با مساعدت‌های فراوان ۳۰/۷۶ درصد بوده است (همان). بهبود شرایط زیست‌محیطی و کمک به امنیت و رشد و توسعه حیات اقتصادی - اجتماعی در مرکز کشور دیگر نقش مهم بخش کشاورزی در این اقلیم خشک است که با عدد و رقم قابل اندازه‌گیری نیست.

هدف این مقاله نخست تعیین جایگاه و نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی استان است که به نظر برخی برنامه‌ریزان استان کمرنگ است. سپس راهکارهایی عملی به منظور حفظ و تقویت این نقش در جریان توسعه اقتصادی استان ارائه می‌شود.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق به‌کار گرفته شده در این مقاله، روش کتابخانه‌ای است و با استفاده از آمار و اطلاعات مدیریت‌های سازمان جهاد کشاورزی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، محاسبات لازم انجام شده است، به‌طوری که ارزش ناخالص تولید از حاصل‌ضرب مقدار تولید در قیمت محصول تولید شده به‌دست آمده و در محاسبه هزینه‌های تولید پرداختی به عوامل تولید نیز لحاظ شده است. همچنین، از روش تحلیلی «سیمون کوزنتس»^(۱) استفاده شده است (نجفی، ۱۳۸۳). کوزنتس و بسیاری دیگر از اقتصاددانان معتقدند که کشاورزی در این موارد می‌تواند به فرآیند توسعه اقتصادی کمک کند.

- عرضه مازاد مواد غذایی و مواد خام صنعتی
- مساعدت به تراز پرداخت‌ها از طریق صادرات مازاد تولید
- ایجاد اشتغال برای نیروهای مولد و عرضه نیروی کار
- مساعدت به بازار و گسترش فعالیت‌های جنبی
- تأمین سرمایه

بخش کشاورزی استان، در تمام زمینه‌های فوق نقش مهمی دارد؛ بنابراین، می‌توان از این روش تحلیل استفاده کرد و به نتایج مطلوبی رسید (همان).

نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی استان یزد

۱- عرضه مازاد مواد غذایی و مواد خام صنعتی

افزایش مواد غذایی قابل عرضه به بازارهای شهری در کشورهای در حال توسعه دارای اهمیت بسیار است، زیرا نخست آنکه به علت توسعه اشتغال در صنعت و سایر فعالیت‌های غیرکشاورزی، جمعیت مصرف‌کننده شهری در این کشورها به سرعت رو به افزایش است و دیگر آنکه به علت پایین بودن سطح تغذیه گرایش نهایی به مصرف در این جمعیت بالاست و بخش زیادی از درآمد صرف مواد غذایی می‌شود. در نتیجه، سطح دستمزدهای صنعتی و مشاغل غیرکشاورزی دیگر تا اندازه زیادی با سطح قیمت مواد غذایی ارتباط دارد.

بدیهی است هر گاه عرضه مواد غذایی نتواند همگام با تقاضا زیاد شود، قیمت مواد غذایی افزایش می‌یابد و نتیجه آن فشار روی دستمزدهای صنعتی و تورم در شهرهاست. افزایش دستمزدهای صنعتی و تورم، در نهایت، سبب کاهش تولیدات صنعتی و کندی توسعه اقتصادی می‌شود.

علاوه بر عرضه مازاد مواد غذایی، بخش کشاورزی از طریق افزایش عرضه مواد خام صنعتی می‌تواند به توسعه و رونق صنایع سبک (مانند صنایع نساجی، پشم‌بافی، قالی‌بافی، تولید قند و غیره) در کشورهای در حال توسعه کمک کند و افزایش تولید و عرضه این مواد، هزینه تولید این صنایع را پایین می‌آورد، و از وارد کردن مواد خام برای این‌گونه صنایع جلوگیری می‌کند؛ و البته در صورت تولید انبوه، می‌توان مازاد آن را صادر کرد (سلطانی و نجفی، ۱۳۷۵).

در بخش کشاورزی استان، بیش از ۳۳ نوع محصول زراعی تولید می‌شود. این محصولات شامل غلات، حبوبات، دانه‌های روغنی، نباتات علوفه‌ای، محصولات

جالیزی، انواع سبزیجات، نباتات صنعتی مانند پنبه و روناس و محصولات زیره و زعفران است.

به‌رغم تمام مشکلات و تنگناها، بخش کشاورزی در استان یزد نقش مهمی در تأمین مواد غذایی دارد. تولیدات این بخش شامل محصولات زراعی، باغبانی، دامی، طیور، و آبزیان است.

الف- تولید محصولات زراعی

میزان تولید این محصولات در سال زراعی ۸۱-۸۲ برابر ۶۱۸۲۲۶ تن بوده است که از مساحتی برابر ۶۰۹۸۶ هکتار اراضی زراعی به‌دست آمده است (سازمان جهاد کشاورزی استان یزد، ۱۳۸۴).

بر اساس قیمت‌های عمده‌فروشی، درآمد ناخالص محصولات زراعی در سال ۱۳۸۲ (که از حاصل ضرب قیمت عمده‌فروشی محصول در مقدار محصول به‌دست آمده) برابر ۵۹۸/۵ میلیارد ریال است (سالم و همکاران، ۱۳۸۳).
بررسی درآمد ناخالص محصولات زراعی نشان می‌دهد که بالاترین درآمد مربوط به گندم، گیاهان علوفه‌ای، محصولات گلخانه‌ای و جالیزی است.

ب- تولید محصولات باغبانی

از کل ۱۲۸۹۸۶ هکتار سطح زیرکشت محصولات زراعی و باغی در سال زراعی ۸۱-۸۲، مقدار ۶۸۰۰۰ هکتار را باغ‌ها تشکیل می‌دهند که ۵۳ درصد از کل اراضی کشاورزی را شامل می‌شود. در بخش باغبانی استان، بیش از ۱۶۵ هزار تن انواع محصولات باغی تولید می‌شود. مهم‌ترین این محصولات عبارت‌اند از: پسته، بادام، انار، میوه‌های هسته‌دار، خرما، انگور و گردو (سازمان جهاد کشاورزی استان یزد، ۱۳۸۴).

به‌طوری که ملاحظه می‌شود، تنوع اقلیمی استان امکان تولید انواع محصولات باغبانی را فراهم کرده است. تولیدات باغبانی استان از دو لحاظ عمده حائز اهمیت است:

۱- بالا بودن ارزش اقتصادی این بخش با توجه به مزیت‌ها و حجم زیاد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آن؛ و

۲- حفظ آب و خاک و محیط زیست و ایجاد بستر مناسب برای انجام سایر فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد جاذبه‌های گردشگری.

درآمد ناخالص به قیمت جاری محصولات باغبانی استان بر اساس قیمت عمده‌فروشی در سال ۱۳۸۲، برابر ۷۶۸/۹ میلیارد ریال است. در بین محصولات باغبانی استان، پسته با ۴۴۴ میلیارد ریال دارای بالاترین درآمد ناخالص است. به عبارت دیگر، ۵۸ درصد از درآمد ناخالص محصولات باغبانی و ۳۲/۴ درصد از درآمد ناخالص محصولات زراعی و باغی استان، در سال ۱۳۸۲، به پسته اختصاص دارد (سالم و همکاران، ۱۳۸۳).

ج- تولیدات دام و طیور

با توجه به آمار پرواربندی‌ها، کشتارگاه‌ها و همچنین گله‌های داشتی، گوشت قرمز تولیدی استان، در سال ۱۳۸۲، برابر ۲۶۵۰۰ تن و درآمد ناخالص آن ۷۹۵ میلیارد ریال بود. در جدول ۱، میزان تولید و درآمد ناخالص انواع تولیدات دام و طیور درج شده است. بر اساس این جدول، درآمد ناخالص محصولات دام و طیور به قیمت جاری در سال ۱۳۸۲ برابر ۱۴۴۱ میلیارد ریال است.

جدول ۱- درآمد ناخالص محصولات دام و طیور استان در سال ۱۳۸۲

ردیف	نوع تولید	میزان تولید (تن)	درآمد ناخالص (میلیون ریال)
۱	گوشت قرمز	۲۶۵۰۰	۷۹۵۰۰۰
۲	گوشت مرغ	۳۸۱۲۰	۳۸۱۰۰۰
۳	تخم مرغ	۷۷۶۰	۳۱۰۰۰
۴	شیر	۱۴۸۰۰۰	۲۲۲۰۰۰
۵	عسل	۲۶۵	۵۸۳
۶	گوشت بلدرچین	۵۵۰	۱۲۰۰۰
جمع کل			۱۴۴۱۵۸۳

مأخذ: معاونت امور دام سازمان جهاد کشاورزی استان یزد

د- تولید آبزیان

با استفاده بهینه از منابع آب و افزایش ارزش تولید نهایی در سال ۱۳۸۲، مقدار ۲۵۰ تن انواع ماهیان سردآبی و گرمآبی تولید شده است. درآمد ناخالص پرورش آبزیان به قیمت جاری در سال برابر ۳/۴۵ میلیارد ریال بوده است (سالم و همکاران، ۱۳۸۳).

محاسبه درآمد ناخالص و ارزش افزوده بخش کشاورزی استان یزد

درآمد ناخالص بخش کشاورزی استان که از فعالیت‌های تولیدی زراعت، باغبانی، دام، طیور، و شیلات در سال ۱۳۸۲ حاصل شده، طبق جدول ۲، برابر دو هزار و ۸۱۲ میلیارد و ۴۵۰ میلیون ریال است. بیشترین درآمد ناخالص مربوط به فعالیت دام و طیور و کمترین آن به تولید آبزیان مربوط است (همان).

جدول ۲- درآمد ناخالص بخش کشاورزی استان به تفکیک زیربخش در سال ۱۳۸۲

ردیف	زیر بخش	درآمد ناخالص (میلیارد ریال)
۱	دام و طیور	۱۴۴۱
۲	باغبانی	۷۶۸
۳	زراعت	۶۰۰
۴	شیلات	۳/۴۵
جمع کل		۲۸۱۲/۴۵

مأخذ: گزارش مطالعاتی نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی استان یزد

برای محاسبه ارزش افزوده بخش کشاورزی هزینه‌های تولید از درآمد ناخالص کسر می‌شود. براساس محاسبات انجام شده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۱ برابر ۱۶۹۱/۵ میلیارد ریال بوده است که ۱۴/۲ درصد از کل ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی استان را تشکیل می‌دهد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد، ۱۳۸۳).

بررسی جدول ۳، نشان می‌دهد که طی سال‌های ۸۱-۸۰، بالاترین ارزش افزوده بعد از بخش صنعت به بخش کشاورزی اختصاص داشته است.

جدول ۳ - تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار بر حسب ارزش افزوده در بخش های عمده اقتصادی
(ارقام به میلیارد ریال)

شرح	سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱
ارزش افزوده کل		۹۳۴۳	۱۱۹۲۲
کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری		۱۲۴۹/۵	۱۶۹۱/۵
صنعت		۱۷۲۲	۲۵۴۱/۳
درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی از کل ارزش افزوده		۱۳/۳	۱۴/۲
درصد ارزش افزوده بخش صنعت از کل ارزش افزوده		۱۸/۴	۲۱/۳

مأخذ: سالنامه آماری استان، سال ۱۳۸۳

همچنین، بخش کشاورزی استان یزد با تولید محصولات دام و طیور، شیلات، زراعی و باغی زمینه فعالیت کارخانه ها و کارگاه های مختلف در بخش های صنعتی و صنایع تبدیلی را فراهم کرده است.

جدول ۴، نمایانگر اطلاعات موجود واحدهای فعال صنعتی در سال ۸۲، است که مواد اولیه آنها از بخش کشاورزی استان تأمین شده است.

جدول ۴- واحدهای فعال صنعتی مرتبط با بخش کشاورزی

ردیف	نوع فعالیت	تعداد	ردیف	نوع فعالیت	تعداد
۱	چرم و سالامبور سازی	۱	۱۰	کشتارگاه صنعتی طیور	۶
۲	تولید پودر گوشت و خون	۲	۱۱	تولید پودر و روغن ماهی	۴
۳	تولید خوراک دام و طیور	۱۱	۱۲	تولید کنسرو ماهی	۵
۴	تولید پنیر	۸	۱۳	ایستگاه جمع آوری شیر	۲۵
۵	تولید شیر پاستوریزه و محصولات لبنی	۶	۱۴	تهیه خشکبار	۲
۶	تولید فرآورده های گوشتی	۸	۱۵	تهیه سبزی خشک	۲
۷	بسته بندی گوشت	۲	۱۶	تهیه آب انار	۱
۸	ترمینال ضبط پسته	۴۶	۱۷	تهیه آرد گندم	۲
۹	کشتارگاه نیمه صنعتی دام	۷	۱۸	تولید نشاسته و گلوتن	۲

مأخذ: سازمان جهاد کشاورزی استان یزد، ۱۳۸۴ الف

۲- تأمین ارز از طریق صادرات مازاد تولید به منظور واردات کالاهای سرمایه ای مورد نیاز در روند توسعه اقتصادی

در اکثر کشورهای پیشرفته امروزی، کشاورزی در تأمین ارز مورد نیاز برای توسعه و گسترش نظام صنعتی نقش مهمی بر عهده دارد. در کشورهای در حال توسعه، توسعه کشاورزی، علاوه بر صرفه جویی در مصرف ارز خارجی و در نتیجه بهبود تراز پرداخت های خارجی، امکان صادرات مواد خام کشاورزی و تأمین ارز را فراهم می سازد. لازم به یادآوری است که کشاورزی تنها منبع تأمین ارز و سرمایه در مراحل اولیه توسعه اقتصادی نیست و سایر مواد اولیه نیز می تواند این سرمایه را فراهم آورد، ولی بین محصولات کشاورزی و مواد معدنی به مثابه منابع تأمین ارز تفاوت اساسی وجود دارد. کشاورزی می تواند منبع تأمین ارز دائمی باشد، در حالی که عمر مواد معدنی محدود است و نمی توان همواره به آنها اتکا داشت (قره باغیان، ۱۳۷۲).

بررسی آمار عملکرد گمرک یزد نشان می‌دهد که بخش مهمی از محصولات صادراتی استان را محصولات کشاورزی تشکیل می‌دهد، به طوری که در سال ۱۳۸۱، بیش از ۴۵ قلم کالای کشاورزی به وزن ۶۱۶۷ تن و به ارزش ۱۱/۸ میلیون دلار از گمرک یزد صادر شده است (گمرک استان یزد، ۱۳۸۱).

جدول ۵ میزان صادرات کشاورزی و غیرکشاورزی را طی سال‌های ۷۶-۸۰ نشان می‌دهد و همچنین، نمایانگر آن است که صادرات کالاهای کشاورزی، طی سال‌های یاد شده از لحاظ وزن و ارزش به ترتیب ۱۱/۸ و ۵۹ برابر افزایش یافته است.

جدول ۵ - میزان صادرات کالاهای کشاورزی و غیرکشاورزی طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۶

سال	وزن خالص کالاهای کشاورزی (تن)	وزن خالص کالاهای غیرکشاورزی(تن)	ارزش کالاهای کشاورزی (میلیون دلار)	ارزش کالاهای غیرکشاورزی (میلیون دلار)
۱۳۷۶	۵۱۹	۸۵۱	۰/۲	۱۷/۹
۱۳۷۷	۲۷۲۰/۳	۸۵۴۴	۴/۷۵	۱۳/۸۷
۱۳۷۸	۳۴۵۹	۸۶۴۴	۴/۹۷	۱۴/۴۷
۱۳۷۹	۳۵۳۲۱۶	۳۵۲۵۶	۵/۳۹	۱۹/۲۱
۱۳۸۰	۶۱۶۷	۱۵۳۴۳	۱۱/۸۱	۲۱/۰۲

مأخذ: گمرک استان یزد، ۱۳۸۱

۳- ایجاد اشتغال برای نیروهای مولد و عرضه مازاد نیروی کار

نیروی کار یکی از عوامل مهم و عمده در تولید است و بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، زمینه اشتغال درصد مهمی از نیروی کار را فراهم کرده است. همچنین، بخش کشاورزی می‌تواند با افزایش بهره‌وری، نیروی کار مازاد خود را رها سازد و از این طریق، به افزایش تولیدات صنعتی کمک کند. البته رهاسازی نیروی کار مازاد یا

مهاجرت بخشی از روستاییان به شهرها با دو شرط امکان‌پذیر است: نخست اینکه مهاجرت نیروی کار اثر منفی بر تولید کشاورزی نداشته باشد، و دیگر اینکه شهرها و بخش صنعتی که در مجاورت شهر قرار دارد، ظرفیت جذب نیروی کار اضافی را دارا باشد. برای تحقق شرط اول باید بهره‌وری نیروی کار یا زمین، یا هر دو، در کشاورزی افزایش یابد. این موضوع تا حد زیادی به نسبت جمعیت کشاورزی یک کشور بستگی دارد؛ هر چه این نسبت بالاتر باشد، امکان وجود نیروی کار مازاد بیشتر است (قره‌باغیان، ۱۳۷۲).

بر اساس آمار موجود، سهم بخش کشاورزی در اشتغال کشور، طی دهه ۸۰-۷۰، به‌طور متوسط ۲۳/۳ درصد بوده است؛ به‌طوری که در سال ۱۳۸۰، از جمعیت ۶۵ میلیون نفری کشور، حدود ۱۵/۶ میلیون نفر شاغل بوده‌اند که از آن میان، ۳/۴ میلیون نفر در بخش کشاورزی اشتغال داشته‌اند (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۳).

بر اساس جدول ۶، طی سال‌های ۸۰-۷۵، میانگین سهم بخش کشاورزی در اشتغال استان، برابر ۱۴/۱ درصد و میانگین سهم بخش صنعت ۳۰/۷۶ درصد بوده است. همچنین، بررسی وضع شاغلان استان بر حسب گروه‌های عمده فعالیت، نشان می‌دهد که بعد از صنعت، اشتغال‌زاترین فعالیت در استان کشاورزی است.

جدول ۶- درصد توزیع شاغلان بالای ۱۰ سال در دو بخش صنعت و کشاورزی

فعالیت	سال						میانگین
	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	
صنعت	۳۰/۷۳	۳۴/۱۶	۳۳/۹۶	۲۷/۵۹	۳۰/۰۳	۲۸/۱۳	۳۰/۷۶
کشاورزی	۱۴/۲۸	۱۳/۹۹	۱۵/۴۷	۱۵/۰۶	۱۲/۳۳	۱۳/۴۵	۱۴/۱

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد، ۱۳۷۶، ۱۳۸۱

همچنین، این بخش از طریق عرضه مازاد نیروی کار خود به توسعه بخش صنعت استان کمک فراوانی کرده است، به طوری که بخش عمده‌ای از مهاجران روستایی در کارخانه‌های استان به تولیدات صنعتی می‌پردازند.

۴- گسترش فعالیت‌های جنبی

با تبدیل کشاورزی سنتی و بسته به کشاورزی تجاری و افزایش تدریجی بهره‌وری کشاورزی، پیوند بین کشاورزی با بخش‌های دیگر اقتصادی گسترش می‌یابد. با گسترش این پیوند، نیاز بخش کشاورزی به نهاده‌های تولیدی در خارج از این بخش بیشتر می‌شود و فعالیت‌های تبدیل مواد خام کشاورزی به فرآورده‌های متنوع‌تر و مورد تقاضای مصرف‌کننده شهری به تدریج گسترش می‌یابد. گسترش فعالیت‌های قبل و بعد از تولید مواد خام کشاورزی، اشتغال و درآمد بیشتر ایجاد می‌کند و بدین ترتیب، ارزش افزوده فرآورده‌های کشاورزی بیشتر می‌شود. در کشورهای پیشرفته، اگرچه سهم کشاورزی در اشتغال و تولید ناخالص ملی در مقایسه با بخش‌های دیگر کم است، سهم فعالیت‌های جنبی وابسته به کشاورزی نسبتاً زیاد و در حال افزایش است (سلطانی و نجفی، ۱۳۷۵).

بخش کشاورزی استان برای فعالیت بسیاری مشاغل جنبی خدماتی، صنعتی و تجاری از قبیل صنایع ایجاد ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی، تجارت لوازم یدکی، تجارت ماشین‌آلات کشاورزی و نهاده‌های بذر، سم، کود شیمیایی و غیره، تعمیرگاه‌های ماشین‌های کشاورزی، داروخانه‌های دامپزشکی، تجارت نهاده‌های مورد نیاز، پرورش دام و طیور و آبزیان، شرکت‌های خدماتی فعال در زمینه بوجاری بذر، تأسیس گلخانه، اجرای طرح‌های آبیاری تحت فشار، و غیره زمینه‌های لازم را ایجاد کرده است و مجموع این فعالیت‌ها نقش مهمی را در اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد برای خانوارهای استان ایفا می‌کند. جدول ۷ نشان‌دهنده تعدادی از واحدهای اقتصادی است که در زمینه خدمات‌رسانی به بخش کشاورزی فعالیت دارند.

جدول ۷ - واحدهای اقتصادی فعال در زمینه خدمات رسانی به بخش کشاورزی

ردیف	نوع فعالیت	تعداد
۱	تولید مکمل های دامپزشکی	۲
۲	تولید سموم دامی	۲
۳	سردخانه	۴
۴	داروخانه دامپزشکی	۱۷
۵	تولید ادوات و ماشین آلات کشاورزی	۱۱
۶	تولید کود گیاهی	۲
۷	تولید کود شیمیایی	۱۲
۸	تولید تأسیسات گلخانه	۶

مأخذ: سازمان جهاد کشاورزی استان یزد، ۱۳۸۴ الف

۵ - ایجاد شرایط مناسب برای زندگی و فعالیت های اقتصادی

با توجه به اینکه ۲۵ درصد جمعیت استان یزد در روستاها زندگی می کنند، به دلیل واقع شدن این استان در مرکز کشور، بخش کشاورزی علاوه بر ایفای نقش تولیدی، در بهبود شرایط زیست محیطی و ادامه حیات اجتماعی - اقتصادی نیز نقشی بسیار حساس را بر عهده دارد.

در سال های گذشته، صنایع به خصوص صنایع نیمه سنگین مانند کارخانه های فولاد، لاستیک، سیمان، ذوب روی، و غیره با استقرار در استان باعث آلودگی هوا، آب و خاک شده اند. برای جبران زیان های ناشی از آنها، باید فضای سبز موجود گسترش یابد و یا حداقل حفظ شود. بنابراین، اهمیت بخش کشاورزی به خصوص زیربخش باغبانی در ایجاد شرایط مناسب زندگی و انجام فعالیت های اقتصادی و جاذبه های گردشگری به ویژه در مناطق خوش آب و هوای کوهستانی استان مشخص می شود.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این مطالعه حاکی است که علی‌رغم تمام محدودیت‌های تولید در خصوص محدودیت منابع آب (آب انتقالی به استان تنها برای استفاده آشامیدنی مردم شهر یزد است) کیفیت پایین آب مورد استفاده، وقوع مکرر خشکسالی، کوچک بودن واحدهای بهره‌برداری دهقانی، و کم‌سودی و بالا بودن میانگین سنی بهره‌برداران - که با توجه به قرار گرفتن استان در منطقه‌ای کویری، وجود بسیاری از این محدودیت‌ها واقعیتی انکارناپذیر است - بخش کشاورزی در تمام زمینه‌ها از جمله عرضه نیروی کار، اشتغال‌زایی، تأمین مواد غذایی و مواد خام صنعتی، صادرات محصولات و غیره در فرآیند اقتصادی استان نقشی مثبت را بر عهده داشته است، به‌طوری که در سال ۱۳۸۱، با ۱۶۸۹ میلیارد ریال ارزش افزوده، بعد از بخش صنعت با ۲۵۴۱ میلیارد ریال ارزش افزوده، دارای بالاترین ارزش تولید بوده است. کم توجهی به این بخش می‌تواند به رکود و ورشکستگی واحدهای بهره‌برداری کشاورزی، کاهش امنیت غذایی و استانداردهای زیست‌محیطی استان و افزایش مهاجرت از مناطق روستایی و خالی شدن گستره وسیعی از اراضی استان از جمعیت و فعالیت اقتصادی منجر شود؛ از طرف دیگر، با توجه به عدم مبارزه علمی و فنی مؤثر با تنگناها و محدودیت‌های بخش کشاورزی استان، به علت گستردگی این فعالیت در سطح حدود ۱۲۸ هزار هکتار اراضی زیرکشت و در پهنه ۱۳۰ هزار کیلومتر مربع مساحت، و به دلیل امکانات و سرمایه‌گذاری‌های دولتی موجود، لازم است برای مقابله با محدودیت‌های موجود و افزایش سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص استان، با ایجاد بستر مناسب، سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی در این بخش افزایش یابد. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که بهره‌برداران بخش کشاورزی خدماتی متناسب با نقش خود در اقتصاد دریافت نکرده‌اند، به‌طوری که بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵، میزان بی‌سودی در جامعه روستایی استان ۲۳ درصد بیش از مناطق شهری و خدمات آموزش کشاورزی و بهداشتی در مناطق روستایی کمتر از حد نیاز است. همچنین، با توجه به اینکه بزرگ‌ترین عامل محدودکننده و تهدیدکننده بخش کشاورزی استان کمبود منابع آب است، کمبود

سرمایه‌گذاری دولتی در زمینه احداث استخرهای ذخیره آب، پوشش نهرها، جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی مشهود است. به عبارت دیگر، به رغم بالا بودن متوسط راندمان استفاده از آب در این استان (۴۰ تا ۴۲ درصد) در مقایسه با متوسط کشور (۳۶ تا ۳۸ درصد) (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۳)، لازم است بهره‌وری استفاده از آب به نحو چشم‌گیری افزایش یابد و تحقق آن ممکن نیست مگر به کمک پوشش کامل نهرهای سنتی، استفاده از فناوری‌های جدید مانند آبیاری تحت فشار در مناطق مساعد، ساخت استخرهای ذخیره آب، و گسترش عملیات آبخیزداری همزمان با احیای منابع طبیعی در مناطق بالادست حوزه آبخیز.

پیشنهادهای

به منظور تقویت نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی استان، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱ - افزایش درآمد کشاورزان ضروری است و از این‌رو، در برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی استان، باید با تأکید بر آن، برنامه‌های خاصی برای بهبود وضع درآمدی روستاییان تدوین شود. بر این اساس، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

الف- توسعه فعالیت‌های صنایع روستایی و ایجاد مشاغل جنبی بخش کشاورزی از سوی بخش خصوصی به کمک مشوق‌ها و ارائه تسهیلات بخش دولتی؛

ب- ارائه تسهیلات و کمک‌های بلاعوض به منظور افزایش راندمان استفاده از آب از طریق پوشش نهرها و ساخت استخر ذخیره آب و به‌کارگیری فناوری‌های جدید مانند آبیاری تحت فشار؛

ج- کسب و ارائه اطلاعات درست در زمینه بازاریابی محصولات کشاورزی از سوی سازمان‌های ذی‌ربط دولتی می‌تواند به افزایش درآمد تولیدکنندگان از طریق افزایش سهم دریافتی از قیمت نهایی مصرف‌کننده منجر شود.

۲- یکی از عوامل مهم در ایجاد انگیزه برای مهاجرت روستاییان وجود جاذبه‌های تفریحی و سایر امکانات موجود در مراکز شهری است. از این‌رو، ضمن جبران کندی

روند عمران و آبادانی روستاها در سال‌های گذشته، ضروری است نسبت به افزایش اعتبارات عمرانی و انجام فعالیت‌های زیربنایی اقدام شود.

یادداشت‌ها

۱. Simon Kuznets

منابع

- سازمان جهاد کشاورزی استان یزد (۱۳۸۴الف)، *آمارنامه کشاورزی استان یزد*. یزد: سازمان جهاد کشاورزی استان یزد، مدیریت طرح و برنامه.
- سازمان جهاد کشاورزی استان یزد (۱۳۸۴ب)، *گزارش وضعیت دامپروری استان یزد*. یزد: سازمان جهاد کشاورزی استان یزد، معاونت امور دام.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد (۱۳۷۶)، *سالنامه آماری ۱۳۷۵*. یزد: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد.
- ____ (۱۳۸۱)، *سالنامه آماری ۱۳۸۰*. یزد: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد.
- ____ (۱۳۸۴)، *سالنامه آماری ۱۳۸۳*. یزد: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد.
- سالم، جلال و همکاران (۱۳۸۳)، *نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی استان*. یزد: سازمان جهاد کشاورزی استان یزد.
- سلطانی، غلامرضا و نجفی، بهاءالدین (۱۳۷۵)، *اقتصاد کشاورزی*. تهران: نشر دانشگاهی.
- قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۲)، *اقتصاد رشد و توسعه*. جلد ۱ و ۲، تهران: نشر نی.
- گمرک استان یزد (۱۳۸۱)، *آمارنامه صادرات سال‌های ۱۳۷۶-۸۰ استان یزد*. یزد: گمرک استان یزد.
- نجفی، بهاءالدین (۱۳۸۳)، «نقش عشایر در توسعه اقتصادی ایران». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۷، شماره ۴.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۳)، *کشاورزی در آئینه آمار*. تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶

روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن*

مسعود مهدوی، پژمان رضایی، مجتبی قدیری معصوم**

چکیده

آمایش سرزمین و توسعه کشور نیازمند توجه ویژه به تمامی عرصه‌ها و زیستگاه‌های شهری، روستایی و عشایری است. در این میان، جامعه عشایر به خاطر محرومیت و شرایط سخت زندگی از جایگاه مهمی برخوردار است و به همین دلیل، سامان‌دهی جامعه عشایر همواره مورد توجه بوده است. از مهم‌ترین بحث‌های مطرح در حوزه سامان‌دهی، اسکان عشایر است. این سیاست که از دوره پهلوی اول با نگرش سیاسی شروع شده و تا برنامه چهارم توسعه کشور (۱۳۸۸-۱۳۸۴) با نگرش توسعه پایدار ادامه یافته است، به شکل‌گیری روستاها یا کانون‌های خودجوش و هدایتی متعددی منجر شده که بی‌توجهی بدان باعث از بین رفتن اعتبارات و دوری از نظم فضایی سرزمین می‌شود. این سیاست برگرفته از دیدگاه‌هایی همچون تغییرات اجتماعی، نوسازی، تأمین نیازهای اساسی، حفظ محیط زیست و راهبرد توسعه پایدار است که

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «بررسی روند شکل‌گیری روستاهای نوظهور ناشی از سیاست اسکان عشایر» (منطقه مورد مطالعه: استان چهارمحال و بختیاری) است که در دانشگاه تهران، از سوی آقای پژمان رضایی به راهنمایی آقای دکتر مسعود مهدوی تدوین شده است.

** به ترتیب عضو هیئت علمی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران؛ فارغ‌التحصیل دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی از دانشگاه تهران؛ و دانشیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران

در هر دوره، با توجه به دیدگاه ویژه، خدمات‌رسانی و ایجاد شرایط اسکان برای این جامعه صورت گرفته است. روستاهای جدید با چالش‌هایی چون سستی همکاری دستگاه‌های اجرایی در زمینه اسکان، ناتوانی مدیریت این روستاها، و مشارکت اندک مردم در فرآیند اسکان روبه‌رو بوده‌اند و از این‌رو، برای فراهم آوردن زمینه پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این کانون‌ها، برخورداری از برنامه‌های کارآمد ضروری خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: عشایر/اسکان/روستاها/جامعه عشایری.

بیان موضوع و هدف تحقیق

جامعه عشایری کشور واقعیتی اجتماعی و بخشی از ساختار تاریخی - فرهنگی است؛ و در پیکره جامعه ملی، عضوی پرکار به شمار می‌رود، به گونه‌ای که هرچند، نسبت جمعیت عشایر کمتر از شهرها و روستاهاست اما تأثیر اقتصادی و اجتماعی، و نقش دفاعی آن انکارناپذیر است. بی‌گمان جامعه عشایری از میراث‌های گران‌قدر و بایسته ایران زمین است که چندین برابر نسبت جمعیتی خود (بیش از ده برابر) در تهیه مواد پروتئینی، به‌ویژه گوشت قرمز، نقش دارد (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴، ج: مقدمه). در طول پنج دهه برنامه‌ریزی نظام‌مند در ایران، با وجود توانایی‌های جامعه عشایری، برنامه‌ای هماهنگ با وضعیت جمعیتی، توانمندی‌ها و میزان نیازهای این جامعه تدوین و اجرا نشده است و بر این اساس، از نظر بسیاری از شاخص‌های توسعه و دسترسی به خدمات، شکاف بزرگی میان این جامعه و جوامع شهری و روستایی وجود دارد.

با توجه به شرایط خاص زندگی عشایری، همواره بحث اسکان عشایر، از زمان پهلوی اول به دلایل سیاسی و امنیتی و دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل خدمات‌رسانی و بالابردن سطح زندگی آنها مطرح بوده است.

از سال ۱۳۷۱، اسکان عشایر صورتی جدی‌تر به خود گرفته است، به‌طوری‌که از برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۸-۱۳۷۴)، با ورود در برنامه‌های کشور، دارای هدف، سیاست و برنامه‌های اجرایی شده است.

اهمیت اسکان عشایر در برنامه‌های توسعه کشور و هدفمندتر شدن آن به شکل‌گیری کانون‌های برنامه‌ریزی شده در کنار کانون‌های خودجوش انجامیده است. کانون‌های اسکان هدایتی به گونه‌ای است که دولت از شناسایی محل مورد نظر برای کانون تا شناسایی خانوارهای مایل به اسکان، تجهیز کانون‌ها، ایجاد شرایط اشتغال، و... حضوری گسترده دارد. اما در کانون‌های خودجوش که از سوی عشایر مکان‌یابی شده‌اند، نقش و حضور دولت کمتر است و بیشتر بدین کانون‌ها خدمات‌رسانی می‌کند. پایه و اساس اسکان عشایر، چگونگی روند شکل‌گیری کانون‌های هدایتی و خودجوش و چالش‌های پیش‌روی آن، موضوعاتی است که در این مقاله پی می‌گیریم.

پایه‌های نظری مربوط به سیاست اسکان عشایر

اسکان عشایر، آغازی برای یک تحول بنیادین در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه عشایر به حساب می‌آید؛ از این‌رو، می‌توان بحث‌های نظری را در پیوند با تغییرات اجتماعی، آثار تغییر، توسعه و فرآیندهای آن، نوسازی، مهاجرت و یکجانشینی، نیاز به پیشرفت، و... در نظر گرفت. دیدگاه‌های موجود در این زمینه را می‌توان در چند گروه طبقه‌بندی کرد، که عبارت‌اند از:

دیدگاه‌های تغییرات اجتماعی

با توجه به اینکه اسکان عشایر زمینه‌ساز تغییرات اساسی در پیوندهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و... در این جامعه خواهد بود، می‌توان دیدگاه‌های تغییرات اجتماعی را از مهم‌ترین شالوده‌های اندیشه‌ای اسکان دانست.

«واگو» تغییر اجتماعی را فرآیندی می‌داند که با جایگزینی کمی و کیفی پدیده‌های اجتماعی صورت می‌گیرد و ممکن است با برنامه و یا بی‌برنامه باشد (واگو، ۱۳۷۲: ۱۳). در تعریفی دیگر، تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رؤیت در گذر زمان؛ به

صورتی که موقتی و کم‌دوام نباشد، بر ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد، و جریان تاریخی آن را دگرگون سازد (روشه، ۱۳۶۶: ۲۶).

در یک نگاه کلی، دیدگاه‌های تغییرات اجتماعی را می‌توان به دو دسته دیدگاه‌های کلاسیک و معاصر طبقه‌بندی کرد (Peroll, 1987: 48). در دیدگاه‌های کلاسیک، جوامع در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی، از مراحل ویژه رشد و پیشرفت گذر می‌کنند و ویژگی این مراحل، حرکت از ساده و ناقص به پیچیده و کامل است.

در دیدگاه‌های تغییر اجتماعی معاصر، از دیدگاه‌های کارکردی، ستیز و کنش متقابل سخن گفته شده است. در این دیدگاه‌ها، جامعه را اجزای به هم پیوسته‌ای می‌دانند که برای حفظ تعادل نظام با یکدیگر ارتباط دارند؛ با اختلال در کارکرد این اجزا، تغییر پدید می‌آید و برای به دست آوردن تعادل مجدد، تغییرات دیگری مورد نیاز است که شاید از بیرون یا درون جامعه ناشی شود (جوادی یگانه و لاخانی، ۱۳۸۰: ۷۶).

آنچه بیش از همه در مورد اسکان عشایر درست به نظر می‌آید، تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده است، چرا که در چند دهه اخیر، اسکان عشایر با مداخله کارگزاران دولت و با بهره‌گیری از برنامه‌های ویژه صورت می‌گیرد که این رویکرد با نظریه تغییر اجتماعی برنامه‌ریزی شده پیوندی تنگاتنگ دارد. در تعریف این نوع تغییر اجتماعی، چنین آمده است: کوشش‌های عمومی، آگاهانه و یکدست سازمان‌های ایجادکننده تغییر برای بهبود عملکرد نظام‌های اجتماعی (واگو، ۱۳۷۲: ۲۶۸).

با توجه به اینکه بعد از اسکان جامعه عشایری، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، و... در این جامعه دستخوش دگرگونی‌هایی می‌شود، می‌توان در تمام دوره‌های اسکان، نظریه‌های تغییر اجتماعی را برای آن در نظر گرفت.

دیدگاه‌های ناظر بر توسعه و نوسازی

یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که در چند دهه گذشته بسیاری از کشورهای جهان به ویژه کشورهای جهان سوم را تحت تأثیر قرار داده است، دیدگاه نوسازی است.

در دیدگاه نوسازی، توسعه در چشم‌اندازی پیش‌رونده نگریسته می‌شود و وضعیت توسعه‌نیافتگی برحسب تفاوت‌های قابل مشاهده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی بین ملت‌های فقیر و غنی تعریف می‌شود. در این دیدگاه، توسعه به مثابه ایجاد پلی بین این شکاف‌هاست که از طریق فرآیندی تقلیدی به وجود می‌آید. در این فرآیند، کشورهای کمتر توسعه‌یافته به تدریج ویژگی‌های کشورهای صنعتی را به خود می‌گیرند (هتته، ۱۳۸۱: ۹۲).

«رابرت وارد» نوسازی را حرکتی به سوی جامعه نو تعریف می‌کند (Ward, 1963: 59). «ویلبرت مور» نیز نوسازی را دگرگونی «کامل» جامعه سنتی و پیوند آن با جهان نوین می‌داند (Moor, 1965: 6). از نظر «فرانسیس آبراهام»، نوسازی فرآیندی پیچیده و چندلایه برای توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تغییرات در نگرش‌ها، و انقلاب در ارتباطات است (Abraham, 19۹۸: 5). مکتب نوسازی از لحاظ نظری، از یک‌سو، ریشه در پایه‌های تکاملی و، از سوی دیگر، ریشه در پایه کارکردگرایی دارد. در پایه تکاملی، تحول همواره به سمت و سوی یک مقصد پیشرفته‌تر است و به آرامی جوامع ساده را به جوامع پیچیده تبدیل کرده است.

پایه کارکردگرایی نیز بر این باور است که جامعه همانند موجودات زنده دارای اجزایی است که هر کدام از آنها ویژگی‌های مخصوص به خود دارند. با این تفسیر، مکتب نوسازی و دیدگاه‌های نوسازی بیشتر از این دو آبشخور فکری سیراب شده‌اند (ساعی، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۳).

مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب نوسازی عبارت‌اند از:

- نوسازی فرآیندی است که باید جوامع عقب‌مانده بگذرانند تا بتوانند به کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته برسند؛
- توسعه در همان سمتی که کشورهای توسعه‌یافته غربی طی کرده‌اند، صورت می‌گیرد (هریسون، ۱۳۷۶: ۴۴)؛

- در این مکتب، مشکلات اصلی توسعه به طور گسترده مشکلات درونی اند و بر آنها تأکید ویژه می‌شود؛

- شرط اساسی تحول از جامعه سنتی به جامعه نوین و پیشرفته تبدیل نظام ارزشی سنتی به نظام ارزشی نوین و پذیرش الگوهای رفتاری چنین جوامعی است؛ از همین رو، برخی از نویسندگان، بایسته‌ترین ویژگی نوسازی را خردگرایی می‌دانند که بر اساس آن، فرآیندهای اندیشیدن در سطح فردی دگرگون می‌شود و به کل چارچوب نهادی جامعه نیز سرایت می‌کند (عربی و لشکری، ۱۳۸۳: ۲۹).

این دیدگاه بیش از هر دیدگاه دیگری بر اسکان عشایر کشور تأثیر گذاشته و همواره از زمان پهلوی اول تاکنون با شدت و ضعف‌هایی بدان توجه شده است. از این رو، تأکید بر اسکان عشایر برای دستیابی به زندگی توسعه‌یافته‌تر و خروج از انزوا بوده است.

دیدگاه‌های یکجانشینی، شهرنشینی و مهاجرت

در این دیدگاه‌ها یکجانشینی و شهرنشینی، الگوی جدید زندگی اجتماعی انسان‌هاست. عده زیادی از صاحب‌نظران بر این باورند که سکونت در شهرهای بزرگ به خودی خود زندگی روانی و اجتماعی فرد را دگرگون می‌سازد و چیزی در نهاد این نوع زندگی است که انسان را عوض می‌کند.

شهرنشینی از شاخص‌های کلیدی نوگرایی محسوب می‌شود. شهرها در مقایسه با روستاها [و عشایر] بسیار بزرگ‌ترند و شناخت دگرگونی‌ای که در ساختار اجتماعی و شخصیت افراد در اثر بزرگ‌تر شدن شهرها نسبت به روستاها روی می‌دهد، اهمیت بسیار دارد (ازکیا، ۱۳۷۸: ج ۲، ۱۰).

دیدگاه‌های پیوسته با مهاجرت نیز در حد قابل توجهی بیان‌کننده شرایط اسکان و دگرگونی‌های مکانی است که منجر به تغییرهای مختلف اجتماعی می‌شود و پیوستگی نزدیکی با جابجایی‌های جامعه عشایری و به‌ویژه مهاجرت جوانان عشایر و اسکان آنها

در روستاها و شهرهای مختلف دارد. به طور کلی، دیدگاه‌های مهاجرت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف- دیدگاه‌های کلاسیک (به‌ویژه کارکردگرایانه)؛ ب- دیدگاه‌های وابستگی (تضادگرایانه)؛ و ج- دیدگاه‌های سیستمی (سازمان برنامه و بودجه استان ایلام، ۱۳۷۲: ۶۲). سنت دیدگاه‌های کارکردگرایانه مهاجرت بر بررسی انگیزه‌ها و پیامدهای مهاجرت استوار است و صاحب‌نظران این دیدگاه در باره انگیزه‌های مهاجرت بر این باورند که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوب ساختارهای اجتماعی آموخته می‌شوند (Merton, 1975). در دیدگاه‌های کارکردگرایان، مهاجرت‌ها ویژگی‌هایی کارکردی‌اند و فرآیند حرکت توده‌های روستایی به شهرها این‌گونه توجیه می‌شود که شهرها نیازمند نیروی انسانی است و به واسطه این نیاز با بی‌تعادلی روبه‌رو می‌شود. این نظریه مهاجرت را پیرو عرضه و تقاضا می‌داند (سازمان برنامه و بودجه استان ایلام، ۱۳۷۲: ۶۰-۶۱).

بر اساس دیدگاه وابستگی، مهاجرت در پیوند با نابرابری در توسعه توجیه و بیان می‌شود. این دیدگاه می‌گوید: مهاجرت از یک سو، نتیجه توسعه نابرابر و از سوی دیگر، عامل گسترش این توسعه نابرابر است (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۷).

دیدگاه سیستمی از برآیند دو دیدگاه وابستگی و کارکردگرا شکل می‌گیرد و تنها به یک عامل توجه نمی‌کند (سازمان برنامه و بودجه استان ایلام، ۱۳۷۲: ۶۴)؛ این نکته در برابر دیدگاه کارکردی قرار دارد که مهاجرت در جهان سوم را به علت نوسازی در جامعه امری اختیاری می‌داند و نیز در برابر دیدگاه وابستگی است که مهاجرت را امری اجباری قلمداد می‌کند (به خاطر نبود توسعه یک محیط نسبت به محیط دیگر)؛ از این رو، دیدگاه سیستمی تلفیقی از هردو را بیان کرده است (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۱-۲۲). در جامعه عشایری، دیدگاه سیستمی از زمان پهلوی دوم تاکنون قابل توجیه است و با این دیدگاه می‌توان بسیاری از مهاجرت‌های جامعه عشایری را بررسی کرد.

دیدگاه‌های اجتماعی که بر عدالت اجتماعی و فقرزدایی تأکید دارند

در رویکرد اجتماعی، به جنبه‌های اجتماعی توسعه بیش از جنبه‌های اقتصادی و فضایی - کالبدی توجه می‌شود. از دهه ۱۹۷۰، توجه به ویژگی‌های اجتماعی گسترش پیدا کرد و هم‌سو با این رویکرد، دست‌کم سه راهبرد «تأمین نیازهای اساسی»، «توسعه اجتماعات محلی» و «مشارکت مردم در توسعه روستایی» قابل توصیف است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

در راهبرد «تأمین نیازهای اساسی»، تلاش می‌شود افراد فقیر به حداقل نیازهای خود دسترسی پیدا کنند و یا دست‌کم شرایطی فراهم شود که به موجب آن، فرد مورد بررسی فقیر تلقی نشود (Ravallion, 1998). هسته اصلی این رهیافت در تمایل به عدالت اجتماعی و بهزیستی نهفته است. این رهیافت در روستاها بر اصلاحات ارضی و دادن زمین به کشاورزان فقیر تأکید دارد (وبستر، ۱۳۸۱: ۲۸).

از جمله انتقادهای وارد بر این راهبرد این است که افزایش نرخ وابستگی و نیز تحمیل یک نظام خدماتی پرهزینه به دولت را موجب می‌شود (مهندسان مشاور D.H.V. هلند، ۱۳۷۱: ۴۱). به طور کلی، می‌توان گفت این راهبرد بر بهبود زندگی روستایی تأثیر چندانی نگذاشت و بیشتر به جلوه‌های فقر پرداخت؛ و هرچند، در مواردی موفقیت‌هایی کسب کرد اما در مدت کوتاهی، برداشتهای شک برانگیز زیادی در مورد آن مطرح شد (Misra and Bhooshan, 1981: 45).

این دیدگاه به‌ویژه در سال‌های اول انقلاب اسلامی مورد توجه بوده و بسیاری از خدمات‌رسانی‌ها به جامعه روستایی و عشایری بر اساس همین دیدگاه صورت گرفته است.

دیدگاه‌هایی که بر حفظ محیط زیست و توسعه پایدار تأکید دارند

از دید راهبرد زیست‌محیطی، بشر جزئی از زیست‌بوم است و باید به زیست‌بوم به صورت یک کل نگریست که در آن، بین محیط و موجودات زنده پیوند متقابل وجود دارد. با توجه به محدودیت‌های توانمندی محیط زیست، با افزایش جمعیت، این محیط رو به نابودی می‌گذارد. چنانچه یک زیست‌بوم به نقطه غیرقابل بازگشت برسد،

برنامه‌های بهبودسازی بی‌فایده و غیراقتصادی می‌شود. از این رو، باید اقدامات انسان‌ها در عرصه محیط زیست کنترل شود. براین اساس، سیاست بیشتر کشورهای جهان سوم برای جلوگیری از نابودی محیط زیست بر تصویب قانون‌های محدودکننده و ایجاد محدودیت‌هایی برای کاهش دسترسی فقرای روستایی بر منابع محیطی مبتنی بوده است (توکلی، ۱۳۸۳: ۴۴۶-۴۴۷).

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد در بسیاری از کشورهای جهان سوم که بدین‌گونه سیاست‌ها توجه شده است، بخش‌های فقیرتر جامعه - به‌ویژه کسانی که برای تأمین نیازهای خود به منابع طبیعی وابسته‌اند - در بیشتر موارد به فراموشی سپرده می‌شوند و مدیریت نواحی حفاظت شده بیشتر به افزایش فقر می‌انجامد (Wunder, 2001: ۱۸-۱۹).

با توجه به پیوند مستقیم جامعه عشایری با طبیعت، دیدگاه زیست‌محیطی توجه زیادی بدان دارد. براساس این دیدگاه، چرای دام‌های مازاد بر مراتع، از یک سو، و نابودسازی بسیاری از درختان و بوته‌ها برای سوخت، از سوی دیگر، باعث نابودی محیط زیست شده است و از این رو، باید عشایر اسکان یابند؛ در حقیقت، این دیدگاه با جامعه عشایری به صورت محدودکننده رفتار می‌کند.

از زمان ملی شدن مراتع و جنگل‌ها تاکنون، این دیدگاه زمینه‌ساز بسیاری از کارهای انجام شده در زمینه اسکان عشایر بوده است.

راهبردی که در دهه‌های اخیر در بسیاری از جوامع بدان توجه شده و جای راهبردهای دیگر توسعه را گرفته است، راهبرد توسعه پایدار است. از دهه ۱۹۸۰، در پی نقد دیدگاه‌های مرسوم نوسازی، به‌تدریج راهبرد توسعه پایدار آشکار شد، و عواملی همچون آگاهی محیطی، پیوند بین اقتصاد، دانش، سبک زندگی و... از جمله مهم‌ترین انگیزه‌های پیدایش آن به شمار می‌رفت (Pugliese, 2001: 113).

در تعریف توسعه پایدار آمده است که: «توسعه و حفاظت از طبیعت (توسعه) پایدار عبارت است از جستجو برای روشی از پیشرفت اقتصادی که رفاه نسل‌های آینده را به خطر نیندازد (زارع سلماسی، ۱۳۷۴: ۱۹)؛ یا به بیان دیگر، برآوردن نیازهای نسل کنونی

بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای خود (سینایی، ۱۳۷۴: ۳۴).

با توجه به جنبه‌های گوناگون توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی، بوم‌شناختی) و نگاه یکپارچه به جوامع، جامعه عشایری نیز به صورت یکپارچه و در تمام جنبه‌ها مدنظر قرار می‌گیرد و این بار توجه به سامان‌دهی جامعه عشایری هم برای حفظ محیط زیست است و هم به منظور توسعه و فقرزدایی.

به‌ویژه در برنامه چهارم توسعه بعد از انقلاب، این دیدگاه در مورد جامعه عشایری اعمال شد و تدوین بسیاری از سیاست‌ها بر پایه این راهبرد صورت گرفت.

الگوهای اسکان

در یک تقسیم‌بندی، سه نوع اسکان را می‌توان برای جامعه عشایری در نظر گرفت، که عبارت‌اند از:

- اسکان اجباری یا دگرانگیخته

- اسکان خودانگیخته

- اسکان برنامه‌ای

اسکان اجباری ممکن است در اثر فشار و جبر حکومتی، دگرگونی بادوام شرایط طبیعی و اقلیمی، و دگرگونی عملکردهای اقتصادی در سطوح منطقه‌ای انجام شود (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰)، یا بر اثر اختلاف‌های درونی ایل، فقر خانوارها، ازدواج، و تحصیل فرزندان به وجود آید. (کشاورز، ۱۳۵۵: ۵۱-۵۶).

می‌توانیم نمونه‌هایی از اسکان اجباری در دوره‌های افشاریه، صفویه، و دیلمیان (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰: ۶۵-۶۶)، و نیز در دوره رضاخان - که با عنوان «تخت قاپو» مطرح بود - را یادآور شویم (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳: ۸).

از نظر اقتصادی و طبیعی نیز قطع آب رود هیرمند و مهاجرت و اسکان سیستانی‌ها در گلستان، و ایجاد کشت و صنعت مغان و اسکان اجباری بسیاری از عشایر شاهسون

به خاطر از بین رفتن مراتع قشلاقی آنها قابل توجه است (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰: ۶۵-۶۷).

در اسکان خودانگیخته، فشار سیاسی و طبیعی حاکم نیست و افراد کوچ‌نشین با میل و رغبت به یکجانشینی رو می‌آورند، و اسکان آنها بیشتر ماهیت اقتصادی دارد (افضلی، ۱۳۷۸: ۴۱-۴۲). در این جنبه، اسکان بیشتر برای خانواده‌های فقیر و ثروتمند عشایری معنی دارد، چرا که خانوارهای فقیر به دنبال کسب درآمد بیشتر و خانوارهای ثروتمند برای استفاده از شرایط رفاهی بهتر اسکان می‌یابند.

اسکان خودانگیخته بازگوی وقایع یکجانشینی است که از دهه ۱۳۳۰، خواه به صورت فردی و خواه به صورت گروهی شروع شد و از آنجا که در این دوره، اجباری برای اسکان در کار نبود، می‌توان نتیجه گرفت که پیدایش انگیزش درونی در خانوار برای اولین بار بر برتری نسبی اسکان استوار شده است. به دیگر سخن، گرایش به اسکان خودانگیخته با برتری اقتصادی یکجانشینی در مقایسه با کوچ‌نشینی همراه بوده است (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰: ۷۱-۷۳).

اسکان برنامه‌ای بیشتر با اهداف عمرانی همراه است. در این نوع اسکان، دولت و حکومت مرکزی برنامه‌های ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی در نظر دارد و با هزینه‌کرد اعتبارات گسترده، در اسکان جامعه عشایری و ایجاد سطحی از توسعه در آن همپای جوامع یکجانشین تلاش می‌کند.

این نوع اسکان از زمان پهلوی دوم آغاز شد و بعد از انقلاب اسلامی، به اوج خود رسید؛ و به‌ویژه در برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه کشور، برای اسکان عشایر، اهداف از پیش تعریف شده در نظر گرفته شد و در واقع، این کار مهم‌ترین سیاست برای سامان‌دهی جامعه عشایر بود، چرا که بیشتر اعتبارات مناطق عشایری به همین سیاست اختصاص داشت.

نتیجه این نوع برنامه‌ریزی برای اسکان، پیدایش کانون‌های اسکان هدایتی در کنار کانون‌های خودجوش (که نمایانگر اسکان خودانگیخته بودند) است.

کانون‌های هدایتی که نمایانگر اسکان برنامه‌ای است، از مطالعه در مراحل اجمالی، نیمه‌تفصیلی، و تفصیلی (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷: ۸۴-۸۵) تا عملیات اجرایی اسکان را در بر می‌گیرد.

از جمله اولویت‌های ارائه خدمات به کانون‌های هدایتی عبارت‌اند از تعداد خانوار داوطلب اسکان در کانون، سرانه زمین‌های کشاورزی عشایر داوطلب اسکان، امکان تأمین آب کشاورزی به صورت ثقلی، سهم سرانه مشارکت عشایر داوطلب اسکان در پروژه‌های تجهیز منابع آب و هموارسازی اراضی، هزینه سرانه فرصت شغلی در کانون و هزینه سرانه تأمین خدمات زیربنایی کانون شامل راه دسترسی، آب آشامیدنی، برق، و... (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۷۹: ۲۵-۲۶).

تدوین ضوابط خدمات‌رسانی به کانون‌های عشایر بر اساس جمعیت، فضاهای هموار و ناهموار، مشخص کردن وظیفه دستگاه‌های مختلف برای فعالیت در عرصه‌های عشایری، و... تأثیر قابل توجهی در روند شکل‌گیری این روستاها داشته است.

به طور کلی، نتیجه برنامه‌های مختلف برای اسکان عشایر در دوره‌های مختلف به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی اسکان ۵۲۶۱ خانوار در برنامه اول، اسکان ۲۱۹۳۹ خانوار در برنامه دوم، اسکان ۲۱۳۵۸ خانوار در برنامه سوم، و اسکان ۲۶۹۷ خانوار در سال اول برنامه چهارم بوده است.

در زمینه مطالعات نیز مطالعه مقدماتی و جامع ۱۰۷ زیست‌بوم، مطالعه مقدماتی ۳۰۲ کانون، مطالعه نیمه‌تفصیلی ۱۵۰ کانون، و مطالعه تفصیلی ۱۶۳ کانون صورت گرفته است. همچنین، تاکنون ۹۷۲ کانون، شامل ۲۴۴ کانون برنامه‌ریزی و ۷۲۸ کانون خودجوش، در سطح کشور شناسایی شده است. پراکندگی این کانون‌ها به تفکیک استان و نوع کانون در جدول ۱ نشان داده شده است.

با توجه به پیدایش نزدیک به ۱۰۰۰ کانون در ساختار زیست‌گاهی کشور و اهمیت این کانون‌ها در جذب تعداد زیادی از جمعیت، برخورداری از برنامه‌های هدفمند برای استواری این کانون‌ها و پیوند آنها با سایر سکونت‌گاه‌ها به آمایش سرزمین و نظم فضایی کشور در بلندمدت خواهد انجامید؛ و برای رسیدن بدین مهم، باید مهم‌ترین

چالش‌های پیش‌روی این روستاهای جدید و جامعه عشایر را شناخت و برای کاهش مشکلات به برنامه‌ریزی‌های ویژه پرداخت.

جدول ۱- تعداد کانون‌های شناسایی شده خودجوش و هدایتی به تفکیک استان

تعداد کانون‌ها		استان
خودجوش	هدایتی	
۶	۶	آذربایجان شرقی
۱۸۱	۳	آذربایجان غربی
۱۴	۸	اردبیل
۱۶	۱۳	اصفهان
۲	۵	ایلام
-	۲	بوشهر
۱۶	۴	تهران
۷	۱۵	چهارمحال و بختیاری
۶۶	۶	خراسان جنوبی
۳۶	۳	خراسان رضوی
۲۴	۳	خراسان شمالی
۴۶	۱۴	خوزستان
۱۹	-	سمنان
۱۰۳	۲۱	سیستان و بلوچستان
۴۴	۴۳	فارس
۴۷	۵۶	کرمان
۳۴	۲۳	کرمانشاه
۳	۶	کهگیلویه و بویراحمد
-	۴	گلستان
۵	۲	لرستان
۴۲	-	مرکزی
۱	-	همدان
۱۹	۷	هرمزگان
۷۲۸	۲۴۴	جمع

مأخذ: سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۵ ب)

چالش‌ها

نبود جایگاه مناسب در نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور

ابتدایی‌ترین شرط شکل‌گیری توسعه در مناطق عشایری وجود جایگاهی مناسب برای برنامه‌ریزی توسعه در ساختار برنامه‌ریزی کشور است. واقعیت این است که ساختار موجود بیشتر ماهیت بخشی دارد و هر بخش و حتی زیربخش برای خود به طور مستقل برنامه‌ریزی می‌کند، و تلفیق برنامه‌ها بیشتر به چیدن اجزای ناسازگار و ناهمگون شبیه است تا تلفیق واقعی برنامه‌های متنوع بخش‌های اقتصادی. نتیجه مشخص این است که در وضعیت موجود جایگاهی برای تدوین برنامه توسعه مناطق عشایری وجود ندارد؛ که البته به لحاظ فنی، باید یک برنامه جامع وجود داشته باشد. در دهه‌های اخیر، به فعالیت‌های فیزیکی نارسا و معطوف به حمایت از اسکان عشایر بیشتر پرداخته شده و توسعه زیربنای مدنظر بوده است.

نبود جایگاه مشخص در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

سابقه تاریخی حضور عشایر در متن قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، به برنامه دوم (۱۳۷۴-۷۸) باز می‌گردد که در آن، به اسکان ۲۰ هزار خانوار عشایری طی برنامه پنج‌ساله تأکید شده است. نکته‌ای که لازم به یادآوری است، «تدوین نشدن آیین‌نامه اجرایی اسکان اختیاری عشایر» در طول برنامه پنج‌ساله دوم است. با وجود عوامل اساسی بازدارنده، بدیهی به نظر می‌رسد که هدف کمی یاد شده تحقق نیابد؛ این عوامل عبارت‌اند از:

- وجود پیچیدگی در عبارت متن قانون در باره تعریف موضوع و موکول شدن آن به آیین‌نامه اجرایی و برداشت‌های مختلف، ناسازگار و ساده‌انگارانه از اسکان؛
- عدم تدوین آیین‌نامه اجرایی در طول برنامه پنج‌ساله دوم توسعه؛
- عدم برخورداری از توانمندی لازم برای اسکان عشایر؛

- پیچیده و زمان‌بر بودن فرآیند ایجاد هماهنگی با سایر دستگاه‌ها و نبود اختیار کافی برای سرعت بخشیدن به روند اسکان؛

- عدم تحقق بودجه پیش‌بینی‌شده برای سازمان دولتی مسئول.

در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) نیز هرچند، موضوع سامان‌دهی به کوچ و حمایت از اسکان عشایر در موارد گوناگون قانون گنجانده شده و راهکارهای مناسبی نیز از سوی ستاد برنامه سوم و هیئت وزیران در این زمینه تدوین و تصویب شده اما اهداف عملیاتی تا پایان برنامه سوم نهایی و اعلام نشده است.

واقعیت این است که ابزار عملیاتی اهداف برنامه‌ها، سازوکارهایی است که در دو برنامه اخیر، حتی تصویب نشده است، چه رسد به آنکه عملی شود. سازوکار توزیع اعتبارات استانی و شهرستانی نیز از مسائل مهم در این زمینه به شمار می‌آید (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۳: ۱۳ و ۱۴).

در برنامه چهارم توسعه کشور (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نیز با وجود نقاط قوت فراوان، متأسفانه در زمینه جامعه عشایری کشور با واقع‌نگری برخورد نشده است، و به‌ویژه با تعیین هدف کمی اسکان ۵۰ درصد عشایر کشور تا پایان برنامه (بند ب ماده ۱۹ قانون برنامه چهارم)، بدون در نظر گرفتن فرآیند زمان‌بر اسکان و تعیین محل تأمین اعتبارات این هدف، اجرای آن با پیچیدگی زیادی روبه‌رو شده است.

هرچند، تصویب آیین‌نامه سامان‌دهی عشایر در سال ۱۳۸۴ گامی بسیار مهم در زمینه توسعه جامعه عشایری محسوب می‌شود (آیین‌نامه شماره ۱۸۶۸۸/ت ۳۲۴۶۷ هـ مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۹) اما عدم همکاری و یا ضعف همکاری بسیاری از دستگاه‌های اجرایی هم‌پیوند با جامعه عشایری، محدودیت اعتبارات و... تاکنون اجازه نداده است تا با جامعه عشایر به صورت یکپارچه و برنامه‌ریزی شده برخورد شود.

مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه اسکان عشایر

- برداشت‌های متفاوت از اسکان؛
 - ساده‌انگاری اسکان و عدم تبیین آن به صورت یک فرآیند پیچیده و زمان‌بر؛
 - عدم تأمین پیش‌نیازها و بایسته‌های اسکان و سامان‌دهی جامعه عشایر؛
 - بی‌توجهی به توانمندسازی بایسته برای اجرای اسکان؛
 - محدودیت‌های منابع آبی و خاکی در قلمرو عشایر برای اسکان؛
 - تصمیم‌گیری‌های غیرمرسوم برای اراضی محدوده زیست عشایر بدون توجه به حقوق عرفی این جامعه؛
 - مطالعات، برنامه‌ریزی و هدایت سلیقه‌ای اسکان عشایر؛
 - ذهنیت منفی جامعه عشایری نسبت به موفقیت اسکان با توجه به پیشینه تاریخی؛
 - بروز برخی ناهنجاری‌ها در کانون‌های اسکان (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۲)؛
 - سستی همکاری دستگاه‌های اجرایی هم‌پیوند برای فعالیت در کانون‌های اسکان؛
 - سستی مشارکت مردم در فرآیند اسکان و در نتیجه، ناپایداری بسیاری از کانون‌ها به‌ویژه کانون‌های هدایتی؛
 - کمبود اعتبارات در زمینه تجهیز کانون‌های اسکان؛
 - نبود انسجام و محدودیت منابع در پیگیری و اجرای طرح سامان‌دهی عشایر؛
 - نگرش بخشی به مسائل عشایری و غفلت از نیازهای پیچیده و فرابخشی این جامعه؛
 - وجود دیدگاه‌های حذفی نسبت به جامعه عشایر.
- این بررسی‌ها نشان‌دهنده گستردگی چالش‌ها و مسائل جامعه عشایری به‌ویژه در حوزه اسکان است و در صورت نبود راهبردها و شیوه‌های مناسب برنامه‌ریزی برای کاستن از این چالش‌ها، شکاف سطح زندگی بین این جامعه و جامعه شهری و روستایی بیش از پیش گسترده می‌شود.

پیشنهادهای

با توجه به اینکه توسعه پایدار جامعه عشایری به‌ویژه پایداری کانون‌های اسکان هدایتی و خودجوش درگرو همکاری عشایر در فرآیند اسکان و درون‌زا شدن این روند است، پیشنهاد می‌شود تا سازمان امور عشایر ایران و سایر دستگاه‌های اجرایی هم‌پیوند، همکاری عشایر در هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند.

همچنین، با توجه به ساختار بخشی برنامه‌ریزی در کشور، سازمان امور عشایر در بلندمدت به سازمانی سیاست‌گذار، هماهنگ‌کننده و برنامه‌ریز برای این جامعه تبدیل شود و امور اجرایی کاملاً به دستگاه‌های اجرایی هم‌پیوند واگذار گردد.

سایر پیشنهادها برای سامان‌دهی جامعه عشایر به‌ویژه اسکان عشایر:

- توجه به رویکرد جامع و راهبرد توسعه پایدار در تمام برنامه‌های توسعه عشایری؛
- افزایش مشارکت عشایر در مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه؛
- اصلاح ساختار موجود در نظام اجرایی و برنامه‌ریزی کشور؛
- افزایش همکاری دستگاه‌های اجرایی هم‌پیوند برای انجام وظایف قانونی در مناطق عشایری به‌ویژه در زمینه حمایت از اسکان عشایر؛
- اجرایی شدن آیین‌نامه سامان‌دهی عشایر؛
- توسعه خدمات زیربنایی و افزایش شاخص‌های برخورداری عشایر؛
- سامان‌دهی ساختار مدیریت بومی، پایدار شدن حقوق عرفی عشایر و افزایش همکاری آنها در حفظ، احیا و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی؛
- سامان‌بخشی به ساختار خدمات‌رسانی جامعه عشایری؛
- پژوهش و تحقیق در مسائل عشایری و اجرای مطالعات راهبردی توسعه جامعه عشایری؛
- بازنگری در قانون‌ها و مقررات مربوط به جامعه عشایری؛
- تنوع‌بخشی به تولید و اشتغال در جامعه عشایری به‌ویژه در کانون‌های اسکان؛

- توجه به مدیریت کانون‌های هدایتی و خودجوش؛
- تلاش برای یکپارچگی فضایی کانون‌های اسکان با سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی هم‌جوار؛
- برنامه‌ریزی درست برای استفاده از محیط زیست متنوع جامعه عشایری با تأکید بر مشارکت‌های مردمی؛
- سامان‌دهی بازار محصولات عشایری و ایجاد شرایط لازم برای استفاده از تسهیلات بانکی.

نتیجه‌گیری

براساس نتایج آخرین سرشماری عشایری کشور در ۱۳۷۷، نزدیک ۱/۸ درصد جمعیت کشور (۱۳۰۴۰۸۹ نفر) را جمعیت عشایری تشکیل می‌دهد (مهندسان مشاور هامون، ۱۳۷۹: ۱)؛ و این جامعه از نظر بسیاری از شاخص‌های توسعه با جوامع یکجانشین فاصله بسیاری دارد. ویژگی‌های خاص کوچ و جابه‌جا شدن از منطقه‌ای به منطقه دیگر باعث شده است تا این جامعه از گذشته‌های دور از بسیاری از اعتبارات و طرح‌های عمرانی محروم باشد و با گذشت زمان، سطح زندگی آن با یکجانشینان دچار شکافی عمیق شود. با توجه بدین شرایط، اندیشه اسکان به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه جدی قرار گرفته و اعتبارات زیادی در این زمینه هزینه شده است. همان‌گونه که بررسی‌ها نشان می‌دهد، دیدگاه‌ها و راهبردهایی همچون نوسازی، تغییرات اجتماعی، تأمین نیازهای اساسی، راهبرد زیست‌محیطی و توسعه پایدار در شکل‌گیری فرآیند اسکان بیشترین نقش را داشته‌اند و بسیاری از اقدامات اسکان عشایر هم‌سو با این دیدگاه‌ها و راهبردها صورت گرفته است.

نتیجه اندیشه‌های اسکان، فراهم‌سازی خدمات و سامان‌دهی به اسکان عشایر، و شکل‌گیری حدود ۱۰۰۰ کانون یا روستای جدید عشایری بوده است که در سراسر کشور پراکنده شده‌اند و پذیرای جمعیت زیادی از عشایر کشورند.

حال نکته قابل توجه این است که شکل‌گیری این تعداد روستای جدید در کشور نیازمند برنامه‌ریزی و توجه ویژه است تا براساس راهبرد توسعه پایدار، از یک سو، به پایداری محیط زیست کمک کنند، و از سوی دیگر، زمینه‌های بهبود زندگی عشایری فراهم آید که برای فرار از سختی‌های کوچ و رسیدن به حد پایینی از رفاه بدین نقاط پناه آورده‌اند.

چالش‌های پیش‌روی این کانون‌ها نشان می‌دهد که در صورت بی‌توجهی یا کم‌توجهی بدین کانون‌ها، با دور شدن از آمایش سرزمین که توسعه هماهنگ و یکپارچه همه زیستگاه‌های شهری، روستایی و عشایری را در پی دارد، به ناپایدار شدن این کانون‌ها و از بین رفتن اعتبارات گسترده دامن زده‌ایم. بنابراین، توجه بدین کانون‌ها و اهمیت دادن به جایگاه آنها در ساختار برنامه‌ریزی، زمینه پایداری آنها را فراهم می‌آورد. در این فرآیند، همکاری مردم در پیشبرد امور این کانون‌ها و هماهنگی و همکاری همه دستگاه‌های اجرایی برای توسعه آنها مهم‌ترین ضامن تحقق این هدف در بلند مدت است.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۸)، *ارزشیابی اجتماعی - فرهنگی اسکان عشایر دشت بکان استان فارس*. جلد دوم، تهران: سازمان امور عشایر ایران.
- افضلی، کورش (۱۳۷۸)، *برنامه‌ریزی توسعه عشایر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و ابراهیمی، محمد امیر (۱۳۸۱)، *نظریه‌های توسعه روستایی*. تهران: سمت.
- توکلی، جعفر (۱۳۸۳)، «مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه اسکان عشایر». *مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران*. تهران: سازمان امور عشایر ایران.
- جوادی یگانه، محمدرضا و عباس لاخانی، مهدی (۱۳۸۰)، *تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده*. اداره کل تحقیق و توسعه صدا.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: قومس.
- روشه، گی (۱۳۶۶)، *تغییرات اجتماعی*. چاپ اول، تهران: نشر نی.

- زارع سلماسی، حسین (۱۳۷۴)، «مقدمه‌ای بر توسعه پایدار». جنگل و مرتع. شماره ۲۹.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۷۹)، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، ضوابط اجرایی و لوایح پیشنهادی برای اجرای برنامه ساماندهی عشایر در برنامه سوم توسعه کشور. تهران.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۲)، گزارش اجمالی جامعه عشایری کشور. تهران.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۳)، سند عمران مناطق عشایری. تهران.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۴الف)، سند فرابخشی توسعه جامعه عشایری. تهران.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۴ب)، گزارش عملکرد سازمان امور عشایر ایران در برنامه سوم. تهران: دفتر طرح و برنامه.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۴ج)، آیین‌نامه ساماندهی عشایر. شماره ۱۸۶۸۸/ت/۳۲۴۶۷.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۵الف)، عشایر، توان‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازها. تهران.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۵ب)، کانون‌های اسکان عشایر. تهران: دفتر مطالعات.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۳)، عشایر و عمران. تهران: دفتر عمران شهری و روستایی.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۷)، مطالعات مقدماتی تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (عمران روستایی و عشایری). تهران: معاونت امور زیر بنایی، دفتر امور مسکن و عمران شهری و روستایی.
- سازمان برنامه و بودجه استان ایلام (۱۳۷۲)، بررسی انگیزه‌های مهاجرت روستاییان و عشایر به شهر ایلام. ایلام.
- ساعی، احمد (۱۳۸۴)، توسعه در مکاتب متعارض. تهران: قومس.
- سینایی، وحید (۱۳۷۴)، «توسعه پایدار گردشگری». ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۹۵-۹۶.
- عربی، هادی و لشکری، علیرضا (۱۳۸۳)، توسعه در آینه تحولات. تهران: سمت.
- کشاورز، امیر هوشنگ (۱۳۵۵)، عشایر و مسأله اسکان. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- گروه مطالعاتی هامون (۱۳۷۰)، «گزارش نهایی اسکان و یکجانشینی». در: مطالعات جامع توسعه اجتماعی - اقتصادی جامعه عشایری ایران. مجموعه سوم، جلد ششم.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، نظریات مهاجرت. شیراز: نوید.
- مهندس‌ان مشاور D.H.V. هلند (۱۳۷۱)، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی. جلد ۱، تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- واگو، استفان (۱۳۷۲)، درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی. ترجمه احمد غروری‌زاد. تهران: جهاد دانشگاهی.

وبستر، اندرو (۱۳۸۱)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی توسعه*. ترجمه امیرحسین اصغر. تهران: کوهسار.
هتته، بزورن (۱۳۸۱)، *تئوری توسعه و سه جهان*. ترجمه احمد موثقی. تهران: قومس.
هریسون، دیوید (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه*. ترجمه علیرضا کلوی. تهران:
دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

- Abraham, Francis M. (۱۹۹۸), *Perspective on Modernization: Toward a General Theory of Third World Development*. New York: Free Press.
- Merton, Robert K. (۱۹۷۵), *Social Theory and Social Structure*. New York: Free Press.
- Misra, R.O. and Bhooshan, B.S. (۱۹۸۱), *Rural Development*. Oxford: Oxford University Press.
- Moor, Wilbert. E. (۱۹۶۵), *The Impact of Industry*. Prentice Hall, Englewood Cliffs.
- Perrol, Judith A. (۱۹۸۷), *Computers and Social Change: Information, Property and Power*. Wadsworth.
- Puglies, Patrizia (۲۰۰۱), "Organic farming and sustainable rural development: a multifaceted and promising convergence". In *Sociologia Ruralis*. Vol. ۴۱, European Society for Rural Sociology.
- Ravallion, M. (۱۹۹۸), "Poverty lines in theory and practice". *LSMS Working Paper*. No. ۱۳۳. World Bank.
- Ward, Robert (۱۹۶۳), "Political modernization". *World Politics*. Vol. ۱۵, No. ۵, oct.
- Wunder, Sven (۲۰۰۱), "Poverty alleviation and tropical forests: what scope for synergies?". *World Development*. Vol. ۲۹, No. ۱۱.

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶

نقش معادن طلا در توسعه اقتصادی - اجتماعی روستاهای همجوار

مژده رحمانی*

چکیده

هر روستا به عنوان یک واحد جغرافیایی، ظرفی است که اجتماع و اقتصاد آن مظلوف آن است. انسان‌ها و مسائل اجتماعی و اقتصادی آنها را نباید جدا از محیط جغرافیایی‌شان که متأثر از آنند در نظر گرفت. می‌توان گفت بیش از پنجاه درصد درآمد روستاییان از طریق فعالیت‌های کشاورزی تأمین می‌شود. ولی در کنار آن، معیشت بر اساس فعالیت‌های دیگری همچون: استخراج معدن نیز استوار است. در این مقاله که حاصل پژوهشی میان‌رشته‌ای است، ارتباط تشکیل روستا و وجود معدن طلا از دو دیدگاه ۱- زمان شکل‌گیری روستا و معدن، و ۲- از لحاظ رونق اقتصادی- اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است و در کنار آن به نکاتی از جمله همنامی روستا و معدن اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: معادن طلا/ توسعه اقتصادی/ توسعه اجتماعی.

* * *

* دانشجوی دوره کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال
Email: mozhdeh_rahmani@hotmail.com

مقدمه

در هزاره سوم، یکی از چالش‌های اساسی توسعه پایدار، توسعه روستایی است. در راهبرد جدید توسعه روستایی، تأکید بر نداشتن تعصب شهری، ایجاد اشتغال و درآمد در بخش‌های غیر کشاورزی، تصمیم‌گیری غیرمتمرکز و مشارکتی از طریق صنعتی شدن نواحی روستایی از جمله راه‌های دستیابی به کاهش سطح و شدت فقر و مهاجرت عنوان می‌شود.

صنعتی شدن روستا، یک کاتالیزور برای ایجاد اشتغال پایدار و از راه حل‌های کاهش فقر و بیکاری در مناطق روستایی است. بر اساس این دیدگاه، صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی، عامل مهمی در افزایش رفاه و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده‌های فقیر روستایی است (طاهرخانی، ۱۳۷۹). پس هدف از تحقیق، بررسی نحوه تشکیل و توسعه روستاها و ارتباط آنها با معدن و معدن‌کاری به منزله یکی از فعالیت‌های غیر کشاورزی است. لذا در این تحقیق، برای بررسی معادن طلا و روستاهای اطراف آنها از مطالعه موردی استفاده شده است.

جامعه مورد مطالعه

معادن طلای کشور و روستاهای اطراف آنها، جامعه مورد مطالعه این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و مصاحبه انجام شده است.

بیان موضوع

از زمان‌های دور، ده اساس حیات اجتماعی ایران را تشکیل داده و در آن مردم به صورت متشکل به همکاری‌های اقتصادی پرداخته‌اند. ده به اعتبار اینکه یک واحد

تشکیلاتی در زندگی روستایی است در سراسر قرون وسطی و از آن پس تا امروز مورد توجه بوده است (طالب، ۱۳۸۴).

روستا، تنها جمعیت کشاورز را در خود جای نمی‌دهد، بلکه، بخشی از جمعیت آن غیرکشاورزند که تعداد آنها به دلیل تغییرات بنیادی زیر که در ساخت اجتماعی - اقتصادی جوامع روستایی به وجود آمده، دائماً در حال افزایش است:

۱- پس از اجرای تقسیم اراضی و دگرگونی در نظام سنتی کشاورزی، و هم‌زمان با تأسیس مؤسسات جدید عمرانی، اقتصادی و اجتماعی، افراد روشنگری از قبیل معلمان مدارس، مروجان کشاورزی، مأموران عمران، کارگزاران مؤسسات پزشکی و بهداشتی و سایر افراد، به جامعه روستایی آمده‌اند که به‌طور کلی، غیرروستایی‌اند.

۲- استقرار صنایع و اکتشاف معادن در سطح روستا یا در مجاورت مناطق روستایی، باعث گسترش شبکه راه‌های ارتباطی و اشتغال‌زایی تحت عناوینی همچون کارگر، کارمند، تکنیسین و مهندس در این مراکز صنعتی شده است.

در قلمرو جغرافیایی معین، نخستین روستاها در مستعدترین نقاط آن به وجود آمده‌اند یعنی جاهایی که بهره‌برداری از آب سهل‌تر و زیر کشت بردن زمین مستلزم کار کمتر و بازده بهتری بوده است. اما کالبد روستاها و نقش و مبانی فعالیت اقتصادی آنها در سراسر جهان یکسان نیست. سیمای دهات از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر متفاوت است یعنی محل استقرار روستاییان به صورت مجتمع و متمرکز و در مواردی متفرق و پراکنده است. لذا این امر بسیار مهم و نیازمند تحلیل است. نقش و مبانی اقتصادی روستاها نیز بنابر شرایط جغرافیایی محل فرق می‌کند (وثوقی، ۱۳۷۳).

در حالت کلی می‌توان گفت در میان اسامی روستاها گروه‌های زیر از لحاظ روستاشناسی اهمیت بیشتری دارند.

- نام‌هایی که معنا و مفهومی صرفاً جغرافیایی دارند و برخی حکایت از نوعی وحدت جغرافیایی می‌کنند مانند: انگوران چای و...

-
- نام‌هایی که معنا و مفهومی شخصی دارند و بر این دلالت می‌کنند که روستاها به وسیله شخص معینی و بر اثر اقدامات و طرح‌های از پیش اندیشیده ایجاد شده‌اند مانند: عباس آباد آینالو، عباس آباد موسوی و...
 - نام‌هایی که با کلمه مزرعه یا باغ شروع یا ختم می‌شوند، باغده، مزرعه...
- این مقاله نیز سعی دارد دربخش سوم روستاهایی را معرفی کند که در نام آنها کلمه طلا، زر و مشتقات آن به کار رفته است یا به نوعی مرتبط با وجود معادن طلا در آن منطقه هستند.

پیشینه و شواهد تاریخی

در مورد پیشینه تاریخی معادن طلا می‌توان به بیان مواردی پرداخت که مشخص و در دسترس بوده است:

طلای همدان

برخی از شواهد تاریخی که در کتب و متون قدیمی ذکر شده‌اند، بیانگر وجود دورانی از معدن‌کاری طلا در ناحیه همدان است. ناحیه اکتشافی در جنوب شهر همدان واقع شده است.

به نقل از کتاب «هگمتانه تا همدان» اکباتان یا هگمتانه در آغاز به زرین‌شهر مشهور بوده و علت این نام‌گذاری از طرف مردم سایر شهرهای آن زمان، وجود معادن طلا و تهیه انواع وسایل و ظروف زرین در این مکان بوده است. گیرشمن، در کتاب «ایران از آغاز تا اسلام» می‌نویسد: در دوره مادها از معادن طلای اطراف همدان بهره‌برداری می‌شده است. همچنین «ابودولف» سیاح عرب و «ملگونوف» روسی، نیز از وجود معادن طلا در همدان نام می‌برند (مقصودی و دیگران، ۱۳۸۴). به نقل از ظهیرالدوله، حاکم همدان، در دامنه کوه دره عباس‌آباد، با حفر نهرهای عمیق در داخل زمین و انداختن آب در آنها، خاک‌های کنده شده را در نهرها می‌شستند و در نهایت از شن‌های

ته‌نشین شده برای قال‌گذاری و به‌دست آوردن طلا استفاده می‌کردند (همان). اولین مطالعه روی طلای استان همدان را که به‌صورت علمی و با هدف دستیابی به کانی‌سازی‌های احتمالی طلا انجام گرفته و در دسترس است، یک مهندس معدن روسی به‌نام «س. طرسکینسکی»، در سال ۱۳۱۱ برای شرکت سهامی کل معادن ایران، در قالب «تحقیقات نظری معادن طلا در کوه الوند» انجام داده است.

کانسار طلای آستانه

کانسار طلای آستانه، در ۳ کیلومتری جنوب‌باختر آستانه قرار دارد. آستانه، در ۶ کیلومتری جنوب شازند و ۴۰ کیلومتری جنوب‌باختر اراک، قرار گرفته است. مردم محلی از وجود طلا در ماسه‌های آبرفتی رودخانه حاج علی‌اکبری و آبراهه‌های این رودخانه از زمان‌های دور اطلاع داشته و با طلاشویی، از طلا بهره‌برداری جزئی می‌کردند. بنابر گفته‌های عطایی، وی سه نسل متوالی سابقه طلاشویی در آستانه را دارد. آنها به‌طور سنتی در بستر رودخانه حاج علی‌اکبری، حداقل از سه نسل قبل، به طلاشویی اشتغال داشته‌اند (هاشمی، ۱۳۸۰). پس از مشروطیت، (در سال ۱۳۲۸ ه.ق)، امتیاز ذخیره طلای آستانه (اراک) در رودخانه ازنا، به اشخاص واگذار شد، ولی نتیجه‌ای از آن به دست نیامد (زاوش، ۱۳۵۵).

کانسار طلای کوه‌زر دامغان

شواهد و آثار موجود در این محدوده، نشانگر پیشینه کهن و قدیمی معدن‌کاری در منطقه است. وجود آثار بازمانده وسیع از معدن‌کاری و زرشویی باستانی در آبرفت‌های شمال باغو، از آبادی علیخان در خاور تا آبادی نوا در باختر باغو، آثار کارگاه‌های استخراجی به‌صورت حفر دخمه‌ای تنگ و پر شیب در نواحی کوهستانی، حاکی از قدمت معدن‌کاری در منطقه است. شاید آثار بازمانده از قلعه‌های باستانی کوه‌زر قدیم در باغو و کلاته حسین (در ۱ کیلومتری شمال‌باختر آبادی علیخان) نیز با کارگاه‌های یاد شده در ارتباط باشد. درباره سن کارهای قدیمی کوه‌زر نمی‌توان اظهارنظر کرد ولی

این احتمال وجود دارد که برای به دست آوردن طلا و کاهش هزینه‌ها، از اسیران استفاده می‌کردند (فرهنگی، ۱۳۶۸). اطلاعات موجود نشان می‌دهد که از نظر قدمت، قدیمی‌ترین معدن طلایی که اسم آن در تاریخ آمده معدن «سیستان» و پس از آن معدن «کوه‌زر دامغان» است (محمّدلی، ۱۳۷۰). ابودلف، سیاح عصر سامانی، از طلای نوع قومسی، نام برده است که شاید اشاره به طلای کوه‌زر دامغان باشد (مقصودی و دیگران، ۱۳۸۴). حمدالله مستوفی، جغرافی‌دان و تاریخ‌نویس سده هشتم، در کتاب «نزهةالقلوب» که در سال ۷۴۰ هجری نگاشته است، از معدن کوه‌زر نامبرده است. محمدصالح تبریزی^(۱) (۱۲۷۰-۱۲۴۰)، در فهرست معادن شناخته شده عهد قاجار، معدن طلا و فیروزه باغو را ذکر کرده است. هلم‌هاکر (۱۸۹۸) و هن‌ماکه (۱۸۹۹) کسانی هستند که از کارگاه‌های معدن قدیمی در آبرفت‌های طلادار کوه‌زر (باغو) نام برده‌اند. بنا به اظهار هلم‌هاکر، در قرن چهاردهم میلادی، از این ذخایر طلا با عیار ۲ تا ۳ گرم در تن بهره‌برداری شده است (هوشمندزاده و همکاران، ۱۳۵۷).

دمشقیه در سال ۱۳۱۰ پس از بازدید از کوه‌زر گزارشی به بنگاه اکتشاف و بهره‌برداری معادن آن روز تسلیم کرد؛ وی در گزارش خود ضمن بررسی آبرفت طلادار در محدوده‌ای به وسعت ۴×۶ کیلومتر مربع، بالاترین عیار طلا را ۷ گرم در یک متر مکعب آبرفت ذکر کرده است. دیهل در سال ۱۹۴۰ در گزارش خود منشأ طلای پلاسری باغو را رگه‌های کوارتزی مس‌دار ذکر کرده است که با گرانیت خاور روستای باغو در ارتباط هستند وی عیار طلا را ۲ تا ۳ گرم در متر مکعب تخمین زده است. فوریز (۱۹۷۲-۱۹۵۵)، در نقشه ذخایر زر دنیای باستان از معدن کوه‌زر دامغان نام برده است (فرشاد، ۱۳۶۲). لازم به یادآوری است که نام روستا به دلیل نام معدن اختیار شده است.

کانسار طلای داشکسن

کانسار طلای داشکسن، در فاصله ۴۲ کیلومتری شمال‌خاور شهرستان قروه، در استان کردستان، واقع شده است. تاریخ معدن‌کاری در داشکسن، به هزاران سال قبل بازمی‌گردد. این کانسار در حال حاضر، در توسعه و رونق منطقه داشکسن نقش اصلی دارد. راه داشکسن به دلیل رفت و آمد ماشین آلات سنگین معدن آسفالت شده و تعداد زیادی از مردم در این منطقه به عنوان کارگر فعال هستند و نکته مهم رواج کشاورزی و دامپروری در این منطقه است.

در ادامه، موضوع را در سه بخش بررسی می‌کنیم:

بخش اول: تقدم و تأخر شکل‌گیری روستا یا شهرک و وجود معدن

در بخش اول، ارتباط تشکیل روستا یا شهرک و وجود معدن با توجه به زمان تشکیل آنها بررسی می‌شود. به‌طور ساده‌تر، آیا ابتدا روستا بوده بعد معدن کشف شده است، یا بالعکس؟

در ایران توسعه روستاها و ارتباط آنها با معدن‌کاری را می‌توان به ۳ شکل دسته‌بندی کرد:

۱- روستاهایی که صرفاً به خاطر فعالیت‌های معدنی در نزدیکی معدن به وجود آمده‌اند و حتی نام خود را از معدن گرفته‌اند (قربانی، ۱۳۸۵)، مانند:

- روستای زرشوران، در نزدیکی تکاب که در ایران باستان به دلیل فعالیت‌های استخراج طلا در نزدیکی معدن ایجاد شده است؛

- روستای لکان، در استان مرکزی، نزدیک اراک، که در اصل نام روستا به لهجه محلی لایکان است، به خاطر اینکه در کنار معدن قرار دارد (لای در زبان لری به معنای کنار است)؛

- روستای زیرکان، در منطقه بافق یزد که در اصل معدن بالای کوه است و روستا برای اسکان کارگران در پای کوه به وجود آمده است و نام خود را از زیرکان (به دلیل تغییر تلفظ) به معنای پایین معدن گرفته است؛

- سایر روستاهایی که بعد از فعالیت معادن طلا به وجود آمدند، عبارت‌اند از:

کوه‌زر دامغان، بید محمدحسن، زرین، زرمهر، دره زرشک

۲- روستاهایی که به دلیل فعالیت‌های معدنی توسعه یافته‌اند. حتی گاه در بین آنها روستا به شهر تبدیل شده است. نمونه‌های آن:

- شهر کنونی دندی، در فاصله ۹۰ کیلومتری جنوب غرب زنجان، است. قبل از انقلاب، روستای دندی، کمتر از ۱۵۰ خانوار جمعیت داشت و روستایی کوچک محسوب می‌شد. در نزدیکی این روستا، معدن بزرگ سرب و روی (به نام انگوران) وجود دارد که بزرگ‌ترین ذخایر سرب و روی خاورمیانه را دارد. توسعه معدن و ایجاد کارخانه در کنار آن، سبب توسعه روستای دندی و تبدیل آن از روستا به شهر کوچک دندی شد. مشابه روستای دندی، که فعالیت‌های معدنی باعث توسعه و شاید در روزگار فعلی باعث بقای آن شده فراوان است مانند روستای کوشک در بافق یزد (نزدیک معدن کوشک)، روستای ساغند یزد (نزدیک معدن چادرملو).

- برخی از روستاهایی که به سبب فعالیت معادن طلا به وجود آمده‌اند عبارت‌اند: موته، طلای همدان، آستانه، عباس‌آباد آینالو، سنجده، پس‌قلعه، طرقله، داشکسن، انگوران‌چای، یوسف‌لو- نقدوز، خاور تودان، خاروانا (خروانق)، خوینرود، مشگین‌شهر (دوست‌بیگللو)، مزرعه، کلوج- گیلوان، باغو، سولادوکل، رازلیق، مردان قم، سماق، کوهیان، علی‌آباد موسوی، چال، باشگل، ضیاءکوه، بزمان، صرفه‌پایین، دولت‌آباد، باب‌کهنوج، کم‌کوئیه، لاطلا، دامنه، قلعه‌نرپ، سراجیه، مرنجاب، بوته علم، توزگی، سیاسترگی، باغده، زرشوران، زرتشت، سونگون، خلیفه‌لو، چاه موسی.

۳- شهرک‌های معدنی که به دلیل فعالیت‌های معدنی در پنجاه سال اخیر ایجاد شده یا توسعه یافته‌اند. نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از:

- شهرک آهن شهر در نزدیکی بافق یزد؛

- شهرک سرچشمه در نزدیکی معدن سرچشمه؛
- تبدیل روستای خاتون آباد به شهر خاتون آباد در نزدیکی معدن میدوک در نزدیکی شهر بابک؛

علاوه بر موارد یاد شده، لازم به ذکر است که در پاره‌ای از روستاها و یا شهرهای کوچک در زمان‌های خاصی فعالیت‌های معدن‌کاری رونق داشته است، اما در پی تمام شدن فعالیت‌های معدن‌کاری، آن روستاها و شهرها تخلیه یا بی‌رونق شده‌اند، مانند منطقه انارک که در آن بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰، بیش از ۲۰ معدن فلزی و غیرفلزی فعالیت داشت، تمام شدن ذخایر این معادن یا از کارافتادن آنها سبب کوچ مردم به شهرها و کاهش جمعیت آنها شد.

به‌طور کلی، در چند دهه اخیر، فعالیت‌های معدن‌کاری برای موادی چون آهن، ذغال‌سنگ و مس به شکل مدرن مطابق کشورهای توسعه‌یافته، باعث توسعه روستا و شهر کنار معدن و همچنین توسعه راه‌های آن و حتی راه‌های ارتباطی در سطح ملی شده است. مثلاً راه آهن - بافق اصفهان صرفاً به خاطر انتقال سنگ آهن از بافق به اصفهان کشیده شد که همین خط آهن بعدها تا بندرعباس ادامه یافت.

بخش دوم: ارتباط روستا و معدن از لحاظ رونق اقتصادی - اجتماعی

گروه اول) معادنی که قبلاً فعال بودند: تعدادی از معادن یافت می‌شوند که قبلاً فعال بودند و رونق روستا یا در پاره‌ای موارد به وجود آمدن روستا با فعالیت آنها ارتباط داشته، ولی تمام شدن ذخیره و یا ایجاد مشکل استخراج به دلیل رسیدن به سطح آب زیرزمینی و یا رسیدن به عمق زیاد، باعث تعطیل شدن معدن و در نتیجه کاهش رونق و گاه خالی شدن روستا از سکنه شده است.

در این بخش می‌توان به این معادن طلا اشاره کرد:

- معادن طلای موته و مس بید محمدحسن؛
- کانسارهای طلای آستانه، سنجد، کوه‌زر دامغان، طلای زرین، پس‌قلعه، زرشوران، زرتشت، خلیفه لو، طرقله، چاه موسی؛

- نشانه معدنی طلای همدان و عباس آباد آینالو.

گروه دوم) معادنی که فعال یا در حال اکتشاف هستند: تعدادی از معادن هم اکنون فعال و یا در حال اکتشاف هستند. فعالیت این معادن باعث رونق و اشتغال زایی در روستاها شده و حتی اکتشاف معادن در نزدیک روستا امید به اشتغال در روستا را افزایش می دهد. این معادن طلا به شرح زیرند:

- کانسارهای مزرعه، مشکین شهر، خوینرود، خاروانا، یوسفلو- نقدوز، انگوران چای، داشکسن، باغو؛

- نشانه معدنی خاور تودان و کلوچ- گیلوان.

گروه سوم) معادنی که پتانسیل فعال شدن دارند ولی فعال نیستند: کانسارها و معادن بسیاری هستند که دارای پتانسیل خوب اقتصادی هستند ولی فعال نیستند. فعالیت های این معادن می تواند نقش بسیار بالایی در توسعه اقتصاد روستا داشته باشد، به خصوص اگر معادن فلز باشند و در هنگام مطالعات اکتشافی ذخیره قابل توجه از آنها به دست آید. اغلب دیده می شود که مردم روستاها از ورود تیم های اکتشافی استقبال می کنند و بسیار خوشحال می شوند و امیدوارند که کانسار در حال اکتشاف به یک معدن بزرگ و فعال تبدیل شود. معادن طلای این گروه عبارت اند از:

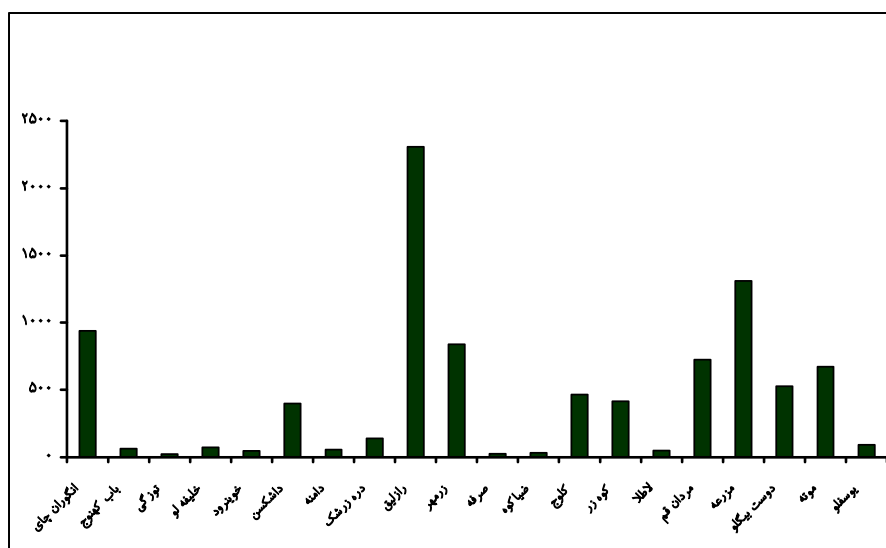
- کانسارهای زرمهر، شمال بزمان، دره زرشک؛

- نشانه های معدنی سولادوکل، رازلیق، مردان قم، سماق، کوهیان، علی آباد موسوی، چال، باشگل، ضیاءکوه، صرفه پایین، دولت آباد، باب کهنوج، شمال کم کوئیه، لاطلا، دامنه، قلعه نرپ، سراجیه، مرنجاب، بوته علم، توزگی، سیاسترگی، باغده.

بررسی روستاهای همجوار معادن

در این بررسی به موارد زیر توجه می‌شود:

- بررسی شناسنامه روستا (جدول ۱)؛
- نوع فعالیت‌ها و منابع کسب درآمد روستا (جدول ۲)؛
- جمعیت روستا بر اساس آمار ۱۳۷۵ (نمودار ۱).



نمودار ۱- جمعیت روستاهای مورد نظر بر اساس آمار سال ۱۳۷۵

جدول ۱- اطلاعات شناسنامه‌ای روستاهای مورد نظر

نام روستا	نام روستا با حروف لاتین	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	ارتفاع از سطح دریا	وضع طبیعی	آب و هوا	زبان
انگوران چای	Anguran-chai	۴۷:۳۹	۳۶:۳۴	۱۵۲۰	جلگه‌ای و کوهستانی	سردسیر معتدل	ترکی
باب کهنوج	Dar Kahnur	۵۷:۱۰	۲۹:۳۲	۲۶۷۰	کوهستانی	سردسیر خشک	فارسی
باغده	Ba'gh Deh	۵۷:۲۶	۲۹:۰۱	-	کوهستانی	سردسیر خشک	فارسی
توزگی	Tuzegi	۶۱:۱۵	۲۶:۵۹	-	کوهستانی	گرمسیر خشک	بلوچی، فارسی
چال	Chal	۴۸:۴۸	۳۶:۴۶	۱۷۴۰	کوهستانی	سردسیر معتدل	ترکی
خلیفه لو	Khalife-lou	۴۹:۱۲	۳۶:۱۷	۱۸۲۰	کوهستانی	سردسیر معتدل	ترکی
خوینرود	Khoyenrud	۴۶:۳۷	۳۸:۴۲	۲۲۸۵	کوهستانی جنگلی	سردسیر مرطوب	ترکی
داشکسن	Da'shkasan	۴۸:۰۵	۳۵:۱۰	۱۹۲۰	جلگه‌ای و کوهستانی	سردسیر معتدل	ترکی، کردی
دامنه	Da'maneh	۵۷:۱۳	۲۹:۱۳	۲۷۶۰	کوهستانی	سردسیر خشک	فارسی
دره زرشک	Darreh Zereshk	۵۳:۵۱	۳۱:۳۴	۲۵۰۰	جلگه‌ای و کوهستانی	معتدل خشک	فارسی

دولت آباد	Dowlata'ba'd	۵۷:۳۲	۲۹:۰۸	۷۳۵	جلگہ ای	سردسیر خشک	فارسی
رازلیق	Ra'zliq	۴۷:۳۳	۳۸:۰۰	۱۷۹۰	جلگہ ای و کوهستانی	معتدل	ترکی
زر مهر	Zar Mehr	۵۸:۵۹	۳۵:۱۴	۱۲۸۰	جلگہ ای	معتدل خشک	فارسی
زرین	Zarrin	۵۴:۳۷	۳۲:۴۳	۱۱۲۰	کوهستانی	گرمسیر خشک	فارسی
سنجدہ	Sanjabodeh	۴۸:۱۴	۳۷:۱۹	-	کوهستانی	معتدل	ترکی
صرفہ	Sarfeh	۵۷:۲۰	۲۹:۲۲	۲۹۰۰	کوهستانی	سردسیر خشک	فارسی
ضیاکوه	Ziya' Kuh	۴۹:۵۶	۳۷:۰۲	-	کوهستانی جنگلی	معتدل	گیلکی
کلوج	Kalouch	۴۸:۳۸	۳۷:۰۴	۵۴۰	جلگہ ای و کوهستانی	معتدل	ترکی
کوه زر	Kuh Zar	۵۴:۳۵	۳۵:۲۶	۱۶۰۰	کوهستانی	معتدل خشک	فارسی
لاطلا	'La'tala	۵۵:۱۰	۳۰:۲۶	۲۴۶۰	کوهستانی	سردسیر معتدل	فارسی
مردان قم	Marda'nqom	۴۶:۳۳	۳۵:۵۰	۵۸۰	کوهستانی جنگلی	معتدل	ترکی
مرنجاب	Maranja'b	۵۱:۴۸	۳۴:۱۷	۸۱۸	جلگہ ای	گرمسیر خشک	فارسی
مزرعہ	Mazraeh	۴۶:۰۹	۳۸:۱۶	۱۵۱۵	جلگہ ای	معتدل	ترکی
دوست بیگلو	Dust Beyglu	۴۷:۳۲	۳۸:۳۲	۸۰۰	جلگہ ای و کوهستانی	گرمسیر معتدل	ترکی

موته	Muteh	۵۰:۴۷	۳۳:۳۷	۱۹۱۸	جلگه‌ای	معتدل	فارسی
یوسفلو	Yuseflu	۴۷:۱۹	۳۸:۲۳	۱۲۹۰	کوهستانی	سردسیر معتدل	ترکی

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت ۴۶٪ این روستاها کوهستانی، ۲۳٪ جلگه‌ای - کوهستانی، ۲۰٪ جلگه‌ای و ۱۱٪ کوهستانی - جنگلی هستند. پس می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس منطقه جغرافیایی در اکثر این روستاها، معدن‌کاری در کنار زراعت، دامداری و باغداری از کارهای اصلی آنهاست.

بر اساس جدول ۲، این روستاها از شمال غرب ایران (آذربایجان و اردبیل) تا جنوب شرق (سیستان و بلوچستان) و از شمال شرق (خراسان) تا مرکز (اصفهان و یزد)، و تقریباً در اکثر مناطق ایران پراکنده‌اند. این امر حاکی است که اکثر روستاییان چه ترک، کرد، لر، بلوچ و در توسعه روستای خود نقش مهمی دارند و با ایجاد ارتباط با مراکز صنایع و معادن استان خود، می‌توانند گامی برای پیشرفت صنعت معدن‌کاری و در نتیجه اشتغال و رونق اقتصادی روستای خود بردارند.

جدول ۲- نوع فعالیت و منابع کسب درآمد روستاهای مورد نظر

نام روستا	نام شهرستان	نام استان	صنایع غذایی، معدنی، ریسندگی و دستی	نوع فعالیت و منابع درآمد
انگوران چای	ماه نشان	زنجان	آسیای آردی موتوری	زراعت، کارگری، دامداری
باب کهنوج	بردسیر	کرمان	قالی بافی	زراعت، قالیبافی، دامداری
باغده	جیرفت	کرمان	ریسندگی و بافندگی	دامداری، باغداری، زراعت
توزگی	ایران شهر	سیستان و بلوچستان		باغداری، زراعت
چال	زنجان	زنجان	نمد، زیلو، جاجیم و پلاس	زراعت، دامداری
خلیفه لو	خرمدره	زنجان	قالی بافی	زراعت، دامداری، باغداری
خوینرود	ارسباران	آذربایجان شرقی		زراعت، دامداری، قالیبافی
داشکسن	قروه	کردستان	آسیای آردی موتوری، ریسندگی و بافندگی، قالی بافی	زراعت، باغداری، دامداری
دامنه	جیرفت	کرمان	ریسندگی، بافندگی، نمد، زیلو، جاجیم و پلاس، قالی بافی و گلیم بافی	زراعت، دامداری، کارگری
دره زرشک	تفت	یزد	آسیای آردی موتوری، قالی بافی	زراعت، قالیبافی، دامداری
دوست بیگلو	مشگین شهر	اردبیل	آسیای آردی موتوری، قالی بافی	زراعت، دامداری، باغداری

دولت آباد	جیرفت	کرمان	ریسندگی و بافندگی	زراعت، دامداری،
رازیلیق	سراب	آذربایجان شرقی	آسیای آردی موتوری، نمد، زیلو، جاجیم و پلاس، جوراب بافی، قالی بافی، گلیم بافی	زراعت، مغازه داری، دامداری
زرمهر	تربت حیدریه	خراسان رضوی	آسیای آردی موتوری، قالی بافی	زراعت، باغداری، کارگری
زرین	اردکان	یزد	سبد و حصیربافی، قالی بافی	قالیبافی، دامداری، باغداری
سنجده	میانه	آذربایجان شرقی	ریسندگی، بافندگی، سبد و حصیربافی، نمد، زیلو، جاجیم و پلاس	باغداری، زراعت، دامداری
صرفه	کرمان	کرمان		زراعت، دامداری،
ضیاکوه	سیاهکل	گیلان		دامداری، باغداری، پرورش کرم ابریشم
کلوج	طارم	زنجان	نمد، زیلو، جاجیم و پلاس، گلیم بافی	باغداری، زراعت، دامداری
کوه زر	دامغان	سمنان	آسیای آردی موتوری	کارگری، زراعت، دامداری
لاطلا	شهربابک	کرمان	قالی بافی	زراعت، دامداری،
مردان قم	کلبر	آذربایجان شرقی	آسیای آردی موتوری، سبد و حصیربافی، نمد، زیلو، جاجیم و پلاس	باغداری، کارگری، زنبورداری
مرنجاب	آران و بیدگل	اصفهان		زراعت، دامداری،

مزرعه	شپستر	آذربایجان شرقی	آسیای آردی موتوری، نمد، زیلو، جاجیم و پلاس، قالی بافی	زراعت، باغداری، دامداری
موته	برخوار و میمه	اصفهان	سنگ خردکنی، ریسندگی وبافندگی، نمد، زیلو، جاجیم و پلاس، قالی بافی، گلیم بافی	دامداری، قالیبافی، کارگری
یوسفلو	اهر	آذربایجان شرقی	قالی بافی	کارگری، دامداری، زراعت

پیامدهای اجتماعی و اقتصادی

قبل از انقلاب صنعتی، توزیع فعالیت‌های صنعتی به منابع نیروی آب، سوخت زغال چوب، ذخایر محلی سنگ معدن فلزی و سایر مواد خام وابسته بود. در حال حاضر، وجود معادن مختلف امکان گسترش فعالیت معدن‌کاری در کنار روستاها را داده است (کان یوز، ۱۳۸۱). به‌طور کلی، تأثیر استخراج معدن بر مردم نواحی ذکر شده مثبت بوده است و می‌توان منافع اصلی آن را به صورت زیر خلاصه کرد:

- اشتغال‌زایی؛
- ساخت جاده و دسترسی بهتر به جاده‌های فعلی؛
- ایجاد بازار برای تولیدات محلی؛
- ایجاد منافع ناشی از پرداخت حق امتیاز (در موارد نادر)؛
- سودزایی از طریق کارهای دستی سنتی؛
- دسترسی مردم به خدمات اجتماعی (مانند درمانگاه و ...) در محوطه احداث معدن (که البته در این زمینه فعلاً کار زیادی انجام نشده و در آینده امید می‌رود که با تأمین امکانات معادن طلا و ساخت کارخانجات لازم در کنار آن درمانگاه‌ها و مجتمع‌های رفاهی ایجاد شود).

لازم به ذکر است که کارگران در ساعاتی که در معدن مشغول به کار نیستند، یعنی طی ساعات عصر، روزهای آخر هفته و روزهای تعطیل کارخانه، به کار در مزارع خود ادامه می‌دهند؛ چنین کشاورزانی، کارگر کشاورزی محسوب می‌شوند و از این طریق به توسعه روستای خود کمک می‌کند.

برخی نکات منفی

- تجاوز معدن به حریم زندگی مردم و نیز وجود شمار زیادی از کارگران مهاجر، زندگی اجتماعی سستی این مردم را از هم خواهد گسست.
- همه جا وجود معدن باعث رونق روستا و منطقه نشده است. مثلاً سال‌هاست وجود معدن سنگی داخل محوطه حریم و عرصه آتشکده نیاسر و برداشت سنگ از آن به آثار باستانی واقع در این منطقه صدمه وارد می‌کند. این معدن دقیقاً داخل حریم قرار دارد و متأسفانه با وجود شکایت‌های بسیار مسئولان، طی سال‌های قبل، نتیجه‌ای حاصل نشده است؛ چون صاحب معدن قراردادی ۳۰ ساله با وزارت صنایع و معادن دارد و فعلاً قصد دست کشیدن یا عقب نشینی ندارد. علاوه بر آن وجود کارخانه پودر در این ناحیه آلودگی‌های زیست محیطی و اقلیمی را نیز در بر دارد. جهت وزش باد غالباً به سمت شهر نیاسر است و آلودگی‌های این کارخانه همواره غباری را بر فراز شهر نیاسر ایجاد کرده است. زمان ایجاد معدن، نیاسر تنها یک روستا بود و البته سازمان میراث فرهنگی هم توجهی به این موضوع نکرد. حتی در دوره‌ای که قرار بر توسعه روستا و به سمت شهری شدن بود، آتشدان‌هایی که اطراف آتشکده وجود داشت از سوی شهرداری وقت کاملاً تخریب شد و اداره میراث فرهنگی بسیار دیر متوجه این امر گردید.

بخش سوم: روستاهایی که در قدیم محل معدنکاری بوده‌اند

در این بخش فهرست نام روستاهایی منعکس می‌شود که احتمالاً در قدیم محل معدنکاری و استحصال زر بوده‌اند (مؤمن‌زاده، ۱۳۸۰). چنان‌که مشاهده می‌شود در اسامی این روستاها کلمه زر وجود دارد (بختیاری، ۱۳۸۵):

- استان فارس: زرگر، زردین، زرین‌کوه، زروان؛
- استان آذربایجان غربی: زری خوی؛
- استان آذربایجان شرقی: زرقان، زرنق، زرده، زرج آباد (میانه)، زرنه (اهر)؛
- استان سیستان و بلوچستان: زریکه، زرآباد؛
- استان گرگان: زرین گل؛
- استان دامغان: زرگرآباد، کوه زر؛
- استان تهران: زرادر؛
- استان خراسان: زرکک؛
- استان کردستان: زرآب، قزل بلاغ (قزل در ترکی به معنای زر است)؛
- استان کرمان: زارچو.

نتیجه‌گیری

در پایان باید در نظر داشت که با توجه به وجود معادن متنوع و وجود ظرفیت معدنی بسیار بالا در کشور، می‌توان با همکاری و ارائه راهکارهای مناسب به سازمان‌های ذی‌ربط و همکاری مردم در بخش خصوصی از این ظرفیت‌ها برای رونق اقتصادی - اجتماعی روستاهای کشور و همچنین اشتغال‌زایی در روستاها و شهرهای کوچک استفاده کرد. این مهم نیست که روستا باعث کشف معدن است و یا معدن منجر به تشکیل یک روستا می‌شود. مهم آن است که با استفاده از همجواری این دو پدیده اجتماعی و اقتصادی به توسعه روستاهای کشور بیندیشیم.

یادداشت

۱- معدنچی‌باشی و سررشته‌دار امور معادن در عهد محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار.

منابع

«با مجوز وزارت صنایع و معادن و سکوت عجیب متولیان میراث فرهنگی، معدن سنگ، آتشکده نیاسر و ریشه‌های باستانی آن را تکه تکه می‌خورد» قابل‌بازرسی در:

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-۵۳۸۹۷۴&Lang=P>

«بانک اطلاعات معادن ایران». قابل‌بازرسی در:

<http://www.ngdir.com/MiningInfo>

«بانک اطلاعات معادن، کانسار و اندیس‌های طلا در ایران». قابل‌بازرسی در:

<http://www.ngdir.com/MiningInfo/PGoldMIO.asp>

«بانک اطلاعات سازمان زمین‌شناسی ایران». قابل‌بازرسی در:

<http://www.ngdir.com>

بختیاری، سعید (۱۳۸۵)، *اطلس راه‌های ایران*. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی. تبریزی، محمد صالح (۱۳۴۹)، *فهرستی از معادن ایران (معدن‌نامه)*. خط برگردان از نسخه اصلی. تنظیم‌کننده: عباس پرورش.

زاوش، محمد (۱۳۵۵)، *کانی‌شناسی در ایران قدیم*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

طالب، مهدی (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی با تاکید بر جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: نشر نی.

طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹)، *صنعتی شدن روستا سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.

طرسکینسکی، س. (۱۳۱۱)، *تحقیقات نظری معادن طلا در کوه الوند*. تهران: شرکت سهامی کل معادن ایران.

فرشاد، مهدی (۱۳۶۲)، *تاریخ مهندسی در ایران*. تهران: گویش.

فرهنگی، ع. و همکاران (۱۳۶۸)، *طلا (پیدایش، اکتشاف، استخراج و فرآوری)*. تهران: نشر و پخش نخست وزیری.

قراگوزلو، غلامحسین (۱۳۷۳)، *هگمتانه تا همدان*. تهران: نشر اقبال.

قربانی، منصور (۱۳۸۵)، *گزارش مصاحبه حضوری مورخ ۲۰ خردادماه*.

کان یز، دایان (۱۳۸۱)، *رهنمودهایی درباره تحلیل اجتماعی برای برنامه‌ریزی توسعه نواحی روستایی*. ترجمه عبدالرسول مرتضوی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

گیرشمن، ر. (۱۳۴۹)، *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

محمملی، شیرین (۱۳۷۰)، «سرگذشت طلا» (ترجمه). *فصل‌نامه معادن و فلزات*. شماره ۴۶.

مقصودی، عباس؛ رحمانی، مژده و رشیدی، بهمن (۱۳۸۴)، *کانسارها و معادن طلای ایران*. تهران: آراین زمین.

مؤمن‌زاده، مرتضی (۱۳۸۰)، *توزیع موقعیت‌های جغرافیایی به نام زر در ایران*. تهران: شرکت زریابان.

وثوقی، منصور (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: کیهان.

وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی (۱۳۸۰)، *بانک اطلاعاتی کشاورزی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی و طبیعی آبادی‌های ایران*. تهران.

هاشمی، مهدی (۱۳۸۰)، *نحوه کانی‌سازی احتمالی طلا در توده آذرین آستانه اراک*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

هوشمندزاده، عبدالرحیم؛ علوی‌نایینی، منصور و حقی‌پور، عبدالعظیم (۱۳۵۷)، *تحول پدیده‌های زمین‌شناسی ناحیه تروود (از پرکامبرین تا عهد حاضر)*. تهران: سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.

پس‌انداز روستایی و نقش عوامل مؤثر بر آن: مطالعه موردی در سه استان کشور

عباس رحیمی*

چکیده

هدف این مقاله بررسی ساختار پس‌انداز در مناطق روستایی و نقش عوامل مؤثر بر آن است که چه‌بسا در شناخت الگوهای رفتاری بهره‌برداران روستایی در سرمایه‌گذاری و شیوه پس‌انداز آنها در مناطق روستایی مؤثر باشد. برای این منظور، پس از شناخت عوامل مؤثر بر پس‌انداز و طرح پرسش‌های اساسی، با شیوه مطالعه میدانی اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد و با کمک نرم‌افزار SPSS داده‌آمایی صورت گرفت؛ سپس، با استفاده از شاخص‌های مختلف آماری و الگوی اقتصادسنجی، نتایج به‌دست آمده تحلیل و توصیف شد. این مطالعه در سطح ۳ استان کرمانشاه، اردبیل، و فارس به انجام رسید. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که علاوه بر درآمد خانوارها، متغیرهای دیگری چون بعد خانوار، مالکیت اراضی آبی و دیمی خانوار، مانده بدهی خانوارها، و تحصیلات سرپرست خانوار نیز از عوامل مؤثر بر پس‌انداز روستایی است.

کلید واژه‌ها: پس‌انداز روستایی / بهره‌برداران روستایی / فارس (استان) / کرمانشاه (استان) / اردبیل (استان).

* * *

* کارشناس ارشد اقتصاد

مقدمه

پس‌انداز یکی از متغیرهای مهم اقتصادی است که در برخی از نظریه‌های اقتصادی، عامل رشد اقتصادی و انباشت سرمایه به‌شمار می‌آید. در هر جامعه، پس‌انداز از سوی بخش خصوصی - شامل خانوارها و شرکت‌های سهامی - دولت و مؤسسات عمومی، و منابع مالی خارجی صورت می‌گیرد. بخش خصوصی مهم‌ترین عامل پس‌انداز در کشورهاست؛ برای مثال، طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴، نسبت پس‌انداز بخش خصوصی به درآمد قابل تصرف ناخالص ملی در کشورهای در حال توسعه ۱۴/۸ درصد بوده، در حالی که نسبت پس‌انداز دولت ۲/۱ درصد برآورد شده است (World Bank, ۱۹۹۸). به همین دلیل، رفتار خانوارها در زمینه پس‌انداز دارای نقشی مهم در انباشت سرمایه در جامعه است. بر اساس یکی از پیش‌فرض‌های رایج در مورد پس‌انداز روستایی، جمعیت این بخش به دلیل فقر گسترده نمی‌توانند پس‌اندازی داشته باشند. در این دیدگاه، دولت باید در تأمین منابع سرمایه‌گذاری مهم‌ترین نقش را ایفا کند. از اواسط دهه ۱۹۸۰، این پیش‌فرض مورد انتقاد قرار گرفت، و مطالعات تجربی در برخی از کشورهای در حال توسعه نشان داد که با فراهم‌سازی شرایط مناسب، کشاورزان فقیر نیز می‌توانند پس‌انداز کنند (World Bank, ۱۹۹۸). بنابراین، محدودیت ظرفیت پس‌انداز با تردید جدی مواجه شد و تجهیز پس‌انداز در مناطق روستایی بسیار مورد توجه قرار گرفت. بر اساس یافته‌های این مطالعه، نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی در جامعه روستایی ایران بیش از مناطق شهری آن است؛ و مشکل مناطق روستایی کمبود پس‌انداز نیست بلکه شرایط نهادی است که تأثیرگذاری مولد این پس‌اندازها را محدود کرده است (مؤمنی، ۱۳۸۵).

هدف این مقاله پاسخ بدین پرسش‌هاست: اشکال پس‌انداز در مناطق روستایی ایران کدام‌اند؟، پس‌انداز در میان چه گروه‌های درآمدی وجود دارد؟، بانک‌ها چه نقشی در تجهیز این پس‌اندازها دارند؟، و عوامل مؤثر بر پس‌انداز روستایی کدام‌اند؟ برای جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل رفتار پس‌اندازی خانوارهای روستایی به شیوه تصادفی در

سه استان کشور نمونه‌هایی انتخاب شد، و با استفاده از شاخص‌های اقتصادی و مدل اقتصاد سنجی اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفت.

اشکال مختلف پس‌انداز روستایی

هنگامی که از پس‌انداز روستایی بحث می‌شود، باید بین پس‌اندازی که با خودداری از مصرف ایجاد می‌شود، و پس‌انداز در شکل دارایی‌های مالی تفاوت قائل شویم. پس‌انداز در شکل دارایی یکی از اشکال موجودی دارایی و پس‌انداز را ارائه می‌دهد. تصمیم در نحوه نگهداری دارایی مالی نیز ممکن است بر کل پس‌اندازها تأثیر گذارد. پس‌انداز روستایی به اشکال زیر نیز امکان‌پذیر است:

خودداری از مصرف: بسیاری از خانوارهای روستایی برای بقای خود همواره به پس‌انداز حداقلی نیاز دارند. این‌گونه پس‌انداز ناشی از خودداری از مصرف است و حتی برای افراد خیلی فقیر نیز ضرورت دارد. در نتیجه، خانوارهای فقیر نیز پس‌انداز می‌کنند، گرچه مقدار آن اندک و زمان نگهداری آن کوتاه است.

اختلاف بین دو دوره تولید و مصرف: اغلب بین دوره‌های تولید و مصرف به‌ویژه در مناطق روستایی اختلاف وجود دارد، زیرا عموماً درآمدهای روستاییان در یک ماه و یا فصل خاص به دست می‌آید اما هزینه‌های آنها در طول سال انجام می‌گیرد. این دوره زمینه‌ای مساعد را برای پس‌انداز به‌وجود می‌آورد. این‌گونه پس‌اندازها میزان نقدینگی خانوارها برای هزینه‌های آینده را نشان می‌دهد، و به مفهوم پول‌های باقی‌مانده از مصرف طی یک دوره نیست.

عدم تجانس در منابع درآمدی خانوارهای روستایی: سطح درآمد خانوارهای روستایی متفاوت است و به همین دلیل، در مراحل مختلف توسعه، مازادهای مصرفی متفاوتی در این خانوارها وجود دارد. این عدم تجانس فرصت‌هایی را برای نهادهای مالی ایجاد می‌کند، زیرا توازن میان مازاد و کمبود خانوارها از طریق پس‌انداز به وجود می‌آید.

موهبت‌های منابع و پذیرش فناوری: موهبت‌های منابع طبیعی در مناطق مختلف

متفاوت است، و همین عامل به ایجاد درآمد بیشتر در برخی از مناطق منجر می‌شود. پذیرش فناوری، علاوه بر افزایش ارزش افزوده، عامل دیگری برای افزایش درآمد در برخی از مناطق روستایی است. این عوامل، با ایجاد درآمد بیشتر، پیش‌زمینه‌هایی را برای تجهیز مازاد عرضه ایجاد می‌کنند.

منابع مالی مربوط به مهاجران: در اغلب کشورهای در حال توسعه، یکی از منابع درآمد خانوارهای روستایی اشتغال در مناطق شهری و یا سایر مناطق است. آن بخش از مهاجران که مهاجرت آنها فصلی است و پس از اشتغال موقت به روستا باز می‌گردند، منابع مالی را به روستا منتقل می‌کنند. این منابع پیش‌زمینه‌ای برای بسیج پس‌اندازها ایجاد می‌کند (Padmanabhan, ۱۹۹۶, p, ۳۸).

عوامل مؤثر در پس‌انداز روستایی

عوامل گوناگون مانند درآمد، نرخ بهره، تورم، و دسترسی در افزایش پس‌انداز روستایی مؤثرند.

درآمد یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده پس‌انداز است؛ با افزایش سطح درآمد، پس‌انداز و میل متوسط به پس‌انداز افزایش می‌یابد. نظریه‌پردازان رابطه میان پس‌اندازهای روستایی و درآمد را به دو گروه متمایز تقسیم می‌کنند؛ گروهی به تقدم اعتبارات^(۱) و گروه دیگر به تقدم پس‌انداز^(۲) معتقدند. در نظریه تقدم اعتبار، فرضیه اصلی این است که روستاییان توان پس‌انداز ندارند و برای توسعه بازارهای مالی روستایی لازم است نهادهای مالی ایجاد شود و از طریق این نهادها، منابع مالی در اختیار روستاییان قرار گیرد. با تزریق منابع مالی به صورت وام و اعتبار به جامعه روستایی، توان تولیدی و میزان درآمد در روستاها افزایش می‌یابد؛ و با افزایش تدریجی درآمد در جوامع روستایی، توان و امکانات فراوان برای پس‌انداز به وجود می‌آید که در طراحی هرگونه برنامه اعتباری، باید از این منابع استفاده شود. وگل^(۳) معتقد است که در چند دهه گذشته، پس‌انداز بخش فراموش شده مسائل مالی روستایی بوده است،

در حالی که بسیاری از روستاییان توانایی پس انداز را دارند، و تأمین طرح‌های اعتباری هم باید به‌طور عمده از همین راه یعنی پس‌اندازهای خود روستاییان صورت گیرد، نه اینکه اعتباراتی از خارج این نظام بدان وارد شود. اگایتسو^(۴) معتقد است نظریهٔ تقدم اعتبار هنوز هم در کشورهای در حال توسعه صادق است. در شرایطی که روستاییان فقیرند، نمی‌توان آنها را به پس‌انداز بخشی از درآمدشان تشویق کرد. در شرایط مساعد و مناسب، اعتبار به افزایش درآمد روستاییان می‌انجامد. روستاییان در یک اقتصاد رشدیابنده بخشی از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند. اگایتسو، با یادآوری تجارب کشورهای نظیر ژاپن، کره و تایوان، نشان می‌دهد که اعتبارات باید در تقدم قرار گیرد. اعتبارات در این کشورها بیشتر از طریق منابع دولتی تأمین می‌شود، و توزیع وام‌ها به افزایش درآمد در روستا منجر شده است. روستاییان در موعد مقرر وام‌ها را بازپرداخت می‌کنند و به پس‌انداز بخشی از درآمد خود نیز می‌پردازند (معظمی، ۱۳۷۷).

نرخ بهره، یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده پس‌انداز است. تجارب نشان می‌دهد که در برخی از کشورهای آسیایی در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱، نرخ بهره منفی بوده و در ۱۹۸۲، یکی از دلایل اصلی در افزایش و جذب پس‌انداز در سری‌لانکا نرخ بهره مثبت بوده است. همچنین، دلیل عمده کاهش سپرده‌های روستایی در فیلیپین را منفی بودن نرخ بهره واقعی می‌دانند.

دسترسی به نهادهای مالی عاملی مهم در رفتار پس‌انداز روستاییان است. هر چه تعداد شعبه‌های روستایی افزایش یابد، دسترسی روستاییان به نهادهای مالی نیز افزایش می‌یابد. در سال‌های اخیر، بانک توسعه کشاورزی در پاکستان، بانک تعاون کشاورزی در سری‌لانکا، بانک گرامین در بنگلادش، و بانک توسعه کشاورزی در نپال تعداد شعبه‌های خود را افزایش داده‌اند، که افزایش سطح پس‌اندازها را به دنبال داشته است (همان).

در هند، شبکه‌ای گسترده از بانک‌ها در مناطق روستایی فعالیت دارد. در ۱۹۹۸ حدود ۳۲۶۶۲ شعبه روستایی و نیمه روستایی از بانک‌های تجاری وجود داشت و هر شعبه به‌طور متوسط ۶۵ هزار نفر را پوشش می‌داد. تعاونی‌های اعتبار روستایی در هند حدود

۰/۵ درصد بیش از بانک‌های تجاری سود به سپرده‌ها می‌پردازند. طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷، این تعاونی‌ها حدود ۲۱ درصد از کل سپرده‌های نهادهای مالی را تجهیز کرده‌اند. بانک‌های ناحیه‌ای روستایی در هند ترکیبی از بانک‌های تجاری و تعاونی‌ها به شمار می‌روند. این بانک‌ها از ۱۹۷۵ برای ارائه خدمات به فقرا، کشاورزان کوچک و حاشیه‌ای، صنعتگران روستایی، کارگران کم‌زمین، و مؤسسات کوچک به‌صورت بانک‌های تجاری بخش عمومی ایجاد شده‌اند. در ۱۹۹۸، تعداد ۱۶۹ بانک روستایی ناحیه‌ای در مناطق روستایی هند فعالیت می‌کردند؛ در حال حاضر شعبه‌های آنها در مناطق روستایی ۱۴۱۳۶ شعبه را شامل می‌شود که هر شعبه روستایی جمعیتی حدود ۱۷ تا ۲۱ هزار نفر را زیر پوشش خود دارد. به طور کلی، در ۹۸-۱۹۹۷، سهم بانک‌های تجاری، تعاونی‌ها، و بانک‌های ناحیه‌ای روستایی به ترتیب ۴۲، ۵۵، ۳ درصد از کل اعتبارات کوتاه‌مدت در بخش کشاورزی بوده است (World Bank, ۱۹۹۸).

در اندونزی، دولت در اعتباررسانی به بخش کشاورزی در مناطق روستایی نقشی مهم دارد. بانک راکیات^۱ شبکه‌ای گسترده را در مناطق روستایی ایجاد کرده است. این واحدها که هر یک ۱۸ روستا را زیر پوشش خود دارند، به واحدهای «دسا» مشهور شده‌اند. واحدهای «دسا» با نظارت شعبه‌های ناحیه‌ای این بانک اداره می‌شوند. در ۱۹۹۵، بانک راکیات با داشتن ۳۴۸۲ شعبه حدود ۸۱ درصد از کل پس‌انداز در مناطق روستایی را تجهیز کرده است. علاوه بر بانک راکیات، بانک اعتبار روستایی با داشتن ۱۹۴۸ شعبه در همین سال در مناطق روستایی ۱۷ درصد از پس‌اندازها را تجهیز کرده است. سهم نهادهای تأمین مالی خرد با ۱۹۷۸ شعبه در مناطق روستایی نیز در این زمینه حدود ۲ درصد بوده است. اندونزی با ایجاد چنین شبکه گسترده‌ای در مناطق روستایی دسترسی خانوارهای روستایی به منابع اعتباری را افزایش داده و در کاهش فقر روستایی تأثیری مهم داشته است.

دلایل توجه به پس‌انداز روستایی در دهه‌های اخیر

مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه بخش عمده‌ای از جمعیت این کشورها را در خود جای می‌دهند. هر چه توسعه‌یافتگی کشورها در سطحی پایین‌تر باشد، جمعیت روستایی آنها بیشتر است. در ۱۳۷۵، حدود ۳۸/۴ درصد از جمعیت ایران در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری). این نسبت برای کشورهای هند، چین، کره جنوبی، و استرالیا به ترتیب ۷۳/۴، ۶۸/۶، ۲۱/۸ و ۱۲/۲ درصد است. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، مناطق روستایی به دلیل عدم دسترسی به فناوری نوین، پراکندگی و خرد بودن واحدهای بهره‌برداری و سایر مشکلاتی چون کم‌آبی در ردیف مناطق فقیر به حساب می‌آیند. به همین دلیل، در دهه‌های قبل، این باور وجود داشت که میزان پس‌انداز خانوارهای روستایی بسیار ناچیز و هزینه تجهیز این پس‌اندازها بالاست. بنابراین، اغلب نظام‌های اعتباری در بخش کشاورزی و روستایی به منابع دولتی و یا کمک‌های خارجی متکی بود. تجارب کشورهای در حال توسعه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نشان می‌دهد که نهادهای مالی روستایی و کشاورزی گرایش زیادی به تأمین اعتبار سرمایه‌گذاری از وجوه بانک‌های مرکزی و یا سازمان‌های اهداکننده داشتند و به تجهیز پس‌انداز چندان توجهی صورت نمی‌گرفت و این مسئله تمایل اتکا به منابع خارجی را تشویق می‌کرد. در دهه هشتاد و به ویژه از اواسط این دهه، تجهیز پس‌انداز در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت.

دلایل تمرکز توجه به پس‌اندازهای روستایی در دهه ۸۰ را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

محدودیت منابع مالی بین‌المللی

در دهه ۷۰، کشورهای در حال توسعه به طور وسیعی توانایی استفاده از منابع مالی بین‌المللی را داشتند. این منابع به‌طور عمده یا بانک‌ها و نهادهای مالی بودند که برای کسب سود، وام در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می‌دادند و یا کارگزاری‌های بین‌المللی توسعه بودند که کمک‌های بلاعوض و یا وام‌هایی برای توسعه پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در اختیار این کشورها قرار می‌دادند، و از آن جمله بانک

جهانی که هر ساله برای اجرای برنامه‌های اعتباری مبالغی قابل توجه در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می‌داد. پس از بحران بدهی‌های کشورهای در حال توسعه، بانک‌های خصوصی با دقت بیشتری به اعطای وام به کشورهای در حال توسعه می‌پرداختند. همچنین، ورود کشورهای بلوک شرق به بازارهای مالی بین‌المللی و هدایت بخش قابل ملاحظه‌ای از کمک‌های مؤسسات توسعه‌ای به این کشورها موجب شد که محدودیت و تنگناهای مالی برای سایر کشورهای در حال توسعه پدید آید، و همین مسئله به عاملی برای توجه به بازارها و مؤسسات پس‌انداز و منابع داخلی مبدل شد و شناسایی ظرفیت‌های داخلی پس‌انداز را در اولویت قرار داد (FAO، ۱۹۷۵).

افزایش جمعیت و محدودیت منابع برای سرمایه‌گذاری

افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه و ضرورت ایجاد اشتغال مولد و نیز افزایش هزینه‌ها و مخارج دولت برای تأمین و رفع نیازهای جمعیت جوان به کسری بودجه و افزایش نسبت هزینه‌ها بر درآمد انجامیده است. به همین دلیل، در طرح‌های اعتباری سعی می‌شود تا از پس‌اندازهای مردم برای تشکیل سرمایه و اعطای وام استفاده شود.

عدم موفقیت برنامه‌های سستی اعتباررسانی در مناطق روستایی

یکی از روش‌های رایج اعتبار رسانی در مناطق روستایی پرداخت یارانه برای کاهش نرخ بهره است. به دلیل مداخله وسیع دولت در این نظام اعتباری، در بسیاری مواقع اعتبارات پرداختی با عدم بازپرداخت مواجه می‌شود. از آنجا که درگیر کردن منابع مردم در نظام اعتباررسانی به تعهد بیشتر برای بازپرداخت منجر می‌شود، تلاش برای تجهیز پس‌انداز در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه به پایداری منابع اعتباری و بهبود بازپرداخت‌ها می‌انجامد.

وجود ظرفیت پس‌انداز روستایی

سمپوزیوم بین‌المللی تجهیز پس‌انداز که در سال ۱۹۸۴ در کامرون برگزار شد، نتایجی

را به دنبال داشت که یکی از آنها تأکید بر این واقعیت است که در بیشتر کشورهای در حال توسعه پس‌اندازهای داخلی در مقیاس بزرگ‌تر از آنچه فکر می‌شد، وجود دارد. مطالعه‌ای که در یازده کشور آسیایی در همان سال انجام شد، نشان داد که در ۵ سال گذشته افزایشی بین ۹ تا ۲۵ درصد در پس‌اندازهای پولی و سایر انواع پس‌اندازها در تمامی این کشورها صورت گرفته و نرخ پس‌انداز در روستاها نسبت به مناطق شهری بیشتر بوده است. تجربه گرامین بانک در بنگلادش نیز گویای توانایی پس‌انداز توسط فقرات. در این تجربه، فقرا توانستند بیش از ۵ درصد از مجموع درآمد خود را در شرایط مناسب پس‌انداز کنند. در هند، طی سال‌های ۶۲-۱۹۶۱، خانوارهای روستایی با درآمد اسمی بین ۴۸۰۰ تا ۷۲۰۰ روپیه ۱۹ درصد از درآمد خود را پس‌انداز می‌کردند، در حالی که خانوارهای شهری با درآمدی بین ۶ تا ۱۰ هزار روپیه تنها به پس‌انداز ۱۱/۴ درصد از درآمد خود می‌پرداختند (APO, ۱۹۹۲).

روش تحقیق

هدف این مقاله شناخت ساختار و اشکال پس‌انداز و بررسی عوامل مؤثر بر پس‌انداز در مناطق روستایی ایران است؛ از سایر اهداف می‌توان به برآورد میزان پس‌انداز در گروه‌های مختلف درآمدی و نقش بانک‌ها در تجهیز پس‌انداز اشاره کرد. پرسش‌های اساسی این مطالعه عبارت‌اند از: آیا در میان خانوارهای روستایی پس‌انداز وجود دارد؟، ترکیب و اشکال پس‌انداز چگونه است؟ بانک‌ها در جذب پس‌انداز روستاییان چه نقشی دارند؟ چه ارتباطی میان پس‌انداز و دریافت وام خانوارها وجود دارد؟ با توجه بدین نکته که با اطلاعات موجود در سطح کلان و آمار هزینه و درآمد خانوار به‌ویژه پیرامون اشکال مختلف پس‌انداز و نقش بانک‌ها در تجهیز پس‌انداز در مناطق روستایی، امکان ارائه پاسخی مناسب وجود نداشت، مطالعه میدانی به شیوه نمونه‌گیری تصادفی به نحوی صورت گرفت که نتایج به مناطق روستایی کشور قابل تعمیم باشد. برای طراحی پرسشنامه، ابتدا اهداف به پرسش‌های اساسی تبدیل شد؛

سپس با مراجعه به مطالعات تجربی، متغیرهای مستقل و وابسته پرسش‌ها تعیین شدند؛ طراحی پرسش‌ها به نحوی صورت گرفت که بتوان اطلاعات مورد نیاز برای برآوردها را از اطلاعات مقطعی در ۱۳۸۲ تأمین کرد. برای رسیدن بدین اهداف، دو نوع پرسشنامه در سطح سرپرست خانوار و روستا طراحی شد. به‌طورکلی، پرسشنامه سرپرست خانوار شامل ۱۰۱ عنوان پرسش مشتمل بر سؤالات باز و بسته و یا سؤالات همراه با جدول بوده است. عمده پرسش‌های خانوارها پیرامون نحوه و میزان پس‌انداز، وضعیت شغلی و اقتصادی (درآمدها، هزینه‌ها و دارایی‌ها)، و متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، سواد و خصوصیات خانوار پاسخگو بود. در پرسشنامه روستا، پرسش‌هایی در زمینه خصوصیات اقلیمی، جمعیتی، امکانات رفاهی، نهادهای مالی و نیز رفتار کلی اهالی روستا در زمینه پس‌انداز، قرض، وام، و نوع سرمایه‌گذاری آنها مطرح شده است.

روش نمونه‌گیری

در این مطالعه، استان‌های کشور از نظر وضعیت پس‌انداز روستایی به سه دسته پس‌انداز روستایی بالا، متوسط و پایین تقسیم شده، در هر دسته از استان‌ها، یک استان به روش تصادفی انتخاب شد. بدین ترتیب، سه استان کرمانشاه، فارس، و اردبیل برای مطالعه در نظر گرفته شد. در مرحله بعد، از هر استان ۲ شهرستان که دارای جمعیت روستایی نسبتاً بالا و نسبتاً پایین (در بین شهرستان‌های همان استان) بودند، به طور تصادفی انتخاب شدند؛ و در مجموع، ۶ شهرستان و ۷۱ روستا در پوشش این مطالعه قرار گرفتند. جامعه آماری این مطالعه از ۵۰۰ خانوار روستایی در سه استان نامبرده تشکیل شده است که به‌طور تصادفی بر اساس روش یاد شده در بالا انتخاب شده‌اند. این خانوارها در محدوده ۷۱ روستا سکونت دارند که از این روستاها نیز پرسشنامه تکمیل شده است. روش‌های آماری این مطالعه ضریب‌های همبستگی و استفاده از مدل اقتصادسنجی برای تخمین مدل پس‌انداز روستایی را شامل می‌شوند.

جدول ۱- تعداد نمونه تعیین‌شده برای مصاحبه در هر یک از شهرستان‌های منتخب

شهرستان	تعداد خانوار روستایی	نسبت خانوار روستایی در هر شهرستان (نسبت به کل شهرستان)	تعداد نمونه در هر شهرستان
اسلام آباد غرب	۲۲۰۰۹	۰/۲۳	۱۱۵
سرپل ذهاب	۸۳۷۹	۰/۰۹	۴۵
مرودشت	۳۸۸۵۸	۰/۴۰	۲۰۰
استهبان	۴۹۷۰	۰/۰۵	۲۵
خلخال	۱۵۸۳۰	۰/۱۶	۸۰
بيله سوار	۷۶۷۳۰	۰/۰۷	۳۵
جمع	۹۶۷۷۶	۱/۰۰	۵۰۰

یافته‌های تحقیق

در جدول ۲، تعداد و انواع بانک‌ها، و متوسط فاصله هر یک از بانک‌ها با روستاهای نمونه نشان داده شده است.

جدول ۲- تعداد بانک و متوسط فاصله بانک تا روستا (کیلومتر)

	کشاورزی	صادرات	ملت	ملی	تجارت
تعداد	۶۶	۴۷	۴۹	۴۹	۴۸
متوسط	۱۱/۳	۲۳/۸	۲۱/۶	۲۳/۶	۲۵/۹

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

بر اساس یافته‌های این تحقیق، ۵۴ درصد از پاسخگویان در پاسخ بدین سؤال که آیا در روستای شما یا در نزدیکی آن بانک وجود دارد، پاسخ آری داده‌اند؛ و به گفته ۴۶ درصد از جامعه آماری، در نزدیکی آنها بانک وجود نداشته است. فاصله نزدیک‌ترین بانک به محل زندگی خانوارها یکی دیگر از پرسش‌های مطرح شده بود. براساس پاسخ‌ها، فاصله روستای محل سکونت ۳۱/۴ درصد از پاسخگویان تا نزدیک‌ترین بانک

بین ۰ تا ۴ کیلومتر، ۲۰/۶ درصد از آنها بین ۴ تا ۸ کیلومتر، و ۴۷/۲ درصد نیز بیش از ۸ کیلومتر بوده است. از آنجا که دسترسی به بانک از عوامل تأثیرگذار در پس‌انداز به شمار می‌رود، تنها ۳۱/۴ درصد از خانوارها از نظر فاصله محل سکونت خود دسترسی آسان‌تری به بانک‌ها داشته‌اند.

جدول ۳ دلایل مراجعه به بانک را نشان می‌دهد. بر اساس این یافته، ۸۴/۲ درصد از پاسخگویان دلیل اصلی مراجعه به بانک را دریافت و درخواست وام و یا بازپرداخت وام می‌دانستند. دریافت پول بابت فروش گندم، دریافت مستمری و حقوق (گروهی که مشاغل اداری داشته‌اند، و نیز مستمری‌بگیران کمیته امداد)، و پرداخت قبوض آب و برق از دیگر دلایل مراجعه پاسخگویان به بانک‌ها بوده است.

جدول ۳- دلایل مراجعه به بانک

ردیف	دلایل مراجعه به بانک	فراوانی	درصد
۱	دریافت و درخواست وام	۳۲۸	۷۸
۲	بازپرداخت وام	۲۰۰	۶/۲
۳	دریافت پول، حقوق و چک	۱۶۳	۳۸/۸
۴	پرداخت قبوض آب و برق	۱۲۷	۳۰/۲
۵	دریافت جایزه	۱	۰/۳
۶	ضمانت وام	۱	۰/۳
۷	واریز پول	۱۳۴	۳۲

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

دلیل افتتاح حساب در میان جامعه روستایی نشان‌دهنده کارکردهای بانک از دیدگاه روستاییان است. براساس جدول ۴، مهم‌ترین دلیل افتتاح حساب و ارتباط با بانک دریافت وام است. پس از وام، به ویژه در بانک کشاورزی، یکی دیگر از دلایل ارتباط با بانک افتتاح حساب جاری برای تسهیل معاملات ذکر شده است. تنها ۰/۳ درصد از کسانی که در بانک کشاورزی حساب داشته‌اند، جایزه را به عنوان عاملی برای پس‌انداز

خود به حساب آورده‌اند. از دلایل دیگری که برای افتتاح حساب نام برده شده است، می‌توان به مطمئن بودن محل پس‌انداز و نزدیکی محل بانک اشاره کرد. در مجموع، مهم‌ترین عامل افتتاح حساب دریافت وام است. ۷۸ درصد از کسانی که دلیل افتتاح حساب خود را اظهار کرده‌اند، دریافت وام را عامل اصلی آن دانسته‌اند.

جدول ۴- دلیل افتتاح حساب از دیدگاه اعضای جامعه نمونه

بانک	دریافت وام	جایزه	سود	معامله	محل مطمئن پس‌انداز	نزدیکی بانک
کشاورزی	۱۵۰	۹	-	۱۱	۴	۹
ملی	۲۹	۸	-	-	۱	۲
صادرات	۳۸	۱۳	-	۶	۹	۹
ملت	۱۶	۵	-	۳	۳	۳
سپه	۲	۱	-	۳	۱	۱

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

جدول ۵ انواع حساب‌های بانکی در بانک کشاورزی و سایر بانک‌های تجاری مستقر در مناطق روستایی را نشان می‌دهد. بر اساس این ارقام، حساب قرض‌الحسنه در میان سایر حساب‌ها بالاترین فراوانی را دارد. یکی از دلایل افتتاح حساب قرض‌الحسنه جایزه‌ها و تبلیغات متنوع در رسانه‌های گروهی است؛ و علاوه بر این، در برخی از بانک‌ها پیش‌شرط دریافت وام افتتاح حساب قرض‌الحسنه است. حساب جاری در اولویت بعد قرار دارد. حساب جاری علاوه بر تسهیل معاملات و ایجاد قدرت خرید مدت‌دار برای دارنده حساب ممکن است در وام‌گیری نیز مؤثر باشد. بانک کشاورزی یکی از شرایط اعطای وام را کارکرد حساب جاری متقاضیان می‌داند. به‌طورکلی،

حساب جاری در مجموع ۲۱ درصد از کل حساب‌های مختلف خانوارهای نمونه در بانک‌ها را تشکیل می‌دهد. حساب‌های سپرده کوتاه‌مدت و بلندمدت در ردیف اهمیت بعد قرار دارد. ترکیب انواع حساب‌های بانکی نشان می‌دهد که در جامعه نمونه، گرایش به سپرده‌گذاری بلندمدت بسیار اندک است و تنها ۱/۷ درصد از خانوارها این‌گونه سپرده‌گذاری را انجام داده‌اند؛ این نکته گویای فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی است، به طوری که نگهداری پول از اهمیت کمتری برخوردار است.

جدول ۵- نوع حساب‌های بانکی خانوارها در جامعه نمونه به تفکیک بانک‌های مختلف

نام بانک	نوع حساب	قرض الحسنه	سپرده کوتاه‌مدت	سپرده بلندمدت	جاری
کشاورزی	۲۴۵	۲۲	۲	۴۲	
ملی	۵۴	۶	۱	۲۷	
صادرات	۹۹	۷	۲	۳۹	
ملت	۳۸	۸	۲	۲۲	
سپه	۸	۳	۰	۶	
سایر	۳۱	۴	۱	۸	
کل	۴۷۵	۵۰	۸	۱۴۴	

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

جدول ۶ نحوه توزیع وام در میان پاسخگویان را نشان می‌دهد. بر اساس این ارقام، ۳۹ درصد از افراد جامعه نمونه از نظام بانکی وامی دریافت نکرده‌اند. ۶/۱ درصد تا سقف حداکثر یک میلیون ریال و ۲۳ درصد نیز بین یک تا پنج میلیون ریال از بانک‌ها وام گرفته‌اند، و به ۲۱/۷ درصد نیز وام‌هایی بیش از ۱۰ میلیون ریال اعطا شده است. از نظر ارزش وام، ۲۱/۷ درصد از پاسخگویان ۸۸/۷ درصد از کل وام را دریافت کرده‌اند؛ ۳۹ درصد وامی دریافت نکرده و ۳۹/۳ درصد نیز از نظر ارزش تنها ۱۱/۳ درصد وام‌ها

را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر توزیع وام، به نظر می‌رسد که توزیع مناسب و عادلانه‌ای وجود نداشته است.

جدول ۶- میزان وام دریافتی پاسخگویان در ۱۳۸۱ (هزار ریال)

مقادیر وام	فراوانی	سهم هر گروه (درصد)	کل وام دریافتی هر گروه	سهم از کل وام در هر گروه (درصد)
۰	۱۷۹	۳۹	۰	۰
۱۰۰۰	۲۸	۶/۱	۱۶۰۰	۰/۴
۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰	۳۶	۷/۸	۶۳۰۰	۱/۵
۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰	۷۰	۱۵/۲	۲۸۴۰۰	۶/۵
۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰	۴۶	۱۰/۱	۱۲۱۰۰	۲/۹
۱۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰	۶۸	۱۴/۸	۱۲۱۸۰۰	۲۸
۳۰۰۰۰ و بیشتر	۳۲	۷	۲۶۴۱۰۰	۶۰/۷
مجموع	۴۵۹	۱۰۰		۱۰۰

مأخذ: نتایج پرسشنامه

در جدول ۷، میزان بدهی خانوارها به تفکیک نهاد وام‌دهنده آورده شده است. بر اساس این ارقام، متوسط بدهی پاسخگویان ۱۸/۷ میلیون ریال بوده است که از این میزان، سهم بانک‌ها ۵۷/۱ درصد، رباخواران و دکان‌داران ۲۲/۵ درصد، آشنایان ۱۵/۲ درصد، صندوق قرض‌الحسنه و تعاونی روستایی ۲ درصد، و سایر منابع ۳ درصد است. متوسط نرخ سود رباخواران ۶۰ درصد است و علی‌رغم حرمت ربا، به دلیل مشکلات و عدم دسترسی به منابع بانکی، این بدهی از نظر سهم پس از بانک‌ها رقمی قابل توجه را تشکیل می‌دهد. آشنایان نیز در تأمین نیاز خانوارهای روستایی از سهمی چشمگیر برخوردارند و اغلب این‌گونه پرداخت‌ها بدون بهره و نمایانگر وجود سرمایه اجتماعی

در میان خانوارهای روستایی است.

جدول ۷- متوسط میزان بدهی هر خانوار به تفکیک نهاد وام‌دهنده

نهاد وام‌دهنده	متوسط (هزار ریال)	سهم (درصد)
کل بانک‌ها	۱۰۷۰۳	۵۷/۲
رباخواران	۳۵۵۳	۱۸/۹
آشنایان	۲۸۵۳	۱۵/۲
دکان‌داران	۶۷۶	۳/۶
صندوق قرض‌الحسنه و تعاونی روستایی	۳۷۵	۲
سایر	۵۷۵	۳/۱
مجموع	۱۸۷۳۷	۱۰۰

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

جدول ۸ نحوه نگهداری درآمد خانوارها در جامعه نمونه را نشان می‌دهد. بر پایه این ارقام، ۵۱ درصد از پاسخگویان درآمد سالانه خانوار را در منزل نگهداری می‌کنند؛ و ۴۶ درصد آنها در بانک و ۳ درصد نیز به سایر شیوه‌هایی چون قرض دادن به دیگران و یا پس‌انداز در تعاونی روستایی نقدینگی خود را نگهداری می‌کنند.

جدول ۸- نحوه نگهداری درآمد خانوار در میان پاسخگویان

نحوه نگهداری درآمد	فراوانی	درصد
نگهداری در منزل	۱۴۲	۵۱
نگهداری در بانک	۱۲۸	۴۶
قرض دادن به دیگران	۱	۰/۳
پس‌انداز در تعاونی روستایی	۱	۰/۳
سایر	۶	۲/۴

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

جدول ۹ اشکال مختلف پس‌انداز در میان زنان خانوار پاسخگویان را نشان می‌دهد؛ بر این اساس، ۶۵/۶ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که خانم خانه دارای پس‌انداز است و نحوه نگهداری آنها به اشکال مختلفی چون پول نقد، طلا، خرید جهیزیه، و پس‌انداز در بانک است. از این میان، ۳۶/۶ درصد از زنان روستایی در این مطالعه پس‌انداز خود را به صورت نقد و ۴/۲ درصد در بانک نگهداری می‌کنند؛ همچنین، ۱۶ درصد به خرید طلا و ۳۲/۴ درصد نیز به تهیه جهیزیه می‌پردازند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، مؤسسات اعتبارات خرد که بخش مهم سرمایه آنها را پس‌انداز زنان تشکیل می‌دهد، می‌توانند این منابع را تجهیز کنند.

بر اساس اطلاعات مندرج در پرسشنامه، درآمد خالص خانوارها در میان پاسخگویان محاسبه و سپس هزینه سالانه خوراک، پوشاک، دخانیات، مسافرت، هدایا، و نذورات از آن کسر شده و باقی‌مانده به عنوان «پس‌انداز خانوار» محسوب شده است.

جدول ۹- اشکال مختلف پس انداز در میان زنان جامعه نمونه

اشکال مختلف پس انداز	فراوانی	درصد
به صورت نقد	۱۳۱	۳۶/۶
خرید طلا	۵۳	۱۶
تهیه جهیزیه	۱۰۷	۳۲/۴
پس انداز در بانک	۱۴	۴/۲
سایر مخارج	۳۵	۷/۶

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

در جدول ۱۰، میزان پس انداز خانوارها برای ۱۰ گروه درآمدی خانوارها با همین روش محاسبه و ارائه شده است. بر اساس ارقام این جدول، در دهک های اول تا چهارم درآمدی، میزان هزینه خانوارها بیش از درآمد آنهاست؛ با افزایش سطح درآمد در دهک های بعد، میزان پس انداز نیز افزایش می یابد. ارقام نشان می دهد که بخش عمده ای از پس اندازهای روستایی در میان ۲۱/۵ درصد از خانوارهای پردرآمدی است که در گروه های بالای درآمدی قرار دارند. در این مطالعه، ۹۳/۴ درصد از پس اندازها در سه گروه بالای درآمدی و ۶/۶ درصد از کل پس اندازها در سه گروه درآمدی متوسط قرار دارد. به طور متوسط، چهار گروه پایین درآمدی حدود ۹ میلیون ریال در سال ۱۳۸۱ پس انداز منفی داشته اند.

جدول ۱۰- متوسط پس انداز و هزینه و درآمد در خانوارهای پاسخگو (هزار ریال)

عنوان / گروه درآمدی	درآمد ناخالص	هزینه مصرفی	هزینه تولیدی	پس انداز	تعداد خانوار پاسخگو
اول	۹۲۶۷	۱۸۰۶۳	۷۴۸۸	-۱۳۷۱۸	۱۴۲
دوم	۱۴۳۷۷	۱۶۵۵۱	۶۴۳۷	-۵۹۹۲	۳۰
سوم	۱۵۲۸۰	۱۸۱۵۰	۲۱۱۰۰	-۵۸۲۰	۴۷
چهارم	۱۹۸۷۲	۱۸۳۵۱	۲۱۰۲۶	-۱۲۴۳	۵۴
پنجم	۲۷۷۸۶	۱۷۷۰۰	۲۴۷۱۹	۳۰۶۷	۲۸
ششم	۳۲۹۳۶	۱۸۱۲۵	۲۴۶۶۶	۸۲۷۰	۳۴
هفتم	۳۵۶۲۰	۲۰۰۸۵	۲۵۸۴۱	۹۷۷۹	۲۵
هشتم	۴۹۴۷۶	۲۰۴۴۳	۲۶۶۸۶	۲۲۷۹۲	۳۷
نهم	۶۲۸۴۹	۲۲۹۲۲	۳۰۶۵۷	۳۲۱۹۱	۲۹
دهم	۱۴۲۵۷۷	۲۷۵۲۳	۳۸۰۴۸	۲۰۴۰۸۲	۳۳
متوسط کل	۳۱۹۸۳	۱۹۲۷۸	۳۴۶۴۳	۷۳۴۰	۴۵۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۱۱ ضریب همبستگی میزان پس انداز در بانک کشاورزی با مالکیت زمین، تعداد دام، میزان پس انداز کل در سال گذشته، و مقدار وام دریافتی از بانک کشاورزی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی این متغیرها با پس انداز خانوارها در بانک کشاورزی به ترتیب برابر ۰/۴۲۵، ۰/۱۱۹، ۰/۲۳۶ و ۰/۳۸۶ و در سطوح ۹۹، ۹۵، ۹۹ و ۹۹ درصد معنی‌دار است. رابطه این متغیرها مثبت و مستقیم است. ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که عواملی چون سن، سواد، اندازه خانوار، و فاصله تا اولین بانک متغیرهایی معنی‌دار در میزان پس اندازها به حساب نمی‌آیند. بنابراین، می‌توان گفت که یکی از انگیزه‌های پس انداز در بانک کشاورزی دریافت وام است، و این متغیر پس از مالکیت

زمین با میزان پس انداز در بانک کشاورزی بیشترین ضریب همبستگی را دارد.

جدول ۱۱- ضریب‌های همبستگی پس انداز در بانک کشاورزی با متغیرهای مؤثر

متغیر عامل مؤثر	روش برآورد	میزان ضریب	سطح معنی دار بودن
مالکیت زمین	P*	۰/۴۲۵	۹۹
تعداد دام	P	۰/۱۱۹	۹۵
میزان پس انداز	P	۰/۲۳۶	۹۹
مقدار وام	P	۰/۳۸۶	۹۹

*پیرسون

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در این مطالعه، در چارچوب مدل اقتصادسنجی، عوامل مؤثر بر پس انداز روستایی مورد بررسی قرار گرفت. مطالعات نشان می‌دهد که تابع پس انداز روستایی، علاوه بر درآمد، تابعی از متغیرهایی چون اندازه خانوار، سطح زیرکشت خانوارها، سن سرپرست خانوار، بار تکفل، و میزان تحصیلات سرپرست خانوار است. برای تخمین مدل پس انداز از تابع زیر استفاده شده است.

$$SAV = \alpha + \beta_1 Y + \beta_2 H + \beta_3 L_A + \beta_4 A + \beta_5 D + \beta_6 L_O$$

متغیرهای این تابع عبارت‌اند از:

SAV بالاترین مبلغ پس انداز در کل بانک‌ها در سال زراعی ۸۱-۱۳۸۰ (ده ریال)

Y درآمد خانوارها (ده ریال)

H اندازه خانوار (نفر)

L_A کل اراضی آبی و دیمی خانوار (هکتار)

A سن سرپرست خانوار (سال)

D فاصله تا اولین بانک (کیلومتر)

L_0 مانده بدهی خانوار در سال ۱۳۸۱ (ده ریال)
در این تابع، SAV متغیر وابسته و سایر متغیرها مستقل می‌باشند.
معادله برآورد شده برای پس‌انداز بانکی خانوار عبارت است از:

$$SAV = 257687 + 0.263Y - 1293.9H - 50D + 0.178L_0 + 7453L_A \quad (1)$$

(۷/۳) (-۲/۳۶) (-۰/۳) (۴/۱۲) (۴/۲)

$$N = 459 \quad R^2 = 0.72 \quad F = 31$$

$$SAV = 409537 + 0.259Y - 12631.0H + 0.182L_0 + 7550L_A \quad (2)$$

(۱/۷) (۷/۵) (-۲/۵) (۴/۳) (۴/۳۹)

$$N = 459 \quad R^2 = 0.721 \quad F = 50.1$$

در مدل برآورد شده ۱، سن سرپرست خانوار و فاصله تا اولین بانک به دلیل پایین بودن سطح آماره معنی‌دار نبوده و بنابراین، از معادله حذف شده‌اند. تخمین ضرایب در مدل ۲ نشان می‌دهد که میل نهایی به پس‌انداز بانکی حدود ۰/۲۵ است که با توجه به ضرایب و آماره تخمین کاملاً معنی‌دار است. اندازه خانوار با پس‌انداز رابطه معکوس دارد و با افزایش یک نفر به اندازه خانوار، به فرض ثابت بودن سایر متغیرها، پس‌انداز بانکی بر اساس برآورد حداقل ۱۲۶۳ هزار ریال کاهش پیدا می‌کند؛ اما میزان وام دریافتی با پس‌انداز رابطه مثبت دارد چرا که سپرده‌گذاری برای دریافت وام ضروری است. مالکیت زمین اعم از آبی و دیمی یکی دیگر از متغیرهای مؤثر در پس‌انداز است، به‌طوری‌که به ازای افزایش یک هکتار زمین کشاورزی حدود ۷۵/۵ هزار ریال به پس‌انداز بانکی خانوارها افزوده می‌شود.

نتایج

۱- در این مطالعه، حدود ۵۴ درصد از خانوارهای پاسخگو در روستا یا در فواصل

نزدیک، به بانک دسترسی داشته و ۴۶ درصد از آنها به بانک دسترسی نداشته‌اند.

۲- در میان جامعه نمونه، حدود ۲۱ درصد هیچ‌گونه حسابی در بانک‌ها نداشته‌اند. از آنجا که شرط دریافت وجه فروش گندم برخورداری از حساب بانکی است، گروهی که هیچ‌گونه حسابی در بانک‌ها ندارند، از خانوارهای بی‌زمین و جزو کارگران مناطق روستایی به حساب می‌آیند؛ و فعالیت آنها در مناسبات غیرتجاری و به صورت معیشتی است.

۳- براساس نتایج مطالعه میدانی، مهم‌ترین مسئله و دلیل مراجعه به بانک دریافت و یا درخواست وام بوده است. اولویت انتخاب پاسخ‌ها نشان می‌دهد که در دیدگاه خانوارهای پاسخگو، مهم‌ترین کارکرد بانک‌ها وام‌دهی است. در مجموع، ۷۸ درصد از افراد مهم‌ترین عامل افتتاح حساب در بانک کشاورزی را دریافت وام اعلام کرده‌اند.

۴- ترکیب انواع حساب‌های بانکی نشان می‌دهد که در جامعه نمونه، گرایش به سپرده‌گذاری بلندمدت بسیار اندک است و تنها ۱/۷ درصد از خانوارها این‌گونه سپرده‌گذاری را انجام داده‌اند که گویای فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی است، به طوری که نگهداری پول در بانک از اهمیت کمتری برخوردار می‌شود.

۵- نحوه توزیع وام در ۱۳۸۰ در جامعه نمونه نشان می‌دهد که ۳۹ درصد از جامعه نمونه وامی دریافت نکرده‌اند؛ به ۶/۱ درصد از آنها وام‌های تا سقف حداکثر یک میلیون ریال، به ۲۳ درصد وام‌هایی بین یک تا پنج میلیون ریال، و به ۲۱/۸ درصد وام‌های بیش از ده میلیون ریال اعطا شده است. به عبارتی، از نظر ارزش وام، تنها ۲۱/۸ درصد از جامعه نمونه حدود ۸۸/۷ درصد از کل وام‌ها را دریافت کرده‌اند؛ ۳۹ درصد از آنها بدین وام‌ها دسترسی نداشته و ۳۹/۳ درصد، از نظر ارزش، تنها ۱۱/۳ درصد از وام‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

۶- در جامعه نمونه، حدود ۵۷/۱ درصد از میزان بدهی خانوارها مربوط به بانک‌های مختلف است؛ سهم رباخواران و دکان‌داران ۲۲/۵ درصد و سهم آشنایان ۱۵/۲ درصد از کل بدهی‌هاست، در حالی که سهم صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی روستایی تنها ۲ درصد بوده است. مقایسه نتایج این مطالعه با مطالعات پیشین (عرب مازار، ۱۳۷۸) نشان

می‌دهد که وابستگی روستاییان به رباخواران افزایش و سهم بانک‌ها در تأمین نیازهای روستاییان از ۶۸/۲ درصد در ۱۳۷۶ به ۵۷/۱ درصد کاهش یافته است.

۷- در پاسخ بدین سؤال که «آیا می‌دانید سود پولی که در بانک می‌گذارید، چند درصد است؟»، ۸۸ درصد از خانوارهای پاسخگو اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند و تنها ۶ درصد از پاسخگویان از نرخ درست سود پرداختی به پس‌اندازها اطلاع داشتند. بنابراین، در تحلیل رفتار اقتصادی جوامع روستایی مورد مطالعه می‌توان گفت که آنها نسبت به نرخ بهره بانکی حساسیت کمتری دارند، و افزایش یا کاهش نرخ بهره بانکی در جذب پس‌انداز در جوامع روستایی تأثیر زیادی ندارد.

۸- در پاسخ بدین سؤال که «آیا با افزایش نرخ سود سپرده، حاضرید پس‌انداز کنید؟» تنها ۵ درصد از جامعه نمونه پاسخ مثبت داده‌اند. یکی از دلایل عدم رغبت به سپرده‌گذاری را می‌توان وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهتر در مناطق روستایی دانست.

۹- پاسخگویان در پاسخ بدین سؤال که «درآمدهایی را که در برخی از ماه‌ها به دست می‌آورید، تا زمان هزینه چگونه نگهداری می‌کنید؟»، ۵۱/۱ درصد اعلام کرده‌اند که این درآمدها را در خانه نگهداری می‌کنند. این مسئله نشانگر وجود منابعی است که به دلیل عدم وجود مؤسسات مالی اعتباری در سطح مناطق روستایی، امکان جذب آنها به صورت پس‌انداز روستایی وجود ندارد، در حالی که چه‌بسا این‌گونه منابع برای مؤسسات اعتبارات خرد در سطح مناطق روستایی بسیار چشمگیر است.

۱۰- در میان ۶۵/۶ درصد از خانوارهای روستایی در این مطالعه، زنان دارای پس‌انداز بوده‌اند؛ این پس‌اندازها به اشکال مختلفی چون پول نقد، طلا، خرید جهیزیه، و پس‌انداز در بانک بوده است، و ۳۶/۶ درصد آنها پس‌انداز خود را به صورت نقدی نگهداری می‌کردند.

۱۱- در پاسخ بدین سؤال که «شما برای روز مبادا پول نقد کنار می‌گذارید؟»، از میان ۳۰۷ پاسخگو، حدود ۴۰/۷ درصد پاسخ مثبت و ۵۹/۳ درصد پاسخ منفی داده‌اند. متوسط میزان چنین پول نقدی ۱/۷۵ میلیون ریال بوده است. این پول نقد که برای

هزینه‌های ضروری امرار معاش و سایر مخارج است، یکی از منابع تجهیز پس‌انداز در مؤسسات اعتباری کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود.

۱۲- براساس روش برآورد پس‌انداز یاد شده در این گزارش، با استفاده از داده‌های آماری مطالعه میدانی، میزان پس‌انداز برحسب ۱۰ گروه درآمدی در خانوارهای نمونه محاسبه شد؛ براساس این ارقام، در دهک‌های اول تا چهارم درآمدی که ۵۹/۴ درصد از خانوارهای نمونه را تشکیل می‌دهند، پس‌انداز منفی وجود دارد؛ و به عبارتی، میزان هزینه‌های این خانوارها بیش از درآمد سالانه آنهاست.

۱۳- بخش عمده‌ای از پس‌اندازهای روستایی در جامعه نمونه در میان ۲۱/۵ درصد از خانوارهای پردرآمد در گروه‌های بالای درآمدی قرار دارد.

۱۴- براساس روش محاسباتی پس‌انداز در این گزارش، از کل پس‌اندازهای موجود در جامعه نمونه، حدود ۹۳/۴ درصد به سه گروه بالای درآمدی و ۶/۶ درصد به سه گروه درآمدی متوسط اختصاص دارد؛ و به طور متوسط، چهار گروه پایین درآمدی خانوارها سالیانه حدود ۹ میلیون ریال پس‌انداز منفی داشته‌اند.

۱۵- ضرایب برآورد شده برای متغیر درآمد خانوار روستایی میل نهایی به پس‌انداز بانکی را ۰/۲۶ نشان می‌دهد. بنابراین، میل نهایی به پس‌انداز بانکی از کل پس‌انداز در خانوارهای روستایی کمتر است.

۱۶- ضریب متغیر مانده بدهی خانوارها با پس‌انداز رابطه‌ای منفی را نشان می‌دهد؛ این برآورد از نظر آماری معنی‌دار است. به عبارت دیگر، میزان پس‌انداز در گروهی که دارای مانده بدهی بیشتری بوده‌اند، کمتر بوده است. این مسئله به دلیل وام‌های کوتاه‌مدتی است که باید خانوارها هر ساله اصل و بهره آن را بازپرداخت کنند، در حالی که وام بلندمدت باید در میزان پس‌انداز تأثیری مثبت داشته باشد، زیرا با افزایش وام بلندمدت، سرمایه‌گذاری، درآمد، و پس‌انداز نیز افزایش می‌یابند.

پیشنهاده‌ها

۱- گسترش تعداد شعب بانک کشاورزی در مناطق روستایی

بر پایه یافته‌های این تحقیق، تنها در ۱۹/۹ درصد از روستاهای نمونه، بانک کشاورزی به صورت مهم‌ترین نهاد اعتباری در بخش کشاورزی وجود دارد و بخش عمده‌ای از روستاها فاقد بانک کشاورزی است، فاصله روستاهای فاقد بانک تا اولین بانک کشاورزی حدود ۵ تا ۵۰ کیلومتر است؛ و از سویی، حدود ۳۹ درصد از خانوارها در ۱۳۸۰ به هیچ‌گونه منابع اعتبار رسمی دسترسی نداشته‌اند. یکی از سیاست‌هایی که به کمک آن، علاوه بر تجهیز پس‌اندازهای روستایی، می‌توان دسترسی به منابع اعتباری را برای روستاییان افزایش داد، افزایش تعداد شعب روستایی است. با این‌همه، بانک کشاورزی، بنا به اظهار مدیر عامل این بانک، به دلیل غیراقتصادی بودن گسترش شعب روستایی، سیاست کلی خود را به سوی تقلیل، ادغام و تغییر مکان شعبی سوق داده است که هزینه‌هایی بیش از درآمد در مناطق روستایی دارند. در این راستا، در ۱۳۸۰، تعداد شعب روستایی بانک کشاورزی ۶۷۱ شعبه بود که در مقایسه با ۱۳۷۶، تعداد ۲۷ شعبه کاهش یافت؛ و در مقابل، طی همین سال‌ها، تعداد شعب شهری بانک از ۸۲۱ به ۱۱۳۵ شعبه افزایش یافته است. پیشنهاد می‌شود، با استفاده از ساختار موجود تعاونی‌ها، شبکه‌ای کم‌هزینه و انعطاف‌پذیر ویژه مناطق روستایی (برای نمونه، بانه‌های کوچک بانکی) طراحی و گسترش یابد.

۲- اتخاذ سیاست‌هایی در جهت کاهش بدهی خانوارهای کم‌درآمد

این مطالعه نشان می‌دهد که در ۱۳۸۱، در چهار گروه پایین درآمدی، هزینه‌های سالانه خانوارها بیش از درآمد آنها بوده است. به عبارتی، حدود ۵۹ درصد از خانوارهای نمونه دارای پس‌انداز منفی بوده‌اند. خانوارهای پایین‌ترین گروه درآمدی سالانه ۱۳/۷ میلیون ریال پس‌انداز منفی داشته‌اند و میزان بدهی آنها در همین سال ۱۲/۵ میلیون ریال بوده است.

بخش عمده‌ای از خانوارهای کم‌درآمد برای جبران هزینه‌های خود به وام‌گیری از منابع مختلف اعتباری می‌پردازند. از آنجا که همین شبکه‌های رسمی اعتباری محدود

بیشتر به پرداخت وام به افراد دارای حساب بانکی و پس‌انداز تمایل دارند، گروه‌های کم‌درآمد به سوی منابع اعتباری نیمه‌رسمی و غیررسمی روی می‌آورند. برای کاهش بدهی خانوارها می‌توان از سیاست‌های مختلفی همچون سیاست‌های افزایش درآمد و یا کاهش هزینه‌های تولید و افزایش میزان دسترسی گروه‌های کم‌درآمد به منابع اعتباری استفاده کرد.

۳- ایجاد بستر مناسب برای شکل‌گیری نهادهای مالی روستایی برای تجهیز پس‌انداز

و اعطای وام

امروزه در اغلب کشورهای درحال توسعه، برای تجهیز پس‌انداز و اعطای وام به بهره‌برداران کوچک‌مقیاس، نهادهای متناسب اعتباری ایجاد شده است. این نهادها برای کاهش هزینه‌های اجرایی خود از واحدهای اداری کوچک با حداقل کارکنان استفاده می‌کنند و توانایی تجهیز پس‌انداز از فقیرترین خانوارهای روستایی را دارند. این نهادها با استفاده از اختلاف الگوی درآمد و هزینه خانوارهای روستایی، با تجهیز پس‌انداز در دوره کسب درآمد کشاورزان، در زمان هزینه‌های کشت به آنها وام پرداخت می‌کنند. در ایران، بانک کشاورزی به سوی سیاست‌های تجاری و توجه به جذب پس‌انداز از مراکز شهری روی آورده است؛ و از سویی، انحصار عملیات بانکی در مناطق روستایی به‌ویژه در بخش کشاورزی با این بانک است؛ در حالی که باید عرضه تسهیلات بانکی در بخش کشاورزی رقابتی شود و نهادهای اعتباری به‌ویژه نهادهای اعتبارات خرد و بانک‌های روستایی در مناطق روستایی کشور گسترش یابند.

۴- تعمیق رابطه بین پس‌انداز و وام دریافتی

بر اساس نتایج این مطالعه، خانوارهای نمونه پرداخت وام را یکی از کارکردهای مهم بانک‌ها می‌دانند و بیشترین منابع پس‌انداز بانکی آنها برای دریافت وام است؛ در حالی که آنها نسبت به نرخ بهره پس‌انداز واکنش کمتری نشان می‌دهند. بنابراین، نهادهایی که بتوانند با استفاده از تجهیز پس‌انداز به وام‌دهی بپردازند، می‌توانند موفقیت بیشتری به دست آورند. از این‌رو، تعمیق رابطه بین پس‌انداز و وام پرداختی سبب

افزایش دسترسی خانوارها به وام و نیز افزایش سطح پس‌انداز خواهد شد که افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی را امکان‌پذیر می‌سازد.

۵- کاهش هزینه‌های معاملاتی وام برای خانوارهای بهره‌بردار

در این مطالعه، تخمین تابع پس‌انداز نشان می‌دهد که مانده بدهی خانوارها از بابت وام‌ها از نهادهای مختلف رسمی و غیررسمی با پس‌انداز رابطه‌ای منفی دارد؛ به عبارتی، بازپرداخت اصل و بهره وام‌های دریافتی از میزان پس‌انداز خانوارها کاسته است. بالا بودن هزینه‌های معاملاتی از جمله هزینه سود منابع مالی مورد استفاده خانوارها و نیز کوتاه‌مدت بودن وام‌های پرداختی را می‌توان از دلایل این رابطه منفی به شمار آورد. بنابراین، برای انباشت سرمایه بیشتر در مناطق روستایی، باید هزینه‌های معاملاتی وام برای خانوارها کاهش و وام‌ها به سمت دوره‌های بازپرداخت بلندمدت گرایش یابد.

یادداشت‌ها

۱. credit first theory
۲. deposit first theory
۳. Vogel
۴. Egaitsu
۵. Indonesia Rakiat Bank

منابع

- عرب مازار، عباس و خدا رحمی، روح‌الله (۱۳۷۸)، «ویژگی‌های عمده بازار مالی روستایی در ایران»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*. سال ۷، شماره ۲۶.
- معظمی، میترا (۱۳۷۷)، *بررسی مبانی نظری و تجربی اعتبارات روستایی*. تهران، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۵)، «ضرورت ژرف‌کاوی در وجوه نظری و اجرایی عدالت». *فصلنامه تکاپو*. شماره ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان، صص ۱۵-۳۰.

- APO (۱۹۹۲), *Mobilization of Rural Savings in Asia and the Pacific*. Report of Symposium, Tokyo, Japan.
- FAO (۱۹۷۵), *Report on the World Conference in Credit for Farmers in Developing Countries*. Rome.
- Indonesia Bank Move (۱۹۹۹) "A big breakthrough". (۱۹۹۹), *Financial Times*. ۱۵ March.
- Loyza, Norman and Lopez, Umberto (۱۹۹۸), *Saving the World*. Washington D.C.: World Bank.
- Padmanabhan, K.P. (۱۹۹۶), *Rural Credit, Lessons for Rural Bankers and Policy Makers*. London: Intermediate Technology Publications.
- World Bank (۱۹۹۸), *Financial Services for the Rural Poor and Women in India, Access and Sustainability*, Washington D.C.
- World Bank (۱۹۹۸), *Rural Financial Market in Asia*. Washington D.C.: World Bank.

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶

بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تسهیلاتگران زن در ایجاد گروه‌های مستقل زنان
روستایی: مطالعه موردی آذربایجان شرقی

چکیده

در نظام ترویج مبتنی بر پارادایم مشارکتی توسعه یکی از روش‌های مورد تأکید برای ارتقای مشارکت زنان در جامعه روستایی به عنوان نیمی از پیکره آن، ایجاد گروه‌های مستقل زنان برای انجام فعالیت‌های تیمی است. در این راستا، یکی از شیوه‌های مورد استفاده، به‌کارگیری زنان پیشروی محلی تحت عنوان «تسهیلگران» جهت ظرفیت‌سازی و ایجاد حرکت در جامعه است. در این مقاله برخی عوامل فردی و محیطی مؤثر بر موفقیت تسهیلگران در آذربایجان شرقی بر اساس نتایج پژوهش میدانی در روستاهایی از ۶ شهرستان با استفاده از مصاحبه رو در رو با تسهیلگران و تکمیل پرسشنامه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. روایی پرسشنامه را تعدادی از اساتید و متخصصان این حوزه تأیید کردند. پایایی مقیاس اصلی با استفاده از آماره آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۸ بود که حاکی از اعتبار مناسب ابزار تحقیق است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از میان عوامل مورد بررسی در سطح خطای نوع اول، بین موفقیت تسهیلگران در ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های مستقل زنان با میزان پذیرش تسهیلگر از سوی زنان، زمینه‌های تماس وی با کارشناسان ترویج، و آشنایی وی با مفهوم «سازمان‌های غیردولتی» ارتباط وجود دارد. نتایج حاصل هیچ ارتباط معنی‌داری را بین متغیرهای استفاده از وسایل ارتباط جمعی و متغیر وابسته مورد نظر در این سطح از خطای نوع اول نشان نمی‌دهد.

کلید واژه‌ها: زنان روستایی/ زنان/ مشارکت روستایی/ تسهیلگران/ آذربایجان شرقی/ ارتباط روستایی.

* * *

مقدمه

تأکید بر استفاده از دانش بومی و توانمندی‌های مردم محلی در رهیافت‌های نوین توسعه موجب شده است که مشارکت روستاییان در قالب ایجاد و توسعه نهادهای مردمی به صورت خودجوش و خوداتکا برای تعریف نیازهای اولویت‌دار و حل مسایل مربوط به

* به ترتیب کارشناس ارشد جامعه‌شناسی روستایی مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تبریز، عضو هیئت علمی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

زندگی در فرآیند توسعه روستایی مورد توجه قرار گیرد. همچنین افزایش مشارکت فعال زنان موجب می‌شود که اجتماعات محلی از خلاقیت‌ها و دانش بومی آنان برای تسری فرآیند توسعه در ابعاد مختلف در روستا استفاده نمایند. با این همه، در اغلب جوامع روستایی موانع و محدودیت‌هایی وجود دارد که مانع از مشارکت مناسب زنان در فرآیند توسعه مشارکتی می‌شود. اهم این موانع عبارت‌اند از: نحوه نگرش سازمان‌ها به مشارکت زنان، ماهیت پروژه‌ها (Maloff, 2000)، آداب و رسوم و سنت‌های حاکم بر زندگی اجتماعی، پایین بودن سواد، عدم دسترسی مناسب به کانال‌های دستیابی به اطلاعات (مهراریکا و دیگران، ۱۳۸۲)، تفکیک کار جنسیتی، و نداشتن قدرت اقتصادی. برای رفع این موانع تدابیر خاصی باید اندیشید.

یکی از روش‌های ایجاد و افزایش مشارکت زنان، هدایت آنان به سمت ایجاد گروه‌ها و تیم‌های مستقل است تا بتوانند در این قالب از مزایای تشکلی‌ها و قدرت جمعی حاصل از آن برای بهبود وضعیت خود استفاده نمایند. این امر مستلزم ایجاد ارتباط و ارائه آموزش‌های ترویجی در این زمینه و متناسب با شرایط زنان در هر منطقه است. «خدمات ترویج را باید با شرایط خاص هر منطقه مطابقت داد. هیچ الگوی حاضر و آماده‌ای که برای همه زنان مناسب باشد در هیچ کجای دنیا وجود ندارد» (سوانسون، ۱۳۸۲: ۲۱۸). از سوی دیگر، وضعیت فرهنگی جامعه روستایی به گونه‌ای است که در آن زنان تنها می‌توانند با زنان به راحتی ارتباط برقرار کنند، ولی تعداد پرسنل رسمی موجود در بخش ترویج و توسعه روستایی پاسخگوی نیاز آنان نیست. از این رو، استفاده از مروجان زن محلی برای برقراری ارتباط مناسب با زنان روستایی به عنوان یکی از بهترین راهکارهای موجود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مروجان محلی به عنوان افراد پیشرو آمادگی دریافت، تحلیل، پذیرش و انتقال پیام‌های جدید ترویجی را دارند. به این ترتیب، آنها می‌توانند در ایجاد تشکلی‌ها و نهادهای مستقل و خوداتکای زنان نقش سازنده‌ای را بر عهده گیرند.

زنان روستایی پیشرو با داشتن وجوه اشتراک، روابط متقابل و فعالیت‌های مشترک با سایر زنان روستایی زنجیره‌ای از روابط اجتماعی و کانال‌های ارتباطی قوی را ایجاد می‌کنند که می‌توان از آن برای تقویت اعتماد به نفس، خودباوری و خوداتکایی آنها استفاده کرد و با تغییر در نگرش‌های کلیشه‌ای حاکم درخصوص نقش زنان و ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای نو در جامعه روستایی از آن برای حضور فعال زنان در تصمیم‌گیری‌های محلی در جهت تسری فرآیند توسعه سود برد. در چنین فرآیندی، ایجاد ارتباط و سازماندهی مشارکت مردمی در گروه‌های زنان اولویت اصلی کار مروجان محلی محسوب می‌شود. آنها در حقیقت نقش تسهیلگری و برنامه‌ریزی را برای تسریع در روند توسعه روستایی بر عهده دارند.

از این رو، برای بهبود روند ایجاد تشکلهای مردمی با بنیانی درست و برنامه‌ای اصولی، شناسایی عوامل مختلف موثر بر کارکرد تسهیلگران اهمیت دارد و به موفقیت در برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه کمک می‌کند.

اهداف و فرضیه‌های پژوهش

هدف کلی این تحقیق، بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تسهیلگران زن در ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های مستقل زنان روستایی است. این مقاله با هدف شناخت تأثیر نحوه انتخاب تسهیلگران زن، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، ارتباط با کارشناسان ترویجی و میزان آشنایی تسهیلگران با سازمان‌های غیردولتی بر موفقیت آنها، فرضیه‌های زیر را بررسی می‌کند:

- ۱- بین نحوه انتخاب تسهیلگران زن روستایی و موفقیت آنان رابطه وجود دارد.
- ۲- میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و تبادل اطلاعات با موفقیت تسهیلگران رابطه دارد.
- ۳- میزان ارتباط تسهیلگران با کارشناسان ترویجی بر موفقیت آنها تأثیر می‌گذارد.
- ۴- آشنایی تسهیلگران با سازمان‌های غیردولتی و تمایل به انجام فعالیت‌های مشابه با موفقیت آنان رابطه دارد.

تعریف مفاهیم پژوهش

زنان تسهیلگر روستایی: زنان روستایی پیشرو که با ایجاد تعامل قوی با سایر زنان، پل ارتباطی میان دانش بومی و پیام‌های ترویجی بین کارشناسان ترویج و زنان روستایی به شمار می‌روند و نقش اصلی آنها ظرفیت‌سازی برای زنان به منظور ایجاد حرکت‌های گروهی مستقل و خوداتکا است.

تسهیلگر موفق: کسی که توانسته است با فعالیت مستمر خود زنان روستایی را جهت انجام فعالیت‌های تیمی به حرکت درآورد و آنان را برای انجام کارهای مشارکتی در قالب گروه‌های مستقل سازماندهی نماید.

گروه‌های مستقل زنان روستایی: تیم‌هایی از زنان که در انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌ها با اتکا به توانمندی و دانش بومی خود برای بهبود وضعیت و رفع مشکلات و نیازهای روستا اقدام می‌کنند.

سازمان غیردولتی: متشکل از گروهی داوطلب است که با تشکیلات و سازماندهی مشخص بدون وابستگی به دولت و جناح‌های سیاسی در جهت اهداف اجتماعی، فرهنگی و حرفه‌ای به صورت غیرانتفاعی فعالیت می‌کند. مروج: یک ترویج‌دهنده دانش و فناوری است که در قالب یک ارتباط عمومی و یک سویه با روستاییان کار می‌کند؛ بیشتر فعالیت او را انتقال اطلاعات از مراکز علمی به سطح محلی تشکیل می‌دهد.

پیشینه تحقیق

در بررسی آثار و تحقیقات داخلی و خارجی پیرامون موضوع پژوهش، نتایج یکی از نخستین تحقیقات داخلی در خصوص فعالیت‌های مروجین در ایران که توسط حجازی (۱۳۶۶) با هدف بهبود وضعیت آنها انجام شده است نشان می‌دهد که سه دسته عوامل شامل نیازهای جسمانی، روانی و اجتماعی در جذب افراد به حرفه ترویج مؤثرند؛ میزان پذیرش روستاییان یکی از عوامل مؤثر اجتماعی در این زمینه به شمار می‌رود. ایروانی (۱۳۷۲) طبق نتایج پژوهش خود تحت عنوان «توانایی زنان روستایی برای به کارگیری منابع توسعه براساس معیارهای یونیسف» اعتقاد دارد که پنج معیار رفاه، دسترسی به منابع، آگاهی، مشارکت و کنترل به صورت یک سیستم بر توانمندسازی زنان تأثیر می‌گذارند.

یافته‌های پژوهش «ارزشیابی مروجین روستایی» که توسط روشنایی (۱۳۷۴) انجام یافته است حاکی از آن است که طبق نظر بهره‌برداران و مروجان، مروج باید توسط مردم انتخاب شود. همچنین از میان روش‌های آموزشی - ترویجی، برگزاری کلاس‌های آموزشی بیشترین میانگین امتیاز را دارد. تحصیلات بالای مروج نیز نسبت به ریش سفید بودن امتیاز بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد.

نتایج تحقیق نخودچی و نیکجو (۱۳۷۵) در زمینه «بررسی عوامل مؤثر بر میزان کارایی و موفقیت مروجین دام روستایی در آذربایجان شرقی» بر این نکته دلالت دارد که هرچه

بر تعداد دوره‌های آموزش علمی و فنی مروجین افزوده شود احتمال کاربرد یافته‌ها توسط آنها بیشتر می‌شود، و نیز پدیده همانندسازی در آموزش‌های ترویجی نقش مؤثری در کاربرد عملی یافته‌های علمی و کاربردی دارد. او همچنین بیان می‌کند که ارتباط سازمان‌یافته مروجین و دستگاه‌های ذیربط کیفیت کار مروجین را افزایش می‌دهد.

حیاتی و کرمی (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «سازه‌های مؤثر بر فعالیت و مطلوبیت کار مروجین در استان فارس» نشان داده‌اند که برگزاری دوره‌های آموزشی برای ارتقای سطح علمی مروجین با میزان فعالیت و مطلوبیت آنان رابطه مثبتی دارد، و فعالیت و مطلوبیت مروج رابطه متقابل دارند.

جوادیان (۱۳۷۷) در «بررسی نقش رهبران محلی در پیشبرد برنامه‌های ترویجی و توسعه روستایی» به رابطه تماس بیشتر مروج با نهادهای فعال در روستا و موفقیت او در ترویج و توسعه روستایی تأکید کرده است.

یافته‌های پژوهش قلی‌نیا (۱۳۸۱) در مورد «زمینه‌یابی سازمان‌های غیردولتی محلی توسط زنان روستایی در استان‌های مرکزی و مازندران» نشان می‌دهد که هر چه جوامع از حالت سنتی بیشتر فاصله می‌گیرند از تک نهادی بودن به سمت چند نهادگرایی پیش می‌روند، و آشنایی زنان روستایی پیشرو با موضوع و کمک آنها در این زمینه بسیار مؤثر است.

بنکدار (۱۳۸۲) به این مسئله اشاره می‌کند که تأهل، تعداد اعضای خانواده، شغل اصلی مروج و میزان استفاده از نشریات، رابطه‌ای با عملکرد او ندارد، در حالی که بر وجود رابطه مثبت بین آموزش‌های ترویجی، نسبت آشنایی و مقبولیت بین زنان روستایی با موفقیت در فعالیت‌های مروجین تأکید می‌کند.

ارتباط بین موفقیت مروجین دوسویه با انتخاب شدن آنها توسط مردم، برگزاری آموزش‌های مناسب برای مروجین و محور قرار دادن موضوع سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی در آموزش‌های ارائه شده در نتایج تحقیق کمالی (۱۳۸۲) تحت عنوان «الگوسازی تسهیل ارتباط دوسویه مروجین زن در دهستان میانکوه اردل» مورد تأکید قرار گرفته است.

تحقیقات دیگری نیز در خصوص فعالیت و عملکرد مروجین ورهبران محلی توسط جوادیان، حیاتی، میرزایی، پاک نظر، شعبانعلی فمی و... انجام شده که ذکر همه آنها در اینجا نه مقدور و نه لازم است. بررسی تجارب جهانی در این زمینه نشان می‌دهد که به منظور موفقیت در برنامه‌های کشاورزی و توسعه پایدار باید راه‌های مشارکت زنان بررسی شود و توانمندسازی آنان برای شرکت در فرآیند توسعه از مرحله تصمیم‌سازی آغاز گردد (Botchway, ۲۰۰۱; Gobayan and Hakobian, ۱۹۹۸). ایجاد سازمان‌های تعاونی و غیردولتی با مدیریت محلی که زنان نیز در آن مشارکت گسترده و فعال داشته باشند از جمله پیشنهادهایی است که مورد تأکید فائو نیز قرار دارد (فائو، ۱۳۷۷). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که زارعین زن در صورتی که تحت نظارت مروجین زن باشند دسترسی بیشتری به خدمات ترویجی دارند (Lahai, Goldey, and Jones, ۱۹۹۹) و مروج باید با جلب اعتماد مردم علایق آنها را به سمت فعالیت‌های سازنده سوق دهد و در این راه باید علاوه بر انتقال اطلاعات به آنها مهارت گوش کردن به حرف آنها را نیز داشته باشد (Wernner, ۲۰۰۰).

مبانی نظری پژوهش

ترویج را برخی به عنوان نظام، بعضی به عنوان مکتب و گروهی به عنوان راهبردی برای رسیدن به توسعه به ویژه توسعه روستایی مطرح کرده‌اند. در نظریه موسوم به نظریه چندگانه، این امر که ضرورت و ویژگی‌های پیشرفت باید توسط خود کشاورزان تعیین شود پذیرفته می‌شود، به کارگیری نظام دانش محلی و دستیابی به عدالت اجتماعی در فرآیند ترویج مهم تلقی می‌گردد و مشارکت مردم فرآیندی پایان‌ناپذیر و ضروری به شمار می‌رود (کرمی و کلانتری، ۱۳۷۶: ۸).

«در تاریخچه علم ترویج به انواع نظام‌هایی برخورد می‌کنیم که به آنها مدل یا سیستم اطلاق می‌شود مانند: سیستم استعماری نظام ترویج، سیستم لند - گرانت - کالج، سیستم کلاسیک و نوع دیگری که از آن به عنوان مدل دو طرفه افکار یاد می‌شود... هدف اصلی

این مدل برآورد نیازهای انسانی است. ساختار اداری مدل دوطرفه انعطاف پذیری بالایی دارد و رابطه بین مروج و روستایی دوستانه است. زارعان فقیر و خرده مالکان از مهم ترین ارباب رجوع های مدل دوطرفه هستند.» (پاپلی یزدی، ۱۳۸۵: ۱۲۹)

بنابراین، منابع اصلی در نظام ترویج، نیروی انسانی آن است. «بسیج مردم سازماندهی آنان، کمک به آنها در زمینه تعیین اولویت ها و تنظیم برنامه کاری، ایجاد دسترسی به تسهیلات و منابع و کمک به آنها در اجرای برنامه هایشان در این نظام اهمیت زیادی پیدا می کند» (همان، ۱۳۲).

برقراری ارتباط دوسویه با روستاییان راه عملی ساختن این فرآیند است. در این راستا، برقراری ارتباط با رهبران محلی مورد توجه نظام ترویج قرار دارد. در کلیه جوامع، افرادی وجود دارند که مردم به عقاید آنان بیشتر توجه می کنند، اظهار نظر آنها در انجام کارها ضروری است، و نقش عمده ای در تصمیم گیری ها برعهده دارند. آنها افرادی صاحب نفوذ و دارای اقتدار هستند که در حقیقت نماینده فکری مردم و به عبارت دیگر رهبر محلی آنان هستند (نخودچی و نیکجو، ۱۳۷۵: ۶۲).

اگرچه رهبران محلی اغلب توسط مردم انتخاب می گردند، شاخص می شوند، مورد تایید قرار می گیرند و سپس به عنوان رهبر فنی یا اجتماعی با پیروان ارتباط برقرار می کنند اما کسانی هم وجود دارند که شخصاً برای ایفای نقش رهبری داوطلب می شوند. آنها زودتر از بقیه به استقبال برنامه های آموزشی و ترویجی می روند و مفاهیم آن را سریع تر درک می کنند و بنابراین، در گسترش ایده های نو نقش مؤثری در جامعه خود ایفا می کنند (سوانسون و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۱۲). از این رو، آنها می توانند نقش مروج را به خوبی پذیرا شوند.

آدامز در انتخاب و به کارگیری مروجان سه نکته را مد نظر قرار می دهد: جایگاه تشکیلاتی، قابلیت های آموزشی و کیفیت های شخصی. او معتقد است که توانایی برقراری ارتباط با کشاورزان، توانایی همراهی با مردم و تمایل به انجام کار، ابتکار و احساس مردمی از قابلیت های ضروری برای ترویج است (آدامز، ۱۳۷۸: ۸).

باید همواره به این نکته توجه کرد که نشر نوآوری به شیوه‌های مختلف آموزشی، برگزاری جلسات مشکل‌یابی و مشکل‌گشایی، اقدام برپایه فرهنگ محلی، و انتخاب رهبر محلی توسط مردم از جمله عوامل تأثیر گذار در موفقیت مروجین محلی به شمار می‌رود. «آزادی مردم در انتخاب رهبرانشان اصل مهمی در توسعه و تحرک اجتماعی است. مردم از بین خود کسی را برمی‌گزینند که نیازهایشان را تبیین کند.» (همان، ۲۵-۴۸)

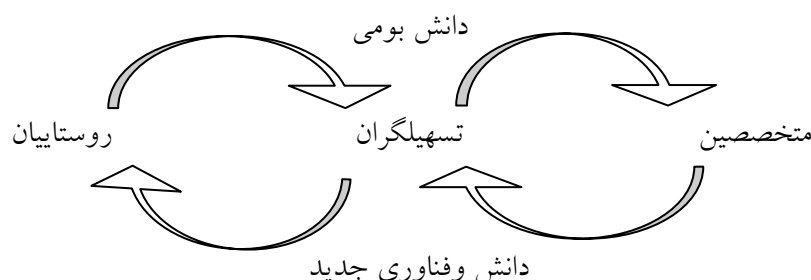
در ایران، استفاده از نیروهای محلی به صورت رسمی و سازماندهی شده پس از اجرای طرح بهورزان در امور بهداشت و درمان، به ترویج کشاورزی بسط داده شد (نخودچی و نیکجو، ۱۳۷۵: ۶۴). مسئله به‌کارگیری نیروهای محلی باتوجه به اهداف و برنامه‌های هریک از دو وزارت جهاد سازندگی و کشاورزی سابق مورد توجه قرار گرفت و افراد محلی تحت عناوین مختلفی نظیر مروجین کشاورزی، مددکاران ترویجی، نیروهای معین و مروجین محلی مورد استفاده قرار گرفتند.

تجربه موفقیت آمیز ترویج در امر تربیت و به‌کارگیری نیروهای بومی و رهبران محلی روستایی در وزارت جهاد کشاورزی باعث شد که با توجه به گستردگی، اهمیت و تعدد نقش زنان در زندگی روستایی، انتخاب و تربیت مروجین زن برای ایجاد مهارت و توانمندسازی آنان درفرآیند توسعه مشارکتی پیشنهاد و اجرا شود. در این طرح مروج زن از بین افراد بومی انتخاب می‌گردد تا در برگزاری فعالیت‌های آموزشی و ترویجی، انتقال تجربیات و ساماندهی برنامه‌های ویژه زنان همکاری کند.

زنان تسهیلگر روستایی

برای افزایش توانمندی زنان مروج بر مبنای استفاده از تجربیات طرح «الگوسازی تسهیل ارتباط دوسویه مروجین روستایی» در انتخاب مروجین زن روستایی، بازنگری انجام شد (کمالی، ۱۳۸۰: چکیده) و استفاده از واژه تسهیلگر در امر ترویج و توسعه برای زنان روستایی رونق گرفت. به این ترتیب، اولاً انتخاب مروج توسط خود زنان روستایی انجام می‌شود و ثانیاً برای ایجاد ارتباط و مشارکت بین متخصصین و زنان روستایی از طریق مروجین تأکید می‌گردد. در حقیقت، در این شیوه مروجین پل ارتباطی بین زنان

روستایی و متخصصین می‌شوند و نقش تسهیلگر را در ایجاد ارتباط و برنامه‌ریزی برای تسریع در روند توسعه روستایی با شیوه‌های نوین ایفا می‌کنند.



توجه به مفاهیم اصلی مطرح شده، صرف‌نظر از طرح‌ها و شیوه‌های انتخاب و کار با تسهیلگران بیانگر آن است که به طور کلی تسهیلگران، در فرآیند توسعه نقش برانگیختن فکر و انگیزش مردم را دارند؛ آنها را گرد هم می‌آورند تا توسعه مشارکتی اتفاق بیافتد. آنها در توسعه محلی نقش کمک به تشخیص نیازها و تعیین اولویت‌ها توسط روستاییان را با توجه به دانش بومی ایفا می‌کنند. «تکیه بر آگاهی‌های بومی باعث می‌شود، اجتماعات خودسازمان‌یافته شوند و نسبت به اهداف، برنامه‌ها و اجرای فعالیت‌های توسعه تصمیم بگیرند و مشارکت آگاهانه و فعال واقعاً اتفاق بیافتد» (حاجیلو، ۱۳۸۴: ۷۵). عربیون عقیده دارد که «استقرار تسهیلگران در روستاهای پیشگام زمینه مساعد نهادینه شدن خوداتکایی و نوآوری در توسعه همه جانبه محلی را فراهم می‌کند.» (عربیون، ۱۳۸۵: ۹۲)

توجه به این نکته لازم است که ارتباط انجام فرآیند انتقال پیام را امکان پذیر می‌سازد و مجاری ارتباطی امکان انتقال اطلاعات را فراهم می‌کنند. مجاری ارتباطی که اغلب به وسیله روستاییان مورد استفاده قرار می‌گیرند به قرار زیر تفکیک می‌شوند: وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون، روزنامه و نشریات، تماس‌های فردی با مروجان و کارشناسان، و تماس‌های شخصی با سایر افراد. نوآوران و پذیرندگان اولیه بیشتر بر

مجاری ارتباطی بیرون نظام اجتماعی و پذیرندگان ثانویه بیشتر به منابع درون نظام اجتماعی خود متکی هستند (آدامز، ۱۳۷۸: ۸۲).

این نکته بسیار مهم است که مروج اهداف گسترده ترویج و سهمی را که بر عهده اوست درک کند. برقراری تماس و آموزش‌های ترویجی از طریق کارشناسان برای آشنا کردن مروجین با موضوعات جدید و نشر نوآوری‌ها از جمله عوامل مؤثر در عملکرد مروجان است.

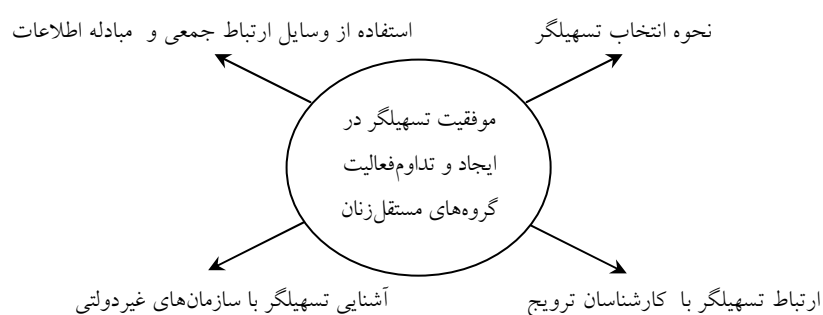
رفیع‌پور معتقد است که در یک روستا عوامل یا نظام اجتماعی در مقایسه با عوامل و نظام فردی، تأثیر بسیار قوی‌تری بر رفتار دارد و اگر یک نوع ارزش‌گذاری و ارزش‌یابی درخصوص یک عقیده در یک روستا به هنجار تبدیل شود، توسط روستاییان پذیرفته می‌شود، درونی می‌گردد و آنها خود را با آن وفق می‌دهند (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۲۲).

بنابراین، فعال‌سازی گروه‌های زنان به عنوان یک نظام اجتماعی در ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی در روستا نقش مهمی ایفا می‌نماید (حاجیلو، ۱۳۸۴: ۷۹). حضور در این گروه‌ها ابتدا باعث کم رنگ شدن نگرش‌های منفی و باورهای کلیشه‌ای حاکم بر فرهنگ روستا می‌شود و در گام‌های بعدی با افزایش خوداتکایی و اعتماد به نفس زنان، به آنها فرصت مناسبی برای شرکت در ساختارهای مهم‌تر زندگی اجتماعی و اقتصادی در روستا می‌دهد.

«لویین با انتخاب کلمه فیلد (پهنه، میدان) رفتار انسانی را تابع ویژگی‌های شخصی و خصوصیات محیطی می‌داند و معتقد است رفتار هر شخص تابع شرایط زمانی و مکانی است که در آن زندگی می‌کند» (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۲۲). موفقیت تسهیلگران نیز به عنوان نوعی رفتار، تابع شرایط است و عوامل مؤثر بر آن را می‌توان در قالب عوامل شخصی و محیطی بررسی کرد (حاجیلو، ۱۳۸۴: ۸۶).

سازماندهی تسهیلگران با توجه به عوامل مؤثر در کار آنان از ضرورت‌های برنامه‌ریزی در فرآیند توسعه مشارکتی به شمار می‌رود. از آنجا که عوامل مؤثر نه تعدادشان مشخص است و نه قدرت تأثیرشان، و حتی با فرض مشخص بودن امکان

بررسی همه آنها در یک زمان با فنون استاندارد روش تحقیق وجود ندارد، در این مقاله با استناد به نتایج تحقیقات انجام گرفته و نظریات مطرح شده فوق در خصوص فعالیت مروجین، چند عامل در قالب متغیرهای مستقل، براساس مدل پژوهشی زیر مورد بررسی قرار می گیرد.



شکل ۱- مدل تحقیق

روش شناسی

این تحقیق درصدد آن است که وضعیت موجود یک طبقه را از طریق جمع آوری اطلاعات برای توصیف، مقایسه و شرح رفتارها و بهره گیری از خدمات ارائه شده در جامعه تبیین می کند، بنابراین در روش شناسی از نوع تحقیقات پیمایشی به شمار می رود. ابزار اصلی در گردآوری اطلاعات میدانی، پرسشنامه محقق ساخته است که سؤالات آن با توجه به اهداف بررسی طراحی شد.

گردآوری اطلاعات مورد نیاز با استفاده از فنون مصاحبه رودررو از طریق مراجعه مستقیم به محل زندگی تسهیلگران و جمع آوری نظرات همه آنها اجرا شده است. معنی دار بودن روابط بین متغیرها با شاخص آماری که میزان رابطه بین متغیرها را نشان می دهد (تحقیق همبستگی) مورد بررسی قرار می گیرد. روایی ابزار به تأیید صاحب نظران رسیده و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ از طریق برنامه SPSS، ۰/۸۸ محاسبه شده است.

متغیرهای مستقل مورد نظر این مقاله شامل شاخص‌های مربوط به نحوه انتخاب تسهیلگر، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان و موارد ارتباط تسهیلگران با مروجین دولتی، و میزان و نحوه آشنایی تسهیلگران با سازمان‌های غیردولتی است که در مقیاس اسمی تا فاصله‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

متغیر وابسته، موفقیت تسهیلگران زن در ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های زنان روستایی است که شاخص‌های مربوط به آن در جدول ۱ درج شده است. به هر یک از وجوه مورد بررسی نمره‌ای بین ۱ تا ۵ داده شده است و نمره تسهیلگر از مجموعه این شاخص‌ها ملاک موفقیت او در این پژوهش است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از فنون آماری، باتوجه به مقیاس سنجش هر متغیر و با استفاده از نرم افزار SPSS در محیط ویندوز صورت پذیرفته است. خلاصه نتایج تجزیه آماری در جدول ۲ قید شده است. مطالعه سهم چند متغیر در پیش‌بینی متغیر وابسته به وسیله تحلیل رگرسیون با استفاده از آزمون معنی‌داری R و آزمون معنی‌داری ضرایب رگرسیون (B) صورت می‌گیرد.

جامعه آماری و حجم نمونه

در این تحقیق، کلیه زنان روستایی که حداقل به مدت یک سال تا تاریخ انجام پژوهش در قالب تسهیلگر (با توجه به تعریف آن در مفاهیم به کار رفته در پژوهش) در روستاهای واقع در ۶ شهرستان (تبریز، سراب، اسکو، میانه، مرند و جلفا) در آذربایجان شرقی فعالیت داشتند و در این مدت توانسته بودند دست کم یک مورد فعالیت تیمی زنان را سازماندهی کنند به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند و مورد بررسی قرار گرفتند.

به دلیل محدودیت جامعه آماری (۳۲ نفر تسهیلگر واجد شرایط از میان تسهیلگران منطقه مورد بررسی) کلیه زنان تسهیلگر دارای شرایط فوق مورد پرسش واقع شدند.

جدول ۱- شاخص‌های مربوط به متغیر وابسته پژوهش

ردیف	متغیر مورد بررسی	وجه مورد بررسی	امتیاز مربوط به گویه
۱	تعداد جلسات برگزار شده برای انجام فعالیت مشارکتی و گروهی با زنان	جلسه ای برگزار نشد	۱
		کمتر از سه جلسه	۲
		۳-۵ جلسه	۳
		۵-۱۰ جلسه	۴
		بیش از ۱۰ جلسه	۵
۲	میزان حضور زنان در جلسات تشکیل شده از سوی تسهیلگر	خیلی کم	۱
		کم	۲
		تا حدودی	۳
		زیاد	۴
		خیلی زیاد	۵
۳	شیوه برقراری ارتباط تسهیلگر با زنان	آموزش انفرادی	۱
		شیوه سنتی تدریس کلاسی	۲
		جمع‌آوری نظرات پیرامون چند انتخاب و رأی‌گیری	۳
		برگزاری جلسه مشورتی پیرامون موضوع با برخی از زنان	۴
		تحلیل مشارکتی موضوع مورد نظر با سایر زنان	۵
۴	آشنایی با وظایف تسهیلگری	فقط انعکاس خواسته‌های زنان به مسئولین	۱
		تلاش برای حل مشکلات زنان در زمینه‌های مختلف	۲
		موارد قبل به علاوه ایجاد انگیزه برای فعالیت اقتصادی زنان	۳
		موارد قبل به علاوه کسب دانش جدید و ارتقا خودیوری زنان	۴
		موارد قبل به علاوه ایجاد انگیزه فعالیت مشارکتی بر اساس نیاز	۵
۵	برخورداری از حمایت زنان روستایی در انجام و سازماندهی فعالیت مشارکتی و گروهی	خیلی کم	۱
		کم	۲
		تا حدودی	۳
		زیاد	۴
		خیلی زیاد	۵

۱	صرفنظر از مسئله	شیوه برخورد با مشکلات در انجام فعالیت تسهیلگری	۶
۲	موکول کردن به زمان دیگر		
۳	جلب حمایت شورا		
۴	تماس و مشاوره با کارشناسان		
۵	برگزاری جلسات فوق العاده مشورتی با سایر زنان		
۱	یک مورد	تعداد فعالیت‌های مشارکتی در سال گذشته	۷
۲	۲-۳ مورد		
۳	۴-۵ مورد		
۴	۶-۷ مورد		
۵	۸ مورد و بیشتر		
۱	خیلی کم	میزان آگاهی روستاییان از وظایف تسهیلگر	۸
۲	کم		
۳	تا حدودی		
۴	زیاد		
۵	خیلی زیاد		

یافته‌های پژوهش

برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب، صرفاً تحلیل یافته‌های پژوهش را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم و از ارائه نتایج توصیفی صرف‌نظر می‌کنیم.

بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

در این بخش رابطه هر یک از متغیرهای مستقل با تنها متغیر وابسته تحقیق یعنی موفقیت تسهیلگران در ایجاد و تداوم فعالیت‌های گروهی زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. جدول ۲ نتایج محاسبات آزمون‌های آماری انجام شده و معنی‌داری صورت گرفته را در بر دارد. در آزمون‌های به عمل آمده مفهوم فرضیه صفر (H_0) آن است که بین متغیر مستقل و وابسته رابطه وجود ندارد. در این آزمون‌ها، میزان خطای نوع اول در کلیه موارد، ۱٪ در نظر گرفته شد. علامت + در جدول نشانه معنی‌داری آزمون انجام شده و وجود رابطه بین متغیر مستقل و وابسته است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از بین عوامل مربوط به نحوه انتخاب تسهیلگر، میزان پذیرش تسهیلگران در بین سایر زنان روستایی با میزان موفقیت آنها رابطه معنی‌داری دارد، و نسبت آشنایی آنها با سایر زنان و همچنین نحوه انتخاب افراد به عنوان تسهیلگر بر موفقیت آنان در ایجاد گروه‌های مستقل زنان و تداوم فعالیت‌های مشارکتی بی‌تأثیر بوده است؛ یعنی تسهیلگر تنها در صورتی در انجام فعالیت‌های خود موفق خواهد بود که در بین سایر زنان مقبولیت یابد و به عنوان تسهیلگر پذیرفته شود.

در سطح خطای نوع اول مورد بررسی بین متغیرهای استفاده از وسایل ارتباط جمعی و متغیر وابسته مورد نظر هیچ ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد. در سطح احتمال ۲٪ بین متغیر وابسته و متغیر مربوط به تبادل اطلاعات بین زنان روستایی و تسهیلگر رابطه معنی‌دار وجود دارد. بررسی گروه‌ها در این مورد نشان می‌دهد که در مواردی که همیشه مبادله اطلاعات بین زنان صورت می‌گیرد تسهیلگر موفقیت بیشتری داشته است. براساس یافته‌های تحقیق، مؤثرترین عوامل در ایجاد رابطه بین متغیر ارتباط با کارشناسان ترویج و متغیر وابسته در این خصوص موضوعاتی است که به دلیل آن تسهیلگر با کارشناسان تماس می‌گیرد.

براساس نتایج آزمون تعقیبی، رابطه مذکور تحت تأثیر تفاوت بین گروهی که صرفاً به دلیل برگزاری کلاس‌های آموزشی با کارشناسان مربوطه تماس گرفته‌اند با گروهی است که جهت کسب اطلاعات جدید برای انجام دادن فعالیت‌های سازمان یافته اقدام به برقراری ارتباط با کارشناسان نموده‌اند. به این ترتیب، تلاش تسهیلگر جهت کسب اطلاعات جدید برای فعالیت سازمان یافته در ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های زنان موجب موفقیت او در این زمینه می‌شود.

جدول ۲- خلاصه نتایج محاسبات آماری متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر مستقل مورد بررسی	نوع آزمون					علم تأیید فرضیه صفر	ملاحظات
		تحلیل واریانس				آزمون t		
		سطح احتمال آزمون لون	ANOVA	TYKEY	سطح احتمال	سطح معنی داری		
۱	نسبت آشنایی با زنان روستایی	۰/۳۱	۰/۵۴۷				-	
۲	نحوه انتخاب تسهیل گر	۰/۲۶۸	۰/۲۸۱				-	
۳	پذیرش تسهیل- گر بین سایر زنان	۰/۵۶۹	۰/۰۰۰	+	۰/۰۰۱		+	
۴	میزان و نوع استفاده از برنامه های رادیو و تلویزیونی	۰/۹۸۶	۰/۸۳۷				-	
۵	میزان و نوع نشریات مورد مطالعه	۰/۸۷۸	۰/۰۲۱				-	
۶	مبادله نشریات بین زنان و تسهیل گر	۰/۳۱۵	۰/۰۱۹				-	
۷	مبادله اطلاعات - بین زنان و تسهیل گر	۰/۳۸۹	۰/۰۴۶				-	در بالاتر از خطای ۲٪ معنی دار است
۸	تعداد بازدیدهای کارشناسی از روستا	۰/۷۶۴	۰/۰۲۶				-	در بالاتر از خطای نوع اول ۳٪ رابطه معنادار دارد
۹	تماس های تسهیلگر با کارشناس	۰/۴۰۵	۰/۰۹۲				-	
۱۰	زمینه های تماس با کارشناس	۰/۱۰۳	۰/۰۰۰	+	۰/۰۰۰		+	

۱۱	حضور در کلاس‌های آموزشی ترویج تأثیر ارتباط با کارشناسان در پاسخ به سایر زنان روستایی	۰/۳۱۴	۰/۰۲۷				در بالاتر از خطای نوع اول ۳٪ رابطه معنادار.
۱۲	آشنایی تسهیلگر با مفهوم NGO	۰/۸۴۵	۰/۱۷۷				-
۱۳	تعریف صحیح تسهیلگر از NGO	۰/۵۶۷					+
۱۴	میزان نیاز به NGO برای زنان روستایی از نظر تسهیلگر	۰/۵۴۶	۰/۰۰۱				+
۱۵	دلایل نیاز به NGO برای زنان از نظر تسهیلگر	۰/۷۶۶	۰/۰۰۶	+	۰/۰۰۷		+
۱۶		۰/۳۴۲	۰/۰۰۸	+	۰/۰۰۷		+

دو عامل دیگر، یعنی میزان حضور تسهیلگر در برنامه‌های آموزشی و تعداد بازدیدهای کارشناسی از روستا، در سطح احتمال ۳٪ رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته تحقیق نشان می‌دهند. با در نظر گرفتن میزان خطای نوع اول ۳٪ می‌توان سه عامل را از بین متغیرهای مورد بررسی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تسهیلگران ذکر کرد.

نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که بین کلیه متغیرهای مربوط به آشنایی تسهیلگران با سازمان‌های غیردولتی و متغیر وابسته پژوهش ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

تعریف صحیح از سازمان غیر دولتی و فعالیت‌های آن نشان می‌دهد که افراد با این واژه و مفهوم آشنایی کافی دارند. در پاسخ به میزان نیاز به چنین گروه‌هایی، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه که این ضرورت را کم و خیلی زیاد می‌دانند مشاهده شد. بررسی گروه‌های مؤثر در خصوص دلایل نیاز به گروه‌های مستقل زنان روستایی نشان

می‌دهد که گروه تسهیلگرانی که هدف آنها ایجاد استقلال اقتصادی برای زنان است با آن دسته از تسهیلگرانی که افزایش اعتماد به نفس و خود باوری در زنان را دلیل وهدف فعالیت خود قرار داده‌اند تفاوت معنی‌داری دارند و دسته دوم در امر تسهیلگری موفق‌ترند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از بین شیوه‌های مختلف آشنایی تسهیلگر با این واژه مؤثرترین شیوه آموزش‌های ترویجی است.

بررسی فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون چندگانه

جهت بررسی تأثیرات متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق و تعیین سهم هریک از آنها در تأثیر نهایی بر متغیر وابسته از رگرسیون چندگانه استفاده شد. خلاصه نتایج به دست آمده در جدول ۳ ثبت شده است.

نتایج تحلیل رگرسیونی فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که پذیرش تسهیلگر بین زنان روستایی ۷۳٪ تغییرات متغیر وابسته را از میان شاخص‌های مربوط به انتخاب تسهیلگر تبیین می‌کند. در مورد استفاده از وسایل ارتباط جمعی، مبادله اطلاعات ۵۴٪ از تغییرات را تبیین می‌کند. در مورد ارتباط با کارشناسان ترویجی ۶۲٪ از تغییرات متغیر وابسته به وسیله موضوعات تماس و ۳۴٪ آن براساس میزان حضور در کلاس‌های آموزشی تبیین می‌شود. آشنایی تسهیلگر با سازمان‌های غیردولتی نیز ۵۳٪ از تغییرات متغیر وابسته را در این زمینه تبیین می‌کند.

جدول ۳- نتایج نهایی رگرسیون برای تعیین میزان ارتباط بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

متغیر مستقل	مدل	R	R ^۲	df	F	B (استاندارد نشده)	β (استاندارد شده)	t	سطح معنی داری
نحوه انتخاب تسهیلاتگر	- عرض از مبدأ - متغیر مستقل (پذیرش تسهیلاتگر بین زنان روستایی)	۰/۷۲۸	۰/۵۳۰	۱	۲۵/۹۷۷	۱۰/۵۱۴	۰/۷۲۸	۲/۹۱۰	۰/۰۰۸
						۴/۴۶۲			۰/۰۰۱
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	- عرض از مبدأ - متغیر مستقل (مبادله اطلاعات)	۰/۵۴۵	۰/۲۹۷	۱	۷/۱۸۲	۲۱/۱۷۴		۵/۹۱۴	۰/۰۰۰
						۲/۶۷۲	۰/۵۴۵	۲/۶۸۰	۰/۰۱۶
تماس با کارشناسان	- عرض از مبدأ - متغیر مستقل - زمینه‌های تماس تسهیلاتگر با کارشناسان - میزان حضور تسهیلاتگر در کلاس‌های آموزشی	۰/۷۹۱	۰/۶۲۶	۲	۱۷/۵۱۱	۸/۸۸۱		۱/۷۶۱	۰/۰۹۳
							۰/۶۲۷		۰/۰۰۰
						۲/۶۱۳	۰/۳۴۹	۴/۵۳۹	۰/۰۰۰
						۳/۰۲۶		۲/۵۲۹	۰/۰۲۰
آشنایی با سازمان‌های غیردولتی	- عرض از مبدأ - متغیر مستقل (شناخت سازمان غیردولتی)	۰/۵۳۲	۰/۲۸۳	۱	۶/۳۱۵	۲۶/۲۶۸	۰/۵۳۲	۱۲/۵۴۴	۰/۰۰۰
						۲/۲۹۱		۲/۵۱۳	۰/۰۲۳

بحث و نتیجه‌گیری

در رویکردهای نوین ترویج برای توسعه روستایی، ایجاد تشکلهای و گروههای مستقل زنان بر مبنای فعالیت تسهیلاتگران زن به عنوان یکی از راههای بهره‌مندی زنان روستایی از شاخص‌های توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس، پژوهش حاضر عوامل موثر بر افزایش یا کاهش موفقیت تسهیلاتگران زن در آذربایجان شرقی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

نتایج بررسی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم اینکه انتخاب تسهیلگر به شیوه‌های مختلفی در مناطق مختلف صورت می‌پذیرد، چنانچه فرد منتخب مورد پذیرش اکثریت زنان باشد، از حمایت آنان برخوردار می‌شود، و در برقراری ارتباط با سایر زنان و انجام فعالیت‌های خود به موفقیت دست می‌یابد، و نسبت آشنایی او با سایر زنان روستایی در این زمینه تأثیری ندارد.

تحقیقات بنکدار در آذربایجان غربی نشان می‌دهد که تسهیلگران دارای نسبت نزدیک‌تر با زنان روستایی عملکرد اثر بخش‌تری داشته‌اند و بیشترین میزان اثربخشی مروجان به ترتیب شامل دوست، خویشاوند، همسایه و غریبه است. پژوهش کمالی (۱۳۸۲) در چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد که موفقیت مروجان منوط به انتخاب آنها توسط مردم است. حیاتی و کرمی (۱۳۷۵) نیز در تحقیق خود به رابطه متقابل مقبولیت و فعالیت اشاره کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، پذیرش تسهیلگر از سوی مخاطبان بر میزان موفقیت او تأثیر می‌گذارد.

نتایج همچنین حاکی از آن است که مبادله اطلاعات در رشد آگاهی‌های زنان تأثیرگذار است. هرچه امکان مبادله اطلاعات بین زنان در محیط روستا بیشتر باشد به همان نسبت آگاهی‌های آنان توسعه یافته‌تر و امکان برنامه‌ریزی برای انتقال دانش و تجارب مربوط به انجام فعالیت‌های گروهی و سازمان‌دهی گروه‌های مستقل زنان بیشتر می‌شود.

بنکدار (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نکته اشاره کرده است که بین استفاده از نشریات و اثربخشی عملکرد مروجان رابطه‌ای مشاهده نشده است. حیدری (۱۳۷۲) نشان داده است که بین میزان استفاده از وسایل ارتباطی خصوصاً رادیو و اثربخشی عملکرد مروجین رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ارتباط مداوم با کارشناسان ترویج و حضور فعال در دوره‌های آموزشی و ترویجی، تسهیلگران را با موضوعات و راه‌حل‌های جدید حل مشکلات در روستا آشنا می‌سازد و این امر آنان را در ایفای موفق نقش تسهیلگری و ایجاد گروه‌های مستقل زنان یاری می‌کند. تسهیلگرانی که در ارتباط خود با کارشناسان ترویج، اطلاعات جدیدی دربارهٔ

راهکارهای انجام فعالیت سازمان یافته کسب می‌کنند با آموختن موضوعات جدید و جالب توجه برای مشارکت و آشنایی با روش‌ها و ترفندهای ایجاد حس مشارکت قوی در روستاییان، ظرفیت‌سازی و ایجاد تحرک در روستا برای انجام فعالیت‌های مشارکتی، عملکرد موفق‌تری دارند.

تحقیقات نخودچی و نیکجو (۱۳۷۵) در آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که بین تعداد دوره‌های آموزشی مروجین و کارایی آنها رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. همچنین موسوی و اسدی (۱۳۷۸) و روشنایی (۱۳۷۴) بین اثربخشی فعالیت مروجین و هم‌سویی مطالب و محتوای آموزشی رابطه معنی‌داری را گزارش کرده‌اند. خداوردیان (۱۳۷۸) بین سودمندی دوره‌های آموزشی و جدید بودن محتوای آموزش، رابطه مثبت و معنی‌داری گزارش کرده است. حیاتی و کرمی (۱۳۷۵) جوادیان (۱۳۷۷) بیات ترک (۱۳۸۰) فمی (۱۳۸۲) کمالی (۱۳۸۲) و بنکدار (۱۳۸۲) در پژوهش‌های خود بر وجود رابطه بین آموزش و مقبولیت با موفقیت و اثربخشی فعالیت‌های مروجین تأکید نموده‌اند.

آشنایی با موضوع، اصول و عملکرد سازمان‌های غیردولتی در ایجاد انگیزه و الگودهی به تسهیلگران جهت ایجاد و تداوم فعالیت گروهی زنان روستایی تأثیرگذار است. آشنایی از طریق آموزش‌های ترویجی علاوه بر این که موجب شناخت صحیح سازمان‌ها می‌شود این امکان را فراهم می‌کند که براساس اصول آموخته شده در دوره‌های ترویجی برای تشخیص نیازهای واقعی در روستا و برنامه‌ریزی برای رفع آن با توجه به امکانات و شرایط جامعه روستایی اقداماتی صورت پذیرد و گروه‌های مستقل زنان نیز در این راستا سازمان‌دهی شوند و فعالیت نمایند.

نخودچی و نیکجو (۱۳۷۵) در تحقیقات خود به این نکته اشاره کرده‌اند که هر چه بر آموزش‌های فنی و علمی مروجین افزوده شود به همان نسبت احتمال کاربرد یافته‌ها توسط آنها بیشتر می‌شود. قشقایی (۱۳۸۰) در یافته‌های خود تأکید کرده است که سازمان‌های غیردولتی در هنجارسازی مشارکت، توانمندسازی زنان و تقویت خود باوری آنان نقش مهمی ایفا می‌کنند. تسهیلگران پس از آشنا شدن با مفهوم، اهداف و

نحوه فعالیت این سازمان‌ها به انجام فعالیت‌های مشابه تمایل می‌یابند و این مسئله بر میزان توفیق آنها در ایجاد گروه‌های مستقل زنان واتخاذ سیاست‌هایی برای تداوم فعالیت گروهی زنان در روستا تأثیر می‌گذارد.

این نکته نیز مهم است که داوطلبانه بودن این نوع فعالیت گروهی، کاربرد فناوری‌های ارزان قیمت، ارائه خدمات ساده و بی‌پیرایه، و استفاده از کارکنان کم هزینه از جمله ویژگی‌هایی است که تشکیل این گروه‌ها را برای فعالیت زنان روستایی موجه می‌سازد. فعالیت در گروه‌های کوچک غیر رسمی تجربه مناسبی است تا آنان برنامه‌های جمعی و مهارت‌های مشارکتی خود را توسعه دهند.

گرچه براساس نظریه فیلد، عوامل مذکور تابع شرایط هستند و با تغییر شرایط ممکن است بعضی عوامل اهمیت خود را از دست بدهند و عوامل دیگری جایگزین آنها شوند و یا تأثیر متقابل و میزان ارتباط آنها با هم تغییر کند، اما آنها راهنمایی برای تبیین عوامل اثرگذار در شرایط زمانی و مکانی دیگر به شمار می‌روند و نشان می‌دهند که حرکت موفق در جهت ایجاد گروه‌های مستقل زنان روستایی باید از چه جهاتی مورد توجه قرار گیرد. البته عوامل متعدد دیگری نیز در این زمینه وجود دارند و بررسی شده‌اند که به دلیل محدودیت این مقاله، طرح آنها به فرصت دیگری موکول می‌شود. برخی از عوامل نیز وجود دارند که در این پژوهش به عنوان عامل مؤثر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند اما چه بسا در طرح دیگری به عنوان عوامل تأثیرگذار در موضوع پژوهش محسوب شوند و مورد توجه واقع گردند.

پیشنهادهای

۱- تسهیلگران به هر شکلی که انتخاب می‌شوند باید همواره مورد پذیرش سایر زنان روستایی قرار گیرند.

۲- افزایش کیفیت ارتباط تسهیلگران با متخصصان و محتوای دوره‌های آموزشی آنان باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد، و تدابیری اتخاذ شود که مطالب با روش‌های

جدید ترویجی به تسهیلگران و زنان روستایی عرضه گردد. همچنین امکان استفاده از دانش بومی از طریق تسهیلگران در برنامه‌های توسعه محلی باید بررسی شود.

۳- برای ایجاد فرصت‌های برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات بین زنان روستایی باید برنامه‌ریزی مناسب صورت پذیرد. در این صورت، امکان استفاده از این کانال‌های ارتباطی برای توسعه آموزش‌های ترویجی نیز امکان‌پذیر خواهد بود.

۴- با توجه به تأثیر آموزش‌های ترویجی در زمینه آشنا ساختن زنان روستایی با سازمان‌های غیردولتی بر میزان موفقیت آنها، باید به این گونه آموزش‌ها بیشتر توجه شود.

منابع

- آدامز، ام. ای. (۱۳۷۸)، *ترویج کشاورزی در کشورهای در حال توسعه*. ترجمه ایرج ملک‌محمدی. کرج: نشر آموزش کشاورزی.
- ایروانی، هوشنگ (۱۳۷۲)، *توانایی زنان روستایی برای به‌کارگیری منابع توسعه بر اساس معیارهای یونیسف در توان‌سنجی زنان در سال ۱۳۷۲*. تهران: بینا.
- بنکدار، طاهره (۱۳۸۲)، *بررسی اثر بخشی فعالیت‌های مروجین دوسویه زن از دید بهره‌برداران در آذربایجان غربی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- بیات ترک، عباس (۱۳۸۰)، «بررسی نقش مروجان در طرح خوراندن داروهای ضدانگلی به دام از دیدگاه مسئولان و کارشناسان اجرایی طرح». *ماهنامه علمی جهاد*. سال بیستم، شماره ۲۴۰ و ۲۴۱.
- پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۸۵)، *نظریه‌های توسعه روستایی*. تهران: سمت.
- جوادیان، ابوالفضل (۱۳۷۷)، *بررسی نقش رهبران محلی در پیشبرد برنامه‌های ترویجی و توسعه روستایی*. تهران: معاونت ترویج وزارت جهادسازندگی.
- حاجیلو، فتانه (۱۳۸۴)، *بررسی عوامل موثر بر موفقیت تسهیلگران زن در ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های مستقل زنان روستایی در آذربایجان شرقی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان. دانشگاه الزهرا.
- حجازی، یوسف (۱۳۶۶)، *بررسی جاذبه‌های اصلی شغل مروجین از دیدگاه مروجین و کارشناسان ترویج کشت‌ورزی نمونه ایران*. تهران: سازمان ترویج کشاورزی.

حیاتی، داریوش و کرمی، عزت‌اله (۱۳۷۵)، «سازه‌های مؤثر بر فعالیت و مطلوبیت کار مروجین در استان فارس». *خلاصه مقالات اولین سمینار علمی ترویج و منابع طبیعی، امور دام و آبزیان*. تهران: معاونت ترویج وزارت جهادسازندگی.

حیدری، علیقلی (۱۳۷۲)، «تعیین نیازهای آموزشی مروجین امور دام استان مازندران در سال ۱۳۷۲». *خلاصه مقالات اولین سمینار علمی ترویج و منابع طبیعی، امور دام و آبزیان*. تهران: معاونت ترویج وزارت جهادسازندگی.

خداوردیان، مجیدرضا (۱۳۷۸)، *بررسی عوامل مؤثر بر سودمندی دوره‌های آموزش فنی حرفه-ای غیررسمی وزارت جهاد کشاورزی برای شاغلین روستایی استان تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲)، *سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهادسازندگی*. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

روشنایی، علی (۱۳۷۴)، *ارزشیابی مروجین روستایی*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت ترویج وزارت جهاد سازندگی.

سوانسون، برتون ئی. و همکاران (۱۳۸۱)، *بهبود ترویج کشاورزی*. مترجمین: غلامحسین صالح نسب، رضا موحدی و اسماعیل دهکردی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، دفتر مطالعات و تلفیق برنامه معاونت ترویج.

شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۲)، *تعیین نیازهای آموزشی - ترویجی زنان روستایی ایران*. تهران: دفتر مطالعات و تلفیق برنامه‌های معاونت ترویج وزارت جهاد کشاورزی.

عربیون، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، «دانش بومی: ضرورتی در فرآیند توسعه». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال ۹، شماره ۱.

فائو (۱۳۷۷)، *مشارکت مردمی در توسعه روستایی*. مترجم جواد محمدقلی‌نیا و سعید غلامرضایی. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.

قشقایی، فرشته (۱۳۸۰)، «نقش سازمان‌های غیردولتی زنان در اداره عمومی کشور». *مجموعه مقالات نقش سازمان‌های غیردولتی در اداره کشور*. تهران: وزارت کشور.

قلی‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۱)، *زمینه‌یابی سازمان‌های غیردولتی محلی توسط زنان روستایی در استان‌های مرکزی و مازندران*. تهران: دفتر امور زنان وزارت جهاد کشاورزی.

کرمی، عزت‌اله، و کلانتری، پرویز (۱۳۷۶)، «اهداف ترویج، واکاوی دیدگاهها». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال اول، شماره ۱.

کمالی، محمدباقر (۱۳۸۰)، *طرح مطالعاتی روند تسهیل سازی الگوی آزمایشی مروجین دوسویه روستایی فریدن اصفهان*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.

کمالی، محمدباقر (۱۳۸۲)، *الگوسازی تسهیل ارتباط دوسویه مروجین زن در دهستان میانکوه اردل*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

موسوی، سعادت و اسدی، علی (۱۳۷۸)، «نگاهی اجمالی به مبانی نظری مروجان». *ماهنامه علمی جهاد*. سال هیجدهم، شماره ۲۱۸ و ۲۱۹.

نخودچی، جواد، و نیکجو، غلامرضا (۱۳۷۵)، *بررسی عوامل مؤثر بر میزان موفقیت و کارایی مروجین دام روستایی استان آذربایجان شرقی*. سازمان جهادسازندگی آذربایجان شرقی.

Botchway, K. (۲۰۰۱), "Paradox of empowerment". *World Development*. Vol. ۲۹, No. ۱, pp. ۱۳۵-۱۵۳.

Gobayan, I. and Hakobian L. (۱۹۹۸), "Rural women's participation in decision-making in Armenia". (on line).

Lahai, B.; Goldey, P.; and Jones, G. E. (۱۹۹۹), "The gender of extension agent and farmer's access to participation in agricultural extension in Nigeria". (on line).

Maloff, B. (۲۰۰۰), "Enhancing public input into decision-making". Available on: www.findarticles.com.

Wernner, N. (۲۰۰۰), "Public participation in forestry". Available on: www.unece.org.

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶

بررسی مدیریت دانش ضمنی امنیت غذایی با تأکید بر سازمان
جهاد کشاورزی استان فارس

منصور شاه‌ولی*، زهرا لاچینی**

چکیده

امنیت غذایی چالش دیرینه کشاورزی در بسیاری از کشورهای جهان سوم از جمله ایران است که تابع دو عامل، رشد فزاینده جمعیت و روند تولید محصولات غذایی می‌باشد. مدیریت دانش موجود در سازمان جهاد کشاورزی، به ویژه دانش صریح و ضمنی که با امنیت غذایی منطقه سازگار باشد جزء وظایف اصلی مدیران و کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی محسوب می‌شود. این تحقیق با هدف بررسی مدیریت دانش امنیت غذایی کارشناسان و مدیران سازمان مرکزی جهاد کشاورزی استان فارس طراحی گردید. گروه‌های کلیدی این تحقیق با توجه به مدل رابرتسون، کارشناسان و مدیران جهاد کشاورزی استان فارس هستند. تحقیق با استفاده از روش پیمایشی انجام گرفت و ۶۸ کارشناس به‌طور تصادفی و با توجه به مبحث امنیت غذایی و اهمیت سه واحد دامپروری، باغبانی و زراعت از این سه واحد انتخاب شدند. روایی صوری

Email: mshahvali@shirazu.ac.ir

* دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

Email: zlachini677@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی شیراز

توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفت و برای پایایی از طریق آزمون راهنما ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۲ به دست آمد. برای بررسی دانش ضمنی امنیت غذایی از پنج شاخص استفاده شد و این نتیجه به دست آمد که ۸۰ درصد افراد امتیازی کمتر از ۲۰ از ۵۰ به دست آورده‌اند. یافته‌ها نشان داد بیشترین استفاده از منابع دانش صریح به ترتیب شامل کتب، مجلات، گزارش‌ها و پژوهش‌های سازمانی است. همچنین، بیشترین روش‌های ارتباطی مورد استفاده برای ارتقاء دانش ضمنی، گفتگو با همکاران، شرکت در سمینارها و گفتگوی رودرو هستند. استفاده از مجلات با دانش ضمنی امنیت غذایی افراد همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین روش ارتباطی گفتگو با همکاران با دانش ضمنی امنیت غذایی افراد همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. بالاخره افرادی که در طول خدمت خود علاوه بر کارشناس سمت مدیریت نیز داشته‌اند، دانش امنیت غذایی بیشتری دارند.

کلید واژه‌ها: مدیریت دانش/ امنیت غذایی/ کشاورزی/ سازمان جهاد کشاورزی/ استان فارس/ فارس (استان).

* * *

مقدمه

در حال حاضر روزانه ۴۰ هزار نفر در جهان در اثر گرسنگی می‌میرند زیرا تقاضای جمعیت رو به رشد جهان بیشتر از توان عرضه تولیدکنندگان است. انتظار می‌رود جمعیت جهان در سال ۲۰۲۵ بالغ بر ۸ میلیارد نفر باشد که ۲/۵ میلیارد نفر بیشتر از جمعیت فعلی است. بخش عمده این افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه رخ خواهد داد. برای تامین غذای این جمعیت، عملکرد همه غلات مصرفی در سال ۲۰۲۵ باید ۸۰ درصد بیش از عملکرد آنها در سال ۱۹۹۰ باشد (وطن‌پور و مجتهدی، ۱۳۸۴). اگرچه در ۵۰ سال اخیر تحولات مثبت زیادی در حوزه کشاورزی در سطح جهان و به‌ویژه در کشورهای صنعتی به وقوع پیوسته است، اما همچنان بسیاری از کشورهای در حال توسعه قادر به تامین امنیت غذایی کشور خود نیستند. این کشورها تولید مواد غذایی را افزایش داده‌اند اما امنیت غذایی ندارند، به طوری که بسیاری از کشورها نظیر چین و ژاپن به این نتیجه رسیده‌اند که به دلیل نبود امنیت تجارت جهانی، مواد غذایی

مورد نیاز خود را ذخیره کنند (کمالی، ۱۳۷۸). اصولاً امنیت غذایی در جهان تابع دو عامل رشد فزاینده جمعیت و میزان تولید کشاورزی است (نسیمی، ۱۳۷۸).

رشد فزاینده جمعیت

دانشمندان مختلفی چگونگی افزایش جمعیت و عوامل مؤثر بر آن را تبیین کرده‌اند. بر اساس قدیمی‌ترین نظریه در این زمینه یعنی نظریه مالتوس، افزایش استانداردهای زندگی موجب افزایش نرخ رشد جمعیت از طریق کاهش مرگ و میر (به ویژه مرگ و میر نوزادان) و افزایش باروری می‌شود، به طوری که با ادامه این روند، با توجه به منابع محدود کره زمین، بقای انسان به خطر خواهد افتاد (Foley, ۲۰۰۰). شفیلد (Sheffield, ۲۰۰۱) نیز معتقد است که در صد سال آینده، جمعیت جهان به دو برابر میزان کنونی خواهد رسید. بیشتر دانشمندان، جمعیت جهان را در پنجاه سال آینده، حدود ۹/۳-۱۰ میلیارد نفر تخمین می‌زنند (هریسون، ۱۳۸۱).

از نظر ساختار جمعیت، ایران کشور جوانی است که تازه به مرحله اشتغال رسیده است. طبق آخرین آمار سازمان برنامه و بودجه، جمعیت ایران در سال ۱۳۷۹، ۶۳۶۶۴۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۸۰، ۶۴۵۲۸۰۰۰ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴) و طبق برآورد سازمان ملل در سال ۲۰۲۵ به بیش از ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید (شبکه اینترنتی آفتاب، ۱۳۸۴). ایران با داشتن شرایط اقلیمی خشک و نیمه خشک برای تأمین امنیت غذایی و پاسخگویی به نیازهای جمعیت خود نیاز به یک مدیریت کارآمد دارد تا بتواند دانش، فناوری و فنون مؤثر بر شرایط اقلیمی هر منطقه را سازماندهی کند و در راستای توسعه کشاورزی، افزایش تولید، توزیع مناسب مواد غذایی و در نهایت دستیابی به امنیت غذایی گام بردارد.

میزان تولیدات کشاورزی

از گذشته ذهن بسیاری از اندیشمندان به این موضوع معطوف بوده است که کره زمین غذای چه میزان جمعیت را می‌تواند تأمین کند. درباره ظرفیت منابع کشاورزی جهان،

فناوری و خلاقیت انسان برای افزایش تولید مواد غذایی به نحوی که تمام افراد دسترسی کافی به مواد غذایی داشته باشند اغلب نگرانی‌هایی ابراز می‌شود. کشاورزی نه تنها یکی از بخش‌های تولیدکننده مواد غذایی بلکه یک بخش مهم اقتصادی است که جمعیت وسیعی از کشورهای در حال توسعه برای اشتغال و کسب درآمد به آن وابسته‌اند. بنابراین، توسعه کشاورزی عامل مهمی برای امنیت غذایی است (سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، ۱۳۷۶).

براساس گزارش سالنامه آماری وزارت جهاد کشاورزی، در حال حاضر حدود ۸۵ میلیون تن محصولات کشاورزی شامل ۶۲/۵ میلیون تن محصول زراعی، ۱۳/۵ میلیون تن محصول باغی، ۸/۶ میلیون تن محصول دامی و ۴۵۵ هزار تن شیلات در کشور تولید می‌شود. همچنین تولید گوشت قرمز حدود ۸۰۰ هزار تن است (اتحادیه مرکزی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی ایران، ۱۳۸۴). طبق این گزارش، ایران از نظر تنوع تولید محصولات باغی دارای مقام سوم جهان و از نظر مقدار تولید کل یکی از ۱۰ کشور اول جهان است (جدول ۱).

جدول ۱ - تولید محصولات غذایی کشور و استان فارس در سال ۱۳۸۳

نام محصول	تولید محصول در کشور (تن)	تولید محصول در استان فارس (تن)	نسبت تولیدات کشاورزی فارس به کل کشور
گندم	۱۱۶۷۶۲۵۲	۱۶۹۸۹۰۸	۶/۹
برنج	۱۸۱۹۹۹۰	۱۸۵۲۳۲	۹/۸
چغندر	۵۷۲۹۱۰۵	۵۸۷۶۳۸	۹/۷
سیب زمینی	۲۳۹۲۲۶۴	۱۰۴۰۷۸	۲۲/۹۹
سبزیجات	۱۰۷۷۵۳۰	۸۲۵۸۹	۱۳/۰۴
گوشت گاو و گوساله	۶۰۰۹۵۴۷	۲۴۹۷۵۰	۲۴/۰۶
گوشت ماکیان	۲۱۸۵۶۰۰	*	-
شیر گاو	۴۷۶۸۵۸۹	۲۵۱۵۲۲	۱۸/۹۵

*در این زمینه آماری ارائه نشده است. مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴

تعاریف و مفاهیم امنیت غذایی

آبراهام مزلو از جمله روان‌شناسانی است که پیرامون نیازها و شرایط رشد و شکوفایی انسان مطالعات فراوانی انجام داده است. از نظر وی، انسان دارای سلسله مراتبی از نیازهاست که در آن، نیازهای زیستی و فیزیولوژیک بر نیازهای دیگر مقدم هستند. دسته دوم از نیازها، امنیت غذایی است. برای اینکه شخص به نیازهای بالاتر خود پاسخ بدهد باید تا اندازه‌ای از لحاظ فیزیولوژیکی و ایمنی بی‌نیاز شود (هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۰). از این رو، امنیت غذایی یکی از ضروری‌ترین نیازهای انسان است. سرچشمه فکری امنیت غذایی به بحران غذا در جهان در اوایل دهه ۱۹۷۰ و حتی پیش‌تر از آن به بیانیه حقوق بشر در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ باز می‌گردد. بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ اعلام کرد که مفهوم امنیت غذایی، دسترسی تمام مردم به غذای کافی در تمام اوقات به منظور کسب زندگی سالم و فعال است. این تعریف تمامی سطوح اعم از بین‌المللی، کشوری، خانواده و فرد را شامل می‌گردد. بنابراین، کلیه بخش‌های مربوط به داده‌ها و ستانده‌های کشاورزی یعنی مجموعه بخش اقتصاد مواد غذایی مسئولیت تأمین نیازهای غذایی جامعه را بر عهده دارند (نسیمی، ۱۳۷۸). از سوی دیگر، کمالی امنیت غذایی را به معنای فراهم بودن غذا، قابلیت دسترسی افراد به مواد غذایی و ثبات غذایی تعریف می‌کند (کمالی، ۱۳۷۸).^(۱)

در مبحث امنیت غذایی، بررسی میزان تولید و مصرف مواد غذایی کمک می‌کند تا فاصله بین وضع موجود و رفتارهای صحیح مصرف مواد غذایی مشخص شود و کمبودها معلوم گردد. افراد برای داشتن یک زندگی سالم باید کالری مورد نیاز بدن خود را تأمین نمایند. حدود یک میلیارد نفر در جهان قادر به تأمین غذای کافی خود نیستند، و از میان این عده، نیمی چنان با کمبود کالری روبرو هستند که در معرض ابتلا به انواع بیماری‌های جسمی و ذهنی و حتی مرگ قرار دارند (Azadi, ۲۰۰۳).

میزان مصرف کالری روزانه یک فرد به عوامل مختلف از جمله وزن، قد، جنس، سن و فعالیت روزانه وی بستگی دارد (قندی، ۱۳۸۴). طبق استانداردهای سازمان جهانی خواربار و کشاورزی، پسران در سنین بین ۱۱ تا ۱۴ سال روزانه ۲۲۲۰ کالری و دختران در همین گروه سنی حدود ۱۸۴۵ کالری نیاز دارند. پسران در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال باید حدود ۲۷۵۵ کالری و دختران در همین گروه سنی تقریباً ۲۱۱۰ کالری دریافت کنند. مردان در سنین بزرگسالی روزانه حدود ۲۵۰۰ و زنان به ۲۰۰۰ کالری نیاز دارند (شبکه اینترنتی آفتاب، ۱۳۸۴). بنابراین، بدن روزانه به طور متوسط به ۲۵۰۰-۲۰۰۰ کالری نیاز دارد که باید از طریق مواد غذایی مختلف تأمین گردد. هرم مواد غذایی برای تأمین کالری مورد نیاز باید رعایت شود. در قاعده این هرم غلات و حبوبات قرار دارند که دارای مقادیر زیادی کربوهیدرات هستند و باید بیش از سایر مواد غذایی از آنها استفاده گردد. میوه جات و سبزیجات سطح بعدی هرم را تشکیل می‌دهند. فرآورده‌های گوشتی و لبنی در سطح سوم قرار می‌گیرند که منشاء حیوانی دارند. در رأس هرم چربی‌ها، شیرینی جات و انواع روغن قرار دارند (پایگاه اطلاع‌رسانی پزشکان ایران، ۱۳۸۴). سبد مواد غذایی بر اساس شرایط کشور و بر اساس آخرین اطلاعات بدین ترتیب تدوین گردیده است: نان، برنج، ماکارونی، حبوبات، سیب‌زمینی، سبزی‌ها، میوه‌ها، گوشت قرمز، گوشت سفید، تخم‌مرغ، شیر و لبنیات، روغن جامد و مایع، و قند و شکر (واحد مرکزی خبر، ۱۳۸۳). متخصصان تغذیه معتقدند هر فرد روزانه به‌طور متوسط به ۲۹ گرم پروتئین حیوانی در جیره غذایی خود نیاز دارد. در ایران این مقدار حدود ۲۰ گرم است که نشان می‌دهد پروتئین دریافتی سرانه در کشور ۳۰ درصد پایین‌تر از میزان مورد توصیه فائو است (شبکه اینترنتی آفتاب، ۱۳۸۴). همچنین مقدار مصرف روزانه سبزی و میوه از ۱۸۹ تا ۴۵۵ گرم در کشورهای مختلف متغیر است (صادقی و خسروانی، ۱۳۸۴). برای حفظ سلامتی و مقابله با بسیاری از بیماری‌ها مصرف روزانه ۴۵۰-۴۰۰ گرم از این مواد برای بدن ضروری است (واحد خبر سیم‌رغ، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، بیش از ۵۰ تا ۶۰ درصد از مجموع کالری مورد نیاز بدن از کربوهیدرات‌ها

تأمین می‌شود. در کشورهای کم درآمد، مصرف سرانه غلات بطور متوسط ۲۰۰ کیلوگرم در سال و یا تقریباً ۵۰۰ گرم در روز است. این مقدار از ۸۰۰ کیلوگرم در سال در ایالات متحده آمریکا تا ۲۰۰ کیلوگرم در سال در کشور هندوستان متفاوت است (Azadi, ۲۰۰۳).

در حال حاضر، امنیت غذایی یک مسئله چند جانبه و بین‌بخشی است و مباحث تأمین غذا، ایمنی و سلامت غذا، رعایت بهداشت غذا و سایر مباحث مرتبط با آن هر یک درحوزه کاری یک دستگاه مستقل است (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۴). در این تحقیق، امنیت غذایی به معنای تولید، توزیع و ثبات مواد غذایی به نحوی که افراد به طور مستمر به مواد غذایی دسترسی کافی داشته باشند و زندگی سالم و فعالی را سپری نمایند، در نظر گرفته شده است. در چنین تعریفی از امنیت غذایی، سه عامل مهم برای رسیدن به امنیت غذایی مدنظر قرار می‌گیرد: تولید محصولات غذایی، توزیع مناسب محصولات غذایی، و تأمین ثبات مواد غذایی در شرایط بحرانی.

استقلال سیاسی و اقتصادی و خود کفایی در تأمین محصولات کشاورزی و غذایی از مهمترین اهداف کشور است. هنگام بحث پیرامون تولید مواد غذایی، بررسی سازمان‌های کشاورزی در اولویت قرار دارند. ایران کشوری است که اقتصاد ملی آن همواره بر پایه فعالیت‌های کشاورزی استوار بوده است و ساختار اقتصادی اجتماعی آن طی قرن‌ها حول آن شکل گرفته است. در سال‌های اخیر، بر اثر رشد سریع جمعیت و ضرورت تأمین احتیاجات غذایی مردم، با توجه به مشکلات سیاسی و اقتصادی و پیش‌بینی تقاضا برای غذا و تأمین مواد اولیه بسیاری از صنایع، ضرورت توسعه بخش کشاورزی بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین، وزارت جهاد کشاورزی به عنوان متولی تولید کننده غذا نیازمند اجرای راهکارهای موثر برای تأمین امنیت غذایی است.

عامل دیگر در برقراری امنیت غذایی با توجه به تعریف موردنظر، توزیع مناسب تولیدات غذایی به ویژه آن دسته از تولیداتی است که جزء غذای اصلی مردم به شمار می‌رود. در این راستا مسائل متعددی مطرح می‌گردد، از جمله بهداشت مواد غذایی، به

شکلی که مواد غذایی با کیفیت مرغوب به دست مصرف‌کنندگان برسد. از این رو، بسته‌بندی مناسب مواد غذایی و کم کردن ضایعات موادی که به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد حائز اهمیت است. از سوی دیگر، توزیع عادلانه مواد غذایی در شرایطی امکان‌پذیر است که نحوه قیمت‌گذاری آنها با شرایط اقتصادی قشرهای مختلف جامعه متناسب باشد. همچنین توجه به خرید به موقع محصولات غذایی از تولیدکنندگان در کاهش ضایعات و کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده‌های کلان دلالان موثر خواهد بود.

ثبات و پایداری مواد غذایی از موارد دیگری است که باید به آن توجه داشت. طراحی نظام‌های مدیریت بحران و تجزیه و تحلیل اطلاعات در راستای توزیع و ذخیره‌سازی مواد غذایی لازم به نظر می‌رسد. همچنین توجه به سیاست‌های حمایت از تولیدکنندگان به پایداری محصولات کشاورزی داخلی و حمایت از آن کمک شایانی خواهد کرد. از سوی دیگر، تقویت نظام‌های جبران خسارت کشاورزان در زمان وقوع بلایای طبیعی نظیر سیل، خشکسالی و غیره باید مد نظر قرار گیرد. موارد دیگری که در ثبات مواد غذایی باید بدان توجه کرد، گسترش و توسعه صنایع تبدیلی و ایجاد نظام مطلوب توزیع مواد غذایی و کشاورزی از طریق انبار داری، سیلوسازی و ساخت سردخانه‌ها است.

نقش مدیریت دانش در امنیت غذایی

کشورهای مختلف برای دستیابی به امنیت غذایی تدابیر مختلفی اتخاذ کرده‌اند. تأمین امنیت غذایی همواره یکی از وظایف اصلی دولت‌ها و غالباً بخش کشاورزی آنها به حساب می‌آید. از این رو، برای اینکه هر کشوری بتواند امنیت غذایی خود را تأمین کند باید به توسعه بخش کشاورزی توجه خاص مبذول نماید (Leeuwis, ۲۰۰۳).

اطلاعات، دانش، فناوری و فنون مرتبط با امنیت غذایی در سازمان کشاورزی باید به روشی مناسب سازماندهی شود. سازماندهی اطلاعات و دانش موجود در سازمان به ویژه آن نوع دانشی که با شرایط اقلیمی هر منطقه سازگار است جزء وظایف اصلی

مدیریت سازمان کشاورزی محسوب می‌گردد. این دانش ممکن است در سطوح مختلف سازمان مستندسازی شده باشد و یا اینکه به مرور به صورت تجربی در اختیار افراد قرار گیرد. توجه به دانش غیر رقمی و ضمنی افراد، که پس از جنگ جهانی دوم مطرح گردید، به نقش موثر کارکنان و متخصصان در سازماندهی این نوع دانش اشاره دارد (Prusk, ۲۰۰۱). راهکارهای مدیریت دانش می‌تواند در این زمینه موثر واقع شود. بخش مدیریت دانش با شناختن شکاف‌های دانشی در سازمان در زمینه موضوعات مختلف به تجزیه و تحلیل می‌پردازد و با فراهم کردن شرایط لازم برای تعامل افراد و تبادل تجربیات در مسیر مناسب، از هدر رفتن وقت جلوگیری می‌کند.

مدیریت دانش

داده، اطلاعات و دانش واژگانی هستند که نمی‌توان آنها را به جای یکدیگر به کار گرفت. درک و شناخت آنها و چگونگی تبدیل یکی به دیگری در کارهای علمی و مدیریت دانش اهمیت زیادی دارد.

داده: داده‌ها رشته فعالیت‌هایی عینی و مجرد در مورد یک رویداد هستند که از دیدگاه پیترو دراکر صاحب نظر علم مدیریت به تنهایی مفهومی مربوط و هدفدار نیستند. سازمان‌ها معمولاً داده‌ها را در یک سامانه فناوری ذخیره می‌کنند. داده‌ها را می‌توان مواد خام مورد نیاز برای تصمیم‌گیری نیز به شمار آورد. در واقع داده‌ها مواد اولیه ضروری برای خلق اطلاعات هستند که برای کلیه سازمان‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند (Thomas and Laurence, ۱۹۹۸).

اطلاعات: اطلاعات در واقع نوعی پیام به شمار می‌آیند که از فرستنده ارسال و توسط گیرنده دریافت می‌شوند. دریافت اطلاعات برای این منظور است که درک گیرنده نسبت به مسائل تغییر کند و داورهای و رفتارهای او دگرگون گردند. بنابراین، اطلاعات به بینش و دید دریافت‌کننده آن شکل می‌دهد (Dixon, ۲۰۰۰). در سازمان‌ها، اطلاعات با کمک نرم افزارها و سخت‌افزارها از جایی به جای دیگر منتقل می‌شوند.

معیار سنجش کمی، میزان تبادل و ارتباط را شامل می‌شود؛ مثلاً اینکه چه تعداد پیام یا اطلاعات در مدت زمانی مشخص مبادله می‌شود؟ معیار سنجش کیفی، میزان اطلاع رسانی و قابل استفاده بودن اطلاعات را نشان می‌دهد؛ مثلاً اینکه آیا پیام دریافتی دید جدید به گیرنده آن می‌دهد؟ آیا این پیام به گیرنده کمک می‌کند تا شرایط خاصی را درک کند، تصمیمی مناسب بگیرد یا مشکلی را حل کند؟ اطلاعات بر خلاف داده‌ها، معنی‌دار هستند و به عقیده پیتر دراگر برقراری ارتباط و هدفمند بودن از ویژگی‌های اطلاعات است. اطلاعات نه تنها دارای قابلیت تاثیرگذاری بر گیرنده هستند بلکه خود نیز شکل خاصی دارند و برای هدف خاصی سازماندهی می‌شوند.

دانش: دانش ترکیبی سیال از تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام یافته است که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات و اطلاعات جدید به‌دست می‌دهد. دانش در ذهن دانشور به وجود می‌آید و به کار می‌رود. همچنین، دانش در سازمان‌ها نه تنها در قالب مدارک و منابع دانشی بلکه در شکل رویه‌های کاری، فرآیندهای سازمانی، اعمال و هنجارها مجسم می‌شود. دانش از اطلاعات و اطلاعات از داده‌ها ریشه می‌گیرد. تبدیل اطلاعات به دانش در عمل برعهده خود فرد است (داونپورت و لارنس، ۱۳۷۹).

اما در مورد مدیریت دانش به طور کلی تعریف دقیقی که مورد توافق عام باشد وجود ندارد. برخی مدیریت دانش را فرایند کاربرد دانش خلق شده تعریف می‌کنند (Quintas et al., ۱۹۹۷). این در حالی است که بیشتر صاحب‌نظران مدیریت دانش را یک مفهوم مدیریتی جامع می‌دانند که تلفیقی از ابعاد انسانی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و فناوری است. در واقع، مدیریت دانش به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا ایده‌ها، مدارک و اطلاعات را توزیع کنند. در درازمدت با استفاده از مدیریت دانش می‌توان فرهنگی را ایجاد کرد که افراد دانش را یک امر مستمر تلقی کنند که رشد می‌کند و تغییر می‌یابد. اما تعریف کلی‌تر از مدیریت دانش که توسط اسنودن مطرح شده و مبنای این تحقیق بوده است، بر تمایز آشکار بین دانش ضمنی و دانش صریح مبتنی است و عبارت است

ازشناسایی، بهینه سازی و مدیریت فعال سرمایه‌های هوشمند که به شکل دانش صریح در مصنوعات نظیر کتاب و غیره نگهداری می‌شود و یا به شکل دانش ضمنی در ذهن اشخاص یا گروه‌ها قرار می‌گیرد. بهینه‌سازی دانش صریح از طریق در دسترس قرار دادن دائمی مصنوعات دانشی صورت می‌گیرد و بهینه سازی دانش ضمنی با ایجاد جماعت‌ها و گروه‌ها برای پیگیری و بهره‌گیری از دانش یکدیگر انجام می‌گیرد (Snowden, ۲۰۰۰). مدیریت دانش یک مبنا و دیدگاه سازمانی نوین است که روابط بین کارکنان در یک سازمان را تغییر می‌دهد، بر ارتباط زنجیروار بین دانش و عمل تأکید می‌کند و به‌طور مستمر کارایی سازمان را افزایش می‌دهد. دانش مفید چیزی است که به یک فکر موثر و قابل انعطاف منتهی گردد (Toumi, ۲۰۰۲). برای این منظور، شناسایی منابع دانش از اهمیت بالایی برخوردار است. تامس. اچ. داوِنپورت و لارنس پروساک منابع دانش را که به این منظور به کار می‌رود به سه دسته تقسیم کرده‌اند: دانش بیرونی (هوش رقابتی) مانند استفاده از اینترنت؛ دانش ساختمان درونی که به صورت مکتوب در آمده است و معمولاً به اشکال مختلف در دسترس قرار دارد مانند کتب، گزارش‌های پژوهشی، نوشته‌ها، اسناد، یادداشت‌ها، مقاله‌ها و غیره؛ و دانش بی‌ساختار درونی یعنی دانشی که به طور پراکنده و غیرمستند در ذهن افراد نهفته است، مانند پایگاه‌های مباحثه‌ای، که گاهی درس‌های آموخته شده نامیده می‌شوند، و نوعی دانش گردآوری شده اما کمتر نظام یافته هستند. پایگاه مباحثه‌ای گفتگوهای است که همکاران می‌توانند به وسیله آن تجربیات مشترک خود را در زمینه‌ای خاص ضبط کنند و نسبت به گفته‌های دیگران واکنش نشان دهند (داوِنپورت و لارنس، ۱۳۷۹).

مدیریت دانش کارآمد، نتایج معلوم و ملموسی را از منابع به دست می‌آورد، فرهنگ تسهیم دانش را در سازمان توسعه می‌بخشد و به حل مسائل روز می‌پردازد. سه فعالیت کلی مدیریت دانش عبارت‌اند از: مدیریت اطلاعات، جنبش کیفی، و جنبش انسانی یا عوامل انسانی (Prusak, ۲۰۰۱). مدیریت اطلاعات بر این موضوع مبتنی است که اطلاعات مختلف دارای ارزش‌های متفاوتی هستند. به عبارت دیگر، برخی از اطلاعات

در زمینه‌ای خاص دارای ارزش بیشتری هستند و باید با آنها به طور متفاوت رفتار کرد. این دیدگاه نقطه عطف مدیریت امروزی محسوب می‌شود.

جنبش کیفی به رضایت کاربران توجه می‌نماید و به این مسئله می‌پردازد که فرآیندهای دانشی چگونه کیفیت کار را بالا می‌برند و چگونه دانش در بین سطوح مختلف سازمانی تسهیم می‌شود و گسترش می‌یابد. همچنین در جنبش کیفی، چگونگی نتایج و کیفیت ارائه ستانده‌های حاصل از فرایندها مدنظر قرار می‌گیرد.

جنبش انسانی پایه نظری محکمی دارد. در این جنبش، در زمینه آموزش و فراگیری افراد درون سازمان که عمدتاً نرخ بازگشت بالائی دارند، در قالب تولید بالای کارکنان، توسعه مهارت‌ها و تسهیل تحرک بخشی کارکنان سرمایه‌گذاری می‌شود. اگر چه بسیاری از سازمان‌ها اجرای برنامه‌های آموزشی برای نیروی انسانی را برای سازمان هزینه به حساب می‌آورند نه سرمایه، اما سرمایه‌گذاری انسانی جزئی از وظایف مدیریت دانش به شمار می‌رود.

فعالیت‌های مدیریت دانش

فعالیت‌های مدیریت دانش شامل موارد زیر است:

- ایجاد و بهبود محمل‌های دانش صریح به منظور تسهیل دسترسی بهنگام به داده‌ها، اطلاعات و دانش در شرایط مقتضی برای اشخاص واقعی در زمان مورد نیاز.
- مستندسازی و شکل‌دهی دانش ضمنی از طریق ایجاد مجموعه دانشی، شبکه دانشی، پیوستگی بین‌المللی، و همکاری با شبکه‌ها و گروه‌های دانشی از طریق ابزارهای الکتریکی به منظور مستندسازی دانش و تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح.
- خلق مستمر دانش و گسترش آن در سطوح مختلف سازمان، از طریق بهبود یادگیری سازمانی و تسهیل گفتگوی درون سازمانی.

-
- مدیریت دانش به عنوان یک سرمایه ارزشمند از طریق: (الف) تشخیص، طراحی، تجزیه و تحلیل، و تعیین چشم‌اندازهای دانش؛ (ب) مستندسازی، کاربرد موثر و سنجش سرمایه‌های هوشمند؛ و (ج) اولویت‌بندی زمینه‌هایی که مستلزم تلاش‌های بیشتری از سوی مدیریت دانش است.
 - ارتقای فرهنگ و بهبود زیرساختار فرهنگی مدیریت دانش از طریق بهبود مشارکت‌ها، شناخت افراد از یکدیگر و برقراری نظام مناسب پاداش‌دهی، تسهیم دانش همراه با خلق ایده‌های جدید، و به‌کارگیری ابزارها و فناوری‌های مورد نیاز گسترش مدیریت دانش.

- بهبود هوش رقابتی و به دست آوردن داده‌ها، راهبردها و فناوری‌های مورد نیاز.
(Thomas and Laurence, ۱۹۹۸; Francis, ۱۹۹۹; Dorothy, ۱۹۹۵; Etienne and Snyder, ۲۰۰۰; Karl - Erik, ۱۹۹۷)

مدیریت دانش به طور چشمگیری در بهبود پایایی فرآیندهای تصمیم‌گیری و کیفیت نتایج آن مؤثر است، و نیز از آن برای تشخیص روابط بین اطلاعات جدید، دانستن حقایق، یادگیری و تعیین ارزش نظام‌ها استفاده می‌شود.

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق را بررسی مدیریت دانش ضمنی امنیت غذایی مدیران و کارشناسان سازمان مرکزی جهاد کشاورزی استان فارس و شهرستان مرودشت با کمک مدل تشخیص نیازهای دانشی رابرتسون تشکیل می‌دهد. اهداف ویژه تحقیق شامل بررسی موارد زیر است:

- دانش ضمنی امنیت غذایی کارشناسان و مدیران سازمان مرکزی جهاد کشاورزی استان فارس؛
- منابع کسب دانش صریح مورد استفاده کارشناسان و مدیران سازمان مرکزی جهاد کشاورزی استان فارس؛

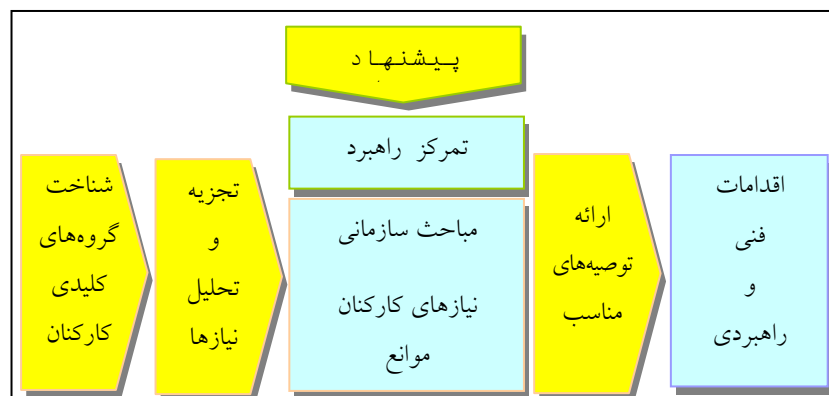
- روش‌های ارتقای دانش ضمنی مورد استفاده کارشناسان و مدیران سازمان مرکزی جهاد کشاورزی استان فارس؛ و
- متغیرهای موثر بر ارتقای دانش ضمنی امنیت غذایی مدیران و کارشناسان در سازمان مرکزی جهاد کشاورزی استان فارس.

چارچوب نظری تحقیق: الگوی تشخیص نیازهای دانشی رابرتسون

الگوهایی که در راستای راهبردهای مدیریت دانش در سازمان وجود دارد غالباً به دو دسته کلی "بالا به پائین" و "پائین به بالا" تقسیم می‌شوند. در الگوهای نوع اول، با توجه به سلسله مراتب سازمانی، اقدامات لازم در زمینه مدیریت دانش را مدیران تشخیص می‌دهند و طراحی می‌کنند. اما در الگوهای نوع دوم، اقدامات مدیریت دانش از کارکنان میدانی آغاز می‌گردد. یافته‌های فراوان تحقیقاتی نشان می‌دهد که اغلب در سازمان‌ها نیازهای دانشی کلیدی کارکنان نادیده گرفته می‌شود و توصیه‌هایی که ارائه می‌گردد حاصل بررسی‌های مدیران و کارکنان رده بالا است که اغلب برای کارکنان مفید نیست. الگویی که رابرتسون (Robertson, ۲۰۰۴) ارائه کرده است اساساً بر تجزیه و تحلیل نیازهای کلیدی کارکنان استوار است ولی در عین حال در آن از هر دو الگوی نوع اول و دوم استفاده می‌شود. این الگو شامل مراحل زیر است:

- ۱- تشخیص گروه‌های کلیدی کارکنان: این گروه‌ها در اشاعه فرهنگ مدیریت دانش و فعالیت‌های آن نقش مهمی ایفا می‌کنند. آنها همچنین به طور مستقیم با فعالیت‌های کاری درگیرند. البته این گروه‌ها با توجه به ماهیت هر سازمان متفاوت هستند.
- ۲- تجزیه و تحلیل نیازهای کلی و مسائل کلیدی کارکنان: برای انجام این کار، فنون مختلفی را می‌توان به کار گرفت مانند پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده.
- ۳- تطبیق نتایج مباحث با راهبردهای پیشنهادی مدیران رده بالاتر و مستند سازی نتایج برای تدوین راهبرد کلی و موثر.

- ۴- بررسی نتایج برای ارائه توصیه‌های مناسب با توجه به نیازهای شناسایی شده: بعد از بررسی نیازها و تحلیل آنها و همچنین استفاده از راهکارهای پیشنهادی مدیران رده‌های بالاتر می‌توان توصیه‌های مناسب را به آنها ارائه نمود.
- ۵- اجرای اقدامات فنی بر اساس توصیه‌ها که در نهایت اقدامات مناسب با توجه به مراحل بالا انجام خواهد گرفت (نگاره ۱).



مأخذ: Robertson, ۲۰۰۰, p.۴-۵

نگاره ۱- مراحل الگوی تشخیص نیازهای دانشی

مرحله اول: تشخیص گروه‌های کلیدی کارکنان

الف) روش پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها

پژوهش با روش پیمایشی بین مدیران و کارشناسان سازمان مرکزی جهاد کشاورزی استان فارس انجام گرفت. به دلیل ضرورت توجه به سه واحد زراعت، دامپروری و باغبانی در تولید مواد غذایی، ۶۸ کارشناس از این سه حوزه به صورت تصادفی و داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند. در طراحی پرسشنامه تحقیق از پنج شاخص در قالب متغیرهای وابسته برای سنجش دانش ضمنی امنیت غذایی استفاده گردید که عبارت‌اند از: مفاهیم امنیت غذایی، میزان کالری مورد نیاز بدن، میزان اطلاع از تولیدات کشاورزی در سال‌های ۸۲ و ۸۳، میزان مواد غذایی مورد نیاز بدن بر حسب گرم، و شناخت سازمان‌های مسئول امنیت غذایی. روش‌های ارتباطی و منابع اطلاعاتی و نیز ویژگی‌های فردی نظیر سابقه و سن متغیرهای مستقل این تحقیق را تشکیل دادند. روایی صوری پرسشنامه توسط متخصصان مورد تایید قرار گرفت. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از ۲۰ نفر از کارشناسان آزمون راهنما به عمل آمد که بر اساس آن ضریب آلفای کرون باخ ۰/۷۲ به دست آمد. سپس داده‌های مربوطه جمع‌آوری گردید و با استفاده از نرم افزار spss و در دو دسته آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ب) ویژگی‌های فردی

سن

جمعیت مورد مطالعه در سه گروه سنی طبقه بندی شدند. بیشترین سن ۵۴ سال، کمترین سن ۲۴ سال، و میانگین سن حدود ۴۰ سال بود. حدود نیمی از جمعیت مورد مطالعه (۴۹/۲) در سنین میانسالی قرار داشتند.

جدول ۲- توزیع فراوانی سن جمعیت مورد مطالعه (سال)

گروه سنی	فراوانی	درصد نسبی	درصد تراکمی
۲۱-۳۰	۶	۸/۸۲	۸/۸۲
۳۱-۴۰	۳۲	۴۷/۰۶	۵۵/۸۸
۴۱-۵۰	۲۵	۳۶/۷۷	۹۲/۶۵
۵۱-۶۰	۲	۲/۹۴	۹۵/۵۹
بدون جواب	۳	۴/۴۱	۱۰۰
میانگین=۴۰/۴۳	نما=۴۰	انحراف معیار=۶/۵۳	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مدرک و رشته تحصیلی

از ۶۸ نفر مورد مطالعه، ۸۶/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۱۱/۸ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند. از این تعداد، ۴۹/۲۶ درصد در رشته دامپروری، ۱۴/۹۲ در رشته باغبانی، ۲۳/۸۸ درصد در رشته زراعت، و ۱۱/۹۴ درصد در سایر رشته‌های کشاورزی (گیاه‌پزشکی، ماشین‌آلات، آبیاری، اقتصادکشاورزی، و خاک‌شناسی) تحصیل کرده‌اند. همچنین شایان ذکر است که تقریباً تمام جمعیت مورد مطالعه متناسب با رشته تحصیلی خود و در واحد مربوطه به کار مشغول هستند.

جدول ۳ - توزیع فراوانی رشته‌های تحصیلی جمعیت مورد مطالعه

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد نسبی	درصد تجمعی
دامپروری	۳۳	۴۸/۵۳	۴۸/۵۳
باغبانی	۱۰	۱۴/۷۱	۶۳/۲۴
زراعت	۱۶	۲۳/۵۳	۸۶/۸
سایر رشته‌ها	۹	۱۳/۲	۱۰۰
مجموع	۶۸	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

واحد سازمانی

واحد سازمانی افراد مورد مطالعه بدین قرار است: ۴۸/۵ درصد دامپروری، ۱۶/۲ درصد باغبانی، و ۳۰/۹ درصد زراعت. ضمناً ۴/۴ درصد افراد واحد سازمانی خود را اعلام نکرده‌اند. از این افراد، ۶۰ درصد به عنوان کارشناس و ۴۰ درصد به عنوان مدیر یا مسئول واحدهای سازمانی مختلف سازمان جهاد کشاورزی مانند مرکز خدمات، اداره تعاون و غیره مشغول کار بوده‌اند.

سابقه خدمت

سابقه خدمت افراد به سه گروه کمتر از ۱۰ سال، ۱۱-۲۰ سال و ۲۱-۳۰ سال تقسیم‌بندی گردید که به ترتیب ۱۴/۶ درصد، ۵۰ درصد و ۲۹/۴ درصد را به خود اختصاص دادند. بنابراین، بیش از نیمی از جمعیت مورد مطالعه دارای سابقه کاری بین ۱۰ تا ۲۰ سال بوده‌اند.

مرحله دوم: تجزیه و تحلیل نیازهای کلی و مسائل کلیدی کارکنان

الف) بررسی میزان دانش ضمنی امنیت غذایی جمعیت مورد مطالعه

اولین هدف ویژه این تحقیق، بررسی میزان دانش ضمنی امنیت غذایی کارکنان است. دانش ضمنی امنیت غذایی به وسیله پنج شاخص طبق فرمول زیر به دست آمده:

$$\text{دانش ضمنی امنیت غذایی} = f(x_1 + x_2 + x_3 + x_4 + x_5)$$

که در این فرمول

x_1 = مفاهیم و تعاریف امنیت غذایی (یک پرسش با دامنه بین ۰ تا ۵ امتیاز)

x_2 = میزان کالری مورد نیاز بدن (یک پرسش با دامنه بین ۰ تا ۵ امتیاز)

x_3 = میزان اطلاع از تولیدات کشاورزی در سالهای ۸۲ و ۸۳ (دو پرسش با دامنه بین ۰ تا ۱۰ امتیاز)

x_4 = میزان مواد غذایی مورد نیاز بدن بر حسب گرم (یک پرسش با دامنه بین ۰ تا ۵ امتیاز)

x_5 = شناخت سازمانهای مسئول امنیت غذایی (۵ پرسش با دامنه بین ۰ تا ۲۵ امتیاز)

برای هر شاخص یک گزینه درست و چند گزینه نادرست تعریف گردید. برای سنجش دانش ضمنی امنیت غذایی به هر پاسخ درست، ۵ امتیاز و هر پاسخ نادرست، صفر امتیاز تعلق گرفت. به این ترتیب، دامنه امتیاز شاخص امنیت غذایی حداکثر ۵۰ و حداقل صفر بود.

شاخص اول: مفاهیم و تعریف امنیت غذایی

این شاخص بر مفهوم تعریف امنیت غذایی تاکید دارد و شامل گزینههای زیر است: گزینه اول، افزایش تولید محصولات غذایی به نحوی که سلامت همه افراد جامعه تأمین گردد؛ گزینه دوم، تولید محصولات غذایی در راستای خودکفایی کشور و بی‌نیازی از واردات؛ گزینه سوم، دسترسی آسان افراد به مواد غذایی به نحوی که با توزیع مناسب آن همه آنها بتوانند نیاز خود را تأمین کنند؛ و گزینه چهارم، تولید مواد

غذایی و ثبات و توزیع آن به نحوی که سلامت همه افراد جامعه تامین شود. با توجه به تعریف امنیت غذایی که در این تحقیق بیان گردید، از بین پاسخگویان، ۴۵/۷ درصد پاسخ درست (گزینه چهارم) و ۳۶/۷ درصد پاسخ نادرست (بقیه گزینه‌ها) را انتخاب کردند و ۱۷/۶ درصد پرسش را بدون پاسخ گذاشتند.

جدول ۴- توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر حسب پاسخگویی به مفهوم و تعریف امنیت غذایی

پاسخ‌ها	فراوانی	درصد نسبی	فراوانی تجمعی
گزینه اول	۱۲	۱۷/۶	۱۷/۶
گزینه دوم	۰	۰/۰	۱۷/۶
گزینه سوم	۱۳	۱۹/۱	۳۶/۷
گزینه چهارم	۳۱	۴۵/۷	۸۲/۴
بدون جواب	۱۲	۱۷/۶	۱۰۰
مجموع	۶۸	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

شاخص دوم: میزان کالری مورد نیاز بدن
مقدار کالری مورد نیاز افراد در سنین مختلف به‌طور متوسط ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کالری (گزینه سوم) می‌باشد. از بین پاسخگویان، ۳۵/۳ درصد پاسخ درست و ۳۰/۸ درصد پاسخ نادرست را برگزیدند و ۳۳/۹ درصد به این شاخص پاسخ ندادند.

جدول ۵- توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر حسب پاسخگویی به کالری مورد نیاز بدن

پاسخ‌ها	فراوانی	درصد نسبی	فراوانی تجمعی
گزینه اول	۱۰	۱۴/۷	۱۴/۷
گزینه دوم	۹	۱۳/۲	۲۷/۹
گزینه سوم	۲۴	۳۵/۳	۶۳/۲
گزینه چهارم	۲	۲/۹	۶۶/۱
بدون جواب	۲۳	۳۳/۹	۱۰۰
مجموع	۶۸	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

شاخص سوم: میزان اطلاع از تولیدات کشاورزی در سال‌های ۸۲ و ۸۳
پرسش‌های مربوط به این شاخص به تفکیک واحدهای سازمانی تدوین گردید. میزان تولید محصولات باغی و سبزیجات از واحد باغبانی، میزان تولید گندم و برنج از واحد زراعت، و میزان تولید گوشت سفید و قرمز از واحد دامپروری پرسش گردید. نتایج پاسخ به سؤالات در جدول زیر نشان داده شده است. بر اساس این نتایج، در مورد میزان تولید در سال ۸۲، ۱۴/۷ درصد پاسخ درست و ۱۰/۳ درصد پاسخ نادرست دادند و ۷۵ درصد پرسش را بدون پاسخ گذاشتند. همچنین درباره میزان تولید در سال ۸۳، ۱۰/۳ درصد پاسخ درست و ۱۴/۷ درصد پاسخ نادرست دادند و ۷۵ درصد به این سؤال پاسخ ندادند. نتیجه یافته‌ها در جدول ۶ ارائه گردیده است.

جدول ۶- توزیع جمعیت مورد مطالعه بر حسب پاسخگویی به تولید محصولات غذایی در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳

میزان تولید	واحد سازمانی	درست		نادرست		بدون جواب	
		فراوانی	درصد نسبی	فراوانی	درصد نسبی	فراوانی	درصد نسبی
تولید سال ۸۲	زراعت	۰	۰	۰	۰	۲۳	۳۳/۸
	باغبانی	۸	۱۱/۸	۰	۰	۱۳	۱۹/۱
	دامپروری	۲	۲/۹	۷	۱۰/۳	۱۵	۲۲/۱
مجموع		۱۰	۱۴/۷	۷	۱۰/۳	۵۱	۷۵
تولید سال ۸۳	زراعت	۲	۲/۹	۴	۵/۹	۱۷	۲۵
	باغبانی	۰	۰	۰	۰	۱۳	۱۹/۱
	دامپروری	۵	۷/۴	۶	۸/۸	۲۱	۳۰/۹
مجموع		۷	۱۰/۳	۱۰	۱۴/۷	۵۱	۷۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

شاخص چهارم: میزان مواد غذایی مورد نیاز بدن برحسب گرم
این شاخص به تفکیک واحد سازمانی افراد مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی در جدول ۷ نشان داده شده است. ۱۶/۲ پاسخ درست، ۲۰/۶ پاسخ نادرست و ۶۳/۲ درصد بدون پاسخ حاصل این بررسی بوده است.

جدول ۷- توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر حسب پاسخگویی به میزان مواد غذایی
مورد نیاز بدن بر حسب گرم

واحد سازمانی	فراوانی پاسخ‌ها			درصد نسبی پاسخ‌ها		
	درست	نادرست	بدون پاسخ	درست	نادرست	بدون پاسخ
زراعت	۲	۴	۱۷	۲/۹	۵/۹	۲۵
باغبانی	۴	۳	۶	۵/۹	۴/۴	۸/۸
دامپروری	۵	۷	۲۰	۷/۴	۱۰/۳	۲۹/۴
مجموع	۱۱	۱۴	۴۳	۱۶/۲	۲۰/۶	۶۳/۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

شناخت سازمان‌های مسئول امنیت غذایی

بر اساس بررسی‌های انجام شده در این تحقیق مشخص گردید که سازمان‌های مختلف هر کدام به نحوی با مبحث امنیت غذایی درارتباط هستند، از جمله جهاد کشاورزی متولی تولید، بهداشت متولی سلامتی، ترابری متولی حمل و نقل، بازرگانی متولی توزیع مواد غذایی و اداره استاندارد متولی ایمنی و سلامتی مواد غذایی هستند. یافته‌های این بررسی در جدول ۸ دیده می‌شود.

مجموع امتیازات کسب شده توسط افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که حدود ۸۲ درصد از آنها از ۵۰ امتیاز، ۲۰ امتیاز و کمتر به دست آورده‌اند؛ میانگین امتیاز کسب شده ۱۵/۸۲ است (جدول ۹).

جدول ۸- توزیع جمعیت مورد مطالعه برحسب تشخیص سازمان‌های مسئول امنیت غذایی

سازمان‌های مسئول		افراد آگاه به سازمان‌های مسئول		افراد نا آگاه به سازمان‌های مسئول		بدون جواب
		درصد نسبی	فراوانی	درصد نسبی	فراوانی	
جهاد کشاورزی		۸۸/۳	۶۰	۲/۹	۲	۸/۸
بهداشت		۴۷/۱	۳۲	۴۴/۱	۳۰	۸/۸
اداره بازرگانی		۶۳/۳	۴۳	۲۷/۹	۱۹	۸/۸
ترابری		۲/۹	۲	۸۸/۳	۶۰	۸/۸
استاندارد		۸/۹	۶	۸۲/۳	۵۶	۸/۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۹- توزیع فراوانی امتیاز دانش ضمنی جمعیت مورد مطالعه

امتیاز	فراوانی	درصد نسبی	درصد تجمعی
کمتر از ۵	۰	۰/۰	۰
۵	۸	۱۱/۸	۱۱/۸
۱۰	۱۴	۲۰/۶	۳۲/۴
۱۵	۲۰	۲۹/۴	۶۱/۸
۲۰	۱۳	۱۹/۱	۸۰/۹
۲۵	۹	۱۳/۲	۹۴/۱
۳۰	۳	۴/۴	۹۸/۵
۳۵	۱	۱/۵	۱۰۰
مجموع	۶۸	۱۰۰	
دامنه = (۵۰-۰)		میانگین = ۱۵/۸۲	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ب- منابع دانش صریح

در این پژوهش، منابع کسب دانش صریح که افراد از آنها استفاده می‌کنند به شش دسته کتب تخصصی، مجلات، پایگاه‌های درون سازمانی، پایگاه‌های بین سازمانی، پایگاه‌های جهانی و گزارش‌ها و پژوهش‌های سازمانی تقسیم گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین استفاده از گزارش‌ها و پژوهش‌های سازمانی بیشترین و میانگین استفاده از پایگاه‌های درون سازمانی و بین سازمانی و جهانی کمترین مقدار است. از این‌رو، منابعی که افراد برای ارتقای دانش ضمنی خود استفاده می‌کنند بیشتر از منابع مکتوب نظیر کتاب و گزارش‌های سازمانی است، این در حالی است که استفاده از منابع هوشمند که دارای سرعت بیشتری برای دسترسی هستند، نظیر پایگاه‌های درون سازمانی، بین سازمانی و جهانی، اندک است.

جدول ۱۰- توزیع منابع دانش صریح مورد استفاده

روش‌های ارتباطی	میانگین (به درصد)	انحراف معیار	حداکثر (به درصد)	حداقل
کتب تخصصی	۳۱/۷۴	۶/۸۷	۸۰	۰
گزارش‌های پژوهشی	۲۱/۱۴	۱۲/۵۴	۶۵	۰
مجلات	۱۸/۳۱	۱۰/۸۶	۵۰	۰
پایگاه‌های درون سازمانی	۱۱/۵	۱۲/۱۹	۷۰	۰
پایگاه‌های بین سازمانی	۷/۴	۴/۷	۳۰	۰
پایگاه‌های جهانی	۱۰/۶	۹/۷	۴۰	۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ج- روش‌های ارتقای دانش ضمنی

روش‌های ارتقای دانش ضمنی جمعیت مورد مطالعه عبارت‌اند از: استفاده از تلفن، گفتگوی رو در رو، جلسات بحث و گفتگو با همکاران، و شرکت در سمینارها و گردهمایی‌ها. طبق جدول ۱۱، استفاده از روش جلسات بحث و گفتگو با همکاران و شرکت در سمینارها و گردهمایی‌ها بیشترین و استفاده از تلفن کمترین مقدار را داشته است.

جدول ۱۱- توزیع جمعیت مورد مطالعه در استفاده از روش‌های ارتقای دانش ضمنی

روش‌های ارتباطی ارتقای دانش ضمنی	میانگین (درصد)	انحراف معیار	حداکثر (درصد)	حداقل
جلسات بحث و گفتگو بین همکاران	۳۳/۸۱	۱۵/۰۴	۶۰	۰
شرکت در سمینارها و گردهمایی‌ها	۲۷/۵۱	۱۶/۵۴	۷۰	۰
گفتگوی رو در رو	۲۴/۵۷	۱۵/۰۴	۷۰	۰
تلفن	۱۲/۲۱	۱۶/۷	۸۰	۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دوره‌های آموزشی جمعیت مورد مطالعه صرفاً در ارتباط با جنبه‌های فنی بوده است، اما دوره‌های آموزشی مرتبط با مفاهیم امنیت غذایی و توجه به آن به‌طور اختصاصی در هیچ‌یک از واحدهای سازمانی برگزار نشده است (جدول ۱۲).

جدول ۱۲ - دوره‌های تخصصی گذرانده شده در طول خدمت در واحدهای سه گانه

جهاد کشاورزی

واحدسازمانی	دوره‌های آموزشی گذرانده شده به تفکیک
باغبانی	مصرف کودهای بیولوژیک بازاریابی محصولات هیدروکالچر اصلاح باغ‌ها
دامپروری	پرورش گاو شیری و پرورش طیور فناوری دام و تغذیه دام جیره غذایی نویسی برای دام اقتصادی کردن تولید محصولات دامی
زراعت	آفات گیاهی، بهینه سازی بستر زمین کاهش ضایعات گندم و برنج آبیاری تحت فشار آفات انباری مدیریت مزرعه و به‌زراعی گندم
	کشت گلخانه‌ای کودها و بهینه‌سازی مصرف آنها بیماری‌های قارچ‌های خوراکی
	اصلاح نژاد پرورش گوسفند فناوری زیستی در تغذیه دام
	استفاده از کمباین مبارزه با علف‌های هرز تسطیح لیزری اقتصاد کشاورزی تغذیه گیاهی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین پاسخ‌های جمعیت مورد مطالعه در مورد اینکه اگر نتوانند دانش خود را به کمک منابع و روش‌های فوق ارتقا دهند چه کار خواهند کرد، در جدول ۱۳ ارائه گردیده است.

جدول ۱۳- منابع و روش‌های دیگر کسب دانش توسط افراد مورد مطالعه

راه‌های به‌دست آوردن اطلاعات	فراوانی	درصد
تماس با اساتید دانشگاه و ارتباط با صاحب‌نظران	۲۲	۳۲/۳۵
تلاش بیشتر/ اقدام مجدد	۱۰	۱۴/۷
تجدیدنظر در جمع‌آوری اطلاعات	۱۱	۱۶/۲
مشورت با همکاران	۱۶	۲۳/۵
ارائه پیشنهاد به سازمان برای برگزاری دوره‌های آموزشی و یا اعتراض به سازمان به دلیل همکاری نکردن در برقراری دوره‌های آموزشی تقاضا شده	۳	۴/۴۱
بدون جواب	۶	۸/۸۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یکی از پرسش‌های مطرح شده در تحقیق در مورد «شناخت جمعیت مورد مطالعه از پژوهش‌ها و تجربیات دیگران» بود که پاسخ‌های افراد مورد مطالعه به این پرسش در جدول ۱۴ ارائه گردیده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیش از ۷۰ درصد از افراد با نتایج حاصل از پژوهش‌ها و تجربیات دیگران آشنایی ندارند.

جدول ۱۴ - شناخت افراد از نتایج پژوهش‌ها و تجربیات دیگر همکاران

گویه‌ها	فراوانی	درصد
پاسخ «منفی»	۵۱	۷۵
پاسخ «مثبت»	۱۴	۲۰/۶
پاسخ «تا حدودی»	۳	۴/۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

د- تعیین عوامل موثر بر ارتقای دانش ضمنی امنیت غذایی جمعیت مورد مطالعه

۱- منابع ارتقای دانش ضمنی

برای بررسی تاثیر منابع ارتقای دانش ضمنی افراد مورد مطالعه از آماره ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که فقط استفاده از مجلات رابطه مثبت و معنی‌داری با ارتقای دانش ضمنی افراد دارد.

جدول ۱۵- همبستگی استفاده از منابع و ارتقای دانش ضمنی جمعیت مورد مطالعه با آماره ضریب همبستگی پیرسون

منابع اطلاعاتی	ضریب همبستگی پیرسون	Sig(۲-tailed)
کتاب تخصصی	۰/۱۳۷	۰/۲۸۳
مجلات	۰/۳۷۲	۰/۰۰۲
پایگاه‌های درونی	-۰/۱۸۳	۰/۱۹۴
پایگاه‌های بین سازمانی	-۰/۰۱۴	۰/۹۱۵
پایگاه‌های جهانی	-۰/۱۲۴	۰/۳۲۹
گزارش‌ها و پژوهش‌های سازمانی	۰/۰۳۵	۰/۷۸۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲- روش‌های ارتقای دانش ضمنی

برای بررسی تأثیر روش‌ها بر ارتقای دانش ضمنی جمعیت مورد مطالعه از آماره ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که از بین روش‌ها، گفتگوی بین همکاران رابطه مثبت و معنی‌داری با ارتقای دانش ضمنی دارد.

جدول ۱۶- همبستگی دانش ضمنی امنیت غذایی و استفاده از روش‌های ارتقای دانش با آماره ضریب همبستگی پیرسون

روش‌های ارتباطی	ضریب همبستگی پیرسون	Sig(۲-tailed)
تلفن	-۰/۱۲۱	۰/۳۵۴
رودررو	-۰/۰۴۸	۰/۷۰۹
گفتگو	۰/۳۸۲	۰/۰۰۴
سمینار	۰/۰۸۷	۰/۴۹۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۳- سن و سابقه کاری

رابطه دانش ضمنی امنیت غذایی جمعیت مورد مطالعه با سن و سابقه کار آنها بر طبق همبستگی پیرسون رابطه معنی داری را نشان نمی‌دهد.

جدول ۱۷- همبستگی دانش ضمنی با سن و سابقه کاری با آماره همبستگی پیرسون

سن و سابقه کار	ضریب همبستگی پیرسون	Sig(۲-tailed)
سن	-۰/۰۷۲	۰/۵۶۶
سابقه کار	۰/۰۱۲	۰/۹۲۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴- نوع مسئولیت

برای بررسی تاثیر نوع مسئولیت افراد مورد مطالعه بر دانش ضمنی امنیت غذایی افراد از آماره t-test استفاده شد. برای این منظور افراد به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول در طول خدمت فقط مسئولیت کارشناسی را بر عهده داشته‌اند و گروه دوم در طول خدمت علاوه بر پست کارشناسی، مدیریت یا مسئولیت بخش‌های مختلف مرتبط با جهاد کشاورزی نظیر ریاست مرکز خدمات، اداره تعاون و غیره را نیز عهده‌دار بوده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بین میانگین میزان دانش ضمنی امنیت غذایی دو گروه مذکور تفاوت

معنی‌داری در سطح $P=0/01$ وجود دارد یعنی کسانی که علاوه بر کارشناس در طول خدمت خود دارای سمت مدیریت نیز بوده‌اند از میانگین دانش ضمنی امنیت غذایی بالاتری برخوردار بوده‌اند.

جدول ۱۸- مقایسه دانش ضمنی جمعیت مورد مطالعه از لحاظ دارا بودن نوع مسئولیت با استفاده از آماره t-test

سمت افراد	Sig(۲-tailed)	t	میانگین
کارشناس	۱۴/۳۳		
مدیر و کارشناس	۲۰/۵	-۳/۲۸۳	۰/۰۰۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مرحله سوم: تلفیق نتایج با تجربیات و دیدگاه مسئولان

برای بررسی تنگناها و شکاف‌های دانشی موجود در سازمان مرکزی کشاورزی استان فارس و شهرستان مرودشت در زمینه امنیت غذایی از الگوی تشخیص نیازهای دانشی رابرتسون استفاده شد. برای بررسی دانش ضمنی امنیت غذایی افراد مورد مطالعه از پنج شاخص استفاده گردید و شاخص کلی امنیت غذایی از مجموع آنها به‌دست آمد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۸۰ درصد افراد از مجموع ۵۰ امتیاز دانش ضمنی امنیت غذایی کمتر از ۲۰ امتیاز به‌دست آورده‌اند (جدول ۹).

بررسی منابع ارتقای دانش صریح و روش‌های ارتقای دانش ضمنی مورد استفاده افراد از جمله اهداف ویژه این تحقیق بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کتب، گزارش‌های پژوهشی سازمانی و مجلات به ترتیب بیشترین میانگین استفاده از منابع دانش صریح را داشته‌اند (جدول ۱۰). استفاده از پایگاه‌های درون سازمانی، بین سازمانی و جهانی که دارای سرعت بالاتری برای ارتقای دانش هستند، بسیار ضعیف

است که این مسئله می‌تواند سه دلیل داشته باشد: اول، این منابع به اندازه کافی نیاز دانشی افراد را تأمین نمی‌کند؛ دوم، افراد آنها را نمی‌شناسند؛ و سوم، افراد نحوه استفاده از آنها را نمی‌دانند.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های بحث و گفتگوی بین همکاران، شرکت در سمینارها و گفتگوی رو در رو به عنوان روش‌های ارتقای دانش ضمنی در بین جمعیت مورد مطالعه به ترتیب بیشترین میانگین را داشته‌اند. بنابراین، افراد برای ارتقای دانش ضمنی خود ترجیح می‌دهند تا با همکاران خود به بحث و گفتگوی دوستانه بپردازند. این در حالی است که هیچ آموزش ویژه‌ای از سوی سازمان جهاد کشاورزی در این راستا ارائه نشده است و دوره‌های آموزشی صرفاً فنی و بنا بر تخصص هر واحد برگزار گردیده است. همچنین جمعیت مورد مطالعه در مواجهه شدن با مسائل دانشی خود ترجیح می‌دهند که با اساتید دانشگاه تماس برقرار کنند و یا با همکاران خود مشورت نمایند (جدول ۱۱).

از سوی دیگر، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توجه به پژوهش‌ها و تجربیات همکاران بسیار کم است (جدول ۱۴)، دلیل این مسئله می‌تواند دو چیز باشد: اول، مستند سازی نتایج پژوهش‌ها، توسط سازمان ضعیف است؛ دوم، افراد از سازماندهی نتایج این گزارش‌ها به وسیله سازمان و استفاده از آن در شرایط مقتضی آگاهی ندارند.

نتایج بررسی عوامل موثر بر دانش ضمنی امنیت غذایی جمعیت مورد مطالعه حاکی از آن است که بین منابع دانش استفاده از مجلات تخصصی با دانش ضمنی امنیت غذایی افراد رابطه مثبتی وجود دارد و آنان دانش صریح خود را بیشتر از این نوع مجلات کسب می‌کنند. همچنین گفتگوی میان همکاران با دانش ضمنی امنیت غذایی آنان رابطه معنی‌داری دارد، اما بین سن و سابقه کار افراد با دانش ضمنی امنیت غذایی آنها رابطه معنی‌داری وجود ندارد. دانش ضمنی امنیت غذایی افرادی که در طول خدمت خود علاوه بر کارشناس، مدیر نیز بوده‌اند با افرادی که صرفاً کارشناس بوده‌اند تفاوت معنی‌داری وجود دارد و گروه اول از دانش بیشتری برخوردار هستند.

با توجه به مراحل مدل رابرتسون، به منظور استفاده از راهنمایی‌های مدیران، نتایج فوق در اختیار آنها گذارده شد. دیدگاه آنها به شرح زیر است:

- افراد بعد از انجام هر پروژه پژوهشی یا فعالیت کاری موظف هستند که نتایج کاری خود را به صورت گزارش به سازمان ارائه دهند اما ممکن است این گزارش‌ها یک منبع دانشی برای افراد تلقی نشود که می‌توان این مسئله را برای آنها توجیه کرد.
- افراد در انتخاب منابع با توجه به ویژگی‌های فردی خود مختار هستند و سازمان می‌تواند فرصت‌های یکسانی را برای افراد مختلف برای رفع نیازهای دانشی آنها فراهم نماید.
- سازمان لازم می‌داند که افراد را با مبانی و تعاریف پایه‌ای امنیت غذایی آشنا سازد. از این‌رو، برقراری کلاس‌های آموزشی در این زمینه موثر است.
- سازمان در زمینه برقراری ارتباط با دیگر سازمان‌ها تلاش می‌کند و لازم است طی برنامه‌های منسجم این ارتباط محکم‌تر گردد.
- پایگاه‌های درون و بین‌سازمانی و جهانی در سازمان فعال است ولی ممکن است سلیقه افراد در استفاده از این منابع با یکدیگر متفاوت باشد. مثلاً عده‌ای علاقه دارند که با هم بنشینند و ضمن صرف چای درباره مسائل مختلف با هم بحث کنند.

مرحله چهارم: پیشنهادها و توصیه‌های نهایی

مرحله نهایی الگوی نیازهای دانشی رابرتسون به تلفیق نتایج پژوهش و راهنمایی‌های مدیران می‌پردازد. این نتایج بصورت توصیه‌های عملی در سه حیطه مدیریت اطلاعات، جنبش کیفی و جنبش نیروی انسانی به شرح زیر ارائه می‌شود:

مدیریت اطلاعات

- فراهم کردن زمینه‌های مناسب و یکسان برای کلیه افراد تا با توجه به روش‌های مورد نظر خود اطلاعات مورد نیاز را در شرایط مقتضی و به سرعت به‌دست آورند. برای نمونه، تأکید بر برگزاری سمینارها در راستای ارتقای دانش ضمنی امنیت غذایی ممکن است اطلاعات مورد نیاز آنان را در زمان مقتضی در اختیار آنها قرار ندهد.

- حمایت سازمان از روش‌های ارتباطی نظیر گفتگوی رودرو و جلسات بحث و گفتگو بین همکاران برای ارتقای دانش افراد در قالب برنامه‌های مدون و در فضای کاری مناسب. بر اساس برنامه‌های از پیش تعیین شده، سازمان می‌تواند شرایطی را ایجاد کند که افراد در دوره زمانی تعیین شده (برای نمونه هفته‌ای یک بار) در جلسات بحث و گفتگو با یکدیگر به تبادل اطلاعات بپردازند، و در نهایت نتیجه این جلسات به صورت مستند در اختیار سازمان قرار گیرد تا به عنوان منبع از آنها استفاده شود.

- سازماندهی منابع دانش صریح مورد نیاز افراد در پایگاه‌های درون سازمانی و جهانی و آموزش افراد در زمینه نحوه استفاده از آنها و فراهم کردن امکانات و وسایل لازم. برای تحقق این توصیه باید پایگاه‌های مختلف درون سازمانی در اختیار کارشناسان و مدیران قرار گیرد.

- تحکیم پایگاه‌های بین سازمانی در راستای شناخت کارشناسان و مدیران از سازمان‌های مختلف و آگاهی آنان از این پایگاه‌ها به عنوان منبعی پرسرعت. این امر در تعامل بین سازمان‌ها با توجه به تحولات محیطی نیز موثر است. همکاری بین سازمان‌ها در راستای تقویت پایگاه‌های بین سازمانی مؤثر است.

جنبش کیفی

- کسب مهارت‌های عملی برای به‌کارگیری موفقیت‌آمیز راهبردهای مدیریت دانش. برای این منظور، ایجاد پیوند میان دوره‌های آموزشی و مهارت‌های کاری الزامی است. به عبارت دیگر، افراد باید به صورت کاربردی فراگیرند که تنگناهای دانشی خود را در زمینه امنیت غذایی چگونه رفع نمایند. بنابراین، لازم است افراد با مبانی، راهبردها و الگوهای مدیریت دانش آشنا شوند تا در شرایط مقتضی از آنها استفاده نمایند. همچنین ضروری است تا همه افراد در تمام بخش‌ها و واحدهای سازمانی در زمینه چگونگی ارتقای دانش توانایی لازم را کسب کنند و بتوانند از میان روش‌ها و منابع مختلف برای ارتقای دانش امنیت غذایی، منابع و روش مناسب را به کار گیرند تا به بهترین نحو به اطلاعات مورد نیاز خود دست یابند.

جنبش انسانی

- برگزاری دوره‌های آموزشی برای واحدهای مختلف اداری در راستای آشنایی افراد با مفاهیم، مبانی و مسائل امنیت غذایی بر اساس شاخص‌های تحقیق.

- تقویت فرهنگ اشاعه مدیریت دانش: حمایت مدیران از فرهنگ تسهیم دانش و استفاده از دانش ضمنی افراد در اشاعه فرهنگ مدیریت دانش مؤثر خواهد بود، برای این منظور می‌توان از راهکارهای زیر استفاده کرد:

- شناسایی افراد آگاه به جنبه‌های مختلف امنیت غذایی و معرفی آنان به عنوان منبع به افراد دیگر.

- سازماندهی پژوهش‌ها و پروژه‌های موفق یا ناموفق واحدها، گروه‌ها و افراد مختلف و آگاه کردن دیگران از وجود این منابع.

- برقراری نظام مناسب پاداش‌دهی به افراد به خاطر انتقال دانش خود به دیگران.

- بررسی مداوم دانش افراد با کمک الگوهای مدیریت دانش، تشخیص به موقع نیازهای آنان و پاسخگویی به‌هنگام به این نیازها.

یادداشت

۱- امنیت غذایی که امروزه مورد توجه روز افزون کشورهای در حال توسعه قرار دارد، تاریخچه‌ای نسبتاً طولانی دارد. سرچشمه فکری امنیت غذایی به بحران غذا در جهان در اوایل دهه ۱۹۷۰ و حتی پیش‌تر از آن به اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ بر می‌گردد. در آغاز دهه ۱۹۷۰ دنیا با بحران غذا روبرو شد. تولید مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه دستخوش بی‌ثباتی و کاهش شدید شده بود و پیش‌بینی می‌شد که تعادل شکننده میان جمعیت و غذا در جهان به وخامت بیشتر گراید. به منظور پیشگیری بیشتر از عواقب وخیم این بحران، کنفرانس جهانی غذا به ابتکار سازمان ملل متحد در ۱۹۷۴ تشکیل شد. در این کنفرانس امنیت غذایی شاید برای اولین بار به صورت جدی مطرح گردید. در سال ۱۹۷۵، سازمان ملل متحد امنیت غذایی را به این شرح تعریف کرد: عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خشتی کردن اثرات نامطلوب نوسانات تولید و قیمت آن. فائو نیز امنیت غذایی را دسترسی به کالاهای غذایی اصلی اعلام کرد. در سال ۱۹۸۶ بانک جهانی اعلام کرد که امنیت غذایی عبارت است از دسترسی تمام مردم به غذای کافی در تمام اوقات به منظور زندگی سالم و فعال. در سال ۱۹۹۲ کنفرانس بین‌المللی تغذیه مفاهیم اصلی امنیت غذایی را: ۱- غذای کافی، ۲- دسترسی، ۳- امنیت، ۴- زمان، و ۵- زندگی سالم و فعال اعلام نمود.

منابع

- اتحادیه مرکزی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی ایران (۱۳۸۴)، «تولید محصولات کشاورزی به ۱۱۲ میلیون تن رسید». قابل دسترسی در: <http://www.keshavarzonline.com>
- پایگاه اطلاع رسانی پزشکان ایران (۱۳۸۴)، «تغذیه متعادل و هرم غذایی». قابل دسترسی در: <http://www.dietmnoteadel.com>
- خبرگزاری مهر، (۱۳۸۴)، «شورای عالی سلامت و امنیت غذایی». قابل دسترسی در: <http://www.mehrnews.com>
- داونپورت تامس، اچ، و لارنس پ. و، (۱۳۷۹)، *مدیریت دانش*. ترجمه حسین رحمان سرشت، تهران: شرکت طراحی مهندسی و تامین قطعات ایران خودرو (سایکو)، ص. ۲۶.
- سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (۱۳۷۶)، *کشاورزی به سوی سال ۲۰۱۰*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، دفتر تولید برنامه‌ریزی ترویجی و انتشارات فنی.
- شبکه اینترنتی آفتاب (۱۳۸۴)، «ضرورت اجرای طرح ملی تصحیح مصرف تخم‌مرغ». قابل دسترسی در: <http://www.aftab.ir>

صادقی‌پور، حمید رضا و خسروانی، مسعود (۱۳۸۴)، «خطرات تهدید کننده سلامت در جهان و ایران و راهبردهای آن». قابل دسترسی در:

[http:// www.sadeghipourhr-m-d & khosrovanim-m-d.com](http://www.sadeghipourhr-m-d & khosrovanim-m-d.com)

قندی، محمد فرید (۱۳۸۴)، «کالری مورد نیاز بدن». قابل دسترسی در:

<http://www.poweredbyblogsky.com>

کمالی، عزیزاله (۱۳۷۸)، «مسئله الحاق ایران به گات و امنیت غذایی». *توسعه روستایی و کشاورزی*، سال نوزدهم، شماره ۲۲۴-۲۲۵، صص. ۴-۶.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۴)، «سالنامه کشاورزی». شیراز: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ص. ۲۰.
نسیمی، علی (۱۳۷۸)، *ضرورت تحول کشاورزی کاربردی، نیاز امنیت غذایی ایران در کشورهای در حال توسعه*. تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی اقتصادی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی اجتماعی.

هرسی، پالو کنت بلانچارد (۱۳۸۰)، *مدیریت رفتار سازمانی، کاربرد منابع انسانی*. ترجمه دکتر علی علاقبند. تهران: امیرکبیر، ص. ۳۰.

هریسون، پل (۱۳۸۱)، «جمعیت، محیط زیست و دنیای پایدار». ترجمه: معصومه تقدس. *جهاد*، ۲۵۳، مهر و آبان، صص. ۶۰-۶۳.

واحد خبر سیمرغ (۱۳۸۴)، «قبل از خوردن فکر کنید». قابل دسترسی در:

<http://www.senmerv.com>

واحد مرکزی خبر، (۱۳۸۳)، «سبد مطلوب غذایی ایران با استفاده از جدیدترین روش‌های علمی، تدوین شد». قابل دسترسی در:

[http:// www.persiandiet.com](http://www.persiandiet.com)

وطن‌پور، علی و مجتهدی، نرگس (۱۳۸۴)، «گیاهان تراریخته: ایده‌آل کشاورزان، نگرانی‌های مصرف‌کنندگان». *خبرگزاری کشاورزی ایران - ایرنا* قابل دسترسی در:

<http://www.irana/news>

Azadi, H. (۲۰۰۳), *Explaining the Balance Between Livestock and Pasture: Using Fuzzy Logic*. PhD. Dissertation, Agricultural College, Shiraz University.

Dorothy, L. B. (۱۹۹۵), *Wellsprings of Knowledge*. Boston: Harvard Business School Press.

Etienne, C. W. and Snyder, W. M. (۲۰۰۰), "Communities of practice: the organizational frontier". *Harvard Business Review*. Vol. ۷۸, pp. ۱۳۹-۱۴۵.

- Foley, D. K. (2000), "Stabilization of human population through economic increasing returns". *Economics Letters*. Vol. 78, pp. 309-317.
- Francis, H. (1999), *Managing Knowledge Workers: New Skills and Attitudes to Unlock the Intellectual Capital in Your Organization*. New York: John Wiley & Sons.
- Karl-Erik, S. (1997), *The New Organizational Wealth: Managing and Measuring Knowledge-Based Assets*. San Francisco: Barlett-Koehler Publishers.
- Leeuwis, C. (2003), *Communication for Rural Innovation: Rethinking Agriculture Extension*. Wageningen: Wageningen Agricultural University.
- Prusak, L. (2001), "Where did knowledge management come from?". Harvard University IBM. *System Journal*, Vol. 40, pp. 1002-1007.
- Quintas, P.; Lefveve, P. and Jones, G. (1997), "Knowledge management: a strategic agenda" *Long Run Planning*. Vol. 30, pp. 5-391.
- Robertson, J. (2004), "Developing knowledge management strategy". Available on: [www.jamesr step two.com.au](http://www.jamesrstep two.com.au)
- Sheffield, J. (2001), "The Future of fusion". *Nuclear Instruments and Methods in Physics Research*. Vol. 464, pp. 33-37.
- Snowden, D. (2000), *Conference Proceedings, 1st Annual Knowledge Management and Organizational Learning Conference*. London: Linkage International.
- Thomas, D. H. and Laurence, P. (1998), *Working Knowledge: How Organizations Manage What They Know*. Boston: Harvard Business School Press.
- Toumi, I. (2002), "The Future of knowledge management". *Oxford University Life Long Learning in Europe*. Vol. 13, pp. 69-79.

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶

بهره‌مندی روستاییان از مطبوعات و نقش آن در توسعه روستایی

عزت‌الله سام‌آرام*

چکیده

تا چند دهه قبل، اغلب صاحب‌نظران توسعه روستایی در تعریف توسعه تنها رشد اقتصادی را مطرح می‌کردند. مطابق آن تعاریف، گمان می‌رفت که وجود سرمایه و فناوری برای توسعه جوامع کافی است اما به تدریج روشن شد که حتی رشد اقتصادی بدون توسعه فرهنگی نمی‌تواند موجب توسعه روستایی شود. از سوی دیگر، از جمله عوامل مهم در توسعه فرهنگی روستا، وجود فعال رسانه‌ها از جمله مطبوعات در روستاهاست. در این تحقیق، مشخص شد که میزان باسوادی، نوع شغل و میزان ارتباط با شهر به ترتیب بیشترین نقش را در میزان بهره‌مندی روستاییان از مطبوعات دارند و از این طریق است که زمینه‌های توسعه در روستا فراهم می‌گردد.

کلید واژه‌ها: مطبوعات / ارتباط روستایی / روستاییان / توسعه روستایی.

* * *

مقدمه و مبانی نظری

تاچند دهه قبل، اغلب صاحب نظران توسعه روستایی در تعریف توسعه تنها به رشد اقتصادی اشاره می کردند، چرا که گمان می رفت وجود سرمایه و فناوری برای توسعه جوامع کافی است، اما به تدریج روشن شد که حتی رشد اقتصادی نیز زمانی میسر است که با دگرگونی های مداوم در ساخت اجتماعی توأم باشد. به این ترتیب، نهادها و ارزش های متناسب اجتماعی و فرهنگی نیز برای تولید اهمیت دارد و در کنار کار، و سرمایه و فناوری جزئی از فراگرد تولید محسوب می شوند (Oshima, ۱۹۷۶: ۱۷-۲۰). از سوی دیگر، رابطه میان ارزش های فرهنگی و توسعه سال ها موضوع بحث و تحقیق صاحب نظران برجسته جهانی بوده و به اشکال گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است. طبیعتاً در همین فرآیند است که حاملان ارزش های فرهنگی مانند رسانه های جمعی به صورت جدی مطرح می شوند.

مک کله لند^(۱) از جمله مشهورترین کسانی است که به بررسی ارتباط میان ارزش های فرهنگی و توسعه پرداخته است. او معتقد است که رشد سریع اقتصادی به تمایل مردم به پیشرفت و یا به تعبیر خود او حس دستاوردجویی آنان بستگی زیادی دارد. مک کله لند برای بررسی فرضیه خویش، دو کشور ایران و ترکیه را در دهه ۵۰ میلادی برگزید. او اعتقاد داشت که گرایش های روانی و فرهنگی یک ملت را می توان با تحلیل محتوای تجلیات فرهنگی آن ملت مثل آثار مکتوب و هنرهای تزئینی مشخص کرد، بنابراین به تحلیل محتوای قصه های کودکان و مطالب کتاب های درسی دبستانی دو کشور پرداخت و نتیجه گرفت که حس دستاوردجویی مردم ترکیه بیشتر از مردم ایران است (Mc Cleland, ۱۹۶۱).

«رائو» محقق برجسته هندی در بررسی معروف خود در هندوستان این پرسش را که علت توسعه، رشد اقتصادی است یا رشد ارتباطی، بی معنی یافت و سرانجام به این نتیجه رسید که میان این دو مؤلفه تعاملی مستمر و فزاینده وجود دارد (Schramm, ۱۹۶۴: ۲۴۸). او برای مطالعه تجربی این موضوع دو روستا را برگزید که

یکی از آنها به تازگی ساخت و شکل قدیمی خود را از دست داده بود، زیرا چند واحد صنعتی کوچک در آنجا دایر شده بود و به افراد روستایی فرصت ماندن در زادگاه خویش و کسب درآمدهای کافی غیررستنی را می‌داد. در مقابل، در روستای دیگر به هیچ وجه تغییر و تحولی به چشم نمی‌خورد. و نظام تجاری معاوضه و قوانین و مقررات مربوط به روابط اجتماعی و اقتصادی کهن کاملاً مستقر بود. مردم این روستا از رشد و پیشرفت اقتصادی به دور بودند، اگر چه به لحاظ موقعیت جغرافیایی و اجتماعی مشابهت‌های فراوانی با مردم روستای نخست داشتند. راثو به این نتیجه رسید که یکی از اختلافات قابل توجه این دو روستا، وجود جاده‌ای است که روستای اول را به شهر کوچکی در همسایگی آن مربوط می‌کند. از طریق همین جاده از سویی پدیده‌های نو مثل مردمان غریبه، مجلات و روزنامه‌ها با عکس‌ها و اخبار هیجان‌انگیز به محیط روستا وارد می‌شدند و از سوی دیگر مردم با سفر به شهر با زندگی و رفتار شهری آشنایی پیدا می‌کردند. وجود این جاده موجب شده بود که با ورود اولین واحد صنعتی کوچک، مردم آمادگی پذیرش آن را داشته باشند (رشیدپور، ۱۳۴۸: ۱۵۰).

راثو می‌گوید وقتی اطلاعات و افکار نو از خارج به روستاها و دهات دور افتاده از اجتماعات صنعتی می‌رسد، تغییر و تحول نیز به دنبال آن خواهد آمد. البته شک نیست که در ابتدا و در درجه اول، ثروتمندان و افراد بانفوذ جامعه از این اطلاعات و فواید اقتصادی حاصل از آن بهره می‌برند، اما بعد از آنکه این عده در آن محیط تغییرات را پذیرفتند و به کار بردند، سایر طبقات اجتماع متوجه تحول می‌شوند و موضوع را بررسی می‌کنند. به عقیده شرام، توده‌ها در باره این تغییرات سؤالات زیادی را مطرح می‌کنند که در بسیاری از موارد باید فوراً به آنها پاسخ داد. در جایی که حامل‌های اطلاعاتی و ارتباطی وجود داشته باشد، این کار تقریباً به سهولت امکان‌پذیر خواهد بود و افراد بسیار زیادی می‌توانند از این پاسخ‌ها بهره‌برند. به علاوه، وقتی حامل‌های ارتباطی به صورت‌های گوناگون (روزنامه، رادیو و غیره) در اختیار اجتماع باشند، تغییرات ناشی از افکار و عقاید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به صورت بسیار آرام و

بدون اشکال در محیط نفوذ می‌کند. در حالی که وقتی حامل‌های ارتباطی بسته باشند یا تنها به وسیله عده معدودی کنترل و نگهداری شوند، تغییرات به سختی صورت می‌پذیرد و حتی باعث ایجاد تفرقه و جدائی میان طبقات مختلف اجتماع می‌گردد. بنابراین، با توجه به مطالبی که گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که مقدار اطلاعات و وسعت توزیع آن عامل اصلی انجام سریع و آرام تغییرات و تحولات اجتماعی است. راثو ضمن تأیید این نکته می‌گوید که اگر اطلاعات و افکار نو به آسانی در اختیار تمام افراد اجتماع باشد، رقابت برای دستیابی به مشاغل جدید و فرصت‌های تازه به صورت مناسب‌تر و پسندیده‌تری انجام می‌گیرد. در غیر این صورت، افراد با بد گمانی و یا ناراحتی و اضطراب درصدد استفاده از فرصت‌ها برمی‌آیند.

حامل‌های ارتباطی موازی نیز چه بسا از هر جهت عامل مؤثری در راه ایجاد تغییرات به شمار بروند. منظور از حامل‌های ارتباطی و اطلاعاتی موازی این است که افراد یک اجتماع بتوانند به طور همزمان از رادیو، روزنامه، تلویزیون و ... استفاده کنند و اطلاعات مورد نیاز خود را در مورد مسأله و موضوع خاصی به دست آورند. از آنجا که افراد می‌توانند از هر یک از این حامل‌ها برای کنترل صحت مطالب حامل‌های دیگر استفاده نمایند، وجود چند حامل موازی ممکن است تا حد بسیار زیادی مفید واقع شود. در صورتی که منابع و فرصت‌های لازم برای کسب اطلاع از وضعیت روستا وجود نداشته باشد، روستاییان به احتمال زیاد اطمینان و اعتقاد خود به رهبران محلی را از دست می‌دهند و به انجام اقدامات و یا اظهار مطالبی می‌پردازند که موجب عقب افتادن برنامه‌های رشد ملی می‌شود. راثو در بررسی نتایج تحقیق خود متوجه شد که در روستای ب (که در آن بر حفظ سنن و روش‌های قدیمی پافشاری می‌شد) عدم وجود اطلاعات، مردم را به بیان مطالب اضطراب‌انگیز و ناراحت‌کننده بیشتر وادار می‌کند، و اصولاً میزان هیجان و فشار روحی مردم بیشتر از ساکنان روستای الف است. اگر اطلاعات مفید و ضروری به اندازه کافی در دسترس مردم باشد، فعالیت آنها در مسیر رشد و توسعه به صورت یک جریان مارپیچی روز به روز بیشتر می‌شود. راثو می‌گوید

در حالی که می‌دانیم با چه دقت و ظرافتی رشد اقتصادی باعث تسریع در امر نشر اطلاعات و افکار نو می‌گردد، به این نکته نیز پی برده‌ایم که وجود اطلاعات در اجتماع نیز رشد و پیشرفت اقتصادی را ضمانت می‌کند (رشید پور، ۱۳۴۸: ۱۵۱-۱۵۸).

از پژوهش برجسته‌ای که دکتر آلن هولمبرگ در زمینه ارتباطات و تغییرات اجتماعی روستایی در آمریکای لاتین انجام داده این نتیجه به دست آمده است که «توسعه حامل‌های ارتباطی روستا با دنیای خارج، روستاییان را از خدمات و اقدامات حکومت که به خاطر رفاه ایشان صورت می‌گیرد بهتر مطلع می‌سازد و به آنها نیرو و شهامت می‌دهد تا در همکاری با مسئولین امر در سطح روستا، شهر و کشور قدم‌های مهم‌تر و بزرگ‌تری بردارند» (رشید پور، ۱۳۴۸: ۱۷۱).

پژوهش‌های انجام گرفته در دهه‌های اخیر و در مناطق مختلف جهان نهایتاً به این مسأله معطوف گردیده است که ارتباطات در الگوهای مختلف توسعه روستایی جایگاه ویژه‌ای دارد و از همین بعد در گستره کلان توسعه نیز اهمیت یافته است. در الگوی توسعه از راه اقتصاد روستایی که بر حمایت و تقویت کشاورزی و صنایع کوچک، پراکنده و کاربر به جای قطب‌های بزرگ صنعتی تأکید می‌شود، رسانه‌های جمعی نقش مؤثری دارند. رسانه‌ها می‌توانند در انتقال اطلاعات و مهارت‌ها از مراکز به نواحی دیگر تا حدود زیادی کمبود وسایل حمل و نقل و راه‌های ارتباطی را جبران کنند. این گونه نیست که فقط آن بخش از برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی که برای کمک به سیر توسعه طراحی شده‌اند در تغییر رفتار مخاطبان روستایی مؤثر باشند، بلکه برنامه‌های دیگری که با هدف‌های متفاوت ساخته شده‌اند، به ویژه برنامه‌های غیرمستقیم، تبلیغات بازرگانی، گزارش‌های خبری، اجتماعی و هنری نیز بر خوپذیری و تغییر رفتار روستاییان اثر می‌گذارند.

به هر حال، رابطه بین رسانه‌های جمعی و توسعه روستایی در اغلب تحقیقات توسعه‌ای، رابطه‌ای متقابل است. همان طور که روزنامه‌های بهتر مردم را بیشتر به سواد آموزی ترغیب می‌کنند، افزایش تعداد باسوادان نیز که از شاخص‌های توسعه روستایی است منجر به ایجاد مطبوعات بهتر می‌شود و این امر در سطوح روستایی نیز کاملاً

مشهود است. دسترسی روستاییان به مطبوعات باعث می‌شود که جریان و دقت ارتباط میان جامعه و دولت بهبود یابد و از میزان اخبار و اطلاعات شفاهی و شایعه‌پردازی کاسته شود و در نتیجه، سیاست‌های مؤثر رشد و توسعه سیاسی و فرهنگی به خوبی به اجرا در آید.

به طور کلی، دلایل اهمیت رسانه‌های جمعی برای توسعه روستایی بدین قرار است:

۱- تنها با ارتباطات رودررو و مستقیم نمی‌توان با توده عظیم روستاییان در کشورهای در حال توسعه ارتباط برقرار کرد.

۲- پیشرفت‌های فناوری ارتباطی و شبکه‌های نشر و توزیع پیام به کشورهای در حال توسعه امکان انتقال پیام به روستاییان را با هزینه و وقت کم فراهم کرده است.

۳- با استفاده صحیح از این رسانه‌ها می‌توان با توجه به وسعت پیام‌گیران، نگرش‌های لازم برای رشد و توسعه، آگاهی‌های فرهنگی و سیاسی و دانش فنی مورد نیاز را در سطح روستا ترویج نمود. داده‌های پژوهشی نشان می‌دهند که آهنگ سریع توسعه در کشورهای آسیای جنوب شرقی با کاربرد وسیع‌تر رسانه‌های ارتباطی به وسیله دولت‌های این منطقه همراه بوده است (Feliciano, ۱۹۷۶:۲۰۲). در بیست و پنج سال نخست استقلال هندوستان، ارتباطات نقش اساسی داشت و رسانه‌های جمعی حیطه شناخت و دامنه اندیشه مردم را گسترش دادند. این امر گونه‌ای تغییر را به دنبال آورد که جامعه یا حداقل بخش‌هایی از آن را آماده پذیرش تحول کرد (Dube, ۱۹۷۶:۱۰۷).

«دانیل لرنر»^(۳) محقق دهه شصت که تحقیقات وسیعی در زمینه توسعه در ایران و کشورهای همسایه ایران انجام داده است، اعتقاد دارد که در عصر کنونی باید میان سواد و کاربرد رسانه‌ها، رابطه‌ای دوسویه قایل بود؛ یعنی همچنان که افزایش میزان سواد آموزی منجر به افزایش کاربرد رسانه‌ها می‌شود، رسانه‌های جمعی نیز در گسترش سوادآموزی مؤثرند. از سویی باسوادان محتوای رسانه‌ها را تولید و مصرف می‌کنند و از سوی دیگر گسترش رسانه‌ها در جامعه گرایش مردم به کسب سواد را افزایش می‌دهد.

افزایش سواد و کاربرد گسترده رسانه موجب پیدایش آخرین مرحله توسعه یعنی افزایش مشارکت در سطوح مختلف نظام اجتماعی می‌گردد (Lerner, ۱۹۶۴:۷۹).

نظریه لرنر در مورد نقش توسعه بخشی ارتباطات از اواسط دهه ۶۰ میلادی مورد انتقاد محققان غربی و جهان سوم قرار گرفت. مهم‌ترین مبنای انتقادات این بود که الگوی لرنر بر قوم‌مداری غربی و تاریخ و تجربه غرب استوار است و جنبه جهانی ندارد؛ الگوهای توسعه باید آسیایی، آفریقایی و جهان سوم باشند. تجربه نشان می‌دهد که چنین الگویی به صورت واحد و حاکم قابل تحقق نیست، از این رو باید «الگوهای متناوب» را با شرایط خاص و تجربه‌های تاریخی خاص خود دنبال نمایند (راجرز و شومیکر، ۱۳۶۹). از سوی دیگر، از اوایل دهه ۷۰ میلادی برخی دیگر از محققان ارتباطات نیز با دیدگاه‌های عمیق‌تری نظریه‌ها و الگوهای تقلیدی و تحمیلی همچون نظریه لرنر را که تنها به تحرک رفتار فردی و حفظ وضع موجود کشورهای در حال توسعه استوار است، مورد انتقاد قرار دادند. به نظر آنها در شرایط سلطه‌گری امپریالیسم در کشورهای وابسته جهان سوم، وسایل ارتباط جمعی خود از عوامل گسترش وابستگی به شمار می‌آیند و امکان بهره‌برداری صحیح از آنان تنها در صورتی میسر است که در اختیار نظام‌های مستقل و مردمی قرار گرفته باشند. کاربرد مثبت وسایل ارتباط جمعی وقتی حاصل می‌شود که نظام‌های وابسته از طریق مبارزات مردمی سرنگون شوند و وسایل ارتباط جمعی از استقلال ملی، هویت و اصالت فرهنگی و توسعه درون‌زاد کشورهای جهان سوم دفاع نمایند (معتدنازاد، ۱۳۷۰: ۲۲-۲۳).

برنر و بروور نیز با انجام پژوهش‌های مختلفی در نقد نظریه لرنر به این نتیجه رسیده‌اند که «ضرورتی ندارد شهرنشینی را علت نخستین توسعه در نظر بگیریم، چه می‌توان آن را تا حدود زیادی معلول شرایط اقتصادی در شهر و روستا دانست» (Burnner and Brewer, ۱۹۷۱:۱۰). از تحقیق آنها چنین بر می‌آید که می‌توان با ایجاد شرایط اقتصادی مناسب در روستا انتظار داشت که وسایل ارتباط جمعی از جمله مطبوعات نقش اساسی ایفا کنند.

کاربرد رسانه‌ها در توسعه روستایی را از بعد تأثیر محتوایی نیز باید مدنظر قرار داد. تردیدی نیست که میان فرهنگ روستا و شهر در میزان پذیرش و حد تأثیر رسانه‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. برخی محققان مثل "فرای"^(۴) در جمع‌بندی شیوه‌های تحقیقی مطرح شده در الگوهای کسانی مانند لرنر روش دیگری را برای پژوهش توصیه کرده‌اند که چه بسا تا حدی در تحقیقات روستایی کار ساز باشد. فرای متغیرهای مختلف را به دو عامل تبدیل می‌کند. نخست عامل «در معرض تغییر بودن» که وجه مشترک متغیرهایی مثل شهرنشینی، سواد، کاربرد رسانه‌ها، تحرک جغرافیایی و آموزش است و نهایتاً فرد را در معرض تغییر قرار می‌دهند و دوم عامل «انعطاف شناختی» است که در متغیرهایی مثل همدلی، نوآوری، تغییر نگرش‌ها و دانش جریان دارد. عامل اول شدت تغییرات محسوس را در یک واحد زمانی در محیط فرد محاسبه می‌کند که معمولاً در یک محیط روستایی سستی بسیار کند است. عامل دوم بر سهولت پذیرش تحول شناختی مبتنی است.

به نظر فرای در ارتباط میان «در معرض تغییر بودن» و «انعطاف شناختی» یک آستانه تحتانی و یک آستانه فوقانی وجود دارد. در زیر آستانه تحتانی، انسان‌ها انتظار تغییری ندارند و تغییر به اندازه‌ای نامنظم و نادرست است که هیچ‌گونه واکنش روانی معنی‌داری ایجاد نمی‌کند (مثل روستاهای سستی).

در ورای آستانه فوقانی، آهنگ تغییرات چنان سریع می‌شود که فرد دیگر قادر به تطابق شناختی نیست و دچار التهاب و سردرگمی می‌گردد (Frey, ۱۹۷۱: ۲۶۵-۲۷۲). هدف نوسازی از نظر فرای بالا بردن آستانه فوقانی تحمل در فرد و نظام اجتماعی است و این کار را می‌توان در محیطی انجام داد که فرد را به نوعی چالش و تحول‌پذیری بکشاند. از این رو، ارتباطات جمعی زمانی به پیشبرد توسعه یاری می‌دهند که گذشته از تأمین اطلاعات و آگاهی‌های لازم، جامعه را به اندازه کافی در معرض تغییر قرار دهند. نوع پیام رسانه‌ها نیز اهمیت خاصی دارد و قابل تعمیم به همه جوامع نیست. ممکن است رسانه‌ها در شرایطی ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین مفاهیم را منعکس سازند و در

فرهنگی که قبلاً با نظایر آنها مواجه نبوده است نقش اساسی را در توسعه داشته باشند. از سوی دیگر، ممکن است پیام‌های بسیار پیچیده در جامعه‌ای که از رسانه‌ها اشباع شده است بی‌فایده باشند. به این ترتیب، باید نسبت میان شدت تغییر و آستانه فوقانی تحمل را به ویژه در روستاها مد نظر قرار داد.

اینکلس و اسمیت^(۵) نیز در پژوهش برجسته‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که نقش رسانه‌های جمعی در نوسازی به پیام‌هایی وابسته است که از طریق آنها انتشار می‌یابد. به نظر آنها، رسانه‌ها ابزارهایی مکانیکی بیش نیستند و آنچه اهمیت دارد محتوای پیام‌ها و بیش از آن توانایی پیام‌گیران در انتخاب پیام‌های مورد علاقه است. مخاطبان معمولاً به مسائلی توجه می‌کنند که برای آنها جالب است و آن دسته از پیام‌ها را که با سنن و معتقدات آنها متعارض و به دور از ذهنیتشان است کنار می‌گذارند. از این رو، تأثیر ارتباطات جمعی در ایجاد تغییر اساسی در نگرش‌ها و ارزش‌ها ممکن است بسیار کمتر از آن باشد که بسیاری تصور می‌کنند (Inkeles and Smith, ۱۹۷۴: ۱۴۴-۱۴۵). با این همه، آنها تأثیر رسانه‌های جمعی را بر نوسازی فردی چه در شهر و چه در روستا مورد تأیید قرار می‌دهند.

ارتباطات و انتشار نوآوری‌ها در روستاها

اگر نوسازی را به صورت معرفی و تفهیم روش‌ها، ابزارها و اندیشه‌های نو تعریف کنیم، به نقش و وظیفه دیگری برای ارتباطات در توسعه و توسعه روستایی می‌رسیم که «انتشار نوآوری‌ها» است. از اوایل دهه ۶۰ میلادی کسانی مانند رحیم در بنگلادش و دویچمن و بوردا در کلمبیا تحقیقاتی را پیرامون چگونگی انتشار اندیشه‌های نو در میان روستاییان کشورهای در حال توسعه از طریق رسانه‌های جمعی آغاز کردند. از آنجا که تصور می‌شد اشاعه فناوری‌های نو مهمترین مسأله در توسعه کشورهاست، فرآیند تحول اجتماعی در پذیرش این فناوری‌ها و نقش رسانه‌ها در این فراگرد اهمیت ویژه‌ای یافت. این فرآیند در حقیقت «فرآیند انتشار نوآوری» است که از طریق

کانال‌های خاص در زمانی معین به اعضای نظام اجتماعی انتقال می‌یابد. به این ترتیب، نقش رسانه‌ها به عنوان کانال‌های انتقال نوآوری بسیار مهم تلقی می‌شود.

از جمله کسانی که در این زمینه کوشش‌های بسیاری را به ثمر رساند اورت راجرز محقق مشهور آمریکایی است که به کمک فلوید شومیکر ایده نشر نوآوری را مدون ساخت. وی در کتابی به همین نام عناصر اصلی نشر اندیشه‌های جدید را مشخص می‌کند. به نظر او، این عناصر عبارت‌اند از: «۱- نوآوری که به وسیله ۲- کانال‌های ارتباطی ویژه‌ای ۳- در طول زمان، با سایر اعضای ۴- نظام اجتماعی در میان گذاشته می‌شود.» (راجرز و شومیکر، ۱۳۶۹: ۲۳-۲۴). فرآیند تصمیم‌گیری در باره نوآوری براساس تحقیقات او شامل پنج مرحله است: ۱- آگاهی (دانش اولیه از ایده جدید)، ۲- علاقه، ۳- ارزشیابی، ۴- آزمایش مقیاس کوچک، ۵- تصمیم‌گیری در مورد رد یا قبول نوآوری. او این پنج مرحله را در چهار مرحله عمده ادغام می‌کند: ۱- مرحله دانش ۲- مرحله ترغیب ۳- مرحله تصمیم‌گیری ۴- مرحله همنوایی. مرحله دانش زمانی به وقوع می‌پیوندد که فرد در نوآوری قرار گیرد و از کارکرد آن اطلاعاتی کسب نماید. مرحله ترغیب هنگامی است که فرد پس از آگاهی از نوآوری نسبت به پذیرش آن گرایش بهینه یا نابهینه پیدا می‌کند. مرحله تصمیم‌گیری زمانی است که فرد درگیر فعالیت‌هایی می‌شود که نتیجه آن رد یا قبول نوآوری است. مرحله همنوایی وقتی است که فرد تلاش می‌کند دلایلی را به دست آورد تا خود را در مورد تصمیم متخذه قانع کند. اما در صورتی که وی پیام‌های متضادی را در مورد نوآوری دریافت دارد، ممکن است تصمیم خود را تغییر دهد (همان: ۳۱-۳۲). راجرز برای اثبات نظریه خویش چگونگی اطلاع، برخورد و پذیرش روستاییان را با پدیده‌های تازه‌ای مانند بذرهای اصلاح شده مورد بررسی قرار می‌دهد و نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که در مرحله «دانش» نقش وسایل ارتباط جمعی اهمیت فراوان دارد، اما در مرحله ترغیب، ارتباطات چهره به چهره، گروه‌های مرجع و رهبران فکری نقش ویژه‌ای می‌یابند. به نظر او، امروزه الگوی انتشار از طریق ارتباط جمعی، الگوی انتشار چند مرحله‌ای نامیده می‌شود که در آن گیرنده با

مراتب متفاوتی با منبع فرستنده پیام فاصله دارد. تعداد دقیق مراحل در فرآیند، به هدف منبع، قابلیت دسترسی رسانه‌های جمعی و ارتباط مخاطبین، طبیعت پیام و اهمیت پیام برای گیرندگان بستگی دارد. پیام‌های ارتباطی ابتدا بر کسانی تأثیر می‌گذارند که به طور رسمی یا غیر رسمی نقش مهمی در اثر گذاری بر دیگران ایفا می‌کنند. «این الگو چنین فرض می‌کند که پیام‌های ارتباطی به وسیله وسایل ارتباط جمعی از منبع به رهبران فکری می‌رسد که آنان نیز پیام را به پیروان خود می‌رسانند». رهبران فکری در مقایسه با پیروانشان دارای تماس بیشتری با رسانه‌های جمعی هستند و مأمور تغییر، گرایش جهان شهری بیشتر، مشارکت اجتماعی بیشتر، منزلت اجتماعی بالاتر و نوآوری هستند. رهبران فکری نسبت به پیروانشان بیشتر با هنجارهای اجتماعی نظام هم‌نواپی دارند. زمانی که هنجارهای نظام نسبت به تغییر مساعد باشد، رهبران فکری نوگراترند، اما هنگامی که هنجارها سنتی‌تر باشند، آنها الزاماً نوآور نیستند (همان: ۲۳۹-۲۴۰).

راجرز معتقد است که تأثیر رسانه‌های جمعی به ویژه در میان روستاییان کشورهای در حال توسعه زمانی افزایش می‌یابد که با ارتباطات رودررو ترکیب شوند زیرا در مرحله نخست ارتباطی یعنی انتقال پیام از رسانه‌ها به رهبران فکری تنها انتقال اطلاعات صورت می‌پذیرد، اما در مرحله دوم یعنی از رهبران به مردم، گذشته از انتقال اطلاعات، جنبه تأثیرگذاری نیز مشاهده می‌شود.

تردیدی نیست که در طیف رسانه‌های جمعی باید نقش‌های متفاوتی برای رسانه‌های مکتوب و الکترونیک قائل شد، اما در هر حال در اکثر مطالعات مربوط به ارتباطات و توسعه برای مطبوعات و اوراق چاپی علیرغم تأثیر محدودتر آنها به لحاظ حوزه در برگیری مخاطبان، قدرت نفوذ خاصی در نظر گرفته می‌شود. «مطالب چاپی که در الگوی‌های ارتباطی توسعه به آنان رسانه‌های پشتیبان و یا مکمل اطلاق می‌شود، عمدتاً برای تقویت پیام‌های مراکز سخن پراکنی مورد استفاده قرار می‌گیرند. همه اقدامات توسعه به طور بالقوه بر اساس نگرش چند رسانه‌ای صورت می‌گیرد. پیام‌های دیداری از پیام‌های دیگری که فاقد این محرکه‌ها هستند بسیار مؤثرترند. برنامه‌ریزان

توسعه با درک همین حقیقت طیف وسیعی از کمک‌های دیداری و مبتنی بر مشارکت را به کار گرفته‌اند. استفاده مؤثر از مطالب چاپی و گرافیک تقریباً در همه پروژه‌ها یک امر عادی به حساب می‌آید (مولانا، ۱۳۷۱: ۱۸۲-۱۸۳). با این همه، توسعه رسانه‌های خبری و ارتباطات روزنامه‌ای در بسیاری از کشورهای روبه توسعه جهان به عنوان یک مؤلفه لاینفک پروژه‌های توسعه در نظر گرفته نمی‌شود (همان: ۱۸۴).

روشن است که مشکلاتی از قبیل وضعیت اقتصادی، زیرساخت‌های حمل و نقل و توزیع، میزان سواد، عادات فرهنگی و تاریخی و عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی در عدم توسعه مطبوعات در مقایسه با سایر رسانه‌ها در روستاها مؤثر بوده‌اند. از جمله عوامل مستقیمی که بر توسعه نیافتگی مطبوعات در روستاها اثر می‌گذارند، مشاهده نسبت مستقیم بهای مطبوعات در سبد هزینه‌هاست. براساس محاسبه ویلبر شرام، ارزش بازگشتی و شمارگان روزنامه در کشورهای توسعه نیافته با وضعیت درآمد رابطه بسیار نزدیکی دارد. او محاسبه کرد که با درآمد یک کارگر کالیفرنایی در یک ساعت می‌توان ۵۰ نسخه روزنامه چهل برگی خرید در حالی که در اندونزی با یک ساعت کار تنها می‌توان ۷ نسخه روزنامه چهار برگی خریداری کرد (Schramm and Ruggels, ۱۹۷۲). خرابی راه‌ها و بروز وقایع طبیعی مثل سیل و آشوب‌های داخلی چه بسا توزیع روزنامه را در مناطق روستایی مختل کند، در حالی که انتشار و توزیع روزنامه در مناطق محلی به راحتی انجام می‌شود و سازگاری زبانی مطبوعات نیز در چنین وضعیتی بسیار زیاد است. بنابراین، گروه‌های زبانی یا فرهنگی کوچک می‌توانند نشریه‌ای (اگر نه به صورت روزانه، دست کم به شکل هفته نامه) داشته باشند، اما به دلیل هزینه‌های سنگین نشر و ضعف پشتوانه‌های مالی و تبلیغاتی، این کار معمولاً میسر نمی‌شود (گلدتورپ، ۱۳۷۰: ۳۰۵-۳۰۶).

به این ترتیب، به لحاظ اقتصادی فقدان زیر ساخت‌های لازم و پایین بودن سطح درآمد موانع بزرگی بر سر راه دسترسی روستاییان به مطبوعات به شمار می‌رود. البته این موانع جدا از عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مثل سطح سواد، شفاهی بودن فرهنگ،

بی‌اعتمادی یا کم‌اعتمادی به رسانه‌ها، نبود میانجی‌های ارتباطی مثل نهادهای مروج مطبوعات، ناپیوندی میان مطبوعات و رسانه‌های سنتی و امثال آنها مطرح می‌گردند. زمینه فرهنگی در انتخاب رسانه‌ها به ویژه در روستاها می‌تواند در تعیین نوع اعمال و رفتار اجتماعی فناورانه نقش اساسی ایفا کند (هنسون و نارولا، ۱۳۷۳: ۲۴۱). رسانه‌ها در سطوح محلی در صورتی که با برنامه‌های بومی سازگاری بیشتری از خود نشان بدهند بسیار مؤثرند و در مقابله با رسانه‌های نشأت گرفته از فرهنگ‌های مسلط نظیر نوارهای ویدئویی احتمال قربانی شدن آنها کمتر است.

مطبوعات و توسعه روستایی

هرگاه سخن از توسعه روستایی به میان می‌آید به طور طبیعی بیشتر نگاه‌ها متوجه رسانه‌های الکترونیک نظیر تلویزیون، رادیو و سینما می‌شود در حالی که مطبوعات نیز سهم مؤثری در این میانه دارند. البته زمانی هم که به مقوله مطبوعات در این عرصه توجه می‌شود، بیش از هر چیز گمان می‌رود که تنها باید به نشریات روستایی که برای اکثریت مردم شاغل در قلمرو کشاورزی انتشار می‌یابد، اندیشید. «نشریات روستایی با این فرض پای به عرصه وجود نهادند که مطالب مندرج در آنها برای روستاییان قابل فهم و ساده باشد. مؤسسان نشریات روستایی به خوبی می‌دانستند که حتی یک روستایی باسواد قادر نیست کلماتی از قبیل فسفات دوتایی، ذرت دونژاد ۰/۵ اونس در گالن و از این قبیل کلمات را بفهمد، از همین رو نشریات روستایی برای ساختن پیام‌های ساده و کوتاه به صورت جملات قابل فهم، مهارت ویژه‌ای طلب می‌کرد. نشریات روستایی سبب شدند تا نوع جدیدی از روزنامه‌نگاران به وجود آیند؛ بعضی از آنها در حقیقت ارتباط‌گرانی بودند که دوره‌های فشرده را در زمینه فنون ویرایش، روش‌های عامیانه کردن مقالات، توزیع روزنامه و تهیه مطالب قابل فهم برای عموم گذرانیده بودند» (محسنیان راد، ۱۳۷۴: ۹۸-۹۹). البته در کنار این قبیل نشریات باید از مطبوعاتی نیز سخن گفت که بیشتر به موضوع کشاورزی و کشاورزان می‌پرداختند.

پیشینه چنین مطبوعاتی در کشور ما کم نیست؛ از زمان انتشار نخستین نشریه کشاورزی در ایران بیش از یکصد سال می‌گذرد.

مجله «فلاح مظهری» به عنوان اولین مجله روستایی در جمادی الاول سال ۱۳۱۸ قمری مطابق با چهارم شهریور ماه سال ۱۲۷۹ شمسی یعنی در عصر سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار منتشر گردید (صدر هاشمی، ۱۳۶۴: ۸۸-۸۹). این نشریه که از سوی آصف‌الدوله و مدرسه فلاح در تهران به صورت ماهیانه انتشار می‌یافت طبیعتاً نمی‌توانست نقش مؤثری در توسعه روستایی ایران ایفا کند. از آن تاریخ تاکنون اغلب نشریاتی که برای روستاییان منتشر شده‌اند اغلب صبغه ترویجی کشاورزی داشته‌اند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجله «جهاد روستا» ابتدا از مرداد ۱۳۵۹ به شکل روزنامه و بعدها از مهر ۱۳۵۹ به صورت مجله با شمارگان نسبتاً بالا (صد هزار نسخه) و مجله «صالحین روستا» از مهرماه ۱۳۶۱ از سوی جهاد سازندگی با توزیع مناسب‌تری انتشار یافته‌اند.

با وجود این، آنچه اهمیت دارد انجام پژوهش‌هایی در مورد میزان تأثیر این قبیل رسانه‌ها در روستاها، و مهم‌تر از آن اطلاع از کمیت و کیفیت بهره‌مندی روستا از مطبوعات و نقش آن در توسعه روستایی است. تاکنون پژوهش‌های مستندی که بتواند به درستی از نحوه استفاده روستاییان از مطبوعات سراسری اطلاعات درستی را ارائه بدهد انجام نگرفته است.^(۵) این مقاله که نتیجه یک تحقیق علمی است در پی آن است که در حد مقدمات به برخی پرسش‌های اساسی درباره نسبت استفاده روستاییان از مطبوعات و نقش آن در توسعه روستایی به طور کلی پاسخ گوید.

طرح مسئله

آنچه در بخش نظری این مقاله مطرح شد نشان می‌دهد که «میزان بهره‌مندی روستاییان از نشریات» اعم از روزنامه یا محله، هم شاخص توسعه روستایی و هم مهم‌ترین عامل فرهنگی توسعه روستایی به شمار می‌رود.

طرح این مسئله که آیا میزان روزنامه خوانی روستاییان را عامل توسعه روستایی بدانیم یا آن را یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه روستا به حساب آوریم موضوع اصلی این مقاله نیست، زیرا وجود رابطه مثبت بین بهره‌مندی روستاییان از نشریات و توسعه روستایی امری بدیهی است. با این پیش فرض کافی است در روستاهای ایران به دنبال این سؤال باشیم که «میزان بهره‌مندی روستاییان از نشریات چقدر و چگونه است»، و آنگاه می‌توانیم به میزان توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه دست یابیم. به همین دلیل، در این تحقیق چگونگی بهره‌مندی روستاییان از نشریات با تأکید بر روزنامه را مورد بررسی قرار داده‌ایم تا بتوانیم بخش مهمی از زمینه‌های فرهنگی توسعه روستاها را مشخص کنیم.

هدف

هدف از این تحقیق، کسب شناخت در مورد میزان بهره‌مندی روستاییان ایران از مطبوعات و نقش آن در توسعه روستایی است.

روش

در این تحقیق، از روش پیمایشی با بهره‌گیری از دو نوع پرسشنامه استفاده شده است؛ یکی پرسشنامه کلی روستا که مسائل را در سطح روستا تحلیل می‌کند و دیگری پرسشنامه خانوار روستایی که سطح تحلیل آن خانواده‌های روستایی است. در نهایت مجموعه ویژگی‌های مربوط به خانوارهای هر روستا به پرسشنامه کلی آن روستا منتقل می‌شود و تحلیل‌های نهایی در مورد میزان توسعه یافتگی در سطح روستا انجام می‌پذیرد.

سؤالات تحقیق

- ۱- میزان بهره‌مندی روستاییان از مطبوعات در روستاها چقدر است؟
- ۲- چه عواملی در چگونگی بهره‌مندی روستاییان از مطبوعات دخالت دارند؟

۳- نظر روستاییان باسواد در مورد چگونگی بهره‌مندی از مطبوعات در روستاها چیست؟

۴- موانع بهره‌مندی بیشتر روستاییان از مطبوعات کدام‌اند؟

جامعه مورد مطالعه

رؤسای خانوارهای روستایی ساکن در روستاهای بیش از ۲۰ خانوار، جامعه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند.

نمونه

در انتخاب نمونه مناسب با توجه به تعداد زیاد استان‌ها و روستاها و با عنایت به اینکه رفتار روستاییان ایران در بهره‌مندی از مطبوعات در روستاهای بالای ۲۰ خانوار از حداقل واریانس برخوردار است، فرآیند نمونه‌گیری این تحقیق به سه مرحله تقسیم شده است:

۱- تعیین سه استان با روش غیرتصادفی که اصطلاحاً هدفمند^(۶) یا قضاوتی نامیده می‌شود و با نظر کارشناسان توسعه روستایی و استادان روش‌شناس^(۷).

۲- تعیین ۷۲ روستا در بین روستاهای ۳ استان (هر استان ۲۴ روستا) به صورت تصادفی ساده.

۳- تعیین ۱۲۰۰ خانوار از بین خانوارهای ساکن در روستاهای نمونه به صورت تصادفی سیستماتیک.

سه منطقه روستایی که با نظر کارشناسان توسعه روستایی و استادان روش‌شناس تعیین شدند عبارت‌اند از:

۱- منطقه روستایی اطراف شهرستان الشتر در استان لرستان

۲- منطقه روستایی اطراف شهرستان مینودشت در استان گلستان

۳- منطقه روستایی اطراف شهرستان ورامین در استان تهران

در هر منطقه ۲۵ روستا و جمعاً ۷۵ روستا به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند و نمونه خانوارها با حجم ۱۲۰۰ خانوار روستایی به صورت تصادفی سیستماتیک در درون ۷۵ روستای مورد نظر و رؤسای خانوارها مورد پرسشگری قرار گرفتند که ۱۱۸۱ نفر از رؤسای خانوارهای نمونه به تمام سؤالات پرسشنامه خانوار جواب دادند.

ابزار تحقیق

در این تحقیق از دو نوع پرسشنامه استفاده شده است:

- ۱- پرسشنامه کلی روستا که ویژگی‌های توسعه یافتگی روستا را مشخص می‌کند.
- ۲- پرسشنامه رئیس خانوار - روستایی که برخی ویژگی‌های فردی و فرهنگی مرتبط با توسعه یافتگی را اندازه‌گیری می‌کند و میزان بهره‌مندی آنها از مطبوعات را هم مورد سنجش قرار می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

الف) ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه

- ۱- از نظر نوع اقلیم، ۶۵ درصد روستاهای مورد مطالعه در دشت، ۱۷ درصد در کوهستان، ۱۶ درصد در جنگل و بقیه در اطراف کویر قرار دارند.
- ۲- از نظر نوع ده، ۸۰ درصد از نوع مجتمع هستند و ۲۰ درصد از نوع خانه‌های پراکنده.
- ۳- میانگین فاصله روستاها از جاده اصلی ۳ کیلومتر است و میانگین فاصله آنها تا شهر حدود ۱۰ کیلومتر است.
- ۴- میانگین جمعیت ۹۴۲ نفر است.
- ۵- ۶۳ درصد رؤسای خانوار باسواد هستند.
- ۶- ۵۰ درصد رؤسای خانوار در بخش کشاورزی مشغول کارند.

۷- در ۴۹ درصد روستاها حداقل یک عنوان روزنامه توزیع می‌شود. البته در برخی از آنها تا سه عنوان روزنامه وارد می‌شود.

مقایسه سه منطقه مورد مطالعه درمورد بهره‌مندی از روزنامه براساس آزمون کای اسکوئر نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین روستاهای منطقه الشتر با دو منطقه دیگر در مورد استفاده خانوار روستایی از روزنامه و مجله وجود دارد. با وجود اینکه میزان باسوادی در روستاهای منطقه الشتر لرستان کمتر از دو منطقه دیگر است، این تفاوت احتمالاً به دلیل مراجعه بیشتر رؤسای خانوارهای روستایی در روستاهای منطقه الشتر به شهر، و تهیه روزنامه از آنجاست.

ب) توصیف جامعه مورد مطالعه

موانع استفاده خانوار روستایی از نشریات

از کلیه رؤسای خانوار در جامعه مورد مطالعه به ویژه از ۶۳ درصد رؤسای خانوار روستایی که هیچ‌گاه از روزنامه یا مجله استفاده نمی‌کنند سؤال شد که «علت عدم استفاده برخی از روستاییان از نشریات چیست؟» جواب‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- موانع استفاده از نشریات در روستاها طبق نظر رؤسای خانوار روستایی در جامعه

مورد مطالعه

ردیف	علت عدم استفاده رئیس خانوار روستایی از نشریات	بلی	خیر	مورد ندارد و بی جواب	جمع
۱	بی سوادی	٪۳۸	٪۳۵	٪۲۷	٪۱۰۰
۲	گرانی نشریات	٪۴۶	٪۲۳	٪۳۱	٪۱۰۰
۳	عدم علاقه	٪۴۰	٪۳۱	٪۲۹	٪۱۰۰
۴	دیر رسیدن نشریات به روستا	٪۳۸	٪۳۲	٪۳۰	٪۱۰۰
۵	مطالب آن به درد روستاییان نمی خورد.	٪۵۴	٪۱۵	٪۳۲	٪۱۰۰

با توجه به اینکه کلیه ۱۱۸۱ نفر رئیس خانوار در جامعه مورد مطالعه در مورد موانع مذکور اظهار نظر کرده اند، باید به داده ها توجه ویژه داشت.

لازم به تذکر است که نشریات کشور با قیمت اصلی به دست روستاییان نمی رسد و متوسط قیمت روزنامه و برخی مجله ها حدود دو برابر قیمت اصلی آن است. این مطلب می تواند موضوع جداگانه ای برای تحقیق باشد.

چگونگی مطالعه نشریات در خانوار روستایی

از رئیس خانوار در جامعه مورد مطالعه سؤال شد که «آیا در خانواده شما کسی روزنامه می خواند؟» ۴۷ درصد جواب منفی دادند، ۲۹ درصد جواب دادند که گاهی برخی از اعضای خانواده روزنامه می خوانند و ۲۴ درصد جواب دادند که در خانواده آنها افرادی هستند که همیشه روزنامه می خوانند.

از رئیس خانوار در جامعه مورد مطالعه سؤال شد که «آیا در خانواده شما کسی مجله می خواند؟» ۵۷ درصد جواب دادند که برخی از اعضای خانواده آنها مجله نمی خوانند، ۲۴

درصد جواب دادند که برخی از اعضای خانواده آنها گاه مجله می‌خوانند و ۱۹ درصد جواب دادند که در خانواده آنها افرادی هستند که همیشه مجله می‌خوانند. میزان استفاده از روزنامه و مجله در خانوارهای روستایی در جامعه مورد مطالعه بدین صورت است که ۵۳٪ روزنامه می‌خوانند و ۴۳٪ مجله می‌خوانند. این میزان در سه منطقه روستایی مورد مطالعه به صورت زیر توزیع شده است:

در روستاهای منطقه الشتر لرستان، ۶۸ درصد روزنامه می‌خوانند و ۵۹ درصد مجله می‌خوانند.

در روستاهای منطقه مینودشت گلستان، ۳۴ درصد روزنامه می‌خوانند و ۳۰ درصد مجله می‌خوانند.

در روستاهای منطقه ورامین تهران، ۵۸ درصد روزنامه می‌خوانند و ۴۲ درصد مجله می‌خوانند.

انگیزه رؤسای خانوارهای روستایی برای مطالعه نشریات

از رئیس خانوار در جامعه مورد مطالعه سؤال شد که « انگیزه شما برای مطالعه روزنامه یا مجله چیست؟ » ۵۶ درصد به این سؤال جواب ندادند ؛ یعنی در مورد اکثریت آنها این سؤال اساساً مطرح نبود. ۲۱ درصد انگیزه خود را فقط کسب اطلاعات عمومی و مسایل روز دانستند، ۱۲ درصد سرگرمی و کسب اطلاعات عمومی و مسائل روز را عنوان کردند، ۵ درصد جواب دادند فقط برای اخبار، ۵ درصد جواب دادند برای اخبار و کسب اطلاعات عمومی و مسایل روز، و ۱ درصد جواب دادند برای اخبار و سرگرمی.

با توجه به داده‌های جدول فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که در بین ۴۴ درصد رؤسای خانوار که انگیزه خودشان را برای مطالعه روزنامه یا مجله اعلام کرده‌اند، انگیزه آنها عمدتاً کسب اطلاعات عمومی و مسایل روز بوده است؛ سرگرمی و در درجه آخر اطلاع از اخبار موجود در نشریات در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

احتمالاً با توجه به اینکه اخبار مندرج در مطبوعات نسبت به اخبار رادیو و تلویزیون با تأخیر به روستا می‌رسد، روستاییان انگیزه‌ای برای کسب خبر از طریق مطبوعات ندارند بلکه بیشتر کسب اطلاعات عمومی و مسایل روز را در مطبوعات جستجو می‌کنند.

مهم‌ترین راه ورود روزنامه یا مجله به روستا

از شورای ده سؤال شد که «مهم‌ترین راه ورود روزنامه یا مجله به روستای شما چیست؟»

۴۰ درصد به ایجاد دکه روزنامه فروشی در روستا، ۱۹ درصد به ارسال روزنامه و مجله توسط پست به روستا، و بقیه به مواردی شامل استفاده از بسیج برای توزیع روزنامه، فروش در مغازه روستا، وجود مغازه‌ای در شهر، ادارات دولتی مستقر در روستا و غیره اشاره کردند.

عمده‌ترین پیشنهاد، ایجاد روزنامه فروشی در روستا بوده است.

میزان خرید روزنامه در هر روستا

از شورای ده روستاهای مورد مطالعه سؤال شد که «اگر روزنامه به روستای شما وارد شود، در این روستا چند نسخه خریدار دارد؟» پاسخ‌ها بدین قرار بود: ۲۷ درصد کمتر از ۱۰ نسخه، ۴۲ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ نسخه، و ۳۱ درصد بیشتر از ۲۰ نسخه. میانگین این تعداد، ۲۴ نسخه است. دلیل افزایش میانگین فوق‌الذکر آن است که در سه روستا از روستاهای مورد مطالعه که جمعیت بیش از ۵۰۰۰ نفر دارند، اعلام شده است که ۱۰۰ تا ۱۵۰ نسخه روزنامه به فروش می‌رسد.

میزان خرید مجله در هر روستا

از شورای ده روستاهای مورد مطالعه سؤال شد که «اگر یک نوع مجله مناسب به روستا وارد شود به طور متوسط هر هفته چند نسخه در روستای شما خریدار دارد؟» پاسخ‌ها

بدین قرار بود: ۲۹ درصد حداکثر ۵ نسخه، ۲۹ درصد حداکثر ۶ تا ۱۰ نسخه، ۲۴ درصد ۱۱ تا ۲۰ نسخه، و ۱۸ درصد بیشتر از ۲۰ نسخه.

آمادگی رؤسای خانوارهای روستایی برای خرید مطبوعات

از رئیس خانوار سؤال شد که اگر در روستای شما نمایندگی روزنامه و مجله دایر شود، آیا حاضرید هزینه خرید روزنامه یا مجله را بپردازید (مثلاً هر روز ۵۰۰ ریال برای روزنامه). ۵۰ درصد جواب «بلی»، ۱۸ درصد جواب «گاهی»، و ۳۲ درصد جواب «خیر» را انتخاب کردند.

از کسانی که جواب «خیر» داده بودند سؤال شد «چرا حاضر به خرید روزنامه یا مجله نیستید؟» ۶۴ در صد (۲۰ درصد کل پاسخگویان) بی‌سواد، ۱۶ در صد (۵ درصد کل پاسخگویان) بی‌پولی، و ۱۵ درصد (۵ درصد کل پاسخگویان) کمبود وقت را علت آن دانستند. ۵ درصد (۲ درصد کل پاسخگویان) نیز یا جواب ندادند یا سایر علل را مطرح کردند.

داده‌های فوق نشان می‌دهد که در صورت ایجاد نمایندگی مطبوعات در روستاهای مورد مطالعه، اکثریت خانوارهای روستایی در جامعه مورد مطالعه (۶۸ درصد) آمادگی خرید روزنامه یا مجله را دارند و کسانی که آمادگی ندارند، اکثراً بی‌سواد هستند که با افزایش میزان باسوادی در روستاها آمادگی بالقوه در تقریباً ۸۰ درصد خانوارهای روستایی برای خرید روزنامه یا مجله به وجود خواهد آمد.

چگونه می‌توان استفاده از نشریات را در روستاها گسترش داد؟

از رئیس خانوار در جامعه مورد مطالعه سؤال شد «چگونه می‌توان استفاده از روزنامه یا مجله را در روستاها گسترش داد؟» ۵۳ درصد «ایجاد دکه روزنامه‌فروشی در روستا»، ۱۹ درصد «افزایش آگاهی مردم روستا در مورد روزنامه‌ها و مجله‌ها»، و ۴ درصد

«کاهش قیمت روزنامه و مجله برای روستاییان» را ذکر کردند؛ ۲۵ درصد به این سؤال جواب ندادند یا اظهار بی‌اطلاعی کردند.

با توجه به اینکه بیش از نیمی از رؤسای خانوار روستایی در جامعه مورد مطالعه پیشنهاد ایجاد دکه روزنامه‌فروشی در روستا را ارائه کرده‌اند، می‌توان گفت که به احتمال زیاد انجام این کار می‌تواند موجب گسترش استفاده روستاییان از روزنامه یا مجله بشود، به ویژه آنکه ایجاد چنین امکاناتی موجب افزایش آگاهی مردم روستا در مورد روزنامه یا مجله هم می‌شود پیشنهاد ۱۹ درصد دیگر از رؤسای خانوارها را تأیید می‌کند. البته ارائه برنامه‌های آشنایی با نشریات در صدا و سیما نیز می‌تواند موجب افزایش آگاهی روستاییان در این زمینه گردد و میزان استفاده آنها از نشریات را افزایش دهد. همه این اقدامات اگر با برنامه‌ریزی مناسب و با جلب مشارکت خود روستاییان انجام شود می‌تواند فرهنگ روزنامه‌خوانی را در روستاها گسترش دهد.

روستاییان در روزنامه یا مجله به دنبال چه مطالبی هستند؟

با این احتمال که روستاییان در روزنامه یا مجله‌ها به دنبال مطالب خاصی هستند، در پرسشنامه شورای ده سؤال شد که اگر بخواهند برای مردم روستاهای این منطقه، روزنامه یا مجله روستایی منتشر کنند، چه نوع مطالبی را باید در آن بنویسند که مورد توجه روستاییان باشد. در زیر این سؤال فهرستی از مطالب مندرج در نشریات ارائه شد و در کنار هر کدام از آنها یک طیف پنج ارزشی مطرح شد که ارزش ۱ برای توجه خیلی کم، ارزش ۲ برای توجه کم، ارزش ۳ برای توجه متوسط، ارزش ۴ برای توجه زیاد، و ارزش ۵ برای توجه خیلی زیاد در نظر گرفته شده بود.

به شورای ده گفته شد که این مطالب برای درج در نشریات روستایی پیشنهاد شده است، به نظر آنها هر کدام از این مطالب تا چه حدی می‌تواند مورد توجه روستاییان باشد. در مصاحبه شفاهی به شورای ده گفته شد که هر کدام از این مطالب را تا چه حدی

برای درج در روزنامه یا مجله روستایی مناسب می‌دانند (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم یا خیلی کم).

میانگین جواب‌ها برای هر کدام از مطالب به صورت جداگانه محاسبه گردید، مطالب انتخاب شده توسط پاسخگویان به ترتیب اولویت به صورت زیر است. میانگین جواب‌ها در مقیاس ارزش ۱ تا ۵ محاسبه شده است.

- ۱- مطالب مربوط به کشاورزی و باغداری جدید، با میانگین ۴/۰۹ برابر زیاد.
- ۲- مطالب مربوط به بهداشت، سلامتی و پیشگیری از بیماری‌ها، با میانگین ۳/۹۵ برابر زیاد.
- ۳- مطالب مربوط به زندگی ائمه و بزرگان دین اسلام، با میانگین ۳/۹۲ برابر زیاد.
- ۴- مطالب مربوط به روش‌های جدید دامداری، با میانگین ۳/۸۴ نزدیک به زیاد.
- ۵- خبرهای کشاورزی و مسائل روستایی، با میانگین ۳/۸ نزدیک به زیاد.
- ۶- مطالب مذهبی مثل اصول، احکام و سؤالات مذهبی، با میانگین ۳/۸ برابر زیاد.
- ۷- خبرهای سیاسی و اجتماعی مملکت، میانگین ۳/۶۹ بین متوسط و زیاد.
- ۸- مطالب مربوط به خانواده و کودکان، با میانگین ۳/۵۶ بین متوسط و زیاد.
- ۹- خبرهای ورزشی، با میانگین ۳/۳۲ نزدیک به متوسط.
- ۱۰- خبرهای مربوط به صادرات و واردات تولیدات کشاورزی و قیمت آنها، با میانگین ۳/۲۸ نزدیک به متوسط.
- ۱۱- چاپ نامه‌های روستاییان و پیشنهادهای آنها، با میانگین ۳/۲۰ نزدیک به متوسط.
- ۱۲- حوادث مربوط به ماشین‌آلات کشاورزی و تعمیر آنها با میانگین ۳/۱۳ حدود متوسط.
- ۱۳- حوادث، با میانگین ۲/۹۵ نزدیک به متوسط.
- ۱۴- مطالب مربوط به تعمیر وسایل خانگی مثل یخچال و تلویزیون، با میانگین ۲/۶۵ بین متوسط و کم.

-
- ۱۵- داستان و شعر، با میانگین ۲/۳۹ نزدیک به کم.
- ۱۶- مطالب مربوط به شهرها، با میانگین ۲/۳ نزدیک به کم.
- ۱۷- مسابقه و جدول، با میانگین ۲/۲ نزدیک به کم.

نقش نشریات در افزایش آگاهی‌های رئیس خانوار روستایی

از رئیس خانوار در جامعه مورد مطالعه سؤال شد که تا چه حدی نشریات موجب افزایش آگاهی‌های آنها در زمینه‌های چهارگانه زیر شده است: مسائل کشاورزی و دامداری؛ مسائل خانوادگی، تربیتی و بهداشتی؛ مسائل سیاسی و اجتماعی؛ و مسائل مذهبی.

جواب‌ها برای هر یک از زمینه‌ها در یک طیف پنج ارزشی از حداقل صفر برای نقش هیچ تا حداکثر ۴ برای نقش خیلی زیاد توزیع شده است که میانگین آنها به صورت زیر است:

۱- نقش نشریات در افزایش آگاهی‌های مربوط به مسائل کشاورزی و

دامداری، ۱/۹.

۲- نقش نشریات در افزایش آگاهی‌های مربوط به مسائل خانوادگی، تربیتی

و بهداشتی، ۲/۲.

۳- نقش نشریات در افزایش آگاهی‌های مربوط به مسائل سیاسی، اجتماعی و

فرهنگی، ۲/۱.

۴- نقش نشریات در افزایش آگاهی‌های مربوط به مسائل مذهبی، ۲/۲.

میانگین جواب‌ها در مورد نقش نشریات در افزایش آگاهی‌های رئیس خانوار

روستایی در چهار زمینه مطرح شده برابر با ۲/۱ یعنی کمی بیشتر از حد متوسط است.

ج) تحلیل جامعه مورد مطالعه

مطالعه بین نوع شغل رئیس خانوار روستایی و چگونگی استفاده از روزنامه

یکی از سؤالات تحقیق این است که آیا در جامعه مورد مطالعه بین کشاورزان و غیر

کشاورزان در مورد استفاده از روزنامه تفاوت معنی‌داری وجود دارد یا خیر؟

داده‌های تحقیق در مورد رؤسای خانوار روستایی در جامعه روستایی در جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۶۷٪ از افراد دارای مشاغل کشاورزی و دامداری و ۳۳٪ دارای مشاغل غیرکشاورزی هستند و ازسوی دیگر در بین کلیه افراد جامعه ۳۷ درصد از روزنامه استفاده می‌کنند.

مقایسه کشاورزان و غیرکشاورزان در زمینه چگونگی استفاده از روزنامه در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲- توزیع رؤسای خانوار در جامعه مورد مطالعه بر حسب نوع شغل و چگونگی استفاده از روزنامه

نوع شغل	استفاده از روزنامه	خیر	بلی	جمع	درصد جمع
کشاورزی و دامداری	۴۱۵ ٪۷۱	۱۶۸ ٪۲۹	۵۸۳ ٪۱۰۰	۵۰	
غیر کشاورزی	۳۲۱ ٪۵۵	۲۶۴ ٪۴۵	۵۸۵ ٪۱۰۰	۵۰	
جمع	۷۳۶ ٪۶۳	۴۳۲ ٪۳۷	۱۱۶۸ ٪۱۰۰	۱۰۰	

$X^2 = 32/63$
۱ = درجه آزادی
۰/۰۰۰۱ = سطح معنی‌دار بودن تفاوت

آزمون کای اسکوئر جدول فوق با درجه آزادی یک، برابر ۳۲/۶۳ است که در سطح ۰/۰۰۰۱ معنی‌دار است.

رابطه بین نوع شغل و آمادگی برای پرداخت هزینه خرید روزنامه

رؤسای خانوار در جواب به این سؤال که اگر روزنامه به روستا بیاید آیا حاضرند هزینه آن را بپردازند، ۶۸ درصد جواب بلی و ۳۲ درصد جواب خیر دادند. این جواب در بین کشاورزان و غیر کشاورزان تفاوت معنی داری دارد؛ به طوری که جواب بلی در بین کشاورزان ۶۴ درصد اما در بین غیر کشاورزان ۷۲ درصد بود. کای اسکوتر محاسبه شده با درجه آزادی یک برابر $۸/۳۵$ است که تفاوت معنی داری را بین کشاورزان و غیر کشاورزان از نظر آمادگی برای پرداخت هزینه خرید روزنامه نشان می دهد.

رابطه میزان سواد و میزان استفاده از روزنامه

رؤسای خانوار در جواب به این سؤال که آیا از روزنامه استفاده می کنند یا خیر، ۶۳ درصد جواب منفی و ۳۷ درصد جواب مثبت دادند ولی جواب ها در بین باسوادها و بی سوادها از تفاوت معنی داری برخوردار است. استفاده از روزنامه در بین بی سوادها ۹ درصد و در بین باسوادها ۵۳ درصد است. کای اسکوتر محاسبه شده با درجه آزادی یک برابر با ۲۳۰ است که با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معنی داری را نشان می دهد. (بی سوادان روزنامه تهیه می کنند و دیگران برای آنها می خوانند).

از رئیس خانوار روستایی در جامعه مورد مطالعه سؤال شد که آیا در خانوار آنها کسی روزنامه یا مجله می خواند. در مورد مجله، ۵۷ درصد جواب منفی و ۴۳ درصد جواب مثبت دادند. ولی در بین خانوارهایی که رئیس خانوار بی سواد است و خانوارهایی که رئیس خانوار باسواد است تفاوت معنی دار وجود دارد. در خانوارهایی که رئیس باسواد است، ۵۸ درصد روزنامه و ۴۷ درصد مجله می خوانند. در خانوارهایی که رئیس خانوار بی سواد است ۴۳ درصد روزنامه و ۳۵ درصد مجله می خوانند.

کای اسکوتر محاسبه شده برای هر دو جدول با درجه آزادی یک برابر با $۲۳/۲۸$ برای روزنامه خواندن و $۱۵/۸۴$ برای مجله خواندن محاسبه شده است که در هر دو مورد، تفاوت در سطح $۰/۰۰۰۱$ خطا معنی دار است.

به عبارت دیگر، اعضای خانوار روستایی که رئیس خانوار آنها باسواد است بیشتر روزنامه و مجله می‌خوانند.

رابطه بین میزان مسافرت رئیس خانوار به شهر و آمادگی برای پرداخت پول روزنامه داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان مسافرت خانوار به شهر و میزان آمادگی او برای پرداخت پول روزنامه، رابطه معنی‌داری وجود دارد که توزیع آن را در جدول ۳ مشاهده می‌کنید:

جدول ۳- توزیع رؤسای خانوار مورد مطالعه بر حسب میزان مسافرت به شهر و میزان آمادگی

پرداخت پول روزنامه

میزان مسافرت رئیس خانوار به شهر	آمادگی برای پرداخت پول روزنامه		
	خیر	بلی	جمع
کم	۲۱۳ ٪۴۲	۲۹۲ ٪۵۸	۵۰۵ ٪۱۰۰
زیاد	۱۶۲ ٪۲۴	۵۰۰ ٪۷۶	۶۶۲ ٪۱۰۰
جمع	۳۷۵ ٪۳۲	۷۹۲ ٪۶۸	۱۱۶۷ ٪۱۰۰

$$X^2 = 40/37$$

$$1 = \text{درجه آزادی}$$

$$0/001 = \text{سطح معنی‌دار بودن تفاوت}$$

کای اسکوتر محاسبه شده برابر با ۴۰/۳۷ است که با درجه آزادی برابر با یک در سطح ۰/۰۰۱ تفاوت معنی‌دار است. به عبارت دیگر، بین آن دسته از رؤسای خانوار که

کم به شهر مسافرت می‌کنند و آنان که زیاد به شهر مسافرت می‌کنند از نظر آمادگی برای پرداخت پول روزنامه، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بررسی مقادیر نشان می‌دهد گروهی که کم به شهر مسافرت می‌کنند ۵۸٪ و گروهی که زیاد به شهر مسافرت می‌کنند ۷۶٪ آمادگی پرداخت پول روزنامه را دارند.

رابطه بین آمادگی خانوار برای پرداخت پول روزنامه و میزان سواد خواندن در خانوار داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان سواد خواندن در خانوارهایی که آمادگی برای پرداخت پول روزنامه دارند نسبت به خانوارهایی که آمادگی برای پرداخت پول روزنامه ندارند، بیشتر است (جدول ۴).

کای اسکوتر محاسبه شده نشان می‌دهد که بین آن دسته از خانوارهایی که سواد خواندن در خانوار آنها کم است و آن دسته که سواد خواندن در خانوار آنها زیاد است، از نظر آمادگی برای پرداخت پول روزنامه تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مقایسه درصدها نشان می‌دهد که وجود سواد بیشتر در خانوارها با آمادگی بیشتر در پرداخت پول برای روزنامه توسط رئیس خانوار همراه است.

جدول ۴- توزیع افراد جامعه مورد مطالعه برحسب آمادگی برای پرداخت پول روزنامه و میزان سواد خواندن در خانوار

جمع	بلی	خیر	آمادگی برای پرداخت پول روزنامه میزان سواد خواندن اعضای خانوار
۳۶۷ ٪۱۰۰	۲۰۵ ٪۵۶	۱۶۲ ٪۴۴	کم
۳۵۲ ٪۱۰۰	۲۳۵ ٪۶۷	۱۱۷ ٪۳۳	متوسط
۴۴۵ ٪۱۰۰	۳۵۱ ٪۷۹	۹۴ ٪۲۱	زیاد
۱۱۶۴ ٪۱۰۰	۷۹۱ ٪۶۸	۳۷۳ ٪۳۲	جمع

$X^2 = ۴۹/۲۶$
۲ = درجه آزادی
۰/۰۰۰۱ = سطح معنی دار بودن تفاوت

تحلیل نتایج

در مجموع می توان گفت که بر اساس داده های این تحقیق، میزان سواد در خانوار، ارتباط رئیس خانوار با شهر و تا حدودی شغل غیر کشاورزی، عواملی هستند که با میزان استفاده خانوار روستایی از مطبوعات رابطه مستقیم و معنی داری دارند. هر چه سواد در خانوار روستایی بیشتر باشد، میزان استفاده آن خانوار از مطبوعات بیشتر است. (البته بعضی از روستاییان بی سواد هم از مطبوعات استفاده می کنند. روزنامه را می خرند و می دهند به فرزندان باسوادشان تا برای آنها بخوانند).

-
- هر چه ارتباط رئیس خانوار روستایی با شهر بیشتر باشد، میزان استفاده خانوار روستایی از مطبوعات بیشتر است.
 - روستاییانی که در مشاغل غیر کشاورزی فعالیت دارند در خانوار آنها از مطبوعات بیشتر استفاده می‌شود.
 - اگر بخواهیم نتایج این تحقیق را با مباحث نظری که در سایر پژوهش‌ها مثل تحقیق آقای دکتر محسنیان راد آمده است تحلیل کنیم، باید بگوییم که حاکمیت فرهنگ شفاهی به ویژه در خانوارهای کشاورز روستایی موجب می‌شود که روستاییان آمادگی و علاقه‌مندی بیشتری به استفاده از رسانه‌های شنیداری و دیداری مثل رادیو و تلویزیون داشته باشند و علاقه کمتری به استفاده از رسانه‌های کتبی از قبیل روزنامه، مجله و کتاب از خود نشان دهند.

البته این ویژگی در جامعه شهری ایران هم وجود دارد ولی نسبت به روستاها از درصد کمتری برخوردار است. شاید بتوان گفت که تبدیل فرهنگ شفاهی به فرهنگ کتبی در ایران فرصت‌های مناسب خودش را به دست نیاورده است. این تحول به مدت ۳۸۰ سال در اروپا اتفاق افتاد (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۳۸۷) و مردم اروپا را مردمی کتاب خوان، روزنامه خوان و دارای فرهنگ کتبی کرد. ۳۸۰ سال (از زمانی که گوتنبرگ اولین دستگاه چاپ را ساخت تا زمانی که مارکونی اولین رادیو را راه‌اندازی کرد) زمان بسیار مناسبی بود.

مردم ایران تنها ۱۲۳ سال فرصت زندگی در دوران کتاب و روزنامه را یافتند آن هم نه به صورت فراگیر (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۴۹۹). جامعه روستایی ایران در اوایل قرن سیزدهم ۹۹ درصد بی‌سواد داشته است که این رقم تا سال ۱۳۳۵ به ۹۴ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۴: ۹۹). به همین دلیل و نیز گرانی قیمت کتاب و روزنامه، نمی‌توان انتظار داشت که روستاییان فرصت ورود به فرهنگ کتبی را یافته باشند. در همین هنگام روستاییان ایران با رادیو آشنا می‌شوند و از دنیای فرهنگ شفاهی سینه به

سینه و ارتباط مستقیم خودشان بلافاصله به دنیای فرهنگ شفاهی رادیو و با همین سرعت به دنیای فرهنگ شفاهی و دیداری تلویزیون وارد می‌گردند. از این رو، روزنامه و حتی کتاب در زندگی روستاییان ما جایی پیدا نکرده است؛ فرهنگ شفاهی سنتی در روستاهای ایران قبل از اینکه از مرحله فرهنگ کتبی عبور کند و عادت کتاب خوانی و روزنامه خوانی را در مردم روستاها ایجاد کند به فرهنگ شفاهی مدرن تبدیل شد. (البته از گذشته دور در اغلب روستاهای ایران در خانوارهای دارای فرد باسواد کتاب‌های مذهبی، قرآن و همچنین شاهنامه و حافظ خوانده می‌شده است).

ارتباطات راه دور هم در روستاها همین ویژگی‌ها را یافت. قبل از اینکه روستاییان با سواد شوند و خودشان نامه بنویسند و نامه‌های رسیده را بخوانند و قبل از اینکه خدمات پست را خوب بشناسند و مستقیماً از آن استفاده کنند، با تلفن آشنا شدند. بعد از انقلاب اسلامی مشاهده می‌کنیم که تلفن به روستاها وارد می‌شود و روستاییان را که تازه در حال یادگرفتن نامه‌نویسی و نامه‌خوانی بودند، در نیمه راه متوقف می‌کند و تنها دلیل باسواد شدن را هم از روستاییان می‌گیرد و ارتباطات راه دور را برای آنها راحت‌تر، سریع‌تر، مستقیم و با اطمینان می‌کند. به همین دلیل است که امروزه روستاییان ایران بیش از هر چیز نیاز به تلفن در روستا و خانه روستایی خودشان مطرح می‌کنند. البته این مطلب نه به معنی منفی بودن تلفن در روستا است (خدمات مخابرات در روستاها آنقدر وسیع، سازنده و زمینه‌ساز توسعه است که کسی در مثبت بودن و ضروری بودن آن برای روستاهای امروز ایران شک نمی‌کند) ولی در کاهش سطح باسوادی روستاییان و توقف گسترش فرهنگ کتبی در روستاها، تلفن روستایی هم نقش مهمی داشته است. اگر ۳۵ سال قبل که روستاییان کشور تازه شروع به باسواد شدن کردند از آنها می‌پرسیدند که چرا می‌خواهند باسواد شوند مهم‌ترین و عمومی‌ترین جواب آنها این بود که «باسواد می‌شویم تا قرآن و دعا بخوانیم؛ باسواد می‌شویم تا بتوانیم نامه فرزندانمان را که از شهر می‌فرستند بخوانیم؛ باسواد می‌شویم تا بتوانیم برای بستگانمان در شهر و دیگر روستاها نامه بنویسیم.» حالا در صدا و سیما برایشان قرآن و دعای

سحر و کمیل می‌خوانند آن هم صحیح و با صوت زیبا؛ تلفن هم امکان برقراری ارتباط با فرزند و بستگان را فراهم می‌کند، دیگر چرا زحمت سواد دار شدن را تحمل کنند؟ اخبار را از رادیو می‌شنوند و از تلویزیون هم می‌بینند، چه حاجت به خواندن روزنامه یا مجله است؟ پس روستاییان برای باسواد شدن باید دلایل دیگری بیابند.

نسل جدید در روستاهای ایران این دلیل جدید را یافته‌اند و بر همین اساس میزان باسوادی در روستاها امروزه به ۸۰ درصد رسیده است. آنها باسواد می‌شوند برای زندگی بهتر، برای اشتغال بهتر، برای تحقق نقش‌های جدید، نقش‌هایی جدای از نقش‌های والدین و کشاورزی خودشان، نقش‌هایی که بیشتر جایگاه شهری دارند.

برای باسواد شدن نسل جدید در سطوح بالاتر از دیپلم در روستاهای ایران ظرفیت روستا کافی نیست. در آنجا تنها دبستان وجود دارد و گاهی مدرسه راهنمایی. آنها برای تحصیل در دبیرستان عمدتاً باید به شهر بیایند؛ برای دانشگاه راهی جز ترک روستا وجود ندارد. نسل جدید در این رفت و آمد به شهر که چند سالی به طول می‌انجامد همراه خودش کتاب، روزنامه و مجله را به ده می‌آورد و والدین و دیگران را غیرمستقیم با این رسانه‌ها آشنا می‌کند. خبری را که رادیو به سرعت گفته و روستایی احتمالاً به دلیل هم زبان نبودن با آن خوب متوجه نشده است، فرزندش در روزنامه می‌خواند، آهسته و شمرده می‌خواند و برای او به زبان محلی ترجمه می‌کند و او هم برای انتقال به دیگران سند صحت گفتارش را که همان روزنامه است همراه می‌برد. این مسیر جدیدی است که نشریات و کتب به روستا راه می‌یابند.

نزدیکی روستا به شهر نیز از عوامل مؤثر در افزایش حضور نشریات در روستاهاست. نزدیکی روستا به شهر موجب شده است که برخی نهادها در روستا به وجود نیایند و روستاییان از نهادهای مستقر در شهر برای رفع نیازهای خودشان استفاده کنند و به همین دلیل ارتباطات آنها با شهر بیشتر شود و برخی از ویژگی‌های شهری‌ها را فرا گیرند و به روستا منتقل کنند. هر چه روستا از شهر دورتر باشد مدرسه و حمام و مغازه و غیره در آن روستا بیشتر است؛ به دلیل وجود این خدمات در روستا، ارتباطات

روستاییان با شهر کمتر می‌شود و روستا ویژگی‌های سنتی و روستایی خودش را بیشتر حفظ می‌کند. در حالی که در روستاهای نزدیک به شهر تغییرات متأثر از فرهنگ شهر در روستا سریع‌تر بروز می‌کند و رفتار روستاییان شبیه شهری‌ها می‌شود.

این ویژگی در روستاهای الشتر لرستان که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند مشاهده شد. در روستاهای لرستان با وجود اینکه زبان محلی زبان لکی و لری است به دلیل نزدیکی آنها به شهر الشتر و رفت و آمد بیشتر با شهر، از روزنامه و مجله هم بیشتر استفاده کرده‌اند، به طوری که میزان آن بیش از روستاهای ورامین یا مینودشت است که از شهر دور هستند. احتمالاً این ویژگی می‌تواند متأثر از اجرای «طرح سلسله» در منطقه الشتر باشد که موجب باسوادی نسل فعال امروز و آشنا کردن مردم روستاهای آن منطقه با نشریات منجر شده است.

پیشنهادهای

۱- با توجه به اینکه بیش از نیمی از رؤسای خانوارهای روستایی در این تحقیق پیشنهاد کرده‌اند که برای استفاده روستاییان از نشریات در هر روستا حداقل یک دهه روزنامه فروشی ایجاد گردد، پیشنهاد می‌شود با استفاده از نیروی جوانان باسواد روستایی که احتمالاً بیکار هستند بطور آزمایشی در چند روستای بزرگ، دهکده‌های روزنامه فروشی با حمایت ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها یا یک مؤسسه مستقل ایجاد شود؛ به ویژه که ۵۰ درصد خانوارهای روستایی در این تحقیق اعلام کرده‌اند که آماده‌اند هر روز نشریات را خریداری کنند و ۱۸ درصد آنها نیز آماده‌اند که گاهی نشریات را خریداری نمایند. این اقدام می‌تواند پس از بررسی نتایج آن و با فراهم شدن امکانات به سایر روستاها که آمادگی آنرا دارند گسترش داده شود. چنانچه در این زمینه از ابتدا با جلب نظر و مشارکت روستاییان اقدام شود و در فرآیند کار نیز خود روستاییان مشارکت داده شوند، می‌توان امیدوار بود که پس از مدتی دهکده روزنامه فروشی در روستا حالت نهادی پیدا کند و عاملی

در گسترش فرهنگ استفاده از مطبوعات در روستاهای کشور باشد. در کنار این اقدام لازم است یک طرح پژوهشی با هدف بررسی نتایج این برنامه و ارزیابی آن انجام شود و ادامه کار بر اساس نتایج آن پژوهش، برنامه‌ریزی شود.

۲- با توجه به اینکه نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان باسوادی در جامعه روستایی رابطه مستقیمی با میزان استفاده از نشریات در روستا دارد، به نهادهای سوادآموزی پیشنهاد می‌شود که با تلاش برای باسوادکردن روستاییان به ویژه جوانان روستایی اعم از مرد یا زن اقدام کنند و آشنایی با مطبوعات در کتب درسی گنجانیده شود تا زمینه‌های لازم برای گسترش فرهنگ استفاده از مطبوعات در جامعه روستایی ایران فراهم گردد.

۳- تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که روستاییان ایران به طور متوسط بین ۲ تا ۵ ساعت در شبانه‌روز از رادیو یا تلویزیون استفاده می‌کنند. با توجه به این واقعیت بهترین، راحت‌ترین و مناسب‌ترین وسیله برای ایجاد ارتباط با روستاییان، همانا رادیو و تلویزیون است. حال که چنین مجرای مناسبی برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام‌ها در اختیار مسئولین فرهنگی کشور است، می‌توان با مطرح کردن نقش باسوادی و به دنبال آن استفاده از مطبوعات در رسانه‌ها برای روستاییان، آنها را در جهت باسواد شدن و استفاده بیشتر از مطبوعات، تشویق و ترغیب کرد و زمینه‌های فرهنگی توسعه را در روستاهای کشور فراهم آورد. برای مثال، اگر قرار است مطلبی در مورد استفاده از وام‌های کشاورزی یا دامداری و یا دیگر برنامه‌ها یا کمک‌های دولت برای روستاییان به اطلاع آنها برسد پیشنهاد می‌شود که عنوان‌های کلی پیام در رادیو و تلویزیون ارائه شود و به دنبال آن مطرح شود که برای اطلاع از جزئیات و روش‌های اقدام لازم است به مطبوعات کثیرالانتشار مراجعه نمایند. در این صورت، روستایی بر خودش لازم می‌داند که روزنامه مربوطه را تهیه کند و به مرور با مطبوعات آشنا می‌شود. اگر ما با همه مطالب و مسائل را به راحتی از طریق رادیو و تلویزیون در اختیار روستاییان قرار دهیم،

احتمالاً نسل بعدی هم به مطبوعات روی نخواهند آورد. از این رو، همکاری و هماهنگی بین رسانه‌های مختلف جامعه برای گسترش فرهنگ استفاده از مطبوعات در کشور امری ضروری است و نیاز به توجه بیشتری دارد، چون آنچه موجب توسعه می‌شود، مطبوعات است و نه رادیو یا تلویزیون.

۴- با توجه به اینکه بیش از نیمی از روستاییان مورد مطالعه، علل عدم استفاده از مطبوعات در روستاها را «نبود مطالب مورد نیاز روستاییان» در مطبوعات موجود اعلام کرده‌اند پیشنهاد می‌شود به روزنامه‌هایی که در شهرستانهای کوچک نمایندگی دارند توصیه شود که چند صفحه از روزنامه را به روستاییان اختصاص دهند که دارای خط مناسب و زبان ساده و قابل درک برای روستاییان آن منطقه باشد. به هر صورت، روستاییان هم حدود نیمی از اعضای این کشور هستند و حق دارند هنگام جستجو در مطبوعات کشور، مطالب مورد نظر خودشان را بیابند. در این زمینه می‌توان از کانون روزنامه نگاران جوان خواست که با جلب همکاری جوانان روستایی در مورد تهیه مطالب مناسب برای روستاییان به ویژه جوانان روستایی اقدام کنند و مطالب خودشان را در اختیار نشریات مختلف کشور قرار دهند.

۵- با توجه به اینکه دومین علت عدم استفاده از مطبوعات در روستاها، گرانی مطبوعات عنوان شده است (۴۶ درصد افراد گرانی مطبوعات را در این مسأله مؤثر دانسته‌اند)، این موضوع باید مورد بررسی بیشتر قرار گیرد و سپس برای حل آن اقدام شود. البته منظور روستاییان از گرانی مطبوعات، قیمت واقعی مطبوعات نیست بلکه قیمتی است که مطبوعات در روستا به دست آنها می‌رسد که در مورد روزنامه‌ها، رقمی بیش از دو برابر قیمت رسمی است. پیشنهاد می‌شود که با مشارکت و همکاری روستاییان نوعی توزیع جراید برای روستاها مطالعه و طراحی گردد و پس از اجرای آزمایشی در چند منطقه روستایی، اکثر جوامع روستایی کشور را پوشش دهد. به نظر محقق، مسأله توزیع جراید

در مناطق روستایی، مهم‌ترین عامل در بروز شرایطی است که بر اساس آن روستاهای کشور در استفاده از مطبوعات، کم بهره شده‌اند.

۶- با توجه به اینکه بیشتر روزنامه‌های کشور در تهران منتشر می‌شوند و قسمت اعظم نسخه‌های آنها در تهران توزیع می‌گردد، پیشنهاد می‌شود حتی‌الامکان روزنامه‌های استان‌ها و شهرستان‌ها مورد حمایت بیشتر قرار گیرند و در مورد روزنامه‌های جدید، مجوزهای شهرستان‌ها با تسهیلات بیشتری صادر گردد، مشروط بر اینکه امکاناتی را برای توزیع روزنامه در روستاهای آن شهرستان فراهم نمایند و صفحات ویژه‌ای را برای روستاییان اختصاص دهند.

۷- با روش‌های تبلیغی و تشویقی، ترتیبی داده شود تا روزنامه‌نگاران جوان و فارغ-التحصیلان روزنامه‌نگاری به انتشار روزنامه در روستاها علاقه‌مند شوند تا نشر مطبوعات از انحصار شهر بیرون آید، به گونه‌ای که انجمن‌های روزنامه‌نگاران جوان روستایی تأسیس شود و با بهره‌گیری از امکانات الکترونیکی و دیتا، امکان چاپ و دسترسی همه روستاییان به روزنامه فراهم گردد.

۸- همچنان‌که در برخی محله‌های تهران نشریه خاص آن محله منتشر می‌شود و با توجه به رشد باسوادی در روستاهای کشور، می‌توان در هر شهرستان یک روستای بزرگ یا چند روستای مجاور را تشویق کرد تا برای منطقه روستایی خودشان نشریه‌ای منتشر نمایند.

۹- در مسافرتی که اخیراً به شهرستان یزد داشتم پدیده خوبی را در جهت گسترش فرهنگ روزنامه‌خوانی روستاییان در یک روستا مشاهده کردم. در میدان‌های عمومی، ورودی مساجد، گذرگاه‌های عمومی و راهروهای مؤسسات دولتی مثل تعاونی روستایی، تابلوهای بزرگی نصب شده بود که هر روز بر روی آنها روزنامه‌های مختلف به نمایش گذاشته می‌شد. استقبال مردم از این تابلوها بسیار خوب بود. از این روش می‌توان برای روستاهای بزرگ در سایر نقاط کشور استفاده کرد تا مردم روستایی به مرور به روزنامه خواندن عادت کنند.

۱۰- نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مردم روستاها در مطبوعات بیشتر به دنبال مطالبی در زمینه کشاورزی و باغداری جدید هستند. آنها بیشتر به بهداشت و پیشگیری از بیماری‌ها، زندگی ائمه اطهار، اخبار کشاورزی و مسائل روستایی و مطالب مذهبی مثل اصول و احکام علاقمند هستند و کمتر به بخش مسابقه و جدول و یا مطالب مربوط به شهرها توجه می‌کنند. در این مقاله، اولویت‌های مورد نظر روستاییان در ۱۷ مقوله تنظیم شده است، این اولویت‌ها را می‌توان در مطبوعاتی مورد استفاده قرار داد که مایل‌اند برای روستاییان کشور مطالبی را ارائه کنند.

یادداشت‌ها

۱. McClelland

۲. Schramm

۳. Daniel Lerner

۴. Frey

۵- در سال‌های اخیر تعدادی پایان‌نامه تحصیلی در زمینه استفاده روستاییان از رسانه‌ها و مطبوعات نگاشته شده، ولی ارتباط آن با توسعه روستایی بررسی نشده است.

۶. purposive

۷- Judgemental : کرلینجر در تعریف این نمونه‌گیری می‌نویسد: نمونه‌گیری قضاوتی که با قضاوت پژوهشگر انجام می‌شود، تلاشی است آگاهانه برای دستیابی به نمونه‌ای که احتمالاً با در برگرفتن نواحی و یا گروه‌های نوع عام، نمایانگر جامعه آماری باشد (Kerlinger, ۱۹۷۳: ۱۲۹).

منابع

- راجرز، اورت، ام. و شومیکر، فلویید اف. (۱۳۶۹)، *رسانش نوآوری‌ها، رهیافتی میان فرهنگی*. ترجمه عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنایی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- رشیدپور، ابراهیم (۱۳۴۸)، *ارتباط جمعی و رشد ملی*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۴)، *تاریخ جراید و مجلات ایران*. جلد ۴، اصفهان: کمال.
- گلدتورپ، جی، ای (۱۳۷۰)، *جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم، نابرابری و توسعه*. ترجمه جواد طهوریان، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۷۴)، *ارتباط جمعی و توسعه روستایی*. تهران: جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۹)، *ارتباط شناسی*. تهران: سروش.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۴)، *سالنامه آماری کشور*. تهران.
- معتدناژاد، کاظم (۱۳۷۰)، «جهان سوم در برابر سلطه ارتباطی و اطلاعاتی غرب». *رسانه*. شماره ۵، بهار.
- مولانا، حمید (۱۳۷۱)، *گذر از نوگرایی*. ترجمه یونس شکرخواه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هنسون، جریس و نارولا، اوما (۱۳۷۳)، *تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در کشورهای در حال توسعه*. ترجمه داود حیدری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- Burnner, Ronald D. and Brewer, Garry D. (۱۹۷۱), *Organized Complexity: Empirical Theories of Political Development*. New York: The Free Press.
- Dube, S.C. (۱۹۷۶), "Development, change and communication in India". in: W. Schramm and D. Lerner (eds), *Communication and Change, The Last Ten Years and The Next*. Honolulu: The University Press Of Hawaii.
- Feliciano, Gloria D. (۱۹۷۶), "Communication and development in South - East Asia, ۱۹۶۴-۱۹۷۴". in: W. Schramm and D. Lerner (eds) *Communication and Change, The last Ten Years and The Next*. Honolulu: The University Press of Hawaii.

- Frey, Fredrick W (۱۹۷۱), "Development aspects of administration", in: Leagans and Loomis (eds), *Behavioural Change in Agriculture*. New York: Cornell University Press, Ithaca .
- Inkeles, Alex and Smith, David H. (۱۹۷۴), *Becoming Modern*, London: Educational Books Ltd.
- Kerlinger, Fred N. (۱۹۷۳), *Foundations of the Behavioral Statistics*. New York: Rinehart & Winstone Inc.
- Lerner, Daniel (۱۹۶۴), *The Passing of Traditional Society: Modernizing The Middle East*. New York: The Free Press.
- McClelland, David C. (۱۹۶۱) *The Achieving Society*. New York: Van Nostrand .
- Oshima, Harry T. (۱۹۷۶), "Development and mass communication, the last examination". in: W. Schramm and D. Lerner (eds), *Communication and Change in the Developing Countries*. Honolulu: The University Press of Hawaii..
- Schramm, Wilbur and Ruggels , Lee W. (۱۹۷۲), "How mass media systems grow". in: W. Schramm and D. Lerner (eds), *Communication and Change in The Developing Countries*. Honolulu: The University Press of Hawaii .



بررسی کتاب



جوانان روستایی و کشاورزی، نویسنده: فتح‌اله آقاسی‌زاده، کرج: وزارت
جهاد کشاورزی، سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، معاونت
آموزش و تجهیز نیروی انسانی. ۱۳۸۴، ۲۵۰ ص.

کشاورزی نقشی مؤثر و برجسته در مبادلات اقتصادی کشور داراست. حدود ۴۰ میلیون تن از تولیدات کشاورزی برای اینکه از مناطق تولید به نواحی مصرف برسد، مستلزم فعالیت‌های گوناگونی است، از جمله فعالیت‌های وسیع خریداران دوره‌گرد، کسبه محلی و تاجران خرد، واسطه‌های معاملات و تجار بزرگ بازارهای محلی و کشوری. این امر بخش عظیمی از نیروهای مولد و خلاق جامعه (از جمله جوانان) را درگیر این فرآیند تولیدی کرده است.

کتاب «جوانان روستایی و کشاورزی» حاصل پژوهشی دانشگاهی است که نویسنده، به سفارش معاونت ترویج وزارت جهاد کشاورزی انجام داده و به عنوان اثر برگزیده در دومین جشنواره روستا معرفی گردیده و موفق به اخذ رتبه اول شده است.

موضوعات محوری کتاب شناسایی شیوه‌های ارتباطی جوانان، شناخت گرایش‌های شغلی آنان، درک علل و عوامل مؤثر بر انتخاب شغلی آنها، شناخت جایگاه شغلی کشاورزی در میان گرایش‌های جوانان روستایی و نحوه نگرش جوانان به کشاورزی است. این تحقیق در دو بخش توصیفی و تحلیلی تنظیم شده است:

در بخش توصیفی مؤلف علایق شغلی و علل و عوامل مؤثر بر آن، علل عدم گرایش احتمالی به کشاورزی، و میزان علاقه‌مندی جوانان به حضور در کلاس‌های آموزشی ترویج را توصیف کرده است.

در بخش تحلیلی به تحلیل عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش جوانان نسبت به کشاورزی (فرضیات) پرداخته شده است. در این بخش ارتباط سن، شغل پدر، سواد پدر، میزان زمین کشاورزی پدر، روستای محل سکونت، وضعیت درسی پاسخگویان

تحصیل کرده (به عنوان متغیرهای مستقل) و نگرش به کشاورزی (به عنوان متغیر وابسته) مورد توجه قرار گرفته است. در ابتدای این بخش، ضمن اشاره به اهمیت و جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد کشور، ضرورت ارتباط بین مقوله کشاورزی و جوانان روستایی در جهت حل مشکلات توسعه انسانی در بخش کشاورزی، مورد تأکید قرار گرفته است. اهداف و ضرورت تحقیق، طرح سؤالات ویژه تحقیق، فرضیات تحقیق و شناخت دقیق منطقه پژوهشی به تفصیل در بخش‌های مختلف این قسمت گنجانده شده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین نمره نگرش افراد و سن افراد، تعداد خواهران و برادران، روستای محل سکونت، شغل پدر، شغل مادر، سواد پدر، سواد مادر و مقدار زمین کشاورزی پدر ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

مؤلف در موارد فوق توضیحات ذیل را برای تبیین رابطه بین متغیرها و موضوع مطرح شده لازم می‌داند:

- با توجه به بررسی‌های بیشتر در این پژوهش، مشخص شده است که بین پدران و مادران بی‌سواد و باسواد و نگرش فرزندان ارتباط معنی‌داری حاصل نشده است. با وجود چنین ساختاری در جوامع روستایی مشابه، نمی‌توان به تأثیر والدین در نگرش فرزندان امیدوار بود. همچنین می‌توان پذیرفت که سطح سواد در حد خواندن و نوشتن و سوادهای سطح پایین اهمیتی در تغییر نگرش‌ها ندارند و به شکل خاص، این بی‌اهمیتی در مورد نگرش نسبت به کشاورزی تأیید شده است.

- روستاهای موجود در این پژوهش اختصاصات و ویژگی‌هایی انحصاری نداشته‌اند تا این وجوه ممیزه در نگرش افراد آن روستاها تأثیر خاصی بگذارد. بنابراین می‌توان گفت که درمورد نگرش نسبت به کشاورزی، نوع روستای افراد موجب ایجاد نگرش خاصی نشده است و از این جهت افراد با هم

تفاوتی ندارند. تشابه شاخص‌ها و شیوه‌ها در این روستاها احتمالاً دلیل حصول این نتیجه بوده است.

- در مورد عدم تأثیر شغل پدر در نوع نگرش افراد، به نظر می‌رسد بر اساس اطلاعات به دست آمده از بخش توصیفی، نتیجه منطقی باشد؛ در نمونه مورد پژوهش ملاحظه می‌شود که تنها ۱۶ نفر از پدران (معادل ۱۲ درصد کل پدران پاسخگویان) به شغل غیر کشاورزی اشتغال دارند و در مجموع ۱۰۴ نفر از پدران به کشاورزی اشتغال داشته‌اند.
- در این پژوهش پدران غیرکشاورز نیز آن‌چنان تنوع شغلی ندارند تا شغل آنان منشاء تغییری برای نگرش فرزندان‌شان بشود. از طرفی غالباً پدران روستایی با کشاورزی ارتباط دارند و اگر شغلی غیر از کشاورزی هم داشته باشند جزء مشاغل روستایی خواهد بود؛ بنابراین نهایتاً نوع شغل پدران از نظر کشاورزی یا غیرکشاورزی چندان تفاوتی ندارد که منشاء تحولات خاص ذهنی فرزندان باشد.
- همین تفاسیر را می‌توان در مورد ارتباط نمره نگرش و شغل مادر و سواد مادر نیز عنوان کرد. در مورد سواد مادر همانند عدم تأثیر سواد پدر می‌توان به دامنه تجانس گروه‌های باسواد اشاره نمود که نهایتاً نمی‌توانند منطقاً و عقلاً تحول ذهنی بیافرینند. اما در مورد شغل مادران: ۹۹/۲ درصد آنان خانه‌دار و تنها ۱ نفر شاغل بوده است. بنابراین، این آمار قابلیت لازم را برای بررسی تأثیر شغل مادر بر روی نمره نگرش افراد ندارد.

خلاصه کلام آنکه بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان اظهار کرد که در جوامع روستایی مشابه جامعه این تحقیق و با شرایط مشابه نمونه‌های این تحقیق نمی‌توان نگرش افراد را نسبت به کشاورزی بر حسب وضعیت پدران و مادران خانواده و نوع روستاهایشان پیش‌بینی کرد.

یکی از مهم‌ترین نتایج به دست آمده از این تحقیق آن است که ۸۶/۴ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند که به کشاورزی (مشاغل کشاورزی) گرایش ندارند.

رتبه‌بندی علل عدم گرایش پاسخگویان به کشاورزی بر اساس امتیاز و نمرات استخراج شده بر مبنای اولویت‌ها نشان می‌دهد که عوامل مؤثر به ترتیب رتبه عبارت‌اند از: سختی کار کشاورزی، آینده شغلی نامناسب، پایین بودن درآمد، نداشتن امکانات لازم برای کشاورزی، نبود امکانات در روستا، عدم توجه جامعه به کشاورزی، بی‌توجهی سیاست‌گذاران و دولت به کشاورزی، و بی‌علاقگی خود پاسخگویان.

توزیع نظرات برحسب فراوانی و درصد کل بیانگر این است که ۸۱/۲ درصد از پاسخگویان سختی کار کشاورزی و ۷۸/۸ درصد آینده شغلی نامناسب را به عنوان علل عدم گرایش خود معرفی کرده‌اند (بیشترین فراوانی). کمترین فراوانی به عامل «عدم توجه سیاست‌گذاران و دولت به کشاورزی» با ۷۳/۴ درصد نسبت داده شده است.

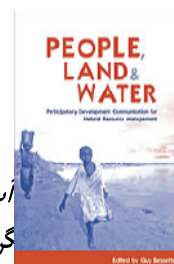
کتاب «جوانان روستایی و کشاورزی» به صورتی روشمند تدوین شده و فصل‌های آن دربرگیرنده مسائل اساسی در زمینه «روستا، کشاورزی، اشتغال و نوجوانان» است. مطالعه این کتاب را به کلیه برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و محققان کشاورزی توصیه می‌کنیم.

دکتر علی شاه‌شجاعی

* * *

*People, Land and Water: Participatory Development
Communication for Natural Resource Management/*
Edited by Guy Bessette, London: Earthscan, ۲۰۰۶, ۳۱۳ p.

آب: ارتباطات توسعه‌ای مشارکتی برای مدیریت منابع
گر: گای بیست، لندن: ارث‌اسکن، ۲۰۰۶، ۳۱۳ صفحه.



از ملزومات کاهش فقر رشد اقتصادی پایدار و حصول اطمینان از این موضوع است که فقرا از این فرآیند بهره‌مند خواهند شد. معنای امنیت غذایی تنها افزایش بهره‌وری نیست، بلکه فراهم کردن شرایطی است که فقرا بتوانند دسترسی مناسبی به غذا داشته باشند. ارتقای پایدار زیست محیطی دربردارنده اهداف چالش برانگیز زیر است:

- مبارزه با فرسایش خاک (به‌خصوص بیابان‌زدایی)
- توقف روند جنگل‌زدایی
- ارتقای مدیریت مناسب منابع آب از طریق برنامه‌های آبیاری و حمایت از تنوع زیستی

تمام این موارد تنها با مشارکت فعال تمام خانوارها و جوامعی که برای تأمین معیشت خود فعال هستند، دولت، سازمان‌های غیر دولتی، پروژه‌های توسعه، رسانه‌های روستایی، گروه‌های تحقیقاتی و سازمان‌های اجتماعی، مقامات ملی و محلی و سیاست‌گذاران امکان‌پذیر می‌شود. به همین دلیل در دو دهه اخیر تلاش‌های گسترده‌ای انجام شده تا مشارکت تمامی ذی‌نفعان در فرآیند توسعه افزایش یابد و برای دستیابی به این هدف مهم الگوهای متفاوتی طراحی شده است که یکی از آنها ارتباطات توسعه‌ای مشارکتی^(۱) (اتم) است. «اتم» در خانواده رهیافت‌های مشارکتی قرار می‌گیرد و از آنجا که ارتباطات مؤلفه بسیار مهمی در رهیافت‌های مشارکتی است تأکید خاصی بر ارتباطات دارد. «اتم» تلاشی برای توانمندسازی جامعه محلی است و این امکان را فراهم می‌آورد که تا حد ممکن جامعه محلی و ذی‌ربطان متفاوت در فعالیتهای مرتبط با مدیریت منابع طبیعی درگیر شوند.

این مسئله موضوع اصلی کتاب «مردم، زمین و آب: ارتباطات توسعه‌ای مشارکتی برای مدیریت منابع طبیعی» است. کتاب در ۶ بخش تنظیم شده که عبارت‌اند از: معرفی موضوع، دیدگاه‌های منطقه‌ای، ارتباطات توسعه‌ای مشارکتی، رهیافت‌های مشارکتی و ابزارهای ارتباطی، یادگیری مشترک و گروهی برای مدیریت منابع طبیعی، و نتیجه‌گیری. هر بخش شامل زیربخش‌هایی است، به‌طوری که در بخش‌های اول و دوم تعاریفی از

«اتم» در زمینه کشورهای آسیایی و آفریقایی مطرح شده است و از بخش‌های ۳ به بعد تجربیات عملی موجود در کشورهای نظیر لبنان، اندونزی، ویتنام، کامبوج، مالاوی، اوگاندا، مالی، مصر، و بورکینافاسو ارائه شده است.

در گذشته توجه چندانی به ارتباطات نمی‌شد اما در حال حاضر ارتباطات یکی از عناصر کلیدی در فعالیتهای مرتبط با توسعه جامعه محلی است. ارتباطات توسعه‌ای مشارکتی کاربرد نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده منابع، رهیافت‌ها و راهبردها برای حمایت از اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. میان ارتباطات به مثابه یک فرآیند و ارتباطات به مثابه یک رسانه تفاوت‌هایی وجود دارد. در مفهوم اول آن منظور تبادل انواع متفاوتی از اطلاعات در درون یک جامعه یا گروه اجتماعی است و به همین دلیل ارتباطات را مبنای اساسی تمام فرآیندهای اجتماعی محسوب می‌کنند. در مفهوم دیگر ارتباطات از طریق رسانه‌های جمعی یا اجتماعی انجام می‌شود و شامل تمام روش‌های فردی و مکانیکی است که از طریق آن اطلاعات میان افراد یک گروه اجتماعی جریان می‌یابد. چه در مفهوم رسانه‌ای و چه در مفهوم فرآیند، ارتباطات می‌تواند به نحو آگاهانه و مؤثر برای توسعه به کار گرفته شود. ارتباطات توسعه‌ای فرآیند تبادل اطلاعات چند سطحی در درون یک جامعه است که هدف آن پیشرفت و توسعه انسانی است که توسط رسانه‌های منتخب هدایت می‌شود.

بخش‌هایی از کتاب که به بیان تجارب میدانی پرداخته، حاوی درس‌های ارزشمندی است. تمامی موارد عنوان شده ریشه در موضوعات مربوط به مدیریت منابع طبیعی دارند و منابع طبیعی از موضوعات بسیار حساس در همه جوامع است؛ نکات مشترکی که از آنها می‌توان دریافت شامل موارد زیر می‌شود: اعضای جامعه محلی باید در مشکلات، بیان نیازها و یافتن راه‌حل‌ها نقش اساسی داشته باشند و تسهیلگران شناسایی با استفاده از ابزارهای ارتباطی متفاوت باید جامعه محلی را در این فرآیند یاری کنند. در حقیقت در این فرآیند تسهیلگران نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند.

دانش بومی از اهمیت خاصی برخوردار است و توجه به آن می‌تواند درس‌های ارزشمندی برای پژوهشگران داشته باشد. تغییر نگرش در میان ذی‌نفعان اهمیت بسیار زیادی دارد و این تغییر نگرش نیاز به آموزش دارد، آموزش‌هایی که در آن نیازهای مشارکت‌کنندگان در نظر گرفته شود، به گونه‌ای که آنان مشارکت را فرآیندی ببینند که در آن تمامی مشارکت‌کنندگان بتوانند مشکلات خود را ابراز کنند و به آنها کمک شود تا بر این مشکلات غلبه کنند. مشارکت و استفاده از روش‌های مشارکتی زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که گروه‌هایی از جامعه که از مواهب توسعه محروم مانده‌اند در این فعالیت‌ها سهیم شوند. ظرفیت‌سازی و توانمندسازی نیز از مسائل بسیار مهم در این فرآیند محسوب می‌شود. آنچه در این فرآیند باید مدنظر داشت آن است که جامعه محلی از گروه‌های متفاوتی با منافع متفاوت تشکیل شده و ممکن است این منافع در تضاد با یکدیگر باشد. هر فعالیتی با یک طرح و پیشنهاد آغاز می‌شود؛ مدت‌ها این کار را محققان به تنهایی انجام می‌دادند، اما در سال‌های اخیر این نگرش تغییر یافته و مستلزم مداخله تمام ذی‌نفعان است.

چند مورد از تجربیات میدانی در زمینه تضادهایی بوده که جوامع در حال تغییر با آن مواجه هستند، آن هم در شرایطی که سرعت تغییرات بسیار بالاست و ساختارهای سنتی، نظام‌های مدیریت منابع و ابزار ارتباطی کافی نیستند. در اغلب این موارد تغییرات باعث تضاد منافع می‌شود. حل این تضاد و ایجاد ساختار جدید نیازمند روش‌ها و ابزارهای جدیدی است که ارتباطات میان گروه‌ها و افراد را تسهیل کند. به عنوان مثال تشکیل شبکه استفاده‌کنندگان محلی می‌تواند ذی‌نفعان را گرد هم آورد و کارکرد مؤثری در حل اختلافات داشته باشد. این شبکه می‌تواند فرصتی ایجاد کند که ذی‌نفعان مختلف به ارزیابی و توسعه فهم مشترکی از نیازهای تحقیقاتی و توسعه‌ای برسند و راه‌حل‌های ممکن را بیابند. بنابراین یک شبکه محلی استفاده‌کنندگان دارای کارکردهای مهمی مانند ارتقای مشارکت، ارتباطات و ظرفیت‌سازی است.

ابزارهای متفاوتی برای برقراری ارتباط به کار گرفته می‌شود، نظیر تشکیل جلسات متعدد برای ذی‌نفعان، تهیه مستند ویدیویی، تهیه خبرنامه، وب‌سایت، برگزاری کارگاه آموزشی، برگزاری تئاتر و برنامه‌های رادیویی در مورد موضوعات متفاوت در سه حوزه توسعه جامعه محلی و مدیریت منابع طبیعی. نکته مهم آن است که مشارکت مردم در تعیین نیازها و مشکلات و یافتن راه‌حل‌ها باید برای آنها نتایج ملموس داشته باشد و در معیشت آنها تأثیرگذار باشد، در غیر این صورت، آنان تمایل به مشارکت را از دست خواهند داد. تجارب کتاب نشان می‌دهد وقتی مردم درگیر می‌شوند و ارتباطات دوسویه می‌شود، مدیریت منابع طبیعی به شکل کارآتر و مؤثرتری انجام خواهد شد. وقتی مردم مشارکت فعال داشته باشند نسبت به پروژه احساس تعلق و مالکیت می‌کنند و فضایی برای احترام و اعتماد متقابل ایجاد می‌شود.

جامعه محلی با محیط پیرامون خود هماهنگی دارد، به آن احترام می‌گذارد و نسبت به آن احساس مالکیت دارد. بنابراین بهتر آن است که بیرونی‌ها و دولتی‌ها به این مسئله توجه کنند و هرگونه مدیریت منابع طبیعی را با نظر و مشورت جامعه محلی انجام دهند. تنها در شرایطی مدیریت منابع طبیعی می‌تواند مناسب و پایدار باشد که جامعه محلی نقش فعالی در آن داشته باشد. حتی اگر قرار باشد محرومیت‌هایی برای جامعه محلی در نظر گرفته شود، باید به این نکته توجه داشت که به دلیل وابستگی شدید جامعه محلی به منابع طبیعی برای بقا و معیشت باید پاداش‌هایی متناسب در مقابل این محرومیت‌ها در نظر گرفته شود. مدیریت پایدار منابع طبیعی تنها در شرایطی امکان‌پذیر است که جامعه محلی با آن هم‌نوا باشد و وضع و تحمیل قوانین بالا به پایین سودی در برنخواهد داشت. تقویت تعاملات و گفتگوها میان دولت و مردم از جمله عواملی است که مدیریت پایدار منابع طبیعی را امکان‌پذیر می‌سازد.

در بعضی جوامع آفریقایی و آسیایی به دلایل مختلفی نظیر هنجارهای اجتماعی، فرهنگی و آموزشی زنان در انظار عمومی کمتر صحبت می‌کنند. این در شرایطی است که آنها ۵۳ درصد از کل جامعه را تشکیل می‌دهند و این نسبت در مناطق روستایی

برابر با ۹۰ درصد است. زنان نقش بسیار مهمی در مدیریت پایدار منابع طبیعی دارند، به همین دلیل لازم است که در برنامه‌ریزی مشارکتی به آنها اهمیت خاصی داده شود و تمهیداتی فراهم شود که در برنامه‌ریزی‌ها دخیل شوند.

یکی از انتقادات اساسی که به «اتم» وارد می‌شود پرهزینه بودن و وقت‌گیر بودن آن است، اما تجارب موجود در کتاب نشان می‌دهد که منافع به دست آمده اغلب بیش از هزینه‌هاست. در یکی از تجارب کتاب تلاش شده است تا با توانمندسازی و آموزش کشاورزان، از خود آنها برای ترویج فناوری‌های جدید استفاده شود. این نوع ترویج کشاورز به کشاورز مطلوبیت بیشتری برای مخاطبان دارد زیرا ارتباط و دسترسی بیشتری وجود دارد و کشاورزان درک بهتری از مشکلات یکدیگر دارند، و در هزینه‌ها نیز صرفه‌جویی قابل توجهی انجام می‌شود، زیرا مروج بیرونی تنها می‌تواند با تعداد اندکی از روستاییان ارتباط برقرار کند.

تجارب کتاب نشان می‌دهد که باید به تنوع در جوامع محلی توجه خاص داشت، به عنوان مثال نمی‌توان به زنان به عنوان گروه واحدی نگاه کرد که دارای مشکلات و نیازهای یکسان هستند. تنگنایی که زنان به لحاظ مسائل کشاورزی - بوم‌شناسی با آن مواجه هستند بسیار متفاوت است و از منطقه‌ای به منطقه دیگر فرق می‌کند.

نکته ظریفی که در کتاب به آن اشاره شده آن است که تنها در شرایطی ارتباطات می‌تواند افقی باشد که ابزار ارتباطی تنها در دست متخصصان و حرفه‌ای‌ها باقی نماند و در فرآیند «اتم» کشاورزان باید آن‌گونه توانمند شوند که بتوانند ابزار ارتباطی خاص خود را ایجاد کنند، به این معنا که خود به ارزیابی نیازهای ارتباطی پردازد، اهداف و فعالیت‌هایی را که برای رسیدن به این اهداف ضروری است تعیین و تولید کنند و حتی شاخص‌هایی تعیین نمایند که بتوانند با آنها به ارزیابی میزان موفقیت خود پردازند.

از نکات جالب توجه این کتاب آن است که تمامی نویسندگان تلاش کرده‌اند تا چالش‌هایی را که در این فرآیند با آن مواجه بوده‌اند بیان کنند. در جمع‌بندی نظرات آنها می‌توان به این نتیجه رسید که «اتم» راه‌حلی برای تمام مشکلات نیست، بلکه خود نیز

دارای محدودیت‌هایی است. استفاده‌کنندگان از این رهیافت باید از پیچیدگی‌های آن آگاه و براین نکته واقف باشند که این رهیافت نیازمند زمان، تمرین و حوصله فراوان است و باید از شکست‌ها آموخت. یکی از چالش‌ها آن است که چگونه می‌توان مردم را به نحو فعال و مؤثری درگیر کرد. چالش دیگر چگونگی نهادینه کردن این رهیافت است. علاوه بر این گسترش مقیاس^(۲) و ارتقای مقیاس^(۳) فعالیت نیز اهمیت خاصی در حقیقت چگونه می‌توان دانش و تجربه‌ای را که تاکنون حاصل شده با دیگران دارد. سهیم شد، به‌طوری‌که هزینه - کاراً^(۴) و پایدار باشد.

مقالات این کتاب را گای بیست جمع‌آوری کرده که از پژوهشگران مرکز تحقیقات توسعه بین‌الملل کاناداست و در حوزه محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی تخصص دارد. او دارای درجه دکترا در فناوری آموزشی است. ناشر کتاب انتشارات ارث‌اسکن^(۵) است که از مهم‌ترین ناشران در زمینه مدیریت منابع طبیعی و روش‌های مشارکتی است. علاقه‌مندان برای دریافت متن کامل کتاب می‌توانند به سایت زیر مراجعه کنند:

<http://www.idrc.ca/openbooks/۲۲۴-۱/>

میترا معظمی

* * *

یادداشت‌ها

۱. participatory development communication
۲. out scale
۳. up scale
۴. cost-effective
۵. Earthscan
